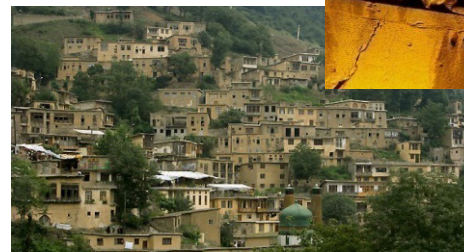


اشتباهات و غفلتها، فرصت های سوخته

و

امیدهای پیش رو



کمیسیون اقتصاد کلان - اتاق ایران

تاریخ ارائه : ۱۳۹۱/۷/۳۰

تاریخ انتشار مکتوب : ۱۳۹۲/۲/۳۱



فهرست مطالب

شماره صفحه

۵	آغاز سخن
۶	مقدمه
۱۱	۱- فصل اول: اشتباهات و غفلت ها
۱۲	۱-۱- بخش اول : اشتباهات
۱۳	۱-۱-۱- غفلت از انظراهای قانون اساسی
۱۶	۱-۱-۲- عدم توجه به تجارب گذشته و هزینه های مترتب بر کشور
۶۳	۱-۱-۳- منابعی که مورد غفلت قرار می گیرند
۷۱	۱-۲- بخش دوم : غفلت ها
۷۲	۱-۲-۱- عدم به کارگیری علم، نقشه جامع و ناکارآمد نمودن سرمایه گذاری ها
۹۳	۱-۲-۲- عدم پایداری بر تولید محوری و برنامه ها و مبهم ماندن دلیل های آن
۱۰۷	۱-۲-۳- واردات و نامناسب نگهداشتن نرخ ارز، در قالب ساده ترین راههای حل مشکلات و خروج منابع حیاتی کشور
۱۳۵	۱-۲-۴- هدفمندی یارانه ها و فرصتی شایسته که در ابهام قرار گرفت
۱۴۳	۲- فصل دوم : فرصت های سوخته
۱۶۷	۲-۱- درک صادقانه و واقع گرایانه از کمبود دانش ها و ضعف ها و تشخیص صحیح و بدون مبالغه در جایگاه بین المللی
۱۷۴	۲-۲- برنامه و راهبرد
۱۸۱	۲-۳- نگرش مبتنی بر علم و دوراندیشانه ، برای فن آوری و تولید فن آورانه
۱۹۱	۲-۴- آموزش برای توسعه نه آموزش برای آموزش
۱۹۵	۲-۵- نگرش دوراندیشانه برتری دادن به بازده تولید بر بازده واسطه گری های مالی
۲۰۰	۲-۶- ظرفیت سازی و اندازه اقتصادی بنگاه ها
۲۰۵	۲-۷- مزیت سازی، نه تکیه بر مزیت نسبی
۲۱۲	۲-۸- توسعه و پیشرفت
۲۲۶	۳- فصل سوم: امیدهای پیش رو



علی عَلَیْهِ السَّلَام:

قَدْ بُصِّرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ ، وَ قَدْ هُدِيتُمْ إِنْ
أَهْتَدَيْتُمْ ، وَ أَسْمِعْتُمْ إِنْ أَسْتَمَعْتُمْ .

اگر دیدگانتان را بگشایید می بینید، و اگر راه پذیر باشید راه
نشان داده شده است، و اگر گوشهاتان را باز کنید پیامها را
خواهید شنید.

(نهج البلاغه پارسى، سيد جمال الدين دين پرور، نشر بنياد نهج البلاغه، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، صفحه ۵۳۹، حکمت ۱۴۹)



"حتی در همان تهدیدهایی که مستقیماً از طرف دشمن هست، اگر ما ضربه خوردیم، تقصیر خود ماست، کوتاهی‌های خود ماست. ..."



آغاز سخن

- چرا کشورمان علیرغم دستاوردهای اش در رشد اقتصادی به **توسعه اقتصادی** دست نیافته است؟
- چرا در کشورمان علیرغم در اختیار داشتن منابع طبیعی خدادادی و تجدید ناپذیر، قادر به تأمین شرایط پایدار اقتصادی نگردیده‌ایم؟ و هر چند گاهی هم با تلاطم جدید روبرو می‌گردیم؟
- چرا برخی از جوامع پیش رفته، و برخی دیگر عقب مانده‌اند؟
- چرا برخی از جوامع توانائی توسعه و به دنبال آن، رشد روزافزون دارند و تعدادی، اینگونه نیستند؟
- آیا عواملی که مانع تحقق توسعه در برخی از کشورها شده‌اند، حاصل شرایط درونی این کشورها است؟
- آیا توسعه نیافتگی برخی کشورها، پیامد **اعمال نفوذ** نیروهای خارجی است؟

یقیناً این سئوالات بارها ذهن نخبگان، اندیشمندان، دلسوزان و مجریان اجرائی کشورمان را در نور دیده و هرکس به قدر بضاعت، دانش، فهم، تجربه و وسع اندیشه خود، سعی در ارائه پاسخهایی نموده است.

کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران در امتداد گزارش ارائه شده مورخ ۱۳۹۱/۲/۳۱، به اندازه توانائی خود در جهت روشن نمودن **تنها وجوهی محدود** از چند پرسش اصلی، چالشها و محدودیتهائی که توسعه اقتصادی کشورمان با آن مواجه می‌باشد می‌پردازد و **هدف خود را تنها باز نمودن** دریچه‌ای دیگر برای بحث و **حصول به یک اجماع احتمالی** می‌داند و بس. درانتها راهکار اولیه‌ای که در گزارش قبلی و مبتنی بر تجارب مدیران اجرائی قبل از انقلاب و مشاوران خارجی و اقتصاددان کشور ارائه گردید را مجدداً مطرح و آن را نقطه‌ای جهت شروع نگرش و تأمل در **رویه‌ای متفاوت**، برای دستیابی به توسعه فرض نموده، و در معرض نقد قرار می‌دهد.

مقدمه :

ایران پنج برنامه عمرانی قبل از انقلاب و پنج برنامه توسعه پس از انقلاب را به اجرا گذاشته است. در این برنامه‌ها طیف گسترده‌ای از اهداف **کیفی**، **آمالهای** بلند پروازانه انسانی و **بیانیه‌های** اعتقادی و آرمان‌گرایانه درج گردیده‌اند حال آنکه این برنامه‌ها در ذات خود **فاقد** نقشه راه بلند مدت، میان مدت و در تناسب با خواسته‌های **نامحدود** و تخصیص منابع **محدود** اقتصاد ملی بوده‌اند. این موارد، در کنار نداشتن راهبرد منسجم متعهدانه و متعین توسعه و **غیر واقعی بودن اهداف**، پیش‌بینی‌ها و نهایتاً **اعمال نفوذ اشخاص**، حال به سبب قومی‌گرایی و یا هر دلیل دیگر که مسبب آن گردیده‌اند و اکثراً تحت نامهای توسعه، نتواند از هدفمندی کاملی در اهداف برخوردار گردد و تعهدپذیر باشد.

شرایط امروز کشور، پس از طی قریب ۶۰ سال از شروع برنامه‌ریزی، نشان می‌دهد که علی‌رغم این همه تلاش و سرمایه‌گذاری و کسب **توفیقات نسبی** با صرف هزینه‌های سنگین و با استفاده از منابع سهل الوصول خدادادی و تجدیدنپذیر، هنوز هم نمی‌توانیم با **مفهوم واقعی** منطبق بر علم و واقعیت و آنچه در عُرَف جهانی رایج است، خود را کشوری **توسعه‌یافته** بدانیم و مجموعه‌ای از نارسائی‌ها، نقصان‌ها و مشکلات کماکان گریبانگیر جامعه و اقتصاد کشورمان است. وابستگی شدید و روز افزون به **درآمدهای نفتی و خام‌فروشی** مواد معدنی، تورم مزمن و اکنون همراه با رکود، نرخ بیکاری بالا^(۱)، عقب افتادگی‌های فن‌آورانه (تکنولوژیک)، فقر و نابرابری^(۲) قابل توجه، خارج از حد متعارف شدن جرم^(۳)، نا کارآمدی نهادهای اقتصادی و اجتماعی، رشد **کاملاً ناپایدار** و اندک و به شدت متغیر اقتصادی و بسیاری از مشکلات اصلی و فرعی دیگر از جمله نارسائی‌ها است.

با وجود گذشت بیش از ۸۰ سال از تشکیل دولتهائی با شاکله جدید در کشورمان، جداول و نمودارهایی که در ادامه این گزارش و همچنین گزارش قبلی ارائه شده است، واقعیات تکانه‌دهنده‌ای را در مورد میزان رشد اقتصادی کشورمان در مقایسه با برخی از کشورها، حتی آن دسته از کشورهایی که **دیرتر از کشورمان** به برنامه‌ریزی اقدام نمودند، نشان می‌دهد و انتظار می‌رود تمام مخاطبان را به

۱- محمد حسین فروزان مهر ، معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی ، خبرگزاری مهر ، کد خبر ۱۲۳۹۰۵۷ ، مورخ ۱۳۸۹/۴/۱۱

۲- دکتر عادل آذر ، رئیس مرکز آمار ایران ، روزنامه دنیای اقتصاد، کد خبر ۲۰۸۹۵۰ ، مورخ ۱۳۸۹/۳/۸

۳- محمد باقر ذوالقدر ، معاونت حفاظت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم ، قوه قضائیه ، سایت خبری تابناک ، کد خبر ۱۷۸۱۰۰ ، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۹

تأمل جدی در مورد موانع توسعه و پیشرفت کشور و یافتن راهبردها و راهکارهای عملی برای فائق آمدن بر این موانع وابدارد.

پرسش اصلی این گزارش نیز همین است که چرا در طی قریب ۶۰ سال گذشته، کشورهایی همچون کره جنوبی و مالزی و چین به **توسعه و رشد** و یا کشورهایی همچون برزیل و ترکیه توانسته اند به **رشد** دست یابند، و لیکن ایران نتوانسته است به این مهم یعنی **رشد مطمئن و پایدار** با کمترین انحراف در شاخصها دست یابد؟ در واقع چه عامل و یا عواملی و یا چه نحله فکری سبب چنین دستاوردهای ارزشمندی برای دیگران گردیده و برای کشورمان، چنین دستاوردهای ناکافی و ناپایدار حاصل شده است؟ آیا دیگر امیدی برای فائق آمدن بر محدودیتهای وجود ندارد؟

اگر این پرسشها بجا و درست باشد - که هست - در این صورت وظیفه خواهیم داشت تمام تلاش خود را برای یافتن پاسخهای واقعی، درست و کاربردی این پرسشها به کار بندیم و بکوشیم تا بر موانع فراراه **توسعه واقعی** مستمر و پایدار اقتصادی و اجتماعی غلبه کنیم. جداول و نمودارهای فراهم شده در گزارشهای این کمیسیون با این هدف ارائه شده اند که با تحلیل آنها و تأمل در واقعیات، پذیرش اشتباهات و با اجماع بین الاذهانی، تجمیع دانشها، تجارب و یافتهها برای فائق آمدن بر کمبود دانشهای کاربردی به پاسخ این پرسشها نزدیک شویم.

از برخی از ابزارهای مؤثر برای فائق آمدن بر **فرصتهای سوخته و طلایی نیمه دوم قرن بیستم**، در راستای توسعه و پیشرفت مؤثر و مستدام کشور عزیزمان می توان به نکاتی چند به شرح ذیل اشاره ای داشت:

- پذیرش این واقعیت که ما تنها یکی از معماران اقتصاد جهانی و نه برترین آنها، می باشیم. با توجه به این حقیقت که سابقه کهن داشته و می توانیم مؤثر باشیم
- پرهیز از تحقیر سایر ملل شکل گرفته جهانی و باز نمودن دیدگان، و گوشها^(۴) و توجه و فراگیری از تجارب آنها
- شناخت و تبیین واقعی موانع و محدودیتها، برای حصول به راه حل هماهنگ، زیرا " آنجا که شناخت در میان باشد، اندیشه ها هماهنگ اند " (۵).
- پرهیز از اغراق و تعارف ها و تمایل به خوشایندترین راه حل ها، فارغ از اینکه خوشایند بودن و درستی راه حل همبستگی کافی با یکدیگر دارند یا نه^(۶). به عبارتی، واقعیات را بدون تعصب و مبتنی بر نظر کارشناسی علمی به تصویر کشیدن
- تفاهم مبتنی بر نیروی برهان و استدلال علمی و کاربردی و نه مبتنی بر مصلحت های کوتاه مدت که در این صورت توافق ها بسیار ناپایدار خواهد گردید.
- امکان گسترش مباحث علمی و کارشناسی از طریق رسانه ها و در معرض قضاوت قرار دادن مخاطبین، برای پالایش آنها.

اتاق ایران افتخار دارد که به دور از تفکرات جناحی، نظریات کارشناسی و مستند خود را به صورت **مکتوب** در قالب گزارشهایی همچون:

- ۱- نرخ ارز، افزایش ارزش پول ملی و پیامدهای اقتصادی آن (خرداد ۱۳۸۷)
- ۲- پیشنهادات برای تدوین برنامه پنجم توسعه کشور (مرداد ۱۳۸۷)
- ۳- تورم در ایران و پیامدهای آن بر تولید و اقتصاد (آذر ۱۳۸۷)
- ۴- اثر حذف یارانه ها بر هزینه های بخشهای مختلف اقتصاد ایران (بهمن ۱۳۸۷)
- ۵- پیامدهای بحران جهانی بر اقتصاد ایران (اسفند ۱۳۸۷)

۴- مولای متقیان، نهج البلاغه پاریسی، سید جمال الدین دین پرور، نشر بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، حکمت ۱۴۹، صفحه ۵۳۹

۵- زرتشت - گاتها، مجله چیستا، سال دوم، شماره ۹، اردیبهشت ۱۳۶۲

۶- تاس. اچ. مک لئود، برنامه ریزی در ایران، ترجمه علی اعظم محمد بیگی، نشر نی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۰، صفحه ۳۳

و در زمان مناسب خود به جامعه اقتصادی کشور و مسئولین ارائه داد و ضمن هشدارها، راهکارهای پیشنهادی در آن ذکر گردید. اکنون می توان قضاوت نمود که بسیاری از هشدارها اگر در زمان خود جدی گرفته می شد، به میزان قابل توجه ای پرهیز از مشکلات فعلی امکان پذیر می شد و یا تبعات منفی آن را بسیار تخفیف می دادیم. اقتصاد از آن جایی که با عامل انسانی درگیر می باشد، نمی تواند با قطعیت و دقت، همه نتایج را پیش بینی نماید، لیکن گزارشات فوق، قادر بود بخش قابل توجهی از تبعات گرفتار شده فعلی را تبیین کند و انظار دهد، که این مهم را انجام داد لیکن مورد عنایت قرار نگرفت. اکنون نیز می توان با پتانسیل های فراوانی که برای فائق آمدن بر موانع فعلی در کشورمان وجود دارد، قادمند شویم و بر محدودیتها غلبه نمائیم. " یکی از بارزترین مسائل برجسته تاریخ ایران این است که بارها مورد هجوم مهاجمین بیگانه قرار گرفته و بار دیگر سربلند از زیر ضربات این تهاجم ها به پا خواسته، توان یافته و دگر باره با نیروی حیات جدید، جان تازه ای گرفته است " (۷). که چنین باد.

روشن نمودن راه حل مشکلات اقتصادی چيستان گونه فعلی، کاری است مشارکتی که به نظر می رسد از عهده نخبگان منتخب ذینفعان جامعه برمی آید و به تنهایی از عهده دولتها و مجالس دائماً متغیر برنخواهد آمد. پس چه بهتر است که بقول سنائی:

" گوش سوی همه سخنها داریم آنچه زو به، درون جان بنگاریم "

در این گزارش و همچنین گزارش ۱۳۹۱/۲/۳۱، عموماً مقایسه با کشورهایی صورت پذیرفته که بعد از کشورمان به امر برنامه ریزی اقدام نموده اند، و هر کدام تبعیت از نحله های فکری متفاوت در امر توسعه نموده اند:

الف- نحله فکری اقتصاد آزاد با نگرش توسعه گرایانه و پیگیری رشد نامتوازن و سپس دستیابی به رشد متوازن

(کره جنوبی، مالزی و چین) و متعهد ماندن به برنامه ها

ب - نحله فکری اقتصاد آزاد با نگرش مبتنی بر رشد متوازن و جهت گیری بازار و تا حدودی بدون برنامه ریزی منسجم

(ترکیه و برزیل)

ج - نحله فکری اقتصاد آزاد و تا حدودی تبعیت از نیاز بازار و دارای برنامه توسعه و خواستار رشد متوازن و بدون ابقاء بر تعهد به برنامه های توسعه (ایران)

این کمیسیون از مقایسه شاخص ها با کشورهای توسعه یافته که بیش از چندین سده در علم و فن آوری و اقتصاد و آماده سازی اجتماعی تلاش و کوشش نموده اند، پرهیز نموده و معتقد است چنین مقایسه هایی علائم اشتباه را به جامعه و تصمیم سازان خواهد داد لذا تمرکز خود را در مصداقها، بر کشورهایی قرارداده که بعد از کشورمان برنامه های توسعه ای خود را شروع نموده اند. پس از نشر گزارش قبلی، برخی از مطالعه کنندگان در ارائه طریقه های ارزشمند خود یادآور گردیدند که توضیحات فیما بین صفحات بسیار کم بوده و مقصود از ارتباط صفحات برای آنان مشخص نمیگردیده. ضمن سپاس صمیمانه از آن بزرگواران، تلاش نمودیم که در این تجربه جدید توضیحات بیشتری ارائه گردد و امید که مقبول نظر استفاده کننده گان ارجمند قرار گیرد.

کمیسیون اقتصاد کلان **اعتقاد راسخ** دارد که پتانسیل ها و توانمندی های عظیم، ولیکن **نهفته** در اقتصاد ایران کاملاً قادر است ما را به پیشرفت و توسعه هدایت نماید و کلیه واقعیتهای ارائه شده نه از منظر نا امیدی بلکه در راستای **برکشیدن** توانمندی ها از **حفره های نهفته** شده می باشد و برای **بیان مقصود** خود از گفتار اندیشمند شهیر اقتصاد، داگلاس نورث (برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۳)، یاری میگیریم. " به هر حال در اینجا تصویری از **واقعیت** ارائه شده است و نه **نا امیدي**: اگر اعتقاد داشته باشیم یک تبیین منفرد علمی از گذشته امکانپذیر است خود را **فریب** داده ایم، اما اگر به سمت این هدف پیش نرویم علم اقتصاد متضرر خواهد شد " (۸).

امید است که مخاطبین این گزارشات، کمیسیون را از انتقادات و نظرات تکمیلی خود، در راستای تعالی فکری و اجرائی، بی بهره نگذارند.

با آرزوی سربلندی روزافزون ایران

کمیسیون اقتصاد کلان

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران



۱- فصل اول:

اشتباهات و غفلت ها

۱-۱- اشتباهات

- غفلت از انظارهای قانون اساسی
- عدم توجه به تجارب گذشته و هزینه های مترتب بر کشور
- منابعی که مورد غفلت قرار می گیرند



۱-۱-۱- غفلت از انظارهای قانون اساسی

تهیه‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنایت به آرمانهای انقلاب، یقیناً آگاه بودند که حصول به آنها با چه موانعی روبرو خواهد بود. از این رو برای پایداری کشور و مقاومت در برابر واکنش‌ها، اصولی مهم را در زمینه بخشهای اقتصادی که از ارکان مؤثر پایداری می‌باشند، تدبیر نمودند.

این تمهیدات عموماً در تبصره‌های اصل ۴۳ قانون اساسی به خوبی بیان گردیده، لیکن از آنجائیکه در زمانهای رونق درآمدهای حاصل از منابع سهل الوصول و مجانی خدادادی زیرزمینی عمدتاً **فراموشکار** می‌شویم، در زمان خود از این مواهب مندرج در این اصل غفلت نمودیم. اکنون نیز مواجه با نفرین منابع و **دام گسترده** آن می‌باشیم و در تار و پود مشکلات و موانع، سختی فراوانی را برای خروج از این دام و موانع تجربه می‌نمائیم. نگاهی مجدد به این اصول، آگاهی‌دهنده و راهگشا می‌باشد:

- بند ۶ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

" **منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.** "

- بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی

" **جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.** "

- بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی

" **تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.** "

"..... اگر نقاط منفی را ببینیم، ضعف های خودمان را شناسیم، یقیناً ضربه خواهیم خورد. نقاط ضعف ما، هم در زمینه اقتصادی است، هم در زمینه های فرهنگی است. ما خطاها داشتیم، ضعفها داشتیم، بر بعضی از چالشها نتوانستیم غلبه کنیم. این واقعیتی است....."



۲-۱-۱- عدم توجه به تجارب گذشته و هزینه های مترتب بر کشور

با پوزش از طولانی شدن این بخش، که مبنائی برای وجوهی مهم از مشکلات فعلی و مزمن شدن ریشه‌ای آنها در کشورمان میباشد

– تجارب جهانی و پیشینه تاریخی

بی‌شک شروع افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی کشورمان از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۴۹ شمسی) از عوامل مؤثر، در آغاز و تشدید عدم تعادلهای مزمین ساختاری اقتصاد ایران گردید. این انتقال ثروت **سهل و اتفاقی** از کشورهای پیشرفته، زمینه بروز توهم را فراهم و "درآمدهای نفتی اعتماد به نفس کاذبی ایجاد کرد" (۱).

این درآمد سهل و اتفاقی که، **حاصل راهبرد** توسعه و تولید کالائی فن‌آورانه **نبود**، فزونی مصرف‌گرایی نامناسب و غیر ضروری را باعث شده و به دنبال آن، پایه‌ای پدیدار شدن و **رشد ناهنجاریهای رفتاری و اجتماعی** در جامعه گردید. با شدت یافتن واردات، بخش خدماتی در کشور قوام و تفوق یافت که **نه بر پایه تولید** کالاهای داخلی، بلکه **مولود واردات** بوده و به دنبال خود، اقتصاد را مواجه با مشکلات فراوان نمود که هنوز هم ادامه دارد.

از آنجائی که این گزارش و گزارش ارائه شده کمیسیون در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۳۱ و همچنین گزارشهای مصدقی در دست انتشار، با زمینه **تجارب** سایر کشورها، در خصوص جویش چرائی توسعه آنهایی که دیرآمده‌تر از ما بوده‌اند و موانع عدم توسعه کشورمان در برخی از وجوه مهم، به این رویدادها و رفتارهای نهادینه شده و به ساختاری متأثر از آن باز می‌گردد، لذا تحلیل خلاصه شده تاریخی می‌تواند، تصویری روشن‌تر را، فرا روی ما قرار دهد تا قادر به دریافت نکات مشابه تجربه شده جهان و **عدم عبرت‌آموزی** چندباره از آنها و به دنبال آن، **ناکارآمدی منابع عظیم** صرف شده و **تصمیم‌سازیهایی غیر منطقی** را آگاه گردیده و باشد که زمینه را برای راه حل مشکلات واضح‌تر نماید.

– بیماری هلندی، تجربه‌ای که جهان با آن روبرو گردید

"در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، ذخایر عظیمی از گاز طبیعی در دریای شمال (محدوده متعلق به هلند) کشف شد که استخراج و صادرات آن درآمدهای ارزی هنگفتی نصیب کشور هلند نمود. تزریق این درآمدهای ارزی به اقتصاد هلند، پیامدهای غافلگیرکننده‌ای داشت که آشکارترین نموده‌های آن، **افزایش** شدید واردات و **کاهش** صادرات کالاهای صنعتی این کشور بود که درنهایت به **رکود شدید**

در بخش صنایع، افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی آن کشور منجر گشت. در سال ۱۹۷۷، نشریه اکونومیست، در توصیف و تشریح این پدیده ظاهراً عجیب، برای نخستین بار اصطلاح «**بیماری هلندی**» را به کاربرد که در دهه ۱۹۷۰ میلادی تعدادی از کشورهای دیگر، از جمله انگلستان را مبتلا ساخته بود. کشور ما نیز در همان سالها (۱۳۵۲ شمسی یا ۱۹۷۳ میلادی)، به برکت افزایش درآمدهای نفتی، **مشکلاتی** را تجربه کرد که در سالهای ۱۳۵۶ - ۱۳۵۵ **با شدتی بی سابقه**، بسیاری از عوارض «بیماری هلندی» را به نمایش گذاشت " (۲).

سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳ میلادی) تغییراتی اثرگذار بر برخی کشورها را با خود به همراه داشت. " در خاورمیانه، دوران «**تمدن بزرگ**» و در آمریکای لاتین، آغاز دوره «**ونزوئلای بزرگ**» بود. آن سال، اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) موفق شدند بزرگترین **انتقال ثروت** را که تا آن زمان **بدون جنگ** اتفاق افتاده بود عملی سازند. با به دست گرفتن قابلیت نهادی برای تعیین قیمت نفت و ملی کردن تولید داخلی نفت، **ظاهراً** کنترل منابع طبیعی اولیه خود را در دست گرفتند. فقط در دوره کوتاه سال های ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) تا ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) درآمد کشورهای اوپک **یازده برابر** شد. پول ها به میزان بی سابقه‌ای به خزانه‌های ملی سرازیر می شد. سیل دلارهای نفتی به **آرزوهای** جدید پر و بال می داد، **آرزوی** شکوفائی اقتصادی، **عظمت ملی**، برابری، واستقلال. خلاصه بگویم، آرزوی آینده‌ای کاملاً متفاوت از گذشته وابسته به نفت. **رهبران** کشورهای نفتی معتقد بودند سرانجام خواهند توانست «نفت را ثمر ده سازند» یعنی سرمایه‌انباشته شده از نفت را به سمت سایر فعالیتهای تولیدی هدایت کنند. آن طور که کارلوس آندره پرز، رئیس جمهور ونزوئلا، توضیح داد: «روزی خواهد رسید که **شما آمریکائی‌ها** با خودروهای رانندگی می کنید که سپرهایش از بوکسیت، آلومینیوم و **نیروی** کار ما ساخته شده است. ما مثل شما کشوری **توسعه یافته** خواهیم شد». **اما کمتر از یک دهه بعد**، حتی قبل از این که قیمت نفت در ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) شیرجه زنان سقوط کند، این رؤیاها **برعکس تعبیر** شد. کشورهای **صادرکننده منابع طبیعی گرفتار** تنگناها و اختلالات تولید، فرار سرمایه، ناکارائی شدید شرکت‌های دولتی، **تورم دورقمی** و پول ملی زیاده از حد ارزش گذاری شده **شدند** " (۳).

۲- فرخ قبادی، پیامدهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۵

۳- تری لین کارل، معمای فراوانی، ترجمه جعفر خیر خواهان، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، صفحه ۲۶-۲۵

شرایط حادث شده که در ایران نیز شاهد آن بوده ایم، همانگونه که در پیش گفته شد، بیماری هلندی بود. اما " بیماری هلندی هنگامی واقعاً بیماری می شود که با سایر موانع فعالیت‌های مولد درازمدت، که ویژگی بهره‌برداری از منابع پایان‌ناپذیر است، ترکیب شود. اقتصاد دانان از زمان آدام اسمیت دربارهٔ خطرات رانت‌های معدنی (« درآمد انسان‌هایی که دوست دارند از جایی برداشت کنند که هرگز چیزی نکاشته‌اند ») هشدار داده‌اند" (۴).

با گذشت چند سال از شکوه ظاهری حاصل از درآمدهای منابع طبیعی آن شکوه، چهرهٔ ناکارآمد خود را نمایان نمود و " در ۱۹۷۶ - در خلال سرخوشی دیوانه وار صادرکنندگان نفت بر سر یکی از بزرگترین رونق‌های کالائی در تاریخ - دیدگاه وی (خوان پابلو پرز آلفونسو، بنیان گذار ونزوئلای اوپک) یک بار دیگر با عرف رایج تفاوت داشت. هشدار داد: « به ما نگاه کنید. ما دچار بحران هستیم ... ما از سوء هاضمه داریم می میریم ». در اواسط دههٔ ۱۹۸۰ به نظر می‌رسد توسعه موفقیت‌آمیز مبتنی بر نفت نیز، توهمی بیش نبوده است. تاریخ نشان خواهد داد کشورهای صادرکنندهٔ نفت « از کشف و بهره‌برداری منابع خود کم‌ترین منفعت را بردند یا این که بیش‌تر منافعش را از دست دادند » (۵).

" چرا رونق نفتی با چنین سرعتی به رکود بدل شد؟ این نتیجه بالاخص هنگامی حیرت‌آور است که عظمت آن رونق را ببینیم. ثروت انتقال یافته از کشورهای واردکنندهٔ نفت در ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) و دوباره در ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) درآمدهائی نصیب‌شان کرد که از درآمد در اختیار آنها در کل یک قرن قبل بیش‌تر بوده با این حال، منافع واقعی عاید شده به اندازهٔ این انتقال ثروت ارتباطی نداشت. صرف نظر از این که آیا تجربهٔ این کشورها شباهتی با غول‌های دن کیشوت یا افسانهٔ باستانی شاه میداس یا رونق‌های کالائی گذشته داشت یا خیر، نتایج یکسان هستند: هجوم یکباره و ناگهانی ثروتی عظیم همیشه به " خیر و صلاح " نیست. در حقیقت، همان طور که نظریه پردازان بیماری هلندی اشاره کرده‌اند، منابع ارزی - که بسیار خواهان و طرفدار داشت - به جای آن که موهبت الهی باشد به آسانی به نفرین الهی تبدیل می شود" (۶).

۴- تری لین کارل، همان، صفحه ۲۸

۵- تری لین کارل، همان، صفحه ۵۴

۶- تری لین کارل، همان، صفحه ۵۵

وضعیت کشورهای صادر کننده نفت پس از رونق‌های ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) و ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) " به روشنی عملکرد نا امید کننده آنها را به شکل یک گروه و نیز **شباهت** شگفت‌آور واکنش **هر ملت** - بدون ملاحظه **موقعیت جغرافیایی**، فرهنگ یا نوع ملت - را نشان می‌دهد" (۷).

" آمارهای ارائه شده نشانه‌ای به ما نمی‌دهد تا بفهمیم چرا در وهله اول بیماری هلندی اتفاق افتاد؟ چرا همه صادرکنندگان نفت **مخارج عمومی** را به نحو **بی سابقه‌ای** چنان **افزایش** دادند که محکوم به گرفتار شدن به چنین بیماری شوند؟ ... مورد اسپانیای قرن شانزدهم (طلا و نقره‌های وارد شده از آمریکا) موردی است که شباهت‌های **حیرت‌آور** در محیطی متفاوت دارد. این تشبیه تاریخی می‌خواهد نشان دهد، چگونه چارچوب‌های تصمیم‌گیری با **رانت منابع قابل بازسازی** است و بنابراین مبنای ارزشمندی برای تبیین رفتار نهادی دولت‌ها در شرایط رونق به وجود می‌آورد" (۸).

همانگونه که در آمارهای کشورمان طی آن سالیان نیز مشاهده میشود، افزایش مخارج عمومی و بکارگیری بی‌محابای منابع ارزی اتفاقی، با تبدیل آن به ریال و تزریق در اقتصاد که ماحصل توهم ناشی از افزایش قیمت نفت بود، منجر به تعریف و اجرای پروژه‌های سرسام‌آوری گردید که ظرفیت انجام آن در کشور وجود نداشت. " اثر آنی جهش قیمت عبارت بود از افزایش بی‌سابقه پس‌انداز ملی همه صادرکنندگان؛ نسبت پس‌انداز ملی به تولید ناخالص داخلی. همه دولت‌های صادرکننده واکنش یکسانی به ورود سیل آسای دلارهای نفتی نشان دادند: **مخارج دولتی را در حد وسیع** افزایش دادند. در هر مورد منطق قضیه **مشابه** بود. دولت‌ها معتقد بودند رفع محدودیتهای ارزی در نهایت به آنها اجازه می‌دهد تا با یک « **جهش بزرگ** » به گروه کشورهای تازه صنعتی شده برسند و ذخایر نفتی نسبتاً محدودشان به این معنا بود که باید به سرعت حرکت کنند. رونق نفتی **انتظارات گسترده‌ای** برای بهره‌دهی نفت با متنوع ساختن اقتصادها و بهبود سطح زندگی جمعیت برانگیخت. **باور همگانی** این بود که دلارهای نفتی وسیله رسیدن به رفاه مادی، استقلال، ثبات و در برخی موارد **عدالت** را فراهم ساخته است، آن هم بدون رابطه بده - بستان معمولاً **دردآوری** که **بقیه جهان سوم** را اذیت کرده بود. **عنصر محوری** رسیدن به این چشم انداز، **همانا مخارج دولتی بود**. ... آنها واقعاً هم خرج کردند! در ۱۹۷۳-۷۴ (۵۳-۱۳۵۲)، **مخارج دولت ایران به قیمت‌های واقعی** نسبت به سال قبل ۵۸/۳ درصد افزایش یافت، در ونزوئلا ۷۴/۵ درصد و در نیجریه ۳۲/۲ درصد افزایش یافت" (۹).

"جریان یافتن ناگهانی دلارهای نفتی به خزانه‌های ملی، در ترکیب با تصمیم افزایش مخارج دولتی، تأثیر عمیقی بر دولت گذاشت. پول نفت **قدرت** بود، گیرم فقط به این دلیل که **پایه مالی بخش عمومی** را افزایش داد. در واقع نفت چیزی بیش از این بود. **رانت‌های بادآورده**، حوزه اختیارات دولت را گسترش داد که سپس در نتیجه سیاست عامدانه دولت حتی بیشتر رشد کرد. در این فرایند، نقش اقتصادی بخش عمومی متحول شد. دولت علاوه بر تعمیق حضور خویش در تعدادی فعالیت‌های سنتی، اغلب برای نخستین بار به حوزه‌های جدید تولید وارد شد. این مخارج که در صنعت صرف شد در کشورهای مختلف به شیوه‌های متفاوت درآمد، اما تقریباً همه کشورهای صادر کننده تمایل شدیدی به سمت **پروژه‌های کلان در صنایع سنگین** نشان دادند. مخارج دولت نوعی اثر فزاینده داشت. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هم به دلیل انگیزه‌های غیر مستقیم ناشی از اثرات موج‌دار مخارج عمومی افزایش یافت. **سطح دستمزدها** نیز شتاب یافت و به سرعت از افزایش **بهره‌وری** پیشی گرفت. افزایشی که موج **کارگران خارجی** را به **کشورهای نفتی** سرازیر کرد" (۱۰).

"مخارج دولت دستاوردهای دیگری هم داشت. رفاه عمومی از طریق کالاها و خدمات بیشتر، افزایش فرصت‌های شغلی، و یارانه‌دهی به مایحتاج مصرف‌کنندگان **بهبود** یافت. **مصرف خصوصی** که یکی از معیارهای سطح زندگی است، با نرخ میانگین سالانه هفت درصد برای همه کشورهای نفتی عمده از ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) تا ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) افزایش یافت که تقریباً دوبرابر سریع‌تر از میانگین نرخ دهه پیشین و تقریباً **دوبرابر** بیشتر از کشورهای در حال توسعه کم درآمد بود. اگرچه ارقام توزیع درآمد نایاب است، ناظران معمولاً می‌پذیرند که **سطح زندگی** اکثر گروه‌ها بهتر شد، گواینکه توزیع منافع نابرابر بود. اما فواید مخارج دولت به واسطه هزینه‌های اقتصاد **زیاده گرم شده** خنثی شد. زمان زیادی طول نکشید تا **مخارج دولتی** به سطح درآمدهای نفتی برسد و سپس از آن **پیشی** گیرد. با این که به شدت از سرعت نرخ رشد هزینه‌ها، به ویژه پس از شروع تنزل قیمت و صادرات نفت، کاسته شد، [لیکن] **خیلی دیر شده بود**" (۱۱).

" جلوه‌هایی از بیماری هلندی این تحولات نامطلوب را وخیم‌تر ساخت.

- اول - واردات سر به فلک زد چون تولید داخلی نمی‌توانست با افزایش تقاضا هماهنگ و همراه شود، آن هم به دلیل عقب ماندن تولید، چسبندگی عرضه، خدمات پرازدحام و تنگناهای مختلف.
- دوم - اینکه، نرخ ارز واقعی کشورهای صادر کننده نفت ترقی کرد و بنابراین وابستگی به واردات را تشویق و تولید داخلی را تضعیف کرد. چون بخش نفت، مبنای ارزش‌یابی ارزشهایشان شده بود - این ارزها در رابطه با فعالیت‌های غیر نفتی اضافه ارزش یافت - جریانی که واردات را ارزان و تولید داخلی را تضعیف می‌کرد. به این ترتیب، اتکای گسترده به واردات که زمانی با هدف پرکردن شکاف‌های موجود بین تقاضا و عرضه در دوره پس از رونق به وجود آمد به ویژگی نیمه دائمی و نسبتاً پرهزینه اقتصادهای نفتی تبدیل شد.
- سوم - اینکه، کاهش شدید کارائی خدمات عمومی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری عمومی این کسری‌ها را تشدید کرد. بنادر پُرازدحام و زیربناهای با بار اضافی که قادر نبود از عهده افزایش عظیم تجارت خارجی در فردای رونق نفتی برآید، باعث وقفه‌های زمانی تا یک سال برای واردات شدیداً مورد نیاز و فشارهای اضافه بر ظرفیت برای تامین تقاضای داخلی شد. تأخیرهای چند ساله و هزینه‌های اضافی و حشتناک، اکثر پروژه‌های کلان دولتی را متوقف کرد. دوره اتمام طولانی این پروژه‌ها و نیاز دائمی به نهاده‌ها، به ناتوانی تولید داخلی برای رساندن خود به درآمد ملی روبه افزایش دامن می‌زد. این شکاف بین تقاضا و تولید داخلی باعث رشد واردات و افزایش قیمت‌های داخلی شد. واکنش به شکل رشد انقباضی پول و جلوگیری از واردات بیش‌ازحد بود که به تعویق پروژه‌های کلان منجر شد، در حالی که سایر پروژه‌ها تا زمان نامشخص کنار گذاشته شد و جملگی آنها نشانه افتضاحات برنامه ریزی و اتلاف منابع بود.

البته نتیجه نهائی تورم بود. تورم نیز به نوبه خود به تعدادی از اختلالات ساختاری دامن زد یا تشدیدشان کرد. اکثر دولت‌ها سعی کردند با مهار واردات و اجرای کنترل قیمت‌ها، به ویژه در بخش کشاورزی، قیمت‌ها و مخارج را کاهش دهند. این سیاست‌ها رابطه مبادله روستائی - شهری را از آن چه بود بدتر ساخت و سرانجام به اتکای بیش‌تر به واردات مواد غذایی منجر شد" (۱۲).

" به علت تورم، یارانه‌های پرداختی به بنگاه‌های زیان‌ده و گروه‌های کم درآمد به سرعت افزایش یافت. در فاصله ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) تا ۱۹۷۸ (۱۳۵۶)، یارانه‌ها با نرخ دو برابر تولید ناخالص داخلی رشد کرد. این یارانه‌ها شامل قیمت‌های پائین انرژی (که هر از گاهی در سطح هزینه تولید تعیین می‌شد به گونه‌ای که دولت‌ها از فروش سوخت در داخل کشور نمی‌توانستند درآمدی کسب کنند)، حمایت نهاده‌ای یا اعتباری از صنایع ناکارای داخلی، ضربه‌گیر برای هزینه‌های مواد غذایی و برنامه‌های عمومی بود. هنگامی که درآمد نفت کاهش یافت، **قطع یارانه‌ها** از لحاظ سیاسی بسیار **دشوار بود**. و در نتیجه به **فشار تورمی و افزایش** هزینه‌های دولت کمک می‌کرد " (۱۳).

" مهم‌تر این که، **وابستگی به نفت** - سرنوشتی که این صادرکنندگان می‌خواستند از آن بگریزند - پس از رونق به وضوح **افزایش** یافت. تقریباً در هر موردی سهم بخش نفت در تولید ناخالص داخلی بین ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) و ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) افزایش قابل توجهی، یافت در حالی که سهم کشاورزی که برای **اهداف ادعائی خودکفائی** بسیار حیاتی بود کاهش یافت. در کل، سهم تولید کارخانه‌ای در تولید ناخالص داخلی افزایش نیافت، معیار ساده این سهم، نسبت کالاهای قابل مبادله به غیر قابل مبادله، دست کم ۶۰ درصد در الجزایر، اندونزی و نیجریه از ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) تا ۱۹۸۲ (۱۳۶۲) کاهش یافت. اینها **نشانه‌های ناراحت‌کننده** برای کشورهایی بود که هدف اصلی‌شان **متنوع ساختن** اقتصاد، با بهره‌ای از نفت بود " (۱۴).

رونق مبتنی بر افزایش ناگهانی درآمد اتفاقی و سهل در کشورهای تولیدکننده نفت را (اگرچه نباید این اثرات رامطلق دید، زیرا تعدادی اندک از این کشورها، مَدبّرانه و هوشمندانه در این **دام** گرفتار نشدند، همچون **نروژ**) در تاریخ تا حدی میتوان مشابه رفتارهای اسپانیا در قرن شانزدهم میلادی دانست. در این رونق که ناشی از ورود طلا و نقره از قاره آمریکا بود، شباهتهای درس‌آموزی را میتوان مشاهده نمود. " کسری بودجه، پول زیاده ارزش‌گذاری شده داخلی در برابر پول‌های خارجی، واردات و یارانه‌های سر به فلک کشیده، تورم فزاینده و بدهی خارجی. نتیجه نهایی نیز مشابه بود: اقتصاد نامتوازن، **دولت درمانده** و **وابستگی** رو به افزایش به ثروت اتفاقی کالائی که **قابل دوام نبود**. تعجبی ندارد که دولت‌ها در هر دو مورد هنگامی که ناگهان از نعمت درآمدهای جدید هنگفت برخوردار می‌شدند، مخارج عمومی را افزایش می‌دادند. اما آن چه تعجب‌آور است این است

که در مواجهه با شواهد قاطعی که آن‌ها را به **تجدید نظر** فرا می‌خواند **بر اضافه خرج کردن پافشاری داشتند** " (۱۵).

" ما نمی‌توانیم رونق‌ها را **مسئول شکست و ناتوانی رهبران** در تغییر مسیر بدانیم. همان‌طور که شومپیتر راجع به اسپانیا اشاره کرده‌است، «افزایش عرضه پول فلزی، بیش از افزایش مستقل در مقدار هر نوع پول دیگر، اثرات معین اقتصادی به بار نمی‌آورد. بدیهی است که همه اینها کاملاً **مشروط به استفاده‌ای** است که از این مقدار پول جدید خواهد شد» " (۱۶).

" چگونه می‌توان انتخاب سیاست‌گذاران در حفظ مخارج اضافی را درک کرد، خصوصاً هنگامی که **عقلانیت اقتصادی** عمل‌گرایانه ظاهراً حکم بر **تجدید نظر و تعدیل** در سیاست‌ها می‌دهد؟ چه دلایلی می‌توان برای تصمیم اولیه به **مخارج اضافی** و نیز تصمیمات بعدی در جهت تداوم یک شیوه توسعه‌ای خاص آورد؟ مورد اسپانیا دو پاسخ اصلی به دست می‌دهد.

نخستین و بدیهی‌ترین پاسخ این است که دسترسی به گنجینه استثنائی اجازه می‌دهد تا چنین انتخاب‌هایی به عمل آید و سپس طی زمان تداوم یابد، چرا که جاده‌ای «**آسان**» در اختیار سیاست‌گذاران می‌گذارد. **خرج کردن** برای حاکمان **قاعده می‌شود** زیرا منابع، حداقل در ابتدای کار، در دسترس هستند، چون وظایف دشوارتری مثل ساختن اقتدار اداری **زمان بر** است و پاداش آنی اندکی فراهم می‌کند. در حقیقت، **خرج کردن** به ساز و کار ابتدائی «**دولتمندی**» تبدیل می‌شود، هم‌چنان که **پول دائماً جایگزین اقتدار و توانایی می‌شود** " (۱۷).

"وابستگی به **رانت‌های معدنی**، گونه خاصی از حکومت پیرامونی به نام **دولت‌های معدن کاو** به وجود می‌آورد که مشکلات خاصی در تجدید ساختار خط سیرهای توسعه دارند. این دولت‌ها، آن‌طور که شیفر (۱۹۹۴) با شیوائی یادآور می‌شود، در تلاش برای خروج از الگوهای قدیم با موانع بزرگی روبرو هستند و **قابلیت اندکی** برای پشتیبانی از الگوهای جدید دارند. موانع بزرگ برای **تغییر**، که از بخش **پیشرو** ناشی می‌شود، **اینرسی** به وجود می‌آورد: **هم گروه‌های سازمان یافته و هم دیوان‌سالاران حکومت می‌جنگند تا وضعیت موجود** را حفظ کنند و مانع جرح و تعدیل‌هایی شوند که رویه‌های عملیاتی استاندارد آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اگر چه این محافظه کاری ذاتی معمولاً در توصیف نهادها به کار می‌رود، [اما] **دولت‌های معدن کاو مورد افراطی** هستند. در واقع آنها چارچوب خشک تصمیم‌گیری‌ای را مجسم می‌سازند که **انگیزه‌های قوی** برای حفظ **مدل توسعه** موجود مبتنی بر منابع معدنی دارند و **نیز انگیزه‌ای برای تغییر** آن ندارند. این چارچوب با ارتباط جدانشدنی بین قدرت و فراوانی منابع در دولت‌های معدن کاو تقویت می‌شود.

چون این دولت‌ها، و نه بخش خصوصی، **مالک مرکز انباشت هستند** و درآمدهای ناگهانی را از عرصه بین‌المللی استخراج یا دریافت می‌کنند و از **رانت‌ها** منتفع می‌شوند و وسائلی فراهم می‌سازند که این **رانت‌ها** وارد اقتصاد شوند، آنها هدف اصلی **رفتار رانت جویی** می‌شوند - حتی از درون نهادهای خودشان. بنابراین **عقلانیت اقتصادی** را نمی‌توان به آسانی از **عقلانیت سیاسی** جدا کرد و **منطق رانت جویی**، در مخالفت با تعدیل انعطاف‌پذیر، به **آسانی** در هر دو حوزه مسلط می‌شود. به علاوه، سرنوشت عرضه سیاست آنها - چه اقتدارگرا باشند و چه دموکراتیک - تقریباً همان قدر با عملکرد اقتصادی گره می‌خورد که سرنوشت عرصه‌های سیاست در کشورهای سوسیالیستی.

این موانع بر سر راه تغییر مسیرهای توسعه در **دولت‌های وابسته به نفت** حتی از سایر **دولت‌های معدن کاو** نیز آشکارتر است. چون در دولت‌های نفتی **میزان رانت‌ها بسیار بالا است**. مقامات حکومتی ظرفیت اضافی برای استخراج درآمد فوق‌العاده بالا از منابع خود **بدون سرمایه‌گذاری اضافی** دارند. این رانت‌ها با هر اندازه مزایا که داشته باشند، نهایتاً مشکلات تعدیل را زیاد می‌کنند: حوزه اختیارات قانونی دولت را افزایش می‌دهند در حالی که **همزمان اقتدارش را**، به دلیل چندگانگی فرصت‌های **مبادرت** به رانت جویی برای **مقامات عمومی و گروه‌های خصوصی**، تضعیف می‌کنند. به این ترتیب، رانت‌ها تاثیر مستقیمی بر چارچوب تصمیم‌گیری دولت‌های نفتی می‌گذارند. حتی **بحران‌های جدی** که **کافی** است تا **خط مسیر توسعه‌ای** را در سایر بسترها **تغییر** دهد اثر بازسازی **یکسانی** در این کشورها ندارد.

جمع بندی مباحث تا این جا می‌گوید که برون‌دادهای ناامیدکننده مشابه سیاسی و کلان اقتصادی در کشورهایی به پراکندگی ایران و ونزوئلا را می‌توان، به بهترین نحو، نتیجه شرط مشترکی دانست که تعادل کالاها، رونق‌ها و دولت‌ها به وجود می‌آورد. رونق نفتی در **ظاهر** وعده ایجاد فرصت برای انتخاب واقعی و تغییر مسیر توسعه را می‌دهد. اما هنگامی که رونق نفتی در کشورهایی با میراث **توسعه به رهبری نفت**، به ویژه در تشکیلات تصمیم‌گیری وابسته به دلارهای نفتی، اتفاق می‌افتد، در واقع انتخاب‌ها کاملاً محدود می‌شود. صرف نظر از سایر بدیل‌های در دسترس، رونق‌ها باعث ایجاد انگیزه‌های قوی و حتی **مسلط برای حفظ مسیرهای موجود** می‌شود اما در مقیاسی **عظیم تر، با شتاب تر و نهایتاً غیر قابل کنترل**. بنابراین رونق‌های نفتی، کشور را **با شتاب به سمت مشکلات آتی می‌برد** " (۱۸).

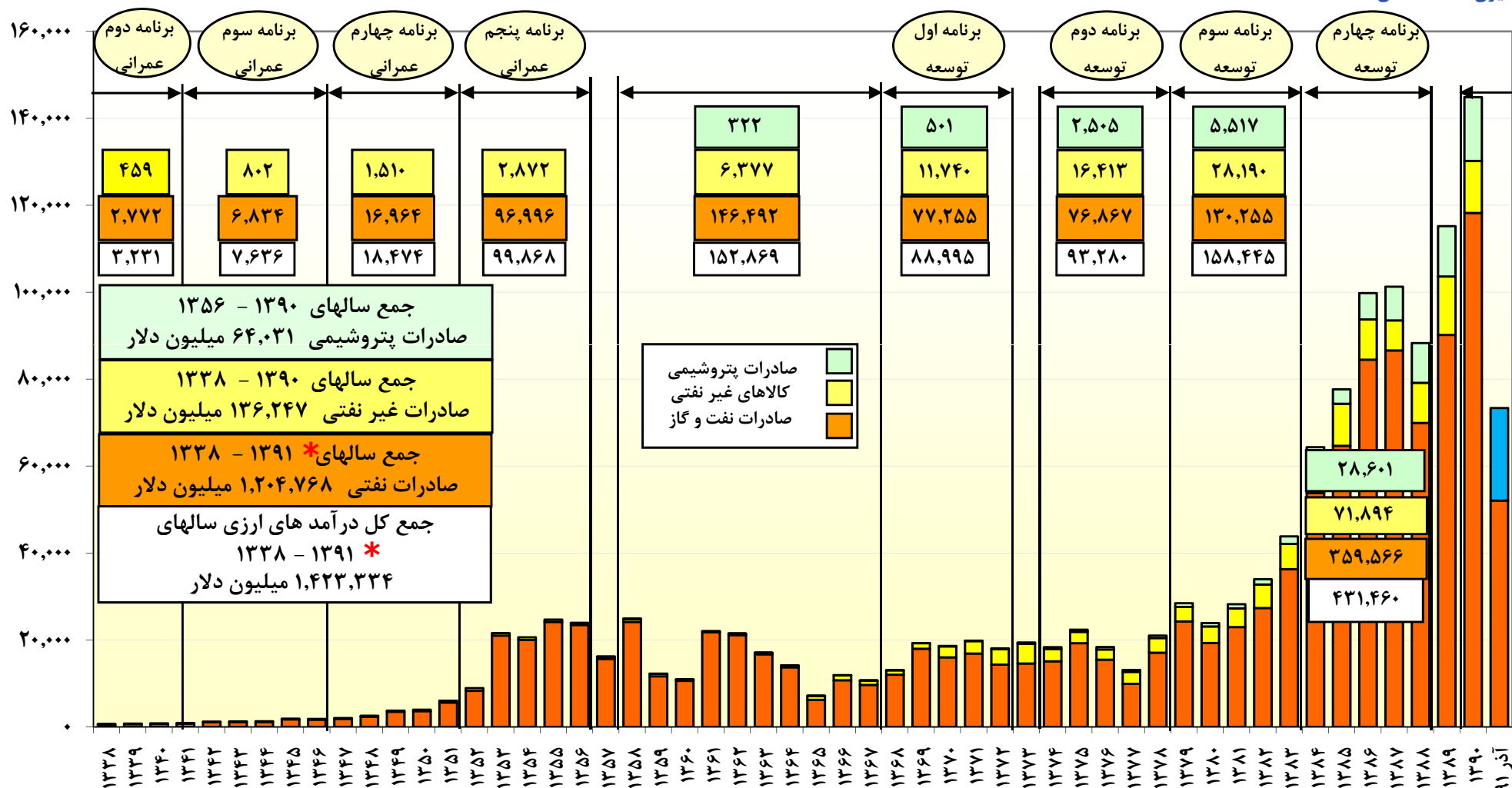
– تجارب مشخص ایران و دوره ای با شاخصهای مثبت که از دست رفت

از حاصل این تجربیات که براقصاا جهان گذشت و کشور ما جزئی از آن بود، چه **درس یا عبرتی را فرا گرفتیم؟** آیا در جایی یا مرکزی این تجربیات را که هزینه های هنگفتی برای آن صرف شد، مضبوط نمودیم؟ " کشورمان طی سالهای اخیر نیز شاهد آزمون مجدد یک پدیده به کرات آزموده شده در طول تاریخ بوده است. اینکه امور کشور را با برنامه اداره کنیم بهتر است یا بدون برنامه اداره کنیم و در دوره صد ساله گذشته حداقل پنج بار، به گونه ای که مستندات آن امروز در دسترس است، در معرض آزمون و خطا قرار گرفته، به طوری که هر بار ابتداء این سؤال پیش آمده و به صورت نظری و تجربی مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آن هم آشکار شده است. اما، چه در درون دستگاه های متولی امور اقتصادی و چه در دانشگاه های مهم کشور، حتی یکجا را نیز نمی توان سراغ گرفت که این مکتوبات و مستندات **یکجا جمع آوری شده باشد**، به گونه ای که اگر قرار شد به هر دلیل دوباره در معرض یک آزمون و خطای جدید قرار بگیریم، لااقل آنها را مطالعه کنیم و در حد یک **انسان عادی** و نه لزوماً متخصص بتوانیم از آنچه گذشته است **درس** بگیریم " (۱۹). متأسفانه از منظر اقتصادی گرفتار در بلیه ای هستیم مهم و اثرگذار و آن غفلت از توجه و فراگیری آزمون های گذشته است. از سال ۱۳۴۸ درآمدهای نفتی ایران با **ازدیاد تولید**، رو به افزایش گذاشت. در سال ۱۳۵۳، به دلیل **افزایش قیمت**، این درآمدها نسبت به سال ۱۳۵۲ ناگهان حدود ۱۵۲ درصد رشد از خود نشان داد. همانگونه که در صفحات ۲۷ و ۲۸ مشاهده می گردد، در مقیاس میلیارد دلار، از آن پس درآمدهای نفتی دو رقمی شده و تاکنون تنها سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷ (دوران جنگ) و سال ۱۳۷۷ مواجه با درآمدهای تک رقمی بوده ایم. **اعتماد به نفس کاذب ایجاد شده** که ماحصل این حجم **درآمد اتفاقی و سهل بود**، کشور را با عدم تعادل های ساختاری مهم اقتصادی و **ناهنجاریهای رفتاری و اجتماعی** که هر سال بر آن افزوده گردیده، مواجه ساخته است. برخلاف آن چه که تصور می شود، این درآمد نه تنها باعث کاهش فقر نگردید بلکه با افزایش آن نابرابریهای اجتماعی را تشدید نمود. نگاهی به افزایش ضریب جینی (Gini)، صفحه ۲۹، خود نشان از وجهی از این واقعیت می باشد. به دنبال آن تزریق بی محابای درآمدهای ارزی به اقتصاد و رشد واردات، تورم دو رقمی را بصورت **مزمن** و پایدار در ایران نهادینه نمود. بدین سان نظم هایی که طی بیش از یک دهه، یعنی از سال ۱۳۴۰ الی ۱۳۵۱ برای کشور و به دلیل اطمینان نسبی فی مابین فعالین اقتصادی و دولت حاصل شده بود و همراه بود با **کسب آگاهی و دانش** و همچنین دارای جهت گیری به مراحل پیشرفته تر بود، شروع به بر هم خوردن نموده و دست آوردهای آن دوره با خلل مواجه گردید. لیکن کشورمان هنوز از مزایای آن دوره بهره مندی خود را دارا می باشد.

درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز، پتروشیمی و کالاهای غیر نفتی

سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۱

ارقام : میلیون دلار



منابع : ۱- بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری های زمانی آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سالهای ۱۳۳۸-۱۳۸۴
 ۲- بانک مرکزی، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش های خارجی و صنعت و معدن
 ۳- بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۹ (صفحه ۶۲، جدول ۲۸)، سال ۱۳۹۰ (صفحه ۶۴، جدول ۲۸)
 ۴- گزیده آمارهای اقتصادی، بخش تراز پرداختها، آذر ۱۳۹۱
 ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۹ (فصل تراز پرداختها صفحه ۸۰، جدول ۵۳)، سال ۱۳۹۰، صفحه ۸۲، جدول ۵۳
 توضیح: ارقام صادرات پتروشیمی برای سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۵ در دسترس نبود - سال ۱۳۵۷، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۹ شامل هیچکدام از برنامه ها نمی باشد
 * آمار آذر ۱۳۹۱ می باشد

درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز، پتروشیمی و کالاهای غیر نفتی

ارقام : میلیون دلار

سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۱

صادرات غیر نفتی		صادرات نفت و گاز	شرح سال
سایر کالاها	صادرات پتروشیمی		
۲,۸۴۹	۴۰۸	۱۵,۱۰۳	۱۳۷۴
۲,۶۱۳	۵۰۷	۱۹,۲۷۱	۱۳۷۵
۲,۳۵۱	۵۵۹	۱۵,۴۷۱	۱۳۷۶
۲,۷۳۳	۴۵۲	۹,۹۳۳	۱۳۷۷
۳,۳۶۲	۵۷۹	۱۷,۰۸۹	۱۳۷۸
۳,۳۵۱	۸۲۹	۲۴,۲۸۰	۱۳۷۹
۳,۷۷۰	۷۹۵	۱۹,۳۳۸	۱۳۸۰
۴,۳۲۹	۹۴۲	۲۲,۹۶۵	۱۳۸۱
۵,۴۱۱	۱,۲۲۵	۲۷,۳۵۵	۱۳۸۲
۵,۸۱۰	۱,۷۲۶	۳۶,۳۱۵	۱۳۸۳
۸,۲۲۲	۲,۳۲۳	۵۳,۸۲۰	۱۳۸۴
۹,۶۹۸	۳,۲۹۹	۶۴,۶۶۵	۱۳۸۵
۹,۲۵۳	۶,۰۵۹	۸۴,۵۰۵	۱۳۸۶
۶,۸۹۷	۷,۷۷۳	۸۶,۶۱۹	۱۳۸۷
۹,۳۲۲	۹,۱۴۷	۶۹,۹۵۷	۱۳۸۸
۱۳,۴۴۹	۱۱,۵۵۹	۹۰,۱۹۱	۱۳۸۹
۱۱,۹۸۰	۱۴,۶۶۲	۱۱۸,۲۳۲	۱۳۹۰
۲۱,۲۸۵		۵۲,۰۸۱	۱۳۹۱ *
۲۱۸,۵۶۶		۱,۳۰۴,۷۶۸	جمع

صادرات غیر نفتی		صادرات نفت و گاز	شرح سال
سایر کالاها	صادرات پتروشیمی		
۴۷۵	۴۸	۲۳,۴۵۱	۱۳۵۶
۴۹۷	۴۶	۱۵,۶۶۰	۱۳۵۷
۶۴۶	۱۶۶	۲۴,۱۵۸	۱۳۵۸
۵۶۸	۷۷	۱۱,۶۴۸	۱۳۵۹
۳۲۱	۱۹	۱۰,۶۱۹	۱۳۶۰
۲۸۴	۰۰	۲۱,۷۹۸	۱۳۶۱
۳۵۶	۱۰	۲۱,۱۵۰	۱۳۶۲
۳۶۰	۱۰	۱۶,۷۲۶	۱۳۶۳
۴۵۱	۱۴	۱۳,۷۱۰	۱۳۶۴
۹۱۵	۱۰	۶,۲۵۵	۱۳۶۵
۱,۱۴۴	۱۷	۱۰,۷۵۵	۱۳۶۶
۱,۰۱۰	۲۶	۹,۶۷۳	۱۳۶۷
۱,۰۱۵	۲۹	۱۲,۰۳۷	۱۳۶۸
۱,۲۷۷	۳۵	۱۷,۹۹۳	۱۳۶۹
۲,۵۱۹	۱۳۰	۱۶,۰۱۲	۱۳۷۰
۲,۸۷۳	۱۱۵	۱۶,۸۸۰	۱۳۷۱
۳,۵۵۵	۱۹۲	۱۴,۳۳۳	۱۳۷۲
۴,۵۶۱	۲۷۰	۱۴,۶۰۳	۱۳۷۳

صادرات غیر نفتی		صادرات نفت و گاز	شرح سال
سایر کالاها	صادرات پتروشیمی		
۱۰۵		۵۹۵	۱۳۳۸
۱۱۱		۶۷۲	۱۳۳۹
۱۲۸		۷۰۶	۱۳۴۰
۱۱۵		۷۹۹	۱۳۴۱
۱۲۸		۱,۱۰۹	۱۳۴۲
۱۵۳		۱,۱۳۹	۱۳۴۳
۱۸۱		۱,۱۴۹	۱۳۴۴
۱۵۸		۱,۷۴۹	۱۳۴۵
۱۸۲		۱,۶۸۸	۱۳۴۶
۲۱۷		۱,۸۵۷	۱۳۴۷
۲۴۵		۲,۳۵۸	۱۳۴۸
۲۷۳		۳,۴۹۴	۱۳۴۹
۳۳۵		۳,۶۳۸	۱۳۵۰
۴۴۰		۵,۶۱۷	۱۳۵۱
۶۳۵		۸,۳۱۸	۱۳۵۲
۵۸۲		۲۱,۰۱۴	۱۳۵۳
۵۹۲		۲۰,۰۳۴	۱۳۵۴
۵۴۰		۲۴,۱۷۹	۱۳۵۵

۱۵۲٪

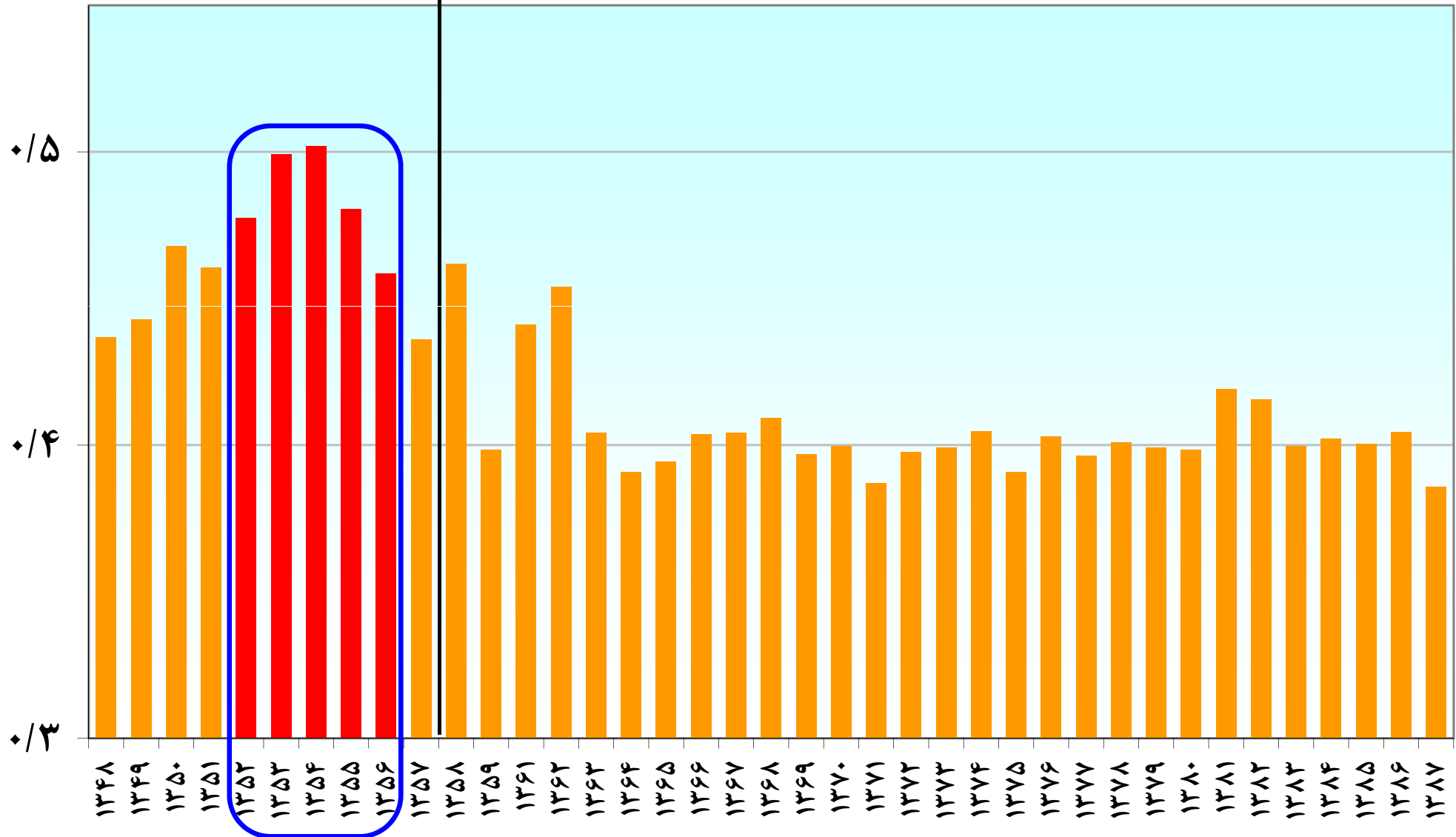
- منابع : ۱- بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری های زمانی آمارهای اقتصادی ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سالهای ۱۳۳۸-۱۳۸۴
 ۲- بانک مرکزی، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی ، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش های خارجی و صنعت و معدن
 ۳- بانک مرکزی ، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۹ (صفحه ۶۲ ، جدول ۲۸) ، سال ۱۳۹۰ (صفحه ۶۴ ، جدول ۲۸)
 ۴- گزیده آمارهای اقتصادی ، بخش تراز پرداختها ، آذر ۱۳۹۱

۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۹ (فصل تراز پرداختها صفحه ۸۰ ، جدول ۵۳) ، سال ۱۳۹۰ ، صفحه ۸۲ ، جدول ۵۳
 توضیح : ارقام صادرات پتروشیمی برای سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۲ در دسترس نبود - سال ۱۳۵۷ ، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۹ شامل هیچکدام از برنامه ها نمی باشد
 * آمار آذر ۱۳۹۱ می باشد

ضریب جینی در ایران



کمیسیون اقتصاد کلان



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش امور اجتماعی، توزیع درآمد

– بازه زمانی دهه ۳۰ و اوائل ۴۰ چه خصوصياتی داشت ؟

در جایی که " حتی آمار صادرات و واردات درستی در اختیار نداشتیم . آمار درآمد ملی ما بسیار **تقریبی و ناقص** بود و هیچ نوع بررسی دقیقی از اینکه ساختار اقتصادی ایران و رابطه بین بخشهای فرعی در داخل صنعت و کشاورزی به چه صورتی است نداشتیم. تمام اینها را حدس می زدیم. به عبارت دیگر، آن چیزی که به آن **جدول داده و ستانده** می گویند **وجود خارجی نداشت** " (۲۰) .

" صنعت محدود ما به علت رکود بازرگانی ، دچار رکود شده بود. در نتیجه برای مبارزه با این رکود که در کشور داشتیم ، یکی از اطلاعاتی که انسان باید داشته باشد این بود که ما چه قدر موجودی داریم؟ اما کسی نمی دانست. نه فقط ما در اشل کشور نمی دانستیم، **بازرگانهای صاحب صنعت** ما در اشل **شرکت خودشان** هم نمی دانستند. **واقعاً اقتصاد ما یک حالت ابتدائی داشت** " (۲۱) .

بنابراین در " مرحله اول ، در ضمن اینکه هدفهای کلی خودمان را می دانستیم اما برای اجرای آن می بایست **کورمال کورمال** راه می رفتیم. ایراد خیلی زیادی هم نداشت. به خاطر اینکه اگر کسی دنبال وضع ایده آل بخواهد بگردد و منتظر فرا رسیدن وضع آرمانی بشود ، هیچ وقت هیچ کاری را به سامان نخواهد رساند. بهتر است که انسان یک کاری را ، هرچند ناقص ، انجام بدهد تا اینکه به بهانه اینکه هنوز آمار ندارد و یا کارشناس به اندازه کافی ندارد دست به هیچ کاری نزند. خواه ناخواه ، این رفتار کورمال ما همراه با اشتباهات و در حقیقت زیگزاگ هائی بود که به تدریج سعی می کردیم آنها را اصلاح کنیم. ولی در فرآیند توسعه به هر حال ، به فرض اینکه شما در یک مورد بتوانید اشتباهتان را تصحیح بکنید، خود پیشرفت برایتان **مسائل تازه و اشتباهات تازه** پیش می آورد، بنابراین می بایست همیشه این را به عنوان یکی از عاملهای کارتان بپذیرد. نه اینکه خوشحال باشید که اشتباه می کنید. منظورم این است که اگر کسی بگوید که از روز اول دقیق بوده و می دانسته چه کار می خواهد بکند، و همه کارهایش را بدون هیچ عیب و نقص اجراء کرده یک **مقداری تعارف** است " (۲۲) .

۲۰- علینقی عالیخانی (وزیر اقتصاد ۱۳۴۸-۱۳۴۱)، خاطرات شفاهی، نشر آبی، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۲، صفحه ۴۹

۲۱- علینقی عالیخانی ، همان، صفحه ۳۱

۲۲- علینقی عالیخانی ، همان، صفحه ۵۰

" ما تنها کاری که کردیم معتقد بودیم به هر قیمتی که شده می بایست این کشور را به جلو ببریم و **ریشه صنعت** را در ایران تقویت کنیم و **روحیه صنعتی** در مردم **ایجاد بکنیم**.

در آن زمان مطلقاً نمی دانستیم ، خودمان هم کار یاد گرفتیم. گمان نبرید که ما از روز اول همه چیز را می دانستیم و بعد همه چیز را مطابق همان نیت‌هایی که داشتیم اجرا بکنیم. اولاً **همه چیز را که نمی دانستیم** بعضی از افکاری که داشتیم در عمل متوجه شدیم که اینها **درست نیست**. آن چیزهایی که درست بود را هم همیشه نمی توانستیم اجراء بکنیم ، به خاطر اینکه با یک جامعه ای روبرو هستید، با **منافع متضاد افراد** روبرو هستید، با عقاید مسئولان دولتی و تصمیم‌گیران مواجه می‌شوید، و می‌بایست در درون همه این عامل‌های گوناگون بتوانید بهترین نتیجه را بگیرید. **این کاری بود که ما توانستیم بکنیم** " (۲۳) .

" کاملاً هم متوجه بودیم که یک مقداری از حرف‌هایی که برخی خارجی‌ها دربارهٔ صنعت می‌زنند، با واقعیت تفاوت دارد. وقتی نوبت ما می‌شد، می‌گفتند آقا این را باید در اشل صد هزار تا تولید می‌کردید. بعد می‌رفتیم خارج کارخانه‌های خودشان را می‌دیدیم، می‌دیدیم هیچ این طور نیست. **در واقع هیچ اصرار نداشتند شما این کار را بکنید**. صاحبان صنایع در کشورهای پیشرفته، **هیچ خوششان نمی‌آمد که شما این جنسها را خودتان تولید بکنید**. خیال نکنید راه انداختن کارخانه‌ها و کارهای جدید آسان است. به هیچ وجه نمی‌خواهم تلقین کنم که کسی توطئه می‌کند علیه شما. ولی شما هم تا **همت** نداشته باشید و دنبالش نروید کسی برای شما دلسوزی نمی‌کند. مسئولان اقتصادی باید متوجه **تفاوت میان آنچه در کتابهای اقتصاد از نظر تئوریک نوشته اند با آنچه در عمل رخ می‌دهد باشند**. در جهان تئوری می‌گویند که اگر مثلاً در ایران در یک رشته صنعتی سودتان به جای ۱۵ درصد در انگلیس، ۲۵ درصد باشد تمام صنایع انگلیس می‌آیند ایران. هیچ چنین چیزی نیست، نمی‌آیند، همانجا تشریف دارند، زندگیشان را می‌کنند، و به شما جنس را [با] قیمت‌گران می‌فروشند. باید شما همت داشته باشید **دنبال ایجاد صنایع بروید** و به کارتان **اعتقاد** داشته باشید " (۲۴) .

" مدیریت فنی و مدیریت اداری در کشور خیلی ضعیف بود ، چه در سطح دولت و چه در سطح بخش خصوصی. مثلاً از همان اولی که توسعه صنعتی در ایران شروع شده بود، مثل تمام کشورهای دیگر دنیا، ما خیال می‌کردیم اگر بخواهیم یک صنعتی ایجاد بکنیم باید کارخانه بخریم. درحالی که کارخانه خریدن برای یک کشور صنعتی پیشرفته مطلقاً معنی ندارد. کارخانه را با خرید ماشین آلات و

تجهیزات درست می کنند. در واقع کارخانه خریدن در کار نیست. بلکه شما می باید طرح خودتان را دقیقاً بریزید و با توجه به ظرفیتی که برای تولید کالا یا کالاهای مشخصی دارید، روشن بکنید به چه ماشینها و به چه نوع تجهیزاتی احتیاج دارید، کارخانه‌تان باید به چه صورتی باشد؟ جریان مواد اولیه و جنس ساخته شده به چه صورتی باشد؟ و برای توسعه هائی که بعداً می خواهید بدهید طراحی بکنید. تمام اینها هنر صنعتی است. وگرنه این کارهائی که هیچوقت دیده نمی شود به اندازه سر هم کردن ماشین آلات سخت نیست که آن را به صورت کلی به نام دانش فنی می شناسند. ما هم خیلی صحبت از دانش فنی را می کردیم. **ولی واقعاً آگاه نبودیم محتوای این دانش فنی چیست و چه می باید باشد؟** نتیجه این شده بود که وقتی به جای کارخانه درست کردن می رفتند کارخانه می خریدند، **سوء استفاده ئی از این نادانی ما می شد.** چه از نقطه نظرقیمت ماشین آلاتی که واقعاً مورد نیاز بود و چه از نظر تجهیزاتی که مطلقاً خریدش از خارج صرف نداشت " (۲۵).

" آن چیزی که مهم است **ایمان و اعتقادی** بود که ما به **کشور** و به گذشته خودمان **داشتیم** و فکرمی کردیم با آن گذشته درخشان، دلیل ندارد که نتوانیم آینده درخشانی را **درست کنیم** " (۲۶).

" از همان زمان کاملاً روشن بود که با کمبود آب و کمبود زمین حاصلخیز، امکانات کشاورزی ایران به هر حال محدود است و توسعه اقتصادی کشور منوط به این است که در **بخش خدمات و صنایع** بتوان گامهای بزرگتری برداشت " (۲۷). اما در بخش های تولیدی کشور نیز پایه های قابل اتکاء و مستحکم وجود نداشت.

" اینهمه که ما می گوئیم صنعت داریم، صنعت نداریم و گرفتاری دیگر این است که کشاورزی هم نداریم! " (۲۸)

۲۵- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۵۵

۲۶- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۶۴

۲۷- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۴۹

۲۸- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۱۵

"هیچ کس قادر نبود که به من اطلاعات اساسی درباره اقتصاد کشور و بخشهای صنعتی و بازرگانی بدهد. مثلاً بتواند بگوید ما تولید صنعتی مان چیست؟ ما که می خواهیم مثلاً صنعت نساجی را توسعه بدهیم، یا روی اش تصمیم بگیریم، چقدر کالا تولید می کنیم؟ چه نوع کالائی تولید می کنیم؟ قیمت اینها چیست؟ کیفیت اشان چیست، در کجا تولید می کنیم. اینها را هیچ کس نمی دانست. بن بستهای ما در کجا هست، و صنایع تازه ای که می خواهیم ایجاد بکنیم چه باید باشد و به چه دلیل باید به یک رشته هائی تقدم بدهیم، به یک رشته هائی ندهیم، با چه ریتمی داریم توسعه پیدا می کنیم؟ یعنی عملکرد ما چیست. از این سئوالها شما به مقدار زیادی می توانید بکنید، ولی مطلقاً جوابی نداشتیم. در ماههای اول صرفاً تصمیم ماتمان را کورمال کورمال می گرفتیم" (۲۹).

"آنجا بود که تازه این بحث پیش آمد که طرح یعنی چه؟ اصلاً طرح را چه جوری می شود تعریف کرد. اصلاً برای کلمه طرح تعریف نداشتیم. طرح را چه طور می شود تعریف کرد؟ در داخل طرح چه هزینه هائی می شود قبول کرد؟ چه هزینه هائی نمی شود قبول کرد؟ طرح باید یک طرح سرمایه گذاری باشد. طرح جاری - چون به یک مقداری از هزینه های جاری هم اسم طرح داده شده بود - عملاً از نوع بودجه جاری مملکت بود. بعداً در داخل طرح هدف چه باشد؟ نحوه اجرای چه جور باید باشد؟ نمی دانم محتوای ارزش خارجی چه قدر می تواند باشد و یا چه جوری باید باشد؟ یعنی حتی این تعریف ابتدائی - یعنی مشخص کردن یک طرح - را ما نداشتیم. حالا این که اصولاً برنامه چه جور تهیه بشود؟ هدفهای ملی چه باشد؟ استراتژی توسعه اقتصادی چه باشد؟ اینها را شاید ده سال بعد توانستیم مطرحش بکنیم. چون مسئله توسعه اقتصادی یک کار جدای فنی نیست. جزو سیاست کلی مملکت است. جزو هدفهای بلند مدت مملکتی است که بایست به این استراتژیهای توسعه اقتصادی و اجتماعی جهت بدهد" (۳۰).

۲۹- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۷۶

۳۰- عبدالمجید مجیدی (وزیر کار و رئیس سازمان برنامه و بودجه)، خاطرات شفاهی، نشر صفحه سفید، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صفحه ۸۴

" ما سعی کردیم به تدریج به صاحبان صنایع بخش خصوصی بفهمانیم که می‌بایست در کارشان دقت بکنند و اقتصاد طرحشان را در نظر بگیرند. در آغاز کار اشاره کردم که **ضابطه‌هائی** نوشته بودیم (که) روشن می‌کرد. پله به پله، چه کارهائی را باید اینها انجام بدهند تا ما بپذیریم که پروانه داشته باشند و از امتیازاتی که می‌دهیم استفاده بکنند. از آنکه بگذریم، در مرحله بعدی ما به هر کسی که از ما درخواست ایجاد صنعتی را می‌کرد **پرسشنامه مفصل** می‌دادیم. چه بسا کسانی که وقتی میخواستند پرسشنامه را پر بکنند و ضرب و تقسیم هزینه‌هایش را می‌کردند و بهای تمام شده و امکانات بازار را می‌سنجیدند، خودشان بر می‌گشتند و با تشکر پرسشنامه را به ما پس می‌دادند و از آن صنعت صرف‌نظر می‌کردند. این چیزی است که قبلاً وجود نداشت و **ما به تدریج سرمایه‌گذاران خصوصی را عادت دادیم** به اینکه باید اقتصاد طرح را مطالعه بکنند " (۳۱).

از این رو حتی با برنامه ریزی نه چندان کامل، مبناء **تولید در داخل** کشور هدف اصلی قرار گرفت " من با اعضای اتاقهای بازرگانی، به خصوص در تهران، تماس گرفتم و مسائلی را که در مقررات صادرات و واردات داشتیم توجیه کردم. به ویژه یک نکته را برای همه آنها روشن کردم و آن هم این بود که اگر گمان می‌کنید که باز هم می‌توانید به **روش سابق** خودتان ادامه بدهید و صرفاً با واردات جنس از خارج و **نمایندگی سازنده** خارجی زندگیتان را ادامه بدهید، آن دوره دیگر گذشته است. از این پس می‌بایست به فکر این باشید که بسیاری از چیزهائی را که وارد می‌کردید **اکنون خودتان** بسازید، آن خدماتی را که از خارجیها می‌گرفتید، یاد بگیرید و خودتان انجام بدهید و به دنبال تولید در داخل کشور بروید. روی این مسأله خیلی تاکید کردم. پس از مقاومت‌های اولیه، **کسانی که بیشتر واردکننده و تاجر بودند** تا صاحب صنعت، به تدریج متوجه شدند که **چاره دیگری** ندارند. البته در گذشته تاجرها وقتی که پول گیرشان می‌آمد می‌رفتند ملک می‌خریدند و می‌شدند جزء مالکین کشور. ولی با اصلاحات ارضی آن امکان دیگر وجود نداشت که اتفاقاً خیلی مفید بود.

حالا تنها راه درستی که برای این بازرگانان باقیمانده بود هزینه کردن آن سرمایه در داخل کشور و برای کارهای صنعتی بود. البته برای کارهای صنعتی گرفتاری خیلی زیادی وجود داشت. به عنوان نمونه، وقتی که ما صحبت می‌کردیم که برای صنایع نیاز به کارگر داریم، می‌دیدیم که کارگرهای ما هیچ نوع کارآموزی درست نداشته‌اند و راندمان کارگرهای ما در رشته‌های مختلف صنعتی فوق‌العاده پایین است" (۳۲).

"تا موقعی که توسعه صنعتی محدود بود، چیزی زیاد حس نمی‌کردیم، چون بهترین و با استعدادترین کارگران را می‌توانستیم انتخاب کنیم. بعد خیال می‌کردیم که کارگر ایرانی خیلی باهتر و با استعداد است، غافل از اینکه ما بهترین‌ها را انتخاب کرده‌ایم. به مجرد اینکه ریتم توسعه اقتصادی و بخصوص توسعه صنعتی، افزایش یافت **دچار بن بست** و گرفتاری شدیم و متوجه شدیم که راندمان‌ها پایین است" (۳۳).

"پس از دو سه سال اول، میزان رشد صنعتی ما در سال به طور متوسط ۱۵ تا ۱۶ درصد بود، و تنها کشوری که با ما برابری میکرد **کره جنوبی** بود. تنها کشوری که اگر، می‌شد اسمش را کشور گذاشت، میزان رشد صنعتی‌اش بالاتر بود **سنگاپور** بود" (۳۴).

۳۲- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۵۳

۳۳- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۵۴

۳۴- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۹۹

این صحبت درست است و جهت ذهنیت خوانندگان این گزارش، برخی نمودارهای مهم و شاخص های این دوره مفید (۱۳۵۱ - ۱۳۴۰) از اقتصاد کشورمان را در ادامه عرضه می داریم. از منظر اقتصادی در هیچ دوره از تاریخ معاصر ایران، چه قبل از این دوره و چه بعد از آن، کشور با چنین شاخص هائی روبرو نگردید.

- نمودار صفحه ۳۷ نشان میدهد که چین رشد متوسطی را دیگر در هیچ یک از دوران اقتصادی کشور شاهد نبوده ایم.

- نمودار صفحه ۳۸ حاکی از نرخ متوسط تورمی است که در هیچ دوران تاریخ معاصر شاهد آن نبوده ایم.

- نمودار صفحه ۳۹ نیز نشان میدهد که به دلیل اطمینان یافتن بخش خصوصی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص توسط بخش

خصوصی دیگر هیچگاه چنین رشد متوسطی را شاهد نبوده تنها در دوران **دفاع مقدس** سهم بخش خصوصی در تشکیل

سرمایه ثابت ناخالص ماشین آلات مثبت گردید.

- نمودار صفحه ۴۰ نشان میدهد که سهم بخشهای واقعی (صنعت و معدن و کشاورزی) در تولید ناخالص داخلی (GDP)، تنها

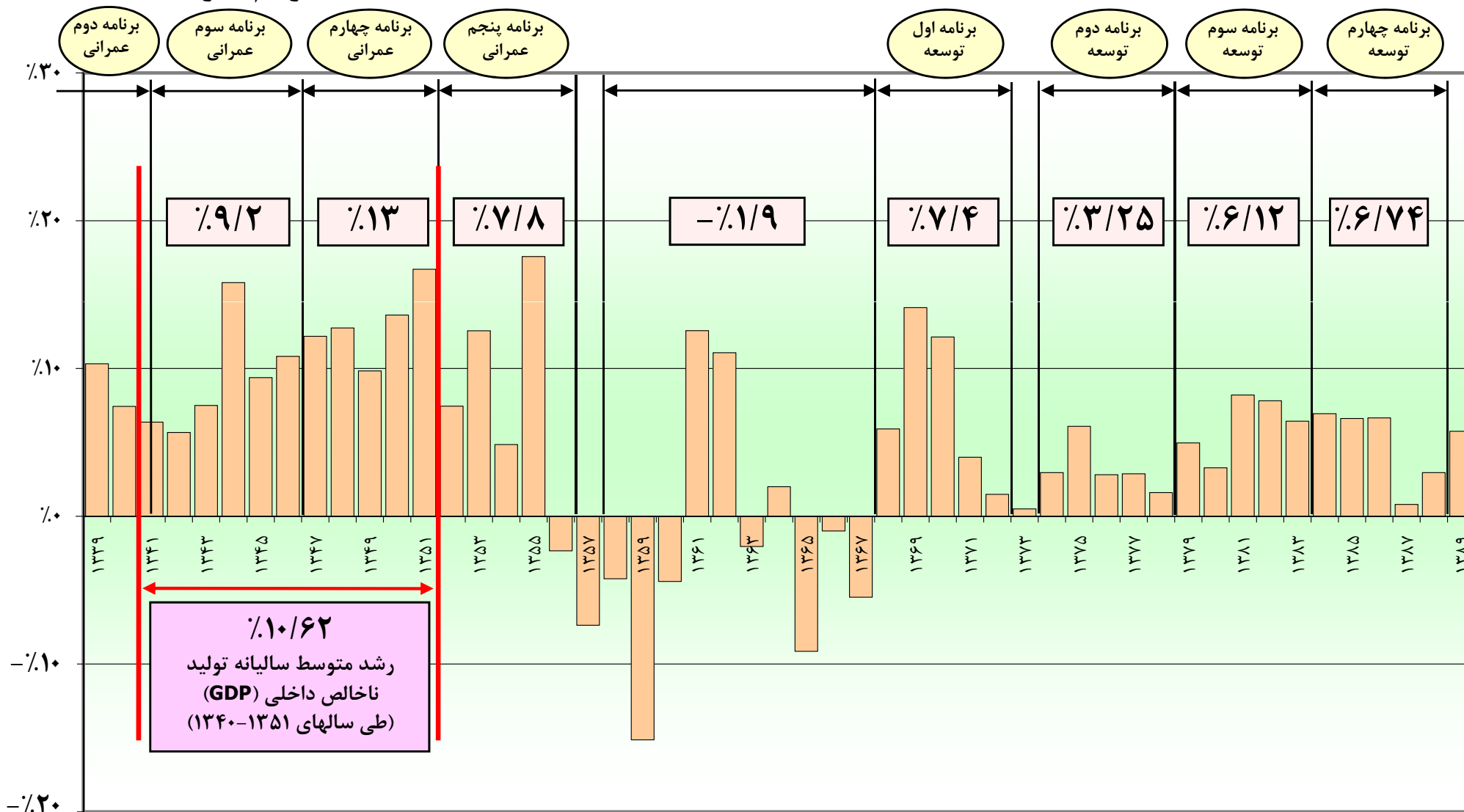
در این دوره بالاتر و یا نزدیک سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی بوده. پس از افزایش درآمدهای نفتی شاهد برهم

خوردن این تعادل و **تفوق خدمات مولود واردات بر تولید** می گردیم.

وضعیت رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶ در اقتصاد ایران

طی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۸۹

ارقام : درصد

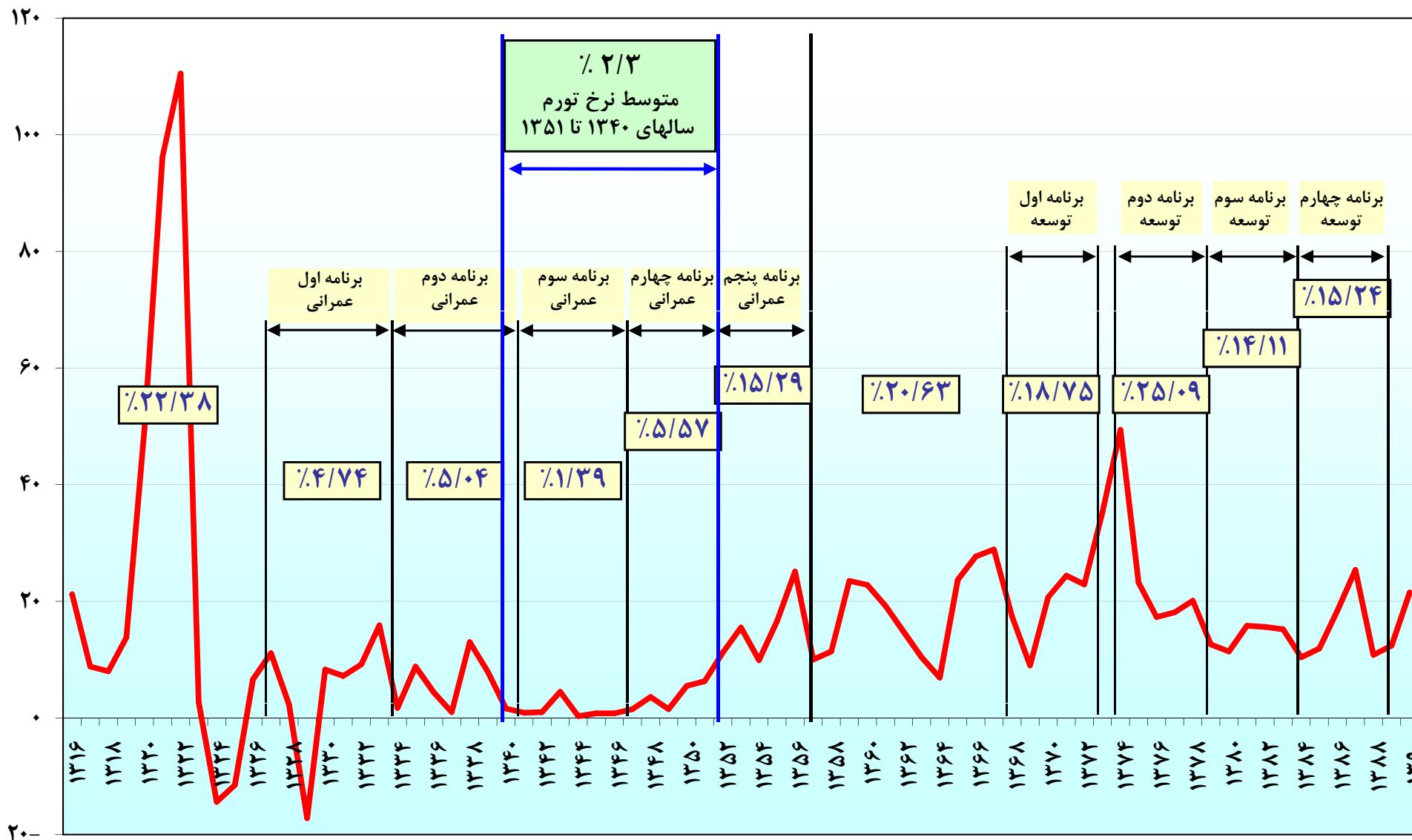


منبع: بانک مرکزی ج.ا. ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سربهای زمانی اقتصادی، فصل حسابهای ملی، بخش های تولید و هزینه ناخالص ملی، بندهای تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و استهلاك سرمایه ها

نرخ تورم ۷۳ ساله ایران

سالهای ۱۳۹۰ - ۱۳۱۶

واحد: درصد

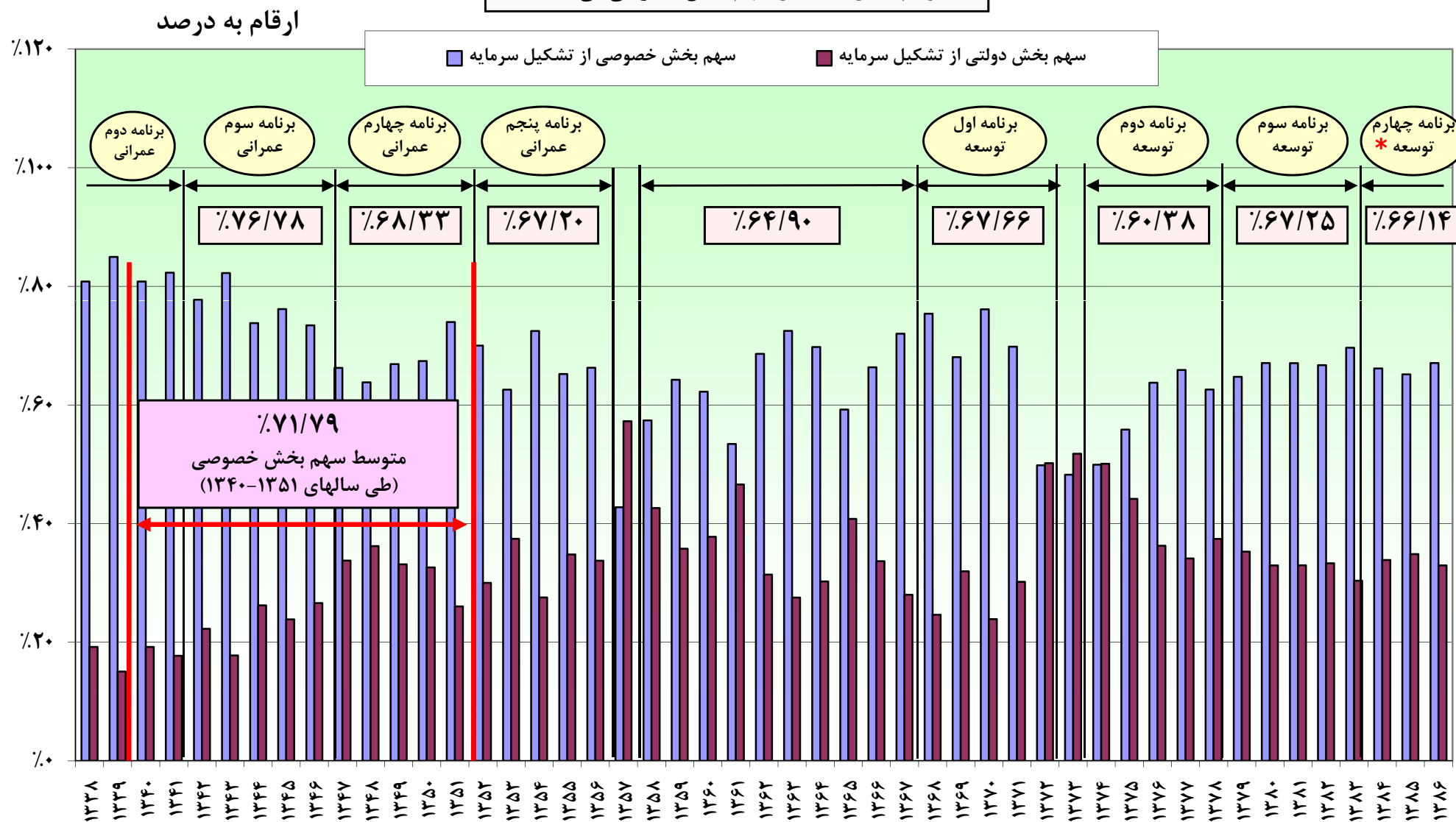


مأخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی و خبرگزاری مهر، کد خبر ۱۲۲۱۰۷۵، تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲

وضعیت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (FIG) و تفکیک آنها به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶

در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۸۶

ارقام داخل مستطیل سهم بخش خصوصی می باشد

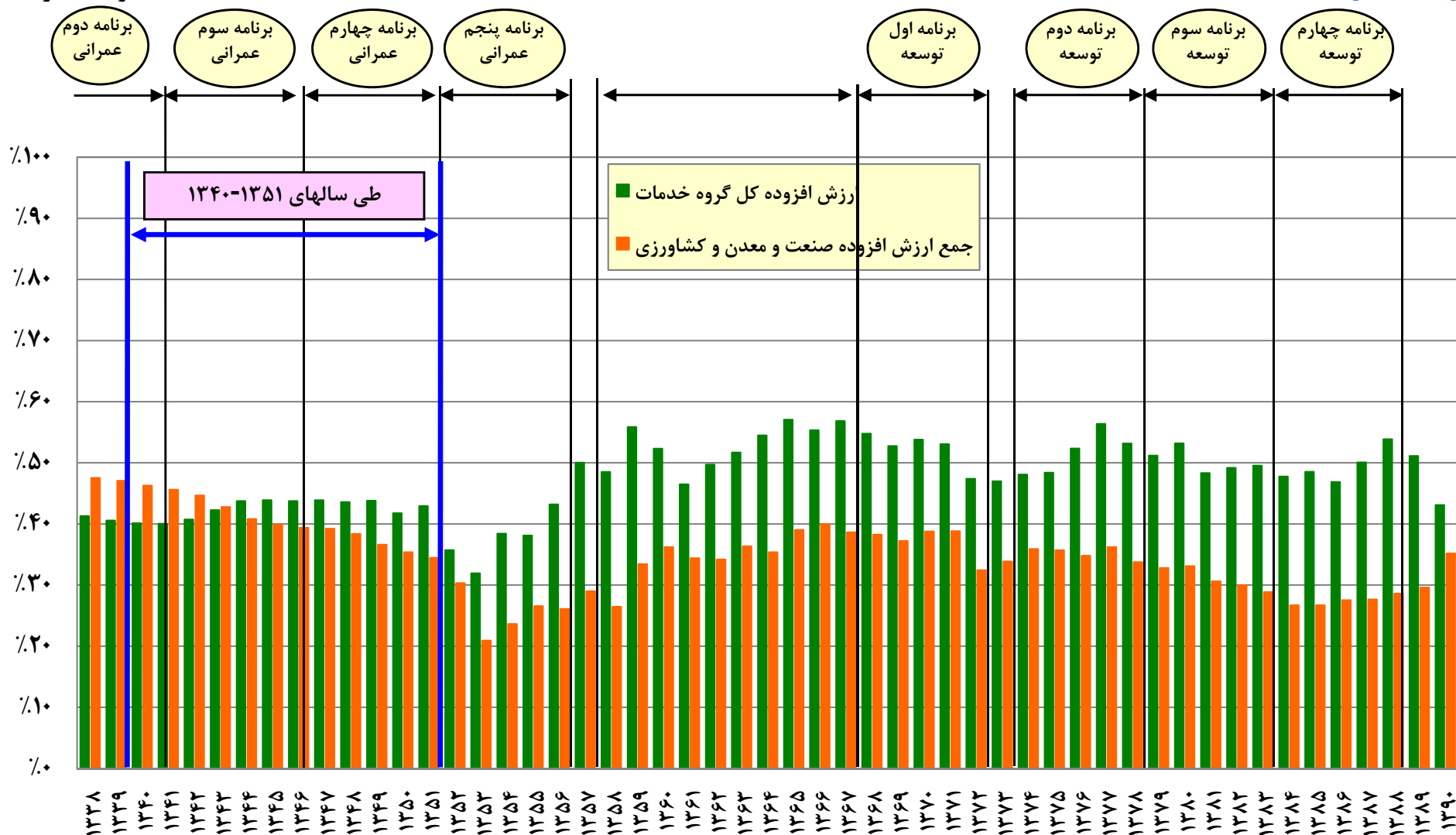


منبع: بانک مرکزی ج.ا. ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سریهای زمانی اقتصادی، فصل حسابهای ملی، بخش های تولید و هزینه ناخالص ملی، بندهای تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و استهلاك سرمایه ها

تحول تغییرات ارزش افزوده بخش واقعی (کشاورزی + صنعت + معدن) در برابر بخش خدمات

در تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران به قیمت‌های جاری طی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۰

واحد: درصد



منابع: ۱- بانک مرکزی ج.ا. ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سربهای زمانی اقتصادی، آمار حسابهای ملی، سالهای ۱۳۳۸-۱۳۸۵
 ۲- آمار سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۶، بانک مرکزی ج.ا. ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، نماگرهای اقتصادی شماره ۶۶ سه ماهه سوم ۱۳۹۰، بخش حسابهای ملی
 * آمار سال ۱۳۹۰ مربوط به سه ماهه دوم سال می باشد.

-عوامل تاثیر گذار در موفقیت های این دوره

همانگونه که ملاحظه گردید رشد اقتصادی در این دوره با **کره** تقریباً هم تراز بود. لیکن رویه ای که کره انتخاب نموده بود **تفاوت‌هایی** قابل توجه با کشورمان داشت و امید است کمیسیون اقتصاد کلان در گزارشی مستقل، مقایسه تطبیقی توسعه ایران و کره، همچنین اشتباهات روی داده در این بازه زمانی را به تصویر کشد. در این قسمت برخی از شاخصه های اثرگذار را از زبان مسئولین وقت ارائه می‌دهیم.

الف - تلاش در برقراری ضوابط به جای روابط :

" صدور پروانه را از جنبه خصوصی و شخصی و فردی بکلی بیرون آوردیم. اولاً تدوین ضابطه باعث شده بود که وقتی شما این ضوابط را می‌پذیرفتید پروانه موقتی در اختیارتان می‌گذاشته [تا] نشان دهد که دارید کار را اجراء می‌کنید. هیچ کس هم نمی‌توانست جلوی کار شما را بگیرد. این باعث شد که هیچ‌گونه امکان سوء استفاده در این کارها وجود نداشته باشد. در آن سطح، ایجاد صنعت در کشور به صورت کاملاً بیطرفانه و همراه با **پشتیبانی و نظر خوب** نسبت به هر تولیدکننده ای انجام شد. این را خیلی زود تمام کسانی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کردند درک کردند و **متقابلاً آنها هم با اطمینان و اعتماد** با ما کار می‌کردند. اشاره کردم که کار به جایی رسیده بود که برخی از صاحبان صنایع به راحتی، اگر نه همه چیز، اما بسیاری از ابعاد کار خودشان را به ما می‌گفتند و **یک نوع گفت و شنود واقعی** میان ما به وجود آمده بود. این حالت را من در کشورهای در حال رشد **دیگر جز در کره [جنوبی]، ندیدم**. صاحبان صنایع ما می‌دانستند که اگر بخواهند خارج از خطی که برای همه روشن کرده ایم گام بردارند، موفق نمی‌شوند. **اصلاً علت موفقیت ما و علت اینکه رشد صنعتی ایران** با این سرعت و به این میزان بالا رفت، این بود که **تبعیضی در کار نبود**. کارها **اصولی** شده بود و این اصولی شدن کارها تکلیف سرمایه گذاران را روشن می‌کرد. می‌دانستند در چه شرایطی می‌توانند کار بکنند و در چه شرایطی غیر ممکن است و چیزی هم این وسط وجود نداشت. **احیاناً هم اگر بعضی وقتها کسانی که گمان می‌کردند نفوذ دارند سعی می‌کردند در کار ما مداخله بکنند، در واقع سرشان به سنگ می‌خورد**" (۳۵).

ب - تقدم بخشیدن به بخش خصوصی

"چیزی که خیلی مهم بود ، این بود که ما در دهه ۶۰ (۱۳۳۹-۱۳۴۹) یکی از کشورهای نادر سراسر جهان بودیم که **تقدم** را به **بخش خصوصی** داده بودیم ، و این خیلی استثنائی بود . این تأکید را بیشتر از این نظر می کنم که ما **درآمد اصلی مان** از مالیات نبود ، از **درآمد نفت** بود. به رغم اینکه درآمد اصلی مان از درآمد نفت بود ، و این خودش یک **قدرت بسیار زیادی** در برابر بخش خصوصی **به دولت می داد**، با این همه **ما رفتارمان** نسبت به بخش خصوصی بمراتب **آزادانه تر** بود تا مثلاً ترکیه ای که درآمد نفت نداشت و باید با مالیات و یا فرآورده های کشاورزی اش زندگی می کرد " (۳۶) .

ج - وفای به تعهد و شفاف بودن در رفتار

"حرف من این بود که هر چه دولت های پیشین به بخش خصوصی قول داده اند ، من احترام می گذارم ، **حتی اگر با آن مخالف باشم**. این موضع گیری خیلی به مسأله **اعتماد و اعتقادی** که گفتم بخش خصوصی پیدا کرده بود **کمک کرد**. ما سیستم باز پرداخت حقوق گمرکی کالاهای ساخته شده صادراتی را ترتیب داده بودیم مثلاً برای بازپرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای صادراتی، به متقاضیان گفته بودیم شما اسنادتان را می آورید به وزارت اقتصاد و ۱۵ روز پس از روزی که این سندها را به وزارت اقتصاد دادید ما برای شما چک می فرستیم . ولی اگر در عرض این ۱۵ روز به **هر کارمندی** در وزارت اقتصاد **مراجعه بکنید** ، ۱۵ روز کارتتان را عقب می اندازم می خواستیم به این ترتیب جلو هرگونه سوء استفاده را گرفته باشیم یک بار یکی از این صادر کننده های بخش خصوصی به من گفت که **دنیا وارونه شده** . برای اینکه **تا حالا دولت از ما پول می گرفته**، ولی امروز من نشسته بوم ، و اتفاقاً چند نفر از همکارانم در دفترم بودند ، به من گفتند که آقا نامه رسان وزارت اقتصاد آمده و من نمی دانستم در چه مورد است . ولی وقتی آمد ، پاکت را باز کردم دیدم که چک برایم رسیده و من به شما رک و راست بگویم ، می دانم که **حق ندارم رشوه بدهم** ، ولی من به آن نامه رسان **انعام دادم** " (۳۷) .

۳۶- علینقی عالیخانی ، همان، صفحه ۷۱

۳۷- علینقی عالیخانی ، همان، صفحات ۹۵-۹۳

د - هماهنگی بین نهادها

" وضع به این صورت در آمد که **سازمان برنامه و بانک مرکزی و وزارت اقتصاد** یک مثلث خیلی جالبی شدند که کاملاً حرف همدیگر را می فهمیدند . کاملاً **با هم تفاهم داشتند** . این تفاهم به خاطر **رابطه ای** بود که **بین خود ما** ایجاد شده بود
رئیس کمیسیون صندوق بین المللی پول به طنز گفت هماهنگی ای که من در سازمان اداری ایران می بینم به خوبی انگلیس است و خیلی بهتر از واشنگتن . آن چیزی که در واقع اینها را خیلی به تعجب انداخته بود این بود که هیچ فکر نمی کردند که در یک کشور در حال رشد یک چنین ارتباط و هماهنگی بین مدیران سطح بالایش باشد ، در حالی که برای ما عادی شده بود با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشیم. فکر می کردیم که باید این طور باشد . ولی بعدها که خود من مشاور اقتصادی شدم و به کشورهای مختلف رفتم ، فهمیدم که تا چه اندازه ما از این نظر ها از کشورهائی که امروز در دنیا خیلی هم اسم و رسم دارند **جلوتر بودیم** " (۳۸) .

ه - ظرفیت اقتصادی و صرفه مقیاس بنگاه ها

" یک علتی که ما در این کار موفق شدیم این بود که حمایتی که ما از صنایع می کردیم به این صورت بود که نگاه می کردیم که **آیا بازار ما این امکان را می دهد** که بیش از یک نفر در صنعت خاصی وجود داشته باشد یا نه . چون اگر فقط یک نفر بود و حالت انحصاری پیدا می کرد خیلی خطرناک بود . در بعضی از صنایع در مرز انحصار بودیم ولی سعی می کردیم انحصار را از بین ببریم، نمی گذاشتیم در دست یک نفر باقی بماند " (۳۹) .

۳۸- علینقی عالیخانی ، همان، صفحات ۸۲-۸۱

۳۹- علینقی عالیخانی ، همان، صفحه ۱۱۵

حال به جوهری از رویدادهای کشورمان می پردازیم ، که در پرتو **جاه طلبی ها**، نپذیرفتن نظرات کارشناسی، عدم شناخت شرایط و توانایی های کشور، اتخاذ تصمیم های شخصی، عدم بهره گیری از علم، **اشتیاق به تصویر سازی بی محتوا که خالی از خلوص نیت** بود، تأثیر پذیرفتن کورکورانه از نظرات خارجی و امثالهم، تلاشهایی که صورت پذیرفت و قابلیت جهت گیری به سوی پیشرفت را می توانست مهیا سازد، بر هم زده و دستاوردها را متزلزل نموده و نا کارآمدی را رایج نمود.

– از عرش تا فرش

همانگونه که در صفحات پیشین ذکر گردید، ارتباط جدا نشدنی بین **قدرت** و فراوانی منابع در دولت های معدن کاو تقویت می شود. در این حالت، هم گروه های سازمان یافته و هم دیوان سالاران حکومت می جنگند تا وضعیت موجود را حفظ کنند. در دولت های نفتی چون میزان رانت ها بسیار بالا است، شرایط ناخوشایند به مراتب بیشتر است. این وضعیت زمانی که تنها یک تصمیم گیر در آن کشور وجود داشته باشد و بر اساس استنباط شخصی تصمیم گیری نماید و نه متکی به برآیند تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر **تعقل نخبگان** جامعه، شرایط جامعه به سرعت رو به پیچیدگی خواهد گذاشت.

رونق ها باعث ایجاد انگیزه های قوی و حتی مسلط برای حفظ مسیرهای موجود می شود و کشور را با شتاب به سمت مشکلات آتی می برد. در این حالت مواجهه با ابراز هدفهای بلند پروازانه و کوششهایی می گردیم که پایه های مستحکم ندارند.

" اما این هدفها **بیانه ای برای امیدها و آرزوهاست** و در این صورت، چیزی به جز **دلبندی** به اصلاح و پیشرفت کشور نیستند " (۴۰). و در جهت حصول به آنها در کشورمان تلاشهایی صورت می پذیرفت، لیکن این " کوشش های حکومتی محدود و در **باطن خالی از خلوص** " (۴۱) بود. از همین رو **تصویرسازی بدون محتوی**، مشی غالب در کشور و توجه از زاویه **سیاسی** به اقتصاد، منشاء بسیاری از **اتلافهای دردناک** منابع بوده است. توجه به تجارب مسئولین اجرائی آن زمان کشور می تواند ذهنیت لازم را فراهم آورد.

۴۰- تاس . اچ . مک لئود ، برنامه ریزی در ایران ، ترجمه علی اعظم محمد بیگی ، نشر نی ، چاپ دوم ، سال ۱۳۸۰ ، صفحه ۳۷

۴۱- ویلم فلور ، صنعتی شدن ایران ، ترجمه ابوالقاسم سری ، نشر انتشارات توس ، چاپ اول ، ۱۳۷۱ ، صفحه ۹۹

عدم وجود خلوص نیت از وجوه مؤثر توسعه نیافتگی ایران است. به نقل قولهای ذیل توجه فرمائید:

"آن موقع هنوز ذوب آهن مطرح نبود. در پس فکر اعلیحضرت البته بوده، بیشتر روی طرحهای عمده ارتباطی تکیه داشتند. آن موقع یک مقداری روی سدسازیهای بزرگ تکیه داشتند. کشت و صنعت را مثلاً تکیه داشتند که اینها چیزهایی بود که برای ما که توی سازمان برنامه بیشتر در جهت اجتماعی - اقتصادی فکر می کردیم، این جنبه های سیاسی - اقتصادی اهمیت کمتری داشت. فکر می کردیم که سرمایه گذاریهای سنگین توی طرحهای بزرگ بازده اش برای مملکت طوری نیست که بتواند به ما اجازه بدهد که یک نوع رشد اقتصادی مستمر و مداومی را داشته باشیم. بحثها نقطه نظرهای کاملاً اقتصادی - اجتماعی بود" (۴۲).

و یا " این فقط به خاطر این بود که شاه مایل بود که بگوید آن کارهایی را که ارسنجانی انجام داد فقط مرحله اول اصلاحات ارضی بود و همه برنامه های من نبود. برنامه من مفصل تر است. همه مان احساس می کردیم که حرف زور است" (۴۳).

و یا " حرف من این بود که ما دولت شهرنشینان ایران هستیم یا دولت همه مردم ایران؟ هویدا رسماً به من گفت، نه من اول دولت شهرنشینان هستم، به خاطر اینکه آنجائی که شلوغ میشود شهرهاست. به عبارت دیگر او دارای شمّ سیاسی بود که من نداشتم، ولی هنوز هم اعتقاد دارم که من حرفم درست بود. او شمّ سیاسی داشت، اما این شمّ سیاسی را ممکن بود که برایش راه حل دیگری پیدا کند. یعنی هنوز هم معتقدم که یکی از خطاهای اساسی ما در کارمان این بود که کشاورزان کشور را جریمه می کردیم که احیاناً شهرنشین ها یک کمی خوشحالت تر باشند، که البته در سالهای بعد معلوم شد که آنها چندان خوشحال نیستند" (۴۴).

۴۲- عبدالمجید مجیدی، خاطرات شفاهی، نشر صفحه سفید، شابک ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۵۸۲-۵-۲، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷، صفحه ۹۱

۴۳- علینقی عالیخانی (وزیر اقتصاد ۱۳۴۸-۱۳۴۱)، خاطرات شفاهی، نشر آبی، چاپ دوم، ۱۳۸۲، صفحه ۴۵

۴۴- علینقی عالیخانی، همان، صفحه ۱۹۱

و یا " شما اگر واقعاً می‌خواستید روی توده‌های مردم، روی اجتماعات بزرگ تکیه نکنید، می‌بایست مطابق میل آنها حرف می‌زدید و احتیاجات آنها را برآورده می‌کردید. احتیاجات آنها و انتظاراتشان و خواست‌هایشان هم کاملاً در تضاد خیلی فاحشی بود با خطوط اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی و لزوم ساختن زیربنای مملکت. یعنی شما اگر می‌خواهید بروید به طرف این که آرای عمومی را بیشتر به طرف خود بکشید و رأی بیشتری از مردم بیاورید، می‌بایست یک مقدار زیادی از جاه طلبی‌های اقتصادی و تغییرات مادی که می‌بایست در مملکت داده بشود صرف‌نظر می‌کردید. مسئله مهم تر [این که] شما اگر به طرف خواست‌های مردم می‌رفتید، از نظر تربیت نیروی انسانی لازم برای ایران مدرن و پیشرفته، به اشکالات عظیم بر می‌خورید. لذا، اگر به آن چه تنگناهای اقتصادی و اجتماعی مملکت بود، توجه می‌کردید، طبعاً یک مقداری می‌بایست آن تقاضاهای عمومی و آن خواست‌های توده‌ها را ندیده می‌گرفتید. در نتیجه، اگر می‌خواستید اولویت به ساختن زیربنای اقتصادی بدهید، دمکراسی یک دمکراسی نیم‌بندی می‌شد که نتیجه هم همین بود که بین دید دولت و انتظارات مردم تفاوت فاحشی پیدا شد " (۴۵).

" یعنی ما تشکیلات سیاسی مان برای این بود که نماد و ظاهر این ساختمان قابل قبول و قابل پسند باشد و در داخلش آن چه برای مملکت مفید است انجام بدهیم. این در مملکت پیشرفته‌ای که مردم می‌فهمند احتیاجات بلند مدتشان چیست، قابل درک یا قابل عمل است. ولی در جامعه‌ای که اکثریت دنبال چیزهای دیگری است، شما مرتب با تمایلات مردم برخورد و اصطکاک پیدا می‌کنید. به خصوص که مردم همه چیز را از دولت می‌خواستند. من خیلی سعی می‌کردم در شهرهای کوچک، حتی مناطق روستائی، ببینم تقاضاهای مردم چیست، اینها بیشتر تقاضاهایشان در حد ساخت و ایجاد قبرستان، ایجاد یک درمانگاه، ایجاد یک فرض کنید فاضلاب، مدرسه و این قبیل چیزها بود. در حالی که [پاسخ گوئی به] این احتیاجات، منابع مملکت را بیشتر به طرف چیزهائی می‌کشید که بازده اقتصادی میان مدت یا کوتاه مدت نمی‌داشت. برای این که دلاری که شما از نفت می‌گیرید، سرمایه‌گذاری بشود - به عنوان سرمایه اصلی مملکت - و بعداً برای بهتر شدن زندگی مردم از آن بهره بگیرید، فرصت و زمانی می‌خواست که مردم حوصله بکنند و صبر بکنند که شما بتوانید جواب احتیاجات فوری ایشان را بدهید. این مسئله‌ای بود که هیچ وقت قابل فهم برای مردم نبود و مسئولین دولتی هم به خودشان خیلی زحمت نمی‌داند که این توضیح را بدهند یا تفهیم بکنند " (۴۶).

و یا " برای ایرانی معمولی، واژه‌های « دموکراسی » و « حقوق بشر » به معنای **قحطی، فقر و فساد** بیشتر است. آنها می‌پرسند چرا پریزیدنت جیمی کارتر به شاه گفت وضع حقوق بشر را در ایران بهبود بخشد، در حالی که یک کلمه به انگلستان درباره خروج از جبل الطارق نگفت؟ چرا ایالات متحده هیچ گاه در مورد آزادی زنان به عربستان سعودی چیزی نگفت؟ دموکراسی، برخلاف خواست ساده کمونیسم که به فقیران می‌گفت ثروتمندان را بکشند و زمین‌ها را تصاحب کنند، هرگز نتوانست در جاهائی مثل ایران هواداران چندانی به دست آورد. با این حال، در تمام زندگی‌ام **شاهد تظاهر خود انگیخته عمومی به دموکراسی** بوده‌ام. دموکراسی یک مجموعه بسیار پیچیده است، که به **سیاستمداران حرفه‌ای و رسانه‌های همگانی سازمان یافته** نیازمند است.

همه آنچه که اکنون در ایران روی می‌دهد، قبلاً نیز اتفاق افتاده بود. من دو سه بار شاهد آن بودم - جدائی خشونت آمیز از یک ابر قدرت، **هراس زندگی بر پایه حاکمیت ملی**، ناامیدی ویرانگر. هنگامی که **عمه‌زاده** من، محمد مصدق، در سالهای سی، نفت را ملی کرد و شاه را از ایران فراری داد، تمام اقداماتش، مثل کارهای آیت الله خمینی، نادرست و ارتجاعی **قلمداد شد**. در آن هنگام نیز ایران، مثل امروز منزوی شد. **مخالفان با تهدید به قتل یا، از آن بدتر، اتهام رایج ساخت و پاخت با دولت بریتانیا، ساکت شدند**. بسیاری در لندن و واشنگتن گمان می‌کردند مصدق دیوانه است، **که نبود**. او می‌کوشید به ایران خدمت کند. مردم هم او را دوست داشتند. او صداقت و صمیمیتی را از خود نشان داد که شاه هیچگاه به آن دست نیافت. **او بریتانیا را** برای همیشه از حوزه‌های نفتی **بیرون راند**، اما در سایر موارد شکست خورد. در ایران زخمها هنوز التیام نیافته است. در کشوری که رومیان را در قرن سوم شکست داد و والرین، امپراتورشان، را اسیر کرد، در کشوری که تعریف جدیدی از اسلام عربها ارائه داد و آن را از آن خود کرد، هیچ کاری **بدون خلوص نیت انجام نمی شود** " (۴۷).

موارد مذکور نشان می‌دهد که در جامعه ای همچون ایران ، **خلوص نیت** عاملی بسیار مهم و **حیاتی** برای توسعه کشور میتواند باشد. نگاه **سیاسی** صرف به **اقتصاد** و برجسته نمودن وجوه سیاسی و دوری از **محتوا** ، هسته اصلی عدم حصول کارآمد به توسعه و پیشرفت گردیده و به تبع آن، آنچه ذبح میشود برنامه ریزی ها و راهبردهای مورد نیاز پیشرفت کشورمان میباشد. "**برنامه ریزی** هیچ وقت به آن **معنای واقعی کلمه** در ایران **نضج نگرفت** و شکل نگرفت و **محترم** شمرده نشد" ^(۴۸) . زیرا همانگونه که در ماخذ پانویس ۱۸ تشریح گردیده، هم گروه های سازمان یافته و هم دیوانسالاران حکومت می جنگند تا وضعیت موجود را حفظ کنند و از رانت ها منتفع شوند و وسائلی را فراهم سازند که این رانت ها وارد اقتصاد شود. اقتصاد دارای برنامه مستحکم توسعه شفاف، امکان رانت جوئی و فساد را به میزان قابل تأملی کاهش میدهد.

از آنجائیکه بی برنامه بودن هر کشور - آنها هم با روی آوری **درآمدهای اتفاقی** - احتمال تشدید فساد را میتواند به دنبال داشته باشد، هرازچندگاهی تبلیغ تغییر ساختارهای اجتماعی و یا ایجاد سازمانهای جدید را به جهت **مبارزه با فساد** در پی داشته، **غافل** از اینکه مشکل اصلی در جای دیگری می باشد. "..... وقتی اعلیحضرت به من فرمودند که، « می خواهیم تشکیلات سیاسی مملکت را عوض بکنیم و یک سیستمی درست بکنیم که انتقاد از داخل خودش باشد،» من به ایشان عرض کردم « قربان، من فکر نمیکنم که این مسئله مملکت ما باشد. مسئله مملکت ما این است که مردم آن طوری که باید و شاید به عملیات دولت، به اقدامات دولت، به تصمیمات دولت **اعتماد** ندارند. **یک علت اصلیش مسئله فساد** است. اگر ما بتوانیم با فساد مبارزه کنیم و فساد را کم بکنیم، یا از بین ببریم، خیلی بیشتر مردم راضی می شوند تا این که بیائیم سیستم چند حزبی را تبدیل به سیستم یک حزبی بکنیم البته اعلیحضرت از این حرف من **خوششان** نیامد. فرمودند: « منظور از فساد چیست؟ » گفتم، « منظور من، قربان، از فساد این است که یک عده که نزدیک **دولت** هستند، نزدیک **مقامات دولتی** هستند، نزدیک **دربار** هستند، نزدیک و اطراف **خانواده سلطنتی** هستند، اینها یک بهره گیری هائی از کار و فعالیت شان می کنند که **منطقی** نیست.» حتی برایشان مثال زدیم.

« یک قراردادی که امضاء می‌شود، یک طرحی که اجراء می‌شود، بین پنج تا ده درصد و بعضی مواقع ممکن است از ده درصد هم بیشتر گیر یک بابائی بیاید که این کار را راه انداخته یا واسطه بوده یا دلال این کار بوده که این صحیح نیست. این است که مردم عصبانی می‌شوند. ناراحت هستند از این که چنین فسادی در مملکت وجود دارد. یا این که به چشمشان می‌بینند اشخاصی یک دفعه میلیونر می‌شوند یا مولتی میلیونر می‌شوند بدون این که حقشان باشد، بدون اینکه کاری انجام داده باشند. « اعلیحضرت به من گفتند، « آیا آن کارمند دولتی که رشوه می‌گیرد، آن فساد نیست؟ » آن موقع متوسط حقوقی که کارمندان دولت می‌گرفتند در آن سال یک چیزی بود حدود دوهزار و پانصد تومان تا دوهزار تومان. گفتم ، « چرا، قربان. آن هم فساد است. آخر در وضعی که حقوق متوسط کارمند دولت در سطح مملکت هزار و پانصد تومان است و اجاره خانه از هزار تومان کمتر پیدا نمی‌شود، طبیعی است که یک کارمند دولتی می‌رود دنبال این که یک ممر درآمد دیگری داشته باشد که بتواند دو سر نخ را به هم برساند و به طریقی زندگیش را بگذراند. آن را ما اگر حل نکنیم، مسئله خیلی بهتر می‌تواند حل بشود. « کاشکی آن روز یک خورده جدی‌تر این مسئله را مطرح می‌کردم. کاشکی شخصاً وقتی آمدم تهران یک مبارزه را شروع می‌کردم که البته کردم و چوبش را هم خوردم. ولی آن طوری که باید و شاید نبود " (۴۹).

از سال ۱۳۵۲ با ورود درآمدهای نفتی بادآورده، که حاصل تلاش و تولید نبود، رفتارهای مفسده انگیز بیشتر گردیده و فساد را در کشور بیشتر نمود.

" سرازیر شدن مبالغ کلان نفت به خزانه‌های ما، ما را نیز با مسئله پیچیده‌ای مواجه ساخت. ثروتهایمان را چگونه باید به مصرف

می‌رساندیم؟ چگونه می‌توانستیم سرمایه خود را صرف **توسعه واقعی** کنیم تا در زمانی که ذخایر نفتمان به پایان می‌رسد، به پیشرفت و خودکفائی دست پیدا کرده باشیم؟ نیازهای ما بسیار زیاد بود، اما این دارائیه‌ها **با چنان سرعتی نصیب** ما شده بود که برای بهره‌برداری صحیح و **عقلانی** از این **ثروت ناگهانی فرصت کمی** داشتیم " (۵۰). و بدون برنامه فقط با خرج نمودن منابع ذیقیمت کشور، مسابقه ای ناگوار برای حصول به **«تمدن بزرگ»** شکل گرفته و فضائی آکنده از رؤیا پردازیها آغاز گردید.

" البته این [منظور توضیحات تمدن بزرگ می‌باشد] ناکجاآبادی بیش نبود. برای رسیدن به حتی بخشی از این موقعیت **خیالی**، داشتن **پول** به تنهایی **کفایت** نمی‌کرد. این کار نیازمند **زمان، تخصص، زیر ساخت، و مدیریت** بود - که هیچ کدام **در اختیار نبود**. در نتیجه، مشکلات و **چالش‌هایی** که ایران و اغلب کشورهای عضو اوپک، که برای پیشرفت جوامع خود تلاش می‌کردند، با آنها مواجه بودند، بی سابقه و **خردکننده** بود. **توسعه انفجارآمیز** و هزینه‌کردن بدون آمادگی، آش هفت من جوشی پدید می‌آورد که نتیجه اش بروز تنگناها، **بازماندها، فساد، اتلاف، حرکت‌های کاذب و ظاهرسازیهای غیر مولد** بود. **تورم** داخلی سر به آسمان گذاشت. **آلودگی، تراکم و خشونت** روزافزون به عنوان **اثرات جانبی** و اجباری پیشرفت و ترقی توجیه می‌شد. **کمبود نیروی کار**، که در نیمه اول سال ۱۳۵۴ تقریباً به ششصد هزار شغل رسید، تحقق برنامه‌های گسترده اقتصادی کشور را با **مانع جدی** مواجه ساخت. کشورهای صادرکننده نفت، برای سه سال دیگر، با چنان **سرمستی و آزمندی** به خرید رو کردند که **نظیرش** را دنیا هرگز به خود ندیده بود. این امر به صورت صفهای کشتیهائی که در دریا منتظر بودند و نمیتوانستند بار کالاهایشان را تخلیه کنند، خود را نشان می‌داد. پولی که بابت خسارت معطلی کشتی‌ها و انبارداری و هزینه ضایعات - پرداخت می‌شد،

در واقع ثروتی بود که دور ریخته می‌شد. درحالی‌که تجارت ما باعث رونق و پیشرفت کشورهای دیگر می‌شد، چیزی جز مشتی کالاهای بنجل و بی مصرف، که چندان کمکی به ارتقاء سطح زندگی نمی‌کرد، نصیب مردم ما نمی‌شد. بندرها، انبارها، جاده‌ها، و راه‌های آهن پر ازدحام و مملو از کالا شده بود و از آنها بیش از ظرفیتشان کار کشیده میشد. آن چه که امکان بارگیری‌اش نبود، اغلب در بارانداز روی هم انباشته و به امان خدا رها می‌شد. به مرور زمان، یافتن چیزی در میان انبوه کالاهای روی هم انباشته ناممکن می‌گردید، و هر روز که می‌گذشت، بی‌نظمی و لجام گسیختگی شدیدتر میشد. پایه و اساسی برای توزیع این همه کالائی که مقاطعه کاران و کارپردازان دولتی، با دسته چکهای سفید و اختیارات کامل، سفارش ورود آنها را به کشور می‌دادند، وجود نداشت. آنها گمان می‌کردند بدون درکی از سازماندهی می‌توان مواد را خرید، نیروی کار فراهم آورد، و مجریان را به خدمت گرفت، آنها درک نمی‌کردند که گرد هم آوردن و روی هم انباشتن آجر و سیمان و آهن در یک محوطه به معنای پدید آمدن یک خانه یا کارخانه نیست. همه درباره ژاپن حرف می‌زدند، بی آنکه مطالعه کرده باشند که موفقیت‌های آن کشور چگونه به بدست آمده است. از آن گذشته، جامعه ما در باطن هنوز یک جامعه طایفه‌ای، چندپاره و ناپیوسته بود، مثل ارکستری که هر کس ساز خودش را می‌زد. آنچه که ما کم داشتیم رهبری و کارآموزی بود که به این نواهای پراکنده هماهنگی و نظم بخشد. پولی که در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ به ایران سرازیر شد، کشور را دستخوش تغییر ساخت و نهادها، ساختار اجتماعی، اقتصاد و نگرش مردم را تا بدان حد دگرگون کرد که باعث گسست کامل از گذشته شد" (۵۱).

رشدی که ظاهراً در کشور ایجاد گردیده بود، دارای بنیانهای واقعی و مبتنی بر تولید فرآیندی و فن‌آورانه نبود. "این رشد نه برنامه ریزی شده بود و نه متوازن، و در فضائی صورت گرفت که با ناامنی و بی‌اعتمادی روزافزون همراه بود. ایران در بحبوحه این فراوانی و وفور، درست مثل ونزوئلا در آن سوی دنیا، گرفتار کمبودهایی شد که مسبب آن برنامه‌ریزی نادرست دولت بود.

شاید کمبود مواد غذایی از همه نمایان تر بود. سدهائی در نقاط مختلف کشور ساخته شد تا نظام آبیاری را بهبود بخشد و کشاورزی مکانیزه در زمینهای وسیع را ترویج کند. دولت دهقانان را در کاربرد ماشین آلات سنگین یا مدیریت کشتزارهای بزرگی که با آب تازه فراهم آمده، آبیاری می شد، **نالایق تشخیص داد** و زمینهای را که ده سال پیش در جریان انقلاب سفید به دهقانان واگذار کرده بود، از آنها پس گرفت. دهقانان هم که دیدند در این نظام جدید کشاورزی جائی برای آنها نیست، در **جستجوی کار**، راهی شهرها می شدند. شاه که دیگر با مردمش **هیچ گونه تماسی** نداشت، از نتایج و عوارض این تصمیمات هیچ تصور روشنی نداشت. می گفت: «یکصد هزار تن شکر تولید کنید» و گمان می کرد این کار **انجام خواهد شد**. اما وضع دولت هم در کشاورزی چندان بهتر از دهقانان نبود و طرحهایش با نتیجه مطلوب بسیار فاصله داشت و این در حالی بود که مصرف در حال رشد بود. مثلاً **مصرف سرانه گوشت قرمز** که در سال ۱۳۳۹ هشت کیلو در سال بود، در سال ۱۳۵۴ به **۲۴ کیلو** افزایش یافت (آن هم در کشوری که مصرف گوشت نوعی **تجمل** محسوب می شود!). در نتیجه دولت مجبور شد به طور روزافزونی مقادیر متنابهی گندم، جو، سویا، گوشت و برنج، به **ارزش سه میلیارد دلار** در سال، وارد کند. این وضع مختص به ایران نبود. **همین بلا** بر سر عربستان سعودی، ونزوئلا، نیجریه، کویت و سایر کشورهای خلیج فارس آمد. به منظور تسهیل حمل و نقل از بنادر به شهرها، خطوط راه آهن کشیده شد. سدهای بیشتری برای **آبرسانی به شهرها** بنا گردید. اما طرحهای مربوط به فعالیتهای کشاورزی **منشأ داخلی نداشت**. **بانک جهانی** بود که در این خصوص سرمایه گذاری و تحقیق کرده بود، که **پس از مشاهده شکست طرحهایش** در تعدادی از کشورهای **توسعه نیافته، متوجه شد** که کاهش جمعیت روستاها **تاثیرات جانبی تحمل ناپذیری به بار می آورد**. البته این نتیجه گیری زمانی پیدا شد که در مورد ایران و ونزوئلا **دیگر خیلی دیر شده بود**" (۵۲).

با منابع حاصل شده از دلارهای نفتی، کشور مواجه با طرحهای فراوان گردید که ظرفیت انجام آنها در کشور وجود نداشت. "وقتی درآمد نفت قرار بود بالابرد، ما وحشت مان می گرفت چون همیشه بیش از آن چه عملاً درآمد اضافه بشود، تعهدات اضافه میشد- یعنی پیش از اینکه حتی اعلام بشود که قیمت چیست، تعهدات و به حساب، اعتبارات لازم تقاضا شده بود.... ببینید تعهداتی که ما را همیشه خیلی نگران می کرد و غافلگیر می کرد از این قبیل [بود]. چون اطلاع از این که درآمد نفت تا چه حدودی و در چه تاریخی اضافه می شود، دست ما نبود. همان طور که قبلاً توضیح [دادم] ما فقط بعد از این که همه چیز علنی میشد، متوجه می شدیم که وضع از چه قرار است" (۵۳). و سرازیر نمودن دلارهای نفتی و تزریق ریال در اقتصاد، منجر به بلیه تورم و برهم خوردن روز افزون تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی کشور شد. "همین مسئله تورم قیمت‌ها، بحثی که ما داشتیم که خیلی ایجاد ناراحتی هم کرد، خیلی عصبانیت هم ایجاد کرد، این بود که من به عنوان مسئول سازمان برنامه می گفتم که آقا اگر شما می خواهید قیمت‌ها بالا نرود باید جلوی تورم را بگیرید. بایست دولت کمتر خرج کند. ... اگر شما واقعاً نگران بالا رفتن قیمت‌ها هستید، دولت نباید این قدر پول بریزد توی بازار. در نتیجه با آمار هم نشان می دادم که حجم مصرف عمومی، مصرف دولتی، چه قدر سریع رشد کرده و در نتیجه تولید و عرضه کالاها و خدمات که اینقدر محدودیت داشته و در نتیجه چرا اینقدر قیمت‌ها بالا رفته و تورم ایجاد شده. این بحث را متأسفانه کسی گوش نمی داد ... برای این که لازمه اش این بود که از بعضی از طرح‌های عمرانی یک خرده جلوگیری می شد. یا این که بعضی از برنامه‌هایی که دستگاه‌های دولتی داشتند بایست یک مقدار تعدیل می شد. چون نمی خواستند بکنند، در نتیجه می رفتند دنبال راه حل دیگر، می گفتند، «نه خیر. این که بازار [دارد] تئوری اقتصادی برای ما می گوید. می شود رفت کسی که گران فروشی می کند را گرفت انداخت توی زندان. یا مامورین کنترل قیمت بگذاریم که اینها این قدر گران نفروشدند به مردم» ما می گفتیم که این برنامه عمرانی با این حجم و این نحوه خرج کردن بودجه جاری تأثیرش از نظر اقتصاد مملکت و اثرش روی قیمت‌ها چیست. کسی این بحث منطقی را قبول نمی کرد چون لازمه اش این بود که برنامه‌ها یک خرده محدود می شد. اعتبارات کمتر خرج می شد که این هم یک عده را ناراضی می کرد" (۵۴).

" لذا درآمد نفت اضافه می شد - درست است - ولیکن در مقابلش هم **بمباران** می شدیم به وسیله تقاضاهائی که از **چپ و راست** برای **اعتبار آمد** " (۵۵). " با افزایش تورم به دلیل بروز نخستین نشانه بروز «بیماری هلندی» و ارزان تر شدن پولهای خارجی در مقابل پول داخلی پیامد مستقیم افزایش ارزش پول داخلی این است که کالاهای تولیدی کشور مورد بحث برای خارجی ها **گرانتر** و کالاهای وارداتی برای شهروندان کشور مورد بحث **ارزان** تر خواهد شد. این امر قابلیت رقابت برای **تولیدکنندگان** و صادرکنندگان داخلی را، نسبت به رقبای خارجی آنها، **کاهش میدهد** و چنانچه تدابیر مناسبی اندیشیده نشود، به **افزایش واردات** و **کاهش صادرات** (غیر از نفت و گاز) منجر می گردد. **تورمی** که در کشور مبتلا به بیماری هلندی پدید می آید، در بخش ها و شاخه های مختلف اقتصاد، آهنگ و شدت کاملاً متفاوتی دارد. به طور مشخص، **افزایش قیمت ها** برای کالاهای «**قابل واردات**» به میزان چشمگیری **کندتر** خواهد بود (زیرا به برکت ذخایر ارزی موجود، واردات این کالاها به قیمت های جهانی میسر می شود) در حالی که نرخ تورم برای کالاها و خدمات «**وارد نشدنی**» نظیر مسکن و اغلب خدمات، بسیار **شدیدتر** است " (۵۶). تبعات این پدیده در کشور ما به دلیل اشتباهات دولت ها، به ظاهر با به کارگیری واژه گرانفروشی و بدون توجه به واقعیات، به قصد رفع و رجوع و پوشش عدم به کارگیری تدبیر و علم در زمان خود، که معالماً در سقوط اقتصادی تسریع صورت پذیرفت. " در دهه ۷۰ **رفتار ما با بخش خصوصی** چندان تعریف نداشت، یعنی قابل ایراد هم بود. چه برنامه **فروش اجباری بخشی از سهام شرکتهای صنعتی** به کارگران و بقیه کسان - این کار به عقیده من معنی نداشت و من هیچ وقت به آن اعتقاد نداشتم - و چه **مبارزه با گرانفروشی**، در حالی که گرانفروشی در کار نبود. **تورم جهانی و سیاست نامناسب اقتصادی خود ایران**، باعث **تورم شدیدی** در داخل کشور شده بود، **ولی دولت حاضر نبود به کوتاهی های خود اذعان کند** و به جای آن صحبت گرانفروشی را به میان آورد و کار به جاهای واقعاً تأسف آمیزی رسید " (۵۷).

۵۵- عبدالمجید مجیدی، همان، صفحه ۱۴۹

۵۶- فرخ قبادی، پیامدهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، ۸۶/۱/۲۵

۵۷- علینقی عالیخانی (وزیر اقتصاد ۱۳۴۸-۱۳۴۱)، خاطرات شفاهی، نشر آبی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲، صفحه ۱۴۹

و نتایج تبلیغی و ظاهری آن بدین ترتیب بروز یافت.

" با اقدامات اتحادیه فخار ، بازار آجر آرام شده است تولید آجر در تهران از تقاضای بازار بیشتر است و با برقراری نظم در امر توزیع ، بحران آجر بر طرف می‌گردد اتحادیه با در اختیار گرفتن امکانات ۲۵٪ کوره ها بازار را آرام کرده و اگر همه کوره ها تولید را به اتحادیه بسپارند ، وضع آجر عادی خواهد شد. ... " (۵۸)

" تشکیل کمیته مبارزه با گرانی آجر در مشهد . آجرفروشان متخلف به شدت تحت تعقیب قرار می گیرند " (۵۹)

" شهردار همدان به گران فروشان ، اولتیماتوم داد. ... شهرداری برای معرفی واسطه های سودجو جایزه تعیین خواهد کرد. ... نمایندگان انجمن های شهر و شهرستان ، بارها انحلال اتاق اصناف را خواستار شده بود. " (۶۰)

" برای گران فروشان ، دادگاه شجاع لازم است " (۶۱)

" وقتیکه تاوان پس میدهند : نهضت مبارزه با گران فروشان ، سه گران فروش را که یکی خوار و بار فروش ، دیگری قصاب و سومی نانوا است به دادگاه کشانده است " (۶۲)

این کمبودها حاصل اشتباهات دولت و تبعات آن ، سوء استفاده سوداگران بود که دولت با پنهان نمودن حقیقت از آحاد ملت، وضعیت را پیچیده تر نموده و مشکلات بیشتر را برای کشور به همراه داشت.

۵۸- روزنامه اطلاعات ، شماره ۱۴۷۰۰ ، ۱۳۵۴/۲/۱۷ ، صفحه ۱۷

۵۹- روزنامه اطلاعات ، شماره ۱۴۷۰۵ ، ۱۳۵۴/۲/۲۳ ، صفحه ۱۲

۶۰- روزنامه اطلاعات ، شماره ۱۴۶۹۴ ، ۱۳۵۴/۲/۱۰ ، صفحه ۸

۶۱- روزنامه اطلاعات ، همان

۶۲- روزنامه کیهان ، شماره ۹۶۲۳ ، ۱۳۵۴/۵/۶ ، صفحه ۱۷

" آن دولتهایی که می توانند به مردم این را **تحمیل بکنند**، می توانند **وضعشان** را **هم منظم** بکنند. ما احتیاج به این داشتیم که دولت بتواند به مردم بگوید، آقا، امسال به اندازه [کافی] فلان کار را نداریم. فرض کنید که، چی مثال بزنم، میوه به اندازه کافی نداریم. موز نداریم، یا نمی دانم، پرتقال و نارنگی نداریم. امسال باید یک قدری کمتر مصرف کنید یا قیمت بالاتری پردازید برای اینکه کم است. یا این که مثلاً برنج به اندازه کافی تولید نمی شود و نمی توانیم هم بیشتر وارد کنیم. شکایت نکنید. یا شکر، نمی دانم، فلان جور. یا سیمان به اندازه کافی نداریم. باید کمتر ساختمان بکنیم. **متأسفانه** این یا وجود نداشت یا این که **یک عده نفعشان در این بود** که **بازار کمبودی** به این ترتیب به وجود بیاورند که **استفاده ببرند**. مثلاً **کمبود سیمان** مقدار زیادیش در **اثر بدی توزیع** بود، در اثر کمبود مطلق نبود. بد توزیع می شد و در نتیجه قیمتها رفت بالا به طرز وحشتناکی که بازار سیاه بی معنائی به وجود آمد برای سیمان. نمی گویم تقاضا وجود نداشت. تقاضا وجود داشت، ولی آنقدر تقاضا بالا نبود که موجب بالا رفتن قیمت و بازار سیاه بشود. **عواملی دست اندر کار بودند** که این کار را می کردند. یا نمی دانم، وارد کردن گوشت. **وارد کردن گوشت** اگر منظم انجام می شد و اگر به مردم درست توضیح داده می شد و یک سیاست کنترل مصرفی وجود می داشت که مسئله ای نبود. **اما چون به مردم نمی توانستیم بگوییم** که آقا کمتر مصرف کنید. نمی توانستیم بگوییم، **نمی خواستیم بگوئیم** قیمت بالاتری پردازید، **در نتیجه چشم روی هم گذاشته می شد که یک عده قاچاق بکنند**. **یک عده قلابی وارد بکنند**" (۶۳). حاصل آن تضعیف بخش خصوصی تولیدی صنعتی گشته و روز به روز آن بنگاهها با مشکل مواجه و واردات بیشتر و بیشتر و عقب گرد صنعتی آغاز شد. " یک چیزی که به آن روند لطمه زد، و چاره ای هم نداشت، **افزایش ناگهانی درآمد نفت** بود. برای اینکه به مجرد اینکه درآمد نفت بالا رفت **مصرف داخلی هم بالا رفت** و آن چیزهائی که صادر می کردیم، نه تنها دیگر بسیاری از آنها را **نمی توانستیم صادر بکنیم**، چه بسا که می بایست همانند آن را هم وارد بکنیم. پس **افزایش درآمد نفت** خودش به آن صورتی که توضیح دادم، **یک ضربه ای بود به این توسعه صادرات غیر نفتی**، از این گذشته، پاره ای از سیاستهائی که در دهه ۷۰ در پیش گرفته شد **علیه بخش خصوصی بود** و نمی توانست کمک بکند. پس از حتی یک مقدار کاهش میزان رشد تولید داخلی، و یک مقدار کاهش صادرات، **دو مرتبه همان روند پیشین** را کم و بیش ادامه بدهیم" (۶۴).

۶۳- عبدالمجید مجیدی، همان، صفحه ۱۷۴

۶۴- علینقی عالیخانی (وزیر اقتصاد ۱۳۴۸-۱۳۴۱)، خاطرات شفاهی، نشر آبی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲، صفحه ۱۴۸

وضعیت حاصل شده و محبوس شدن منابع در طرحهای عمرانی بلند پروازانه و طرحهای صنعتی وابسته شده به مونتاز، احساس کاذب کمبود منابع مالی را در کشور به وجود آورد.

" ما همیشه گرفتاری کسری بودجه را داشتیم و حتی من یادم هست که در سال ۱۳۵۴ بود. یعنی میشود ۱۹۷۵، مخبر [مجله] نیوزویک آمد با من مصاحبه کرد و صحبت می کرد، «خوب با این درآمد نفت که این قدر بالا رفته، شما خیلی وضعیتان خوب است.» من به او جواب دادم «شما اشتباه می کنید. ما کمتر از ۳ سال از این تاریخ برای قرض کردن به Capital Market، به بازار سرمایه پول خواهیم آمد» " (۶۵).

و برای غلبه بر این سراب، تصور شد که با ایجاد بانکهای خصوصی و تحت واژه خوش نقش «جمع آوری منابع جامعه»، بیشتر قادر به تامین مالی میگردند. در حقیقت این گونه موسسات مالی، احتمالاً حجم واردات را به دلیل بروز بیماری هلندی بیشتر نمود. به واقع در این دوره، خدمات سوداگرانه وابسته به واردات در کشورمان وضعیت موجود خود را قوام بخشیده و خدمات وابسته به تولید داخل در مقابل آن شروع به تضعیف شدن بیشتر نمود. نتایج آن، متزلزل شدن نظم ها و برنامه هائی بود که در طول سالها با زحمت فراوان و در شرایط نامساعد شروع به شکل گیری نموده بود.

" معجزه اقتصادی ایران بین سال ۱۹۶۳ و ۱۹۷۳ [۱۳۴۲ و ۱۳۵۲] صورت گرفت - یعنی قبل از بالا رفتن درآمد نفت که ما واقعاً یک رشد فوق العاده ای کردیم. اگر خاطر م باشد، رشد سالانه - به معنی واقعی کلمه یعنی Real growth یا growth in real terms در ظرف این ده سال یعنی بین ۱۹۶۳ و ۱۹۷۳ یازده و دو دهم درصد بود. در حالی که در این دوره تورم به طور متوسط در سال یک و یک چهارم درصد بود. توجه می کنید؟ منتهی با افزایش درآمد نفت، تمام نظم هایی که با صبر و حوصله و با خون دل ظرف سالها گذاشته شده بود از هم پاشید. یک دفعه این درآمد نفت که آمد مثل سیلی بود که تمام زندگی ما را شست و رفت " (۶۶) و نمودار شاخص ها را که در صفحات ۳۷-۴۰ قبل ملاحظه نمودید ، تصدیق این گفته می باشد.

۶۵- عبدالمجید مجیدی ، خاطرات شفاهی ، نشر صفحه سفید ، شابک ۲-۵-۹۰۵۸۲-۹۶۴-۹۷۸ ، چاپ دوم ، سال ۱۳۸۷ ، صفحه ۱۷۹

۶۶- عبدالمجید مجیدی ، همان ، صفحه ۱۸۳

به دلیل رفتارهای رانت جویانه ، افراد تلاش می نمودند که به نقطه تمرکز قدرت روی آورند و بدین ترتیب ساختارهای ناقص، مواجهه با تزلزل گردیده و فروپاشی نظام موجود چهره خود را نمایان نمود.

" طبیعی است که در آن سالها هر وزارت خانه ای برای خودش یک برنامه ریزی خیلی **جاه طلبانه ای** کرده بود . هدفهای خیلی خیلی بالایی را برای خودش معین کرده بود چون هر کدام از این بخشها، هر کدام از این وزارتخانه ها **ارتباط مستقیم** داشتند و می رفتند تمام مسائلمان را به عرض **اعلیحضرت** می رساندند و همه شان سعی کرده بودند که به اعلیحضرت بگویند که اگر **پول به ما بدهید** ما می توانیم اجر کنیم " (۶۷) .

"مسئله دیگر هم **عدم هماهنگی** در سطح **دولت و دستگاه اجرائی** بود. اگر فرض کنید نخست وزیر مملکت - کسی که ، به حساب ، رئیس قوه مجریه است - مسئولیت داشت و **جوابگو** بود. که این کارها باید هماهنگ بشود و حرفش را دستگاه ها می خواندند ، **خیلی کارها منظم تر** انجام می شد. تا این که نخست وزیر **اسماً نخست وزیر** باشد، [ولی] عملاً **تمام تصمیمات در سطح بالاتری** گرفته بشود و **عملاً سطح بالاتر غیر مسؤول باشد**. می بینید نمی شود - یعنی ما **یک گرفتاری** ، به حساب ، **بنیادی** داشتیم. . . .
... خوب این که وجود نداشت. **تمام امور بستگی به شخص اعلیحضرت** پیدا می کرد. در نتیجه یک جایی که، یک وقتی ترکی حاصل می شد، یک شکافی حاصل می شد ، یک شکستی حاصل می شد ، **تمام بر می گشت روی شخص شاه** . در نتیجه این [امر] **همه چیز به هم ریخت** . برای چه ؟

برای همین که **آن انعطافی** که می بایست وجود داشته باشد [وجود نداشت] . یک مسئولینی زورشان را بزنند، کارشان را بکنند ، اگر موفق نشدند ، بروند . گروه دیگری بیاید روی کار که آنها سعی کنند که کار را درست بکنند . **این انعطاف از بین رفت و تبدیل شد به یک نوع خشکی و سختی** و یک نوع **Rigidity** " (۶۸) .

در دولت های معدن کاو که مبتنی بر منابع زیر زمینی میباشند و خصوصاً در کشورهایی که نفت و گاز وجه غالب این منابع معدنی را به خود می گیرد، رفتارها و حتی گفتارهای مشابه ای در کمال تعجب صورت می پذیرد.

۶۷- عبدالمجید مجیدی ، همان ، صفحه ۱۶۷

۶۸- عبدالمجید مجیدی ، همان ، صفحه ۱۷۶

" جان استوارت میل پرسش کلاسیکی (۱۸۴۳) را مطرح می کند: چگونه می توان **وقوع مکرر الگوهای مشابه** در کشورهای **مختلف** را توضیح داد؟" (۶۹).

در صفحات قبل تشابه های عملکردی را مشاهده نموده اید. در اینجا **تشابه گفتاری** رهبران این کشورها را نیز ذکر می نمائیم که قصد غلبه بر کشورهای توسعه یافته ، بدون اینکه تلاش مستدام در ایفاء فن آوری و تولیدات پیشرفته داشته باشند. در جدول صفحه ۶۰ ملاحظه میفرمائید که به ناگهان و به سرعت تولید ناخالص داخلی دو کشور ایران و ونزوئلا و صرفاً با استفاده از درآمدهای نفتی در عرض چهار سال به رتبه ای غیر واقعی در رده جهانی دست می یابند. در همین جدول نیز کره جنوبی را مشاهده می فرمائید که سالیانه پله پله ولیکن مداوم با افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) مواجه است. تشابه گفتاری دو رهبر کشور در دو سوی دنیا تجربه ای قابل توجه می باشد:

" شاهنشاه فرمودند: حتماً. زیرا من تصور می کنم که کشور ما ظرف دهسال آینده ، آنچنان خواهد شد که اکنون شما هستید. این را فقط من نمی گویم بلکه بنا به اظهار اشخاص دیگر ظرف ۲۵ سال آینده ، **ایران در جرگه پنج کشور پر رونق و مرفه جهان قرار خواهد گرفت**. البته هنگامی که کشوری چنین وضعیتی پیدا می کند **روش عمل** آن هم به همان منوال دگرگون می شود. بعضی از اقدامات آن بر اساس جهانی، بدون **هیچگونه عقده ای** و با شناخت تمامی ساختمان سیاست جهانی خواهد بود" (۷۰).

" شما بازیگران در این دگرگونی بزرگ ملی هستید که **ونزوئلا را به یکی از کشورهای بزرگ جهان تبدیل می سازد**.... ونزوئلایی بزرگ، چون که همه ونزوئلایی ها می توانند کار کنند. یک ونزوئلای بزرگ چون آینده و رفاه هر عضو جامعه ملی ما تامین خواهد شد. یک ونزوئلای بزرگ چون ما می دانیم چگونه از ابزارهای علم و فناوری برای متحول کردن منابع طبیعی کشورمان استفاده کنیم به طوری که ما - **با شخصیت و صدای خاص خودمان** - به باشگاه ملت های بزرگ جهان می پیوندیم" (۷۱).

مشاهده می گردد که تنها به فاصله **چند ماه** هر دو الگوهای بیانی مشابه را واگوئی نموده اند.

۶۹-تری لین کارل ، معمای فراوانی (رونق های نفتی و دولت های نفتی) ، ترجمه دکتر جعفر خیرخواهان ، نشر نی، سال ۱۳۸۸ ، صفحه ۴۷

۷۰- محمد رضا شاه پهلوی ، مصاحبه با پیتر اسنو ، خبرگزار سیاسی تلویزیون تجاری انگلستان روزنامه کیهان ، چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۲ - ۳۰ ژانویه ۱۹۷۴ شماره ۹۱۷۲ - صفحه ۱۶

۷۱- کارلوس آندره پرز ، رئیس جمهور ونزوئلا، ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۴ تری لین کارل، معمای فراوانی، ترجمه جعفر خیرخواهان، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، صفحه ۱۱۷

جدول مقایسه تولید ناخالص داخلی (GDP) و رتبه کشورهای منتخب

طی سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵

ارقام : میلیارد دلار

سال کشور	۱۹۷۰		سال کشور	۱۹۷۲		سال کشور	۱۹۷۳		سال کشور	۱۹۷۴	
	GDP	رتبه		GDP	رتبه		GDP	رتبه		GDP	رتبه
آمریکا	۱,۰۲۴/۸	۱	آمریکا	۱۲۲۵	۱	آمریکا	۱۳۶۹/۳	۱	آمریکا	۱۴۸۵/۹	۱
ژاپن	۲۰۹/۱	۲	ژاپن	۳۱۲/۷	۲	ژاپن	۴۲۴/۹	۲	ژاپن	۴۷۱/۶	۲
آلمان	۲۰۸/۹	۳	آلمان	۲۹۰/۱	۳	آلمان	۳۸۵/۵	۳	آلمان	۴۳۰/۹	۳
فرانسه	۱۴۶/۴	۴	فرانسه	۲۰۱	۴	فرانسه	۲۶۱/۵	۴	فرانسه	۲۸۲/۲	۴
انگلیس	۱۲۴/۸	۵	انگلیس	۱۶۲/۲	۵	انگلیس	۱۸۳/۰	۵	انگلیس	۱۹۷/۷	۵
چین	۹۱/۵	۷	چین	۱۱۲/۲	۷	چین	۱۳۶/۸	۷	چین	۱۴۲/۳	۸
برزیل	۴۲/۳	۱۰	برزیل	۵۸/۵	۱۰	برزیل	۷۹/۳	۱۰	برزیل	۱۰۵/۱	۹
ترکیه	۱۷/۱	۲۱	ترکیه	۲۰/۴	۲۱	ایران	۲۵/۸	۲۱	ایران	۴۴/۳	۱۹
ونزوئلا	۱۳/۰	۲۴	ایران	۱۶/۳	۲۳	ترکیه	۲۵/۷	۲۲	ترکیه	۳۵/۶	۲۱
ایران	۱۰/۶	۲۹	ونزوئلا	۱۵/۹	۲۵	ونزوئلا	۱۹/۴	۲۵	ونزوئلا	۲۹/۱	۲۴
کره جنوبی	۸/۹	۳۴	کره جنوبی	۱۰/۷	۳۱	کره جنوبی	۱۳/۷	۳۲	کره جنوبی	۱۹/۲	۳۰



لیکن در مدت کوتاهی، همانگونه که در صفحات قبلی تحلیل و تفسیر کوتاهی تقدیم گردید، عدم موفقیت مسیرهای طی شده کاذب و غیر عملی، چهره ناکار آمد و در هم ریخته رؤیاهای پایان ناپذیر و غیر عملی، خود را نشان داده و هزینه سنگین را بر دوش ملت‌ها باقی گذاشته و ماحصل آن، آرزوهای دست نیافتنی بود. گفتارهای رئیس جمهور وقت ونزوئلا را در چهار پرده زمانی و مراحل درک سقوط ملاحظه فرمائید.

روند تحول درک اشتباهات تصمیم‌گیریها از زبان کارلوس آندره پرز، رئیس‌جمهور ونزوئلا

پرده اول :

- "من تصویری روشن از ونزوئلای بزرگ دارم، تصویری که با اوضاع گذشته کشورمان متفاوت خواهد بود... تصویر ونزوئلایی که مدرن و صنعتی خواهد بود." (۷۲) (سال ۱۹۷۸)

پرده دوم :

- "ما عزم تغییر جهان را داریم!" (۷۳) (سال ۱۹۷۹)

پرده سوم :

- "من امیدها و انتظارات مردم را بالا بردم و ایمان به کشورمان را ایجاد کردم. اما بسیاری کارها بود که من نمی‌توانستم انجام دهم، کارهایی که با تمام پول نفت قادر به تغییر آنها نبودم." (۷۴) (سال ۱۹۷۹)

پرده چهارم :

- "افزایش قیمت برای هر کسی بد است، اما بدتر از همه برای کشورهای در حال توسعه ای است که نفت دارند. افزایش قیمت یک دام است." (۷۵) (سال ۱۹۹۱)

– سرانجام درک واقعیت

" مشکلات دیگر رو آمده بود . گرفتاریهای واقعاً سخت و لاینحلی به وجود آمده بود . خیلی اعلیحضرت **مغموم و افسرده بودند** . خیلی روحیه دلتنگی داشتند . فرمودند ، « **چه طور شد یک دفعه به این وضعیت افتادیم ؟** » خوب ، آقایان همه ساکت بودند . من گفتم ، قربان اجازه بفرمائید به عرضتان برسانم . ما درست وضع مردمی را داشتیم که در دهی زندگی می کردند و زندگی خوشی داشتند و منتهی ، خوب ، گرفتاری این را داشتند که خشکسالی شده بود و آب کم داشتند آن قدر آب نداشتند که بتوانند کشاورزی خوبی بکنند . خوب ، هی آرزو می کردند که باران بیاید و باران بیاید . **یک وقت سیل آمد** . آن قدر باران آمد که سیل آمد . زد تمام این خانه ها و زندگی و زمین های مزروعی اینها همه را خراب کرد . آدمها خوشبختانه زنده ماندند و توانستند جانشان را به در ببرند . ولی **زندگیشان از همدیگر پاشید** و اصلاً معیشت شان به هم ریخت . ما هم درست همین وضع را داریم . ما مملکتی بودیم که داشتیم **به خوشی زندگی می کردیم** . خوب ، پول بیشتری دلمان می خواست . درآمد بیشتری دلمان می خواست که مملکت را بسازیم . یک دفعه این **درآمد نفت** که آمد مثل سیلی بود که تمام **زندگی** ما را شست و رفت . [اعلیحضرت] **خیلی هم از این حرف من خوششان نیامد و ناراحت شدند و پا شدند** و جلسه را تمام کردند و رفتند بیرون . همه هم به من **اعتراض کردند** که این چه حرفی بود زدی ؟ گفتم « آقایان ، این واقعیت است . **بایست به اعلیحضرت بگوئیم** . این درآمد نفت است که پدر ما را **درآورد** » ببینید " (۷۶) .



۳-۱-۱- منابعی که مورد غفلت قرار می گیرند

– منابع صرف شده کم توجه در اقتصاد

در خصوص کسب درآمدهای ارزی کشور آنچه معمولاً و بیشتر در کانون توجه قرار می‌گیرد، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و همچنین صادرات غیرنفتی واقعی و صادرات محصولات شیمیایی وابسته به نفت و گاز می‌باشد. اما بخشی که کمتر در کانون توجه قرار می‌گیرد، مصرف داخل محصولات استخراجی منابع طبیعی در قالب **سوخت نیروگاه‌های انرژی، سوخت واحدهای مسکونی، سوخت واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی، خوراک واحدهای تولیدی پتروشیمی** و امثالهم است. ارزش مصرف داخلی نیز قابل توجه است. متأسفانه اطلاعات تفکیکی متقن در دسترس این کمیسیون نبود. اما برای نشان دادن تصویری که قطعیت نداشته و تخمینی است، با استفاده از آمارهای در دسترس بانک مرکزی وفق جداول صفحات ۶۷-۶۵ و ترازنامه انرژی وزارت نیرو وفق جداول صفحات ۷۰-۶۸ می‌توان توجه نمود که ارزش دلاری این مصرف در طول قریب ۳۷ سال در حدود **۵۶۹ میلیارد دلار** بر اساس آمار بانک مرکزی و **۸۵۳ میلیارد دلار** بر اساس ترازنامه انرژی وزارت نیرو بوده که حتی اگر کمترین تخمین را نیز در نظر بگیریم به هیچوجه قابل اغماض نیست. امید که خوانندگان این گزارش در حد مقدمات خود اهتمام نمایند که جزئیات و تفصیل صحیح این ارزشها را در معرض قضاوت جامعه قرار دهند. سئوالی که بر ذهن می‌تواند مترتب شود این واقعیت است که کشورهایی چون ژاپن، کره جنوبی، چین، مالزی و تایلند آیا در **دستاوردهایشان از این موهبت برخوردار** بوده اند؟



روند تحول ارزش درآمدهای مصرف شده نفتی (صادرات + مصرف داخلی) کشور

طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۵۲

جدول ۱ از ۳

G*	F*	E*	D*	C	B	A	سال
مجموع کل (میلیون دلار)	ارزش دلاری مصرف داخلی (میلیون دلار)	مصرف داخلی (هزار بشکه در روز)	ارزش دلاری هر هزار بشکه (میلیون دلار)	صادرات نفت و گاز (میلیون دلار) (۲و۳)	صادرات نفت خام (هزار بشکه در روز) (۱و۳)	تولید نفت خام (هزار بشکه در روز) (۱و۳)	
۹,۲۹۱	۹۷۳	۶۲۲	۰/۰۰۴۳	۸,۳۱۸	۵,۳۲۰	۵,۹۴۲	۱۳۵۲
۲۳,۶۵۹	۲,۶۴۵	۶۶۰	۰/۰۱۱۰	۲۱,۰۱۴	۵,۲۴۴	۵,۹۰۴	۱۳۵۳
۲۲,۸۲۶	۲,۷۹۲	۶۴۲	۰/۰۱۱۹	۲۰,۰۳۴	۴,۶۰۷	۵,۲۴۹	۱۳۵۴
۲۷,۵۶۳	۳,۳۸۴	۷۳۹	۰/۰۱۲۵	۲۴,۱۷۹	۵,۲۸۰	۶,۰۱۹	۱۳۵۵
۲۷,۲۰۰	۳,۷۴۹	۷۷۰	۰/۰۱۳۳	۲۳,۴۵۱	۴,۸۱۶	۵,۵۸۶	۱۳۵۶
۱۹,۲۷۲	۳,۶۱۲	۷۹۷	۰/۰۱۲۴	۱۵,۶۶۰	۳,۴۵۵	۴,۲۵۲	۱۳۵۷
۳۱,۵۱۰	۷,۳۵۲	۸۰۱	۰/۰۲۵۱	۲۴,۱۵۸	۲,۶۳۲	۳,۴۳۳	۱۳۵۸
۲۲,۳۲۸	۱۰,۶۸۰	۷۰۶	۰/۰۴۱۴	۱۱,۶۴۸	۷۷۰	۱,۴۷۶	۱۳۵۹
۱۹,۳۴۵	۸,۷۲۶	۶۵۰	۰/۰۳۶۸	۱۰,۶۱۹	۷۹۱	۱,۴۴۱	۱۳۶۰
۳۴,۷۰۱	۱۲,۹۰۳	۹۹۸	۰/۰۳۵۴	۲۱,۷۹۸	۱,۶۸۶	۲,۶۸۴	۱۳۶۱
۲۸,۰۱۷	۶,۸۶۷	۶۶۴	۰/۰۲۸۳	۲۱,۱۵۰	۲,۰۴۵	۲,۷۰۹	۱۳۶۲
۲۴,۶۷۸	۷,۹۵۲	۷۶۴	۰/۰۲۸۵	۱۶,۷۲۶	۱,۶۰۷	۲,۳۷۱	۱۳۶۳
۲۳,۵۱۴	۹,۸۰۴	۱,۰۴۴	۰/۰۲۵۷	۱۳,۷۱۰	۱,۴۶۰	۲,۵۰۴	۱۳۶۴
۱۰,۸۸۹	۴,۶۳۴	۹۲۶	۰/۰۱۳۷	۶,۲۵۵	۱,۲۵۰	۲,۱۷۶	۱۳۶۵

مأخذ: ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش انرژی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۳- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی شماره ۶۶، سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰- سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۶

* توضیح: ۱- محاسبات ستونها بر مبنای روابط مقابل می باشد: $D=C/B \times ۳۶۵$ ، $E=A-B$ ، $F = E \times D \times ۳۶۵$ ، $G=F+C$

۲- ارزش صادرات نفت و گاز طی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۹۰ شامل ارزش نفت خام، فرآورده های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی صادر شده توسط شرکتهای ملی نفت ایران، ملی گاز

ایران، ملی پالایش و فرآورده های نفتی ایران، شرکت پتروشیمی و سایرین (گمرکی و غیر گمرکی) می باشد.



روند تحول ارزش درآمدهای مصرف شده نفتی (صادرات + مصرف داخلی) کشور

طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۵۲

G*	F*	E*	D*	C	B	A	سال
مجموع کل (میلیون دلار)	ارزش دلاری مصرف داخل (میلیون دلار)	مصرف داخل (هزار بشکه در روز)	ارزش دلاری هر هزار بشکه (میلیون دلار)	صادرات نفت و گاز (میلیون دلار) (۲و۳)	صادرات نفت خام (هزار بشکه در روز) (۱و۳)	تولید نفت خام (هزار بشکه در روز) (۱و۳)	
۱۷,۱۱۳	۶,۳۵۸	۹۱۴	۰/۰۱۹۱	۱۰,۷۵۵	۱,۵۴۶	۲,۴۶۰	۱۳۶۶
۱۵,۰۱۸	۵,۳۴۵	۹۱۰	۰/۰۱۶۱	۹,۶۷۳	۱,۶۴۷	۲,۵۵۷	۱۳۶۷
۱۹,۴۵۹	۷,۴۲۲	۱,۱۲۴	۰/۰۱۸۱	۱۲,۰۳۷	۱,۸۲۳	۲,۹۴۷	۱۳۶۸
۲۶,۱۴۰	۸,۱۴۷	۱,۰۰۷	۰/۰۲۲۲	۱۷,۹۹۳	۲,۲۲۴	۳,۲۳۱	۱۳۶۹
۲۱,۹۰۹	۵,۸۹۷	۹۰۶	۰/۰۱۷۸	۱۶,۰۱۲	۲,۴۶۰	۳,۳۶۶	۱۳۷۰
۲۴,۵۳۵	۷,۶۵۵	۱,۰۸۷	۰/۰۱۹۳	۱۶,۸۸۰	۲,۳۹۷	۳,۴۸۴	۱۳۷۱
۲۳,۶۸۵	۹,۳۵۲	۱,۴۲۵	۰/۰۱۸۰	۱۴,۳۳۳	۲,۱۸۴	۳,۶۰۹	۱۳۷۲
۲۳,۷۰۰	۹,۰۹۷	۱,۳۸۳	۰/۰۱۸۰	۱۴,۶۰۳	۲,۲۲۰	۳,۶۰۳	۱۳۷۳
۲۳,۸۲۲	۸,۷۱۹	۱,۳۲۲	۰/۰۱۸۱	۱۵,۱۰۳	۲,۲۹۰	۳,۶۱۲	۱۳۷۴
۲۸,۵۰۰	۹,۲۲۹	۱,۱۶۹	۰/۰۲۱۶	۱۹,۲۷۱	۲,۴۴۱	۳,۶۱۰	۱۳۷۵
۲۳,۹۳۳	۸,۴۶۲	۱,۲۸۱	۰/۰۱۸۱	۱۵,۴۷۱	۲,۳۴۲	۳,۶۲۳	۱۳۷۶
۱۵,۸۳۲	۵,۸۹۹	۱,۳۶۶	۰/۰۱۱۸	۹,۹۳۳	۲,۳۰۰	۳,۶۶۶	۱۳۷۷
۲۷,۷۲۵	۱۰,۶۳۶	۱,۲۹۴	۰/۰۲۲۵	۱۷,۰۸۹	۲,۰۷۹	۳,۳۷۳	۱۳۷۸
۳۷,۹۰۶	۱۳,۶۲۶	۱,۳۱۶	۰/۰۲۸۴	۲۴,۲۸۰	۲,۳۴۵	۳,۶۶۱	۱۳۷۹

۱- مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش انرژی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۳- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی شماره ۶۶، سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰- سالهای ۱۳۸۶-۱۳۹۰

* توضیح: ۱- محاسبات ستونها بر مبنای روابط مقابل می باشد: $D=C/B \times ۳۶۵$ ، $E=A-B$ ، $F = E \times D \times ۳۶۵$ ، $G=F+C$

۲- ارزش صادرات نفت و گاز طی سالهای ۱۳۸۶-۱۳۹۰ شامل ارزش نفت خام، فرآورده های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی صادر شده توسط شرکتهای ملی نفت ایران، ملی گاز

ایران، ملی پالایش و فرآورده های نفتی ایران، شرکت پتروشیمی و سایرین (گمرکی و غیر گمرکی) می باشد.



روند تحول ارزش درآمدهای مصرف شده نفتی (صادرات + مصرف داخلی) کشور

طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۵۲

جدول ۳ از ۳

سال	A تولید نفت خام (هزار بشکه در روز) (۱۹۳)	B صادرات نفت خام (هزار بشکه در روز) (۱۹۳)	C صادرات نفت و گاز (میلیون دلار) (۲۰۳)	D* ارزش دلاری هر هزار بشکه (میلیون دلار)	E* مصرف داخلی (هزار بشکه در روز)	F* ارزش دلاری مصرف داخلی (میلیون دلار)	G* مجموع کل (میلیون دلار)
۱۳۸۰	۳,۵۷۴	۲,۲۰۸	۱۹,۳۳۹	۰/۰۲۴۰	۱,۳۶۶	۱۱,۹۶۴	۳۱,۳۰۳
۱۳۸۱	۳,۳۰۵	۲,۰۲۱	۲۲,۹۶۶	۰/۰۳۱۱	۱,۲۸۴	۱۴,۵۹۱	۳۷,۵۵۷
۱۳۸۲	۳,۷۳۶	۲,۳۹۶	۲۷,۳۵۵	۰/۰۳۱۳	۱,۳۴۰	۱۵,۲۹۹	۴۲,۶۵۴
۱۳۸۳	۳,۸۳۴	۲,۵۴۸	۳۶,۳۱۵	۰/۰۳۹۰	۱,۲۸۶	۱۸,۳۲۹	۵۴,۶۴۴
۱۳۸۴	۴,۱۰۶	۲,۶۰۲	۵۳,۸۲۰	۰/۰۵۶۷	۱,۵۰۴	۳۱,۱۰۹	۸۴,۹۲۹
۱۳۸۵	۴,۰۵۱	۲,۴۳۳	۶۲,۰۱۱	۰/۰۶۹۸	۱,۶۱۸	۴۱,۲۳۹	۱۰۳,۲۵۰
۱۳۸۶	۴,۰۵۷	۲,۵۲۲	۸۴,۵۰۵	۰/۰۹۱۸	۱,۵۳۵	۵۱,۴۳۳	۱۳۵,۹۳۸
۱۳۸۷	۳,۹۴۵	۲,۳۰۹	۸۶,۶۱۹	۰/۱۰۲۸	۱,۶۳۶	۶۱,۳۷۲	۱۴۷,۹۹۱
۱۳۸۸	۳,۵۵۷	۲,۰۲۴	۶۹,۹۵۷	۰/۰۹۴۷	۱,۵۳۳	۵۲,۹۸۶	۱۲۲,۹۴۳
۱۳۸۹	۳,۵۳۶	۲,۰۰۲	۹۰,۱۹۱	۰/۱۲۳۴	۱,۵۳۴	۶۹,۱۰۷	۱۵۹,۲۹۸
جمع کل:			۱,۰۰۵,۲۳۱			۵۶۹,۳۴۶	۱,۵۷۴,۵۷۷

۱- مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش انرژی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۳- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی شماره ۶۶، سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰- سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۶

* توضیح: ۱- محاسبات ستونها بر مبنای روابط مقابل می باشد: $D=C/B \times ۳۶۵$ ، $E=A-B$ ، $F=E \times D \times ۳۶۵$ ، $G=F+C$

۲- ارزش صادرات نفت و گاز طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۶ شامل ارزش نفت خام، فرآورده های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی صادر شده توسط شرکتهای ملی نفت ایران، ملی گاز

ایران، ملی پالایش و فرآورده های نفتی ایران، شرکت پتروشیمی و سایرین (گمرکی و غیر گمرکی) می باشد.



روند تحول ارزش درآمدهای مصرف شده نفتی (صادرات + مصرف داخلی) کشور

طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۵۲

جدول ۱ از ۳

J*	I*	H*	G*	F	E*	D	C	B	A	سال
مجموع کل (میلیون دلار)	ارزش دلاری مصرف داخل (میلیون دلار)	مصرف داخلی (میلیون بشکه معادل نفت خام)	ارزش دلاری هر میلیون بشکه معادل نفت خام (میلیون دلار)	ارزش دلاری صادرات نفتی (میلیون دلار) (۲و۳)	مجموع صادرات نفت و گاز و فرآورده های نفتی (میلیون بشکه معادل نفت خام)	صادرات گاز طبیعی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	تولید گاز طبیعی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	تولید نفت خام (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	
۸,۹۵۹	۶۴۱	۱۵۹	۴/۰۳	۸,۳۱۸	۲,۰۶۴	۵۵	۲,۰۰۹	۸۱	۲,۱۴۲	۱۳۵۲
۲۲,۷۱۲	۱,۶۹۸	۱۷۰	۹/۹۶	۲۱,۰۱۴	۲,۱۰۹	۵۷	۲,۰۵۲	۸۴	۲,۱۹۵	۱۳۵۳
۲۲,۱۶۴	۲,۱۳۰	۱۹۶	۱۰/۸۸	۲۰,۰۳۴	۱,۸۴۲	۶۰	۱,۷۸۲	۸۸	۱,۹۵۰	۱۳۵۴
۲۶,۸۰۸	۲,۶۲۹	۲۲۳	۱۱/۷۸	۲۴,۱۷۹	۲,۰۵۲	۵۸	۱,۹۹۳	۸۹	۲,۱۸۶	۱۳۵۵
۲۶,۳۳۴	۲,۸۸۳	۲۳۷	۱۲/۱۴	۲۳,۴۵۱	۱,۹۳۱	۵۹	۱,۸۷۲	۹۱	۲,۰۷۸	۱۳۵۶
۷,۶۶۴	۲,۰۰۴	۲۱۴	۹/۳۵	۱۵,۶۶۰	۱,۶۷۵	۳۲	۱,۶۴۳	۵۷	۱,۸۳۳	۱۳۵۷
۲۹,۸۹۱	۵,۷۳۳	۲۴۱	۲۳/۷۷	۲۴,۱۵۸	۱,۰۱۶	۲۲	۹۹۴	۵۵	۱,۲۰۳	۱۳۵۸
۱۹,۹۹۶	۸,۳۴۸	۲۳۴	۳۵/۶۹	۱۱,۶۴۸	۳۲۶	-	۳۲۶	۲۹	۵۳۱	۱۳۵۹
۱۷,۵۲۳	۶,۹۰۴	۲۲۵	۳۰/۶۲	۱۰,۶۱۹	۳۴۷	-	۳۴۷	۳۲	۵۴۱	۱۳۶۰
۲۸,۸۳۴	۷,۰۳۶	۲۵۰	۲۸/۱۸	۲۱,۷۹۸	۷۷۳	-	۷۷۳	۴۳	۹۸۰	۱۳۶۱
۲۸,۶۶۸	۷,۵۱۸	۲۷۲	۲۷/۶۶	۲۱,۱۵۰	۷۶۵	-	۷۶۵	۵۰	۹۸۷	۱۳۶۲
۲۴,۹۲۲	۸,۱۹۶	۳۰۴	۲۶/۹۳	۱۶,۷۲۶	۶۲۱	-	۶۲۱	۵۸	۸۶۸	۱۳۶۳
۲۰,۳۵۲	۶,۶۴۲	۳۱۷	۲۰/۹۸	۱۳,۷۱۰	۶۵۳	-	۶۵۳	۶۲	۹۰۸	۱۳۶۴
۹,۵۹۸	۳,۳۴۳	۲۹۸	۱۱/۲۱	۶,۲۵۵	۵۵۸	-	۵۵۸	۶۰	۷۹۷	۱۳۶۵

مأخذ: ۱- وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی، ترازنامه انرژی سالهای مختلف

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۳- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی شماره ۶۶، سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰- سالهای ۲۸۹-۱۳۸۶

۶۸* توضیح: محاسبات ستونها بر مبنای روابط مقابل می باشد: $E=C+D$ ، $G=F/E$ ، $H=A+B-E$ ، $I = H \times G$ ، $J=I+F$



روند تحول ارزش درآمدهای مصرف شده نفتی (صادرات + مصرف داخلی) کشور

طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۵۲

J*	I*	H*	G*	F	E*	D	C	B	A	سال
مجموع کل (میلیون دلار)	ارزش دلاری مصرف داخل (میلیون دلار)	مصرف داخلی (میلیون بشکه معادل نفت خام)	ارزش دلاری هر میلیون بشکه معادل نفت خام (میلیون دلار)	ارزش دلاری صادرات نفتی (میلیون دلار) (۲و۳)	مجموع صادرات نفت و گاز و فرآورده های نفتی (میلیون بشکه معادل نفت خام)	صادرات گاز طبیعی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	تولید گاز طبیعی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	تولید نفت خام (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	
۱۶,۳۱۳	۵,۵۵۸	۳۲۹	۱۶/۹۰	۱۰,۷۵۵	۶۳۶	-	۶۳۶	۷۳	۸۹۲	۱۳۶۶
۱۴,۶۹۳	۵,۰۲۰	۳۴۶	۱۴/۵۱	۹,۶۷۳	۶۶۷	-	۶۶۷	۸۰	۹۳۳	۱۳۶۷
۱۸,۵۳۰	۶,۴۹۳	۴۱۲	۱۵/۷۶	۱۲,۰۳۷	۷۶۴	-	۷۶۴	۱۰۱	۱,۰۷۵	۱۳۶۸
۲۶,۶۹۰	۸,۶۹۷	۴۳۳	۲۰/۰۸	۱۷,۹۹۳	۸۹۶	۱۳	۸۸۳	۱۳۷	۱,۱۹۲	۱۳۶۹
۲۳,۸۴۲	۷,۸۳۰	۴۶۳	۱۶/۹۰	۱۶,۰۱۲	۹۴۸	۱۸	۹۳۰	۱۶۶	۱,۲۴۵	۱۳۷۰
۲۵,۰۶۷	۸,۱۸۷	۴۹۷	۱۶/۴۷	۱۶,۸۸۰	۱,۰۲۵	۳	۱,۰۲۲	۱۷۴	۱,۳۴۸	۱۳۷۱
۲۱,۹۶۱	۷,۶۲۸	۵۶۳	۱۳/۵۵	۱۴,۳۳۳	۱,۰۵۸	-	۱,۰۵۸	۱۹۴	۱,۴۲۷	۱۳۷۲
۲۴,۱۰۰	۹,۴۹۷	۶۶۱	۱۴/۳۷	۱۴,۶۰۳	۱,۰۱۶	۱	۱,۰۱۶	۲۲۴	۱,۴۵۴	۱۳۷۳
۲۵,۲۰۱	۱۰,۰۹۸	۶۹۲	۱۴/۵۹	۱۵,۱۰۳	۱,۰۳۵	-	۱,۰۳۵	۲۴۵	۱,۴۸۲	۱۳۷۴
۳۲,۴۰۱	۱۳,۱۳۰	۷۰۵	۱۸/۶۲	۱۹,۲۷۱	۱,۰۳۵	-	۱,۰۳۵	۲۷۵	۱,۴۶۵	۱۳۷۵
۲۷,۷۷۳	۱۲,۳۰۲	۷۷۷	۱۵/۸۳	۱۵,۴۷۱	۹۷۷	-	۹۷۷	۳۰۲	۱,۴۵۳	۱۳۷۶
۱۷,۷۰۶	۷,۷۷۳	۷۸۰	۹/۹۶	۹,۹۳۳	۹۹۷	-	۹۹۷	۳۱۹	۱,۴۵۹	۱۳۷۷
۳۳,۰۴۸	۱۵,۹۵۹	۸۵۷	۱۸/۶۳	۱۷,۰۸۹	۹۱۷	-	۹۱۷	۳۵۹	۱,۴۱۵	۱۳۷۸
۴۵,۵۳۹	۲۱,۲۵۹	۸۶۳	۲۴/۶۴	۲۴,۲۸۰	۹۸۵	-	۹۸۵	۳۷۱	۱,۴۷۶	۱۳۷۹

مأخذ: ۱- وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی، ترازنامه انرژی سالهای مختلف

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۳- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی شماره ۶۶، سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰- سالهای ۲۸۹-۱۳۸۶

۶۹* توضیح: محاسبات ستونها بر مبنای روابط مقابل می باشد: $E=C+D$ ، $G=F/E$ ، $H=A+B-E$ ، $I = H \times G$ ، $J=I+F$



روند تحول ارزش درآمدهای مصرف شده نفتی (صادرات + مصرف داخلی) کشور

طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۵۲

جدول ۳ از ۳

J*	I*	H*	G*	F	E*	D	C	B	A	سال
مجموع کل (میلیون دلار)	ارزش دلاری مصرف داخل (میلیون دلار)	مصرف داخل (میلیون بشکه معادل نفت خام)	ارزش دلاری هر میلیون بشکه معادل نفت خام (میلیون دلار)	ارزش دلاری صادرات نفتی (میلیون دلار) (۲و۳)	مجموع صادرات نفت و گاز و فرآورده های نفتی (میلیون بشکه معادل نفت خام)	صادرات گاز طبیعی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	تولید گاز طبیعی (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	تولید نفت خام (میلیون بشکه معادل نفت خام) (۱)	
۳۸,۷۶۷	۱۹,۴۲۸	۹۰۱	۲۱/۵۶	۱۹,۳۳۹	۸۹۷	۲	۸۹۵	۳۹۰	۱,۴۰۸	۱۳۸۰
۴۵,۹۴۷	۲۲,۹۸۱	۹۲۱	۲۴/۹۵	۲۲,۹۶۶	۹۲۱	۸	۹۱۲	۴۴۴	۱,۳۹۸	۱۳۸۱
۵۱,۶۳۱	۲۴,۲۷۶	۹۶۱	۲۵/۲۷	۲۷,۳۵۵	۱,۰۸۳	۲۲	۱,۰۶۱	۵۰۳	۱,۵۴۱	۱۳۸۲
۷۰,۸۰۸	۳۴,۴۹۳	۱,۰۳۹	۳۳/۲۰	۳۶,۳۱۵	۱,۰۹۴	۲۲	۱,۰۷۲	۵۶۹	۱,۵۶۴	۱۳۸۳
۱۱۰,۳۰۸	۵۶,۴۸۸	۱,۱۲۹	۵۰/۰۴	۵۳,۸۲۰	۱,۰۷۶	۳۰	۱,۰۴۶	۶۲۲	۱,۵۸۳	۱۳۸۴
۱۲۸,۶۱۸	۶۶,۶۰۷	۱,۱۸۲	۵۶/۳۷	۶۲,۰۱۱	۱,۱۰۰	۳۶	۱,۰۶۴	۶۸۴	۱,۵۹۷	۱۳۸۵
۱۸۱,۶۳۹	۹۷,۱۳۴	۱,۲۸۵	۷۵/۶۲	۸۴,۵۰۵	۱,۱۱۸	۳۵	۱,۰۸۲	۷۷۳	۱,۶۲۹	۱۳۸۶
۱۹۷,۱۹۲	۱۱۰,۵۷۳	۱,۳۵۲	۸۱/۷۶	۸۶,۶۱۹	۱,۰۵۹	۳۰	۱,۰۳۰	۸۰۵	۱,۶۰۷	۱۳۸۷
۱۶۸,۱۰۳	۹۸,۱۴۶	۱,۴۳۱	۶۹	۶۹,۹۵۷	۲,۴۵۱	۴۳	۹۷۷	۸۶۶	۱,۵۸۵	۱۳۸۸
۲۰۸,۵۳۶	۱۱۸,۳۴۵	۱,۴۲۵	۸۳	۹۰,۱۹۱	۲,۵۱۱	۵۴	۱,۰۳۲	۹۰۳	۱,۶۰۸	۱۳۸۹
۱,۸۵۸,۸۳۶	۸۵۳,۶۰۴			۱,۰۰۵,۲۳۱						جمع کل:

مأخذ : ۱- وزارت نیرو، معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی، ترازنامه انرژی سالهای مختلف

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۲

۳- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی شماره ۶۶، سه ماهه سوم سال ۱۳۹۰- سالهای ۱۳۸۶-۳۸۹

۷۰* توضیح: محاسبات ستونها بر مبنای روابط مقابل می باشد: $E=C+D$ ، $G=F/E$ ، $H=A+B-E$ ، $I=H \times G$ ، $J=I+F$



۲-۱- غفلت ها



۱-۲-۱- عدم به کارگیری علم، نقشه جامع و ناکارآمد نمودن سرمایه گذاری ها

" اگر نقشه جامع وجود نداشت، اگر در این تحول نگاه کلان وجود نداشته باشد، کارها ممکن است متناقض از آب دربیاید، تکراری باشد، زائد باشد، کمبودهای بزرگی به وجود بیاید. پس نگاه کلان و جامع، شرط اول است. ... "

مضرات نداشتن راهبرد توسعه در گزارشهای کمیسیون و صفحات پیشین این گزارش به کرات تذکر داده شده است. در صفحات ۴۵ و ۴۶ گزارش ۱۳۹۱/۲/۳۱ حجم حیرت آور طرح های ناتمام عمرانی و زیر بنائی از زبان مسئولین بیان گردید. سئوالی که پیش می آید این نکته است که اینگونه طرح ها بر مبنای چه منطقی انجام گرفته است؟ توجیه اقتصادی آنها چه بود؟ در خدمت چه فعالیتهای تولیدی اعم از کشاورزی و یا صنعت بوده است؟ صرف احداث راه و سایر امور زیر بنائی در غیاب بنگاه های توانمند و قادر به تولید فن آورانه آیا خود نمی تواند به شمشیر دولب تبدیل شده و **مصرف** فرآورده ها و محصولات **وارداتی** خارجی از قبیل خودرو، لوازم خانگی، تجهیزات تصویری و صوتی و امثالهم را **تشویق** و این امر با **تزریق** منابع زیرزمینی خدادادی **تسریع** گردد؟ به چند مثال دیگر از این دست طرحهای غیرکارشناسی اجراء شده توجه فرمائید.

"... هم اکنون تنها ۳ فرودگاه در ایران دارای توجیه اقتصادی هستند. ... در حال حاضر حجم پرواز ۹۰٪ از فرودگاهها مطابق با استانداردهای جهانی نیست. ... عملیات ساخت فرودگاههای سقز و گناباد آغاز شده است ..." (۷۷).

"... اکنون ۳ فرودگاه از ۵۴ فرودگاه کشور اقتصادی هستند و بر اساس برنامه تا پایان سال مالی ۳ فرودگاه دیگر هم اقتصادی خواهند شد ..." (۷۸).

۷۷- محسن اسماعیلی، مدیر عامل شرکت فرودگاههای کشور، روزنامه جهان صنعت، شماره ۱۸۸۹، مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۱، صفحه ۱۳

۷۸- محمود رسولی نژاد، مدیر عامل شرکت فرودگاههای کشور، روزنامه جهان اقتصاد، شماره ۵۰۱۷، مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵، صفحه ۴

"... بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۸۳ ساخت ۲۶ بیمارستان **غیر کارشناسی** پس از سالها کار اجرائی متوقف شد.. در زمان حاضر بر اساس اطلاعات موجود ۵۵ بیمارستان در کشور در حال ساخت است که با توجه به بودجه ابلاغی سال ۸۴ احتمالاً ۶ بیمارستان دیگر نیز به این تعداد اضافه میشود بسیاری از بیمارستانهایی که ساخت آنها متوقف شده ، مواردی بوده است که زمین آن توسط یک فرد خیر برای ساخت بیمارستان به وزارت بهداشت اهداء می شد ، سپس **با فشار و نفوذ نمایندگان مجلس** به سرعت در اولویت ساخت قرار می گرفت ، اما بعدها پس از بررسی دقیق متوجه می شدند که اصلاً **امکان دسترسی به بیمارستان برای مردم وجود ندارد** و یا به علت **وجود بیمارستان دیگری در آن محدوده** نیازی به این همه هزینه کردن نیست. روال گذشته در ساخت بیمارستانها **مشکلات مالی زیادی را به دولت** و وزارت بهداشت تحمیل می کرد. بیمارستان هایی هم بوده اند که بعلت مشکلات مالی و کمبود بودجه وزارت بهداشت یا اولویت طرحهای دیگر متوقف شدند و حتی مواردی هست که یک بیمارستان **پس از ۳۰ سال کاراجرائی** به علت کمبود بودجه از اولویت خارج می شود و **ساخت آن متوقف می شود** ... " (۷۹) .

" افزایش میزان تلفات رانندگی در راه های روستائی نسبت به سال قبل ، به دلیل افزایش تردد و سرعت در این راه ها در پی **آسفالت شدن** آنها است که لازم است علاوه بر آسفالت کردن راههای روستائی ، **مشخصات هندسی راه و ایمنی آن** در نظر گرفته و رعایت شود در حال حاضر بنا به ضرورت ، راههای روستائی آسفالته میشوند و تنها به **کمیت آسفالته شدن آن** توجه می شود و تا حدودی از ایمنی غافل مانده ایم ...

... گفتنی است ، راه های روستائی کشور مشکلات بسیاری دارند چرا که از ابتدا پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون **با هدف ایجاد دسترسی به روستاها** ساخته شده و همچنین طی این سالها برخی از راه های روستائی ساخته شده اند که **با مشخصات هندسی تناسبی ندارند** و به بحث ایمنی آنها توجه کامل نشده است ... " (۸۰)

احساس کمبود منابع مالی

پیش از انقلاب نیز با تزریق بی مهابای دلارهای نفتی به اقتصاد و افزایش نقدینگی، اجرای طرح های عمرانی و صنعتی بدون توجیه کامل، با احساس کمبود تامین مالی **کاذب**، منجر به رشد واسطه گریهای مالی گردید و شاهد رشد قارچ گونه این گونه موسسات بوده ایم. در صفحات ۳۷-۳۵ گزارش ۱۳۹۱ / ۲ / ۳۱ سهم تسهیلات ارائه شده بانکی داخلی در مقایسه با تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای منتخب بوده ایم. این سؤال پیش می آید که چرا کشورهایی چون کره جنوبی، چین، مالزی علیرغم اینکه بیش از صد در صد تولید ناخالص داخلی تسهیلات ارائه داده اند، شاهد تورم و تلاطم در اقتصادهای خود نیستند؟ درحالیکه بهرغم اینکه این نسبت در کشورمان در حد ۳۷ درصد بوده، تسهیلات بیشتر سبب گسترش نقدینگی و تورم می گردد.

۸۰- دوستعلی قاسمی ، مدیر کل دفتر ایمنی و ترافیک سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، حسین میرشفیع ، معاون راه روستائی ، وزارت راه و ترابری

ماخذ : روزنامه جهان صنعت ، شماره ۱۶۱۲ ، ۱۳۸۸/۱۱/۱۰ ، صفحه ۱۳

در کشور ما با توجیه و به کارگیری پوسته ظاهری واژه هائی چون " انحصار " ، " رقابت " ، " بهره وری " و امثالهم، شاهد رویه‌هائی در خصوص واحدهای تکراری و زائد هستیم که در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته نیز شاهد آن نمی باشیم. در اینجا تنها به ذکر دو مثال از دو بخش اقتصادی از میان خیل مثال ها، بسنده می نمائیم.

شاهد می باشیم که هرچند گاهی یکبار معضل تأمین مرغ در جامعه برجسته می گردد . با استناد به آمارهای وزارت جهاد کشاورزی مندرج در صفحه ۷۸ مشاهده می گردد که در سال ۱۳۸۹ کشورمان دارای ۱۸۱۹۲ واحد مرغداری دارای مجوز بوده است با ظرفیت قریب ۲۸۵ میلیون قطعه مرغ گوشتی. این آمار نشان می دهد که در کل کشور هر واحد مرغداری گوشتی **به طور متوسط** ظرفیت پرورش **۱۵۶۷۷ قطعه مرغ** را دارا بوده است. سئوالی که به ذهن متبادر میشود این است که آیا چنین ظرفیتی **اقتصادی است**؟ در جدول صفحه ۷۹ نیز مشاهده می گردد که تنها در عرض قریب چهار و نیم سال میزان **ارز خروجی** مورد نیاز واردات کنجاله سویا برای تغذیه آنها حدود **۳/۴۳ میلیارد دلار** بوده است. سایر اقلام همچون تخم مرغ نطفه، دارو، تجهیزات و امثالهم مورد نیاز این واحدها نیز می بایست مدنظر قرار گیرد که ممکن است نیاز به واردات داشته باشد . سئوال دیگری طرح می گردد که آیا **چنین ظرفیتهایی** قادر به ارتقاء **کیفیت ، تحقیق و توسعه** ، تأمین تغذیه داخلی و سایر موارد می گردند ؟ علم و عقل دلالت نمی دهد که چنین احتمالی زیاد باشد.



ظرفیتهای مرغ گوشتی استا نهها در سال ۱۳۸۹

ردیف	استان	واحدهای موجود	
		تعداد	ظرفیت
۱	آذربایجان شرقی	۹۴۰	۹,۳۴۸,۹۸۳
۲	آذربایجان غربی	۵۶۵	۱۰,۱۹۹,۲۳۰
۳	اردبیل	۲۸۹	۴,۵۵۱,۱۷۰
۴	اصفهان	۱۶۹۶	۳۰,۳۵۴,۲۰۲
۵	ایلام	۲۷۰	۴,۳۰۰,۰۰۰
۶	بوشهر	۱۳۷	۳,۲۸۹,۰۰۰
۷	تهران	۷۰۷	۱۸,۵۸۴,۹۸۲
۸	چهار محال و بختیاری	۱۶۵	۳,۰۷۰,۵۰۰
۹	خراسان جنوبی	۴۹۶	۶۶۳,۶۴۱
۱۰	خراسان رضوی	۱۵۲۰	۱۸,۵۰۰,۰۰۰
۱۱	خراسان شمالی	۷۰	۱,۳۰۸,۸۳۰
۱۲	خوزستان	۸۷۷	۱۳,۴۱۹,۲۲۸
۱۳	زنجان	۱۴۳	۳,۸۲۳,۵۵۰
۱۴	سمنان	۳۸۶	۸,۱۷۱,۷۲۰
۱۵	سیستان و بلوچستان	۱۳۵	۳,۴۱۳,۱۱۳
۱۶	فارس	۱۲۴۲	۱۶,۲۹۶,۷۱۴
۱۷	قزوین	۴۲۷	۱۰,۴۲۷,۹۸۰
۱۸	قم	۳۴۳	۶,۴۳۶,۷۳۱
۱۹	کردستان	۴۶۱	۸,۳۹۲,۴۰۰
۲۰	کرمان	۷۴۴	۶,۵۶۰,۰۰۰
۲۱	کرمانشاه	۷۲۵	۸,۰۴۱,۶۴۳
۲۲	کهگیلویه و بویر احمد	۱۱۷	۱,۸۸۰,۰۰۰
۲۳	گلستان	۷۱۱	۱۶,۴۹۹,۶۵۵
۲۴	گیلان	۶۵۲	۱۲,۲۹۹,۸۷۰
۲۵	لرستان	۴۱۳	۷,۱۰۰,۰۰۰
۲۶	مازندران	۱۷۳۸	۲۷,۴۴۲,۹۲۰
۲۷	مرکزی	۵۰۶	۸,۹۰۵,۴۴۶
۲۸	هرمزگان	۲۳۳	۴,۶۷۶,۰۰۰
۲۹	همدان	۶۳۷	۷,۷۹۷,۳۰۰
۳۰	یزد	۸۳۳	۹,۱۰۳,۵۸۰
۳۱	جنوب کرمان	۱۴	۱۷۰,۰۰۰
	جمع کل	۱۸,۱۹۲	۲۸۵,۰۲۸,۳۸۸

متوسط ظرفیت هر واحد مرغداری گوشتی

$$\frac{۲۸۵,۰۲۸,۳۸۸}{۱۸,۱۹۲} = ۱۵,۶۷۷$$



ارزش واردات مواد اولیه کنجاله طی سالهای ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۱

جمع کل	سال ۱۳۹۱ *		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۸۸		سال ۱۳۸۷		شرح تعرفه	تعرفه
	ارزش به دلار (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش به دلار (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش به دلار (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش به دلار (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش به دلار (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)		
۳,۳۴۴/۲	۶۹۸/۶	۱,۱۸۱/۵	۷۵۵/۹	۱,۵۴۷/۲	۸۵۲/۹	۱,۹۱۸/۱	۵۵۹/۵	۱,۲۵۲/۷	۴۷۷/۳	۱,۰۲۷/۵	کنجاله و سایر آخال های جامد از دانه سویا	۲۳۰۴۰۰۰۰

* آمار ۵ ماهه نخست سال ۱۳۹۱

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

در صفحات قبل مصداقی از بخش تولیدی در حوزه کشاورزی را مشاهده فرمودید که در اثر نداشتن راهبرد، تعدد واحدها و متوسط ظرفیت پائین، واحدهای موجود کشور قادر به تولید در اندازه اقتصادی نیستند و به سختی ممکن است کیفیت و تحقیق و توسعه را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند. برای فائق آمدن بر غیر اقتصادی بودن تولید، احتمال روی‌آوری به افزایش قیمت را، برای جبران هزینه‌های بالاسری که در ظرفیت غیر اقتصادی می‌بایست سرشکن نمایند، بیشتر می‌نماید.

مصداق بعدی را از یکی از بخش‌های صنعت انتخاب می‌کنیم. در اینجا لازم به توضیح است که مطالعات کمیسیون نشان می‌دهد که در بسیاری از تولیدات صنعتی و معدنی کشورمان، گاهی به اندازه **کل** کارخانجات **فعال در آسیا** و یا در برخی موارد تا دوبرابر کل کشورهای آسیائی، واحدهای **به اصطلاح تولید** یک محصول را اسماً در کشور دارا می‌باشیم. این واحدها تحت عنوان تولید، مونتاژ و یا واردات محصول نیمه تمام و یا قطعات منفصله میتوانند فعالیت داشته باشند. از همین رو مشاهده می‌شود که تقاضای کاذب و غیر کارآمد ارز، گریبان اقتصاد ما را رها نمی‌سازد و این حاصل نداشتن راهبرد توسعه، گرفتار شدن در پوسته ظاهری شعارها و یا تأمین ظاهری **برابری فرصت‌ها** و امثالهم بوده و حاکی از نبود نگرش توسعه‌ای در میان بسیاری از دولت‌ها در کشورمان بوده و اهمیت **تفوق جنبه سیاسی - اقتصادی** در دیدگاه دولت‌ها بر **اقتصادی - اجتماعی** بودن طرح‌ها، قابل مشاهده است.

از میان اینگونه واحدها به عنوان مصداقی دیگر به صنعت خودرو نگاهی می‌افکنیم. در سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) تعداد به اصطلاح کارخانجات تولیدی خودرو در کشورمان برای ظرفیت ۱۷۰۰۰ دستگاه، ۱۱ واحد بود که نام آنها را در صفحه ۸۲ ملاحظه می‌فرمائید. اگر مقایسه با کشوری دارای راهبرد مستحکم و منسجم توسعه، همچون کره جنوبی صورت پذیرد، ملاحظه می‌گردد که در همان بازه زمانی با ۷۰۰۰ دستگاه تولید، تنها ۲ واحد خودرو سازی در آن کشور فعالیت می‌نموده‌اند و برای داخلی‌سازی خودرو برنامه‌ریزی می‌نمودند.

در حالیکه در کشورمان توجه اصلی بر مونتاژ و سرهم‌بندی خودرو بوده و برای استفاده از رانت جهت‌گیری نموده بود. "مثلاً اتومبیل، برای اینکه ممنوع کردن ورود اتومبیل در عمل باعث آن چیزی شده بود که به نام **مونتاژ اتومبیل** در ایران انجام می‌دادند. **تمام قطعات** را از بیرون **وارد** می‌کردند و همان ارز اتومبیل و **شاید بیشتر** هم خرج می‌شد و **عده** بخصوصی **بدون هیچ جهتی پولدار می‌شدند**. بدون اینکه **در داخل** کشور یک کار **درست و حسابی** انجام بدهند. مونتاژی که به آن صورت وجود داشت **یکی از بلاهای کشور بود**. بدون اینکه **ارزش افزوده‌ای** در داخل کشور به دست بیاید یک چیزهایی را بردارند و بیاورند. مثلاً فیات را در ایران مونتاژ می‌کردند و علامت ساخت ایران هم پشتش بود، ولی **حتی این علامت «ساخت ایران» را هم در ایتالیا ساخته بودند** و آورده بودند " (۸۱).

کارخانجات تولید خودرو در ایران پیش از انقلاب

ردیف	نام کارخانه	سال تاسیس	نوع خودرو
۱	شرکت سایکا	۱۳۳۹	مونتاز فیات ۱۱۰۰ سواری
۲	شرکت ایران ناسیونال (شرکت ایران خودرو)	۱۳۴۱	ابتدا اتوبوس LP، سپس از سال ۱۳۴۵ با Roots انگلیس برای سواری پیکان و اتوبوس سواری (بنز)
۳	شرکت مرتب	۱۳۳۶	از سال ۱۳۴۰ با Rover انگلیس برای سواری دو دیفرانسیل لندروور
۴	شرکت جیب سپس شرکت جنرال موتورز (شرکت پارس خودرو)	۱۳۳۵	خودرو سواری Jeep و سپس از سال ۱۳۴۵ خودروهای سواری آریا و شاهین (رامیلر)
۵	شرکت سهامی تولید اتومبیل سیتروئن ایران (شرکت سایپا)	۱۳۴۶	سواری ژبان
۶	شرکت زامیاد	۱۳۴۲	نیسان وانت، کامیون ایوکو
۷	شرکت لیلاند موتور (شرکت شهاب خودرو)	۱۳۴۲	اتوبوس و کامیون
۸	شرکت صنعتی خودرو سازان ایران (محور سازان، ایران خودرو)	۱۳۴۳	مینی بوس و اتوبوس
۹	گروه صنعتی خاور (ایران خودرو دیزل)	۱۳۳۸	کامیون
۱۰	شرکت کارخانجات اتومبیل سازی مزدا (گروه بهمن)	۱۳۳۸	مونتاز موتورسیکلت باراکسن (vespa) و سپس از سال ۱۳۴۹ وانت مزدا
۱۱	شرکت ایران کاوه (سایپا دیزل)	۱۳۴۲	کامیون

در کره جنوبی، دولت و ساختار حکومتی آن با به عهده گرفتن نقش مهم، **غیر منفعلانه** و خردمندانه، بسترها و توان نوآوری را با صبر ایجاد نموده و حرکت تدریجی و جهت گیری ظرفیت اقتصادی واحد و **دخالت** مقتدرانه، به عنوان حافظ منافع عام جامعه را، در جایی که لازم بوده، بدون درنگ و اتلاف زمان و با تشخیص نخبگان هدایت کننده توسعه انجام و در آن تردید ننموده است. به این مستندات توجه فرمائید.

"پس از رشد بی سابقه سرمایه گذاری در اواخر دهه ۱۹۷۰ که منجر به افزایش موقت ظرفیت در بعضی از صنایع عمده گردید، دولت کره خود را درگیر برنامه های سازماندهی مجدد صنایع سنگین و شیمیایی نمود (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به چانگ ، ۱۹۸۷). چهار شرکت موجود در صنعت تجهیزات تولید برق ، با صنایع سنگین و شرکت ساختمانی کره (KHIC) ادغام شدند که بعدها ، با استدلال نیاز به حمایت دولت جهت سود دهی KHIC و بدلیل کلان بودن این بخش و خارج بودن از عهده بخش خصوصی ، ملی اعلام شدند . در صنعت ساخت خودروهای سواری ، یکی از سه شرکت تولید کننده خودرو (Kia) **مجبور به خروج** و محدود به تولید کامیون و اتوبوس گردید ، با این وعده که هنگامیکه **شرایط تقاضا مهیا گردد** مجدداً به عرصه تولید خودروهای سواری رجوع نماید (این امر در عمل **محقق** گردید).

یکی از سه شرکت در صنعت ناوگان موتورهای دیزلی (Daewoo) **وادار به خروج** و دو شرکت دیگر **مجبور به تقسیم بازار** به دو بخش و **تخصیص** گرائی شدند (هیوندا موتورهای با بیش از ۶۰۰۰ اسب بخار و سانگیونگ با موتورهای با توان زیر ۶۰۰۰ اسب بخار). در صنعت ماشین آلات برقی سنگین، که هشت شرکت حضور داشتند، سه شرکت (Hyosung , Ssangyong , Kolon) تحت نام یک شرکت به نام (Hyosung) **ادغام** شدند و **تنها مجوز تولید محصولات بسیار تخصصی و گران قیمت** به او داده شد . از شرکت تابعه هیوندا **خواسته شد** تا **تنها** برای شرکتهای **گروه خود** تولید نماید. چهار شرکت کوچکتر **مجبور** به تولیدتنها محصولات **غیرتخصصی تر و ارزان قیمت تر** شدند. هر یک از چهار شرکت در صنعت سیستم های سوئیچینگ الکترونیکی (Samsung, Goldstar, OPC, Daewoo) **وادار به تخصیص گرائی** در محصولات مختلف گردیدند . دو شرکت فعال در زمینه صنعت ذوب مس با **مجبور نمودن** یک شرکت به خرید سهام دیگری **ادغام گردید** که از طریق مشارکت سهام بانک توسعه کره و **معوق نمودن بازپرداخت وام های بانکی مورد حمایت** قرار گرفت " (۸۲) .

" با نگاهی به تاریخچه صنعت ساخت خودروهای سواری می‌توان دریافت که چگونه **دولت کره** در ایجاد صنایع **هدف** گام بر می‌دارد (توضیحات ذیل مبتنی بر گزارش بانک توسعه کره (KDP : pp.501-6 : ۱۹۸۱) است). صنعت خودروهای سواری در کره در **سال ۱۹۶۲** با مونتاژ قطعات SKD آغاز گردید. در سال ۱۹۶۵ با **هماهنگی بخش دولتی ادغام بین دو خودرو ساز (Senara, Shinjin)** و تحت برند Shinjin صورت پذیرفت. در سال ۱۹۶۸ دو خودرو ساز جدید (Hyundai , Asia) پا به عرصه میدان نهادند و پس از آن ورود خودرو ساز دیگری تا سال ۱۹۷۲ **ممنوع** اعلام گردید تا اینکه مجوز تولید خودروهای سنگین توسط Kia، صادر شد. در سال ۱۹۷۴، دولت برنامه **بلند مدت** خود را جهت بهبود صنعت خودرو و به منظور توسعه مدل‌های **داخلی** خودرو سواری (در این دوران تولید کنندگان خودروهای سواری هنوز قطعات CKD از تویوتا، فورد، جنرال موتورز و فیات را مونتاژ می‌کردند) را اعلام نمود و Asia که **برنامه مدونی** جهت توسعه مدل‌های خودروهای سواری داخلی ارائه ننموده بود را **مجبور** به خارج شدن از صحنه و توان تولیدی آن به شرکت Kia **واگذار** گردید. از سال ۱۹۷۴ مدل‌های داخلی (Kia's Brisa در سال ۱۹۷۴، Hyundai's Pony در سال ۱۹۷۵، GMK's Gemini در سال ۱۹۷۷) شروع به توسعه یافتند. در همین حال Shinjin خود را از GMK (شریک تجاری GM از سال ۱۹۷۲)، به دلیل بحران فروش مدل‌های شورلت که تازه به بازار عرضه نموده بود، کنار کشید. سهام Shinjin **توسط بانک توسعه کره (KDB)** (بعدها KDB-GM) خریداری گردید که در نهایت در سال ۱۹۷۸ به دوو (بعدها به نام GM Deawoo) فروخته شد. در **سال ۱۹۸۰** با سازماندهی مجدد این بخش، **طرح اولیه خروج Kia از صحنه و ادغام هیوندا و دوو** با یک دیگر بود اما این موضوع منتفی گردید به دلیل اینکه **سیاستگذاران، با برنامه دوو مبنی خروج مدل‌های داخلی به نفع مدل‌های جهانی خودرو GM مخالفت نمودند.** بازار تا سال ۱۹۸۷ در **قبضه دوو و هیوندا** بود تا اینکه Kia **مجدداً مجوز یافت** دوباره به عرصه بازار وارد شود " (۸۳).

لیکن مسیر این صنعت در کشورمان از سال ۱۳۵۲ به نحوه قابل توجهی منحرف گردید و عموماً واحدهای مونتاژی تفوق بیشتری پیدا نمودند و هیچگاه هدف ساخت داخل و معرفی خودروهایی ملی به جامعه، که بدون کمک و فداکاری دولتها امکان پذیر نیست، وجهه همت قرار نگرفت. در همه کشورهای توسعه یافته صنعت خودرو به عنوان موتور متحرک توسعه صنعت شناخته شده و سرریز حاصل از این بخش صنعتی چه در نفوذ تکنولوژی و چه در ارتقاء نگرش فن آورانه و چه تأمین سرریزهای مالی در قالب منابع درآمد عمومی و تحریک اشتغال در هر اقتصادی غیر قابل تردید است. به عنوان نمونه در آلمان منطبق با آمار انجمن خودرو آلمان (VDA)، از هر ۴ یورو مالیات اکتسابی، ۱ یورو مربوط به صنعت خودرو و از هر ۶ نفر شاغل، یک شاغل مربوط به این بخش صنعتی است. در کشورمان نیز وفق مستندات جداول داده - ستانده سال ۱۳۸۰، یک چهارم مالیات کل کشور از قبل این بخش صنعتی است که نتایج آن را در صفحه ۱۰۴ مشاهده می‌نمایید.

نمونه مستندات یارانه و کمکهای دولتهای توسعه‌نگر به این بخش از صنعت فراوان است. به عنوان مثال به گزارش شماره ۲ در خصوص توسعه کره جنوبی، منتشره این کمیسیون، مراجعه فرمائید. درحالیکه نمیتوان مستندی را مشاهده نمود که دولتهای متعدد کشورمان در بخش سرمایه‌گذاری بلند مدت واحدهای خودرو سازی مهم کشورمان، که حرکت به سمت عمق ساخت داخل و طراحی را شروع نمودند، قدمی برداشته باشند. نگرش توسعه‌گرایانه و داشتن راهبرد از الزامات مهم پیشرفت هر کشور می‌باشد. بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی سلطه طلبان جهانی بر کشورمان، طبیعی بود که با دورانی دارای فترت نسبی، در برخی از زمینه‌ها روبرو گردیم.

پس از اتمام جنگ، به گمان گشایش و جبران مصائب دوران دفاع مقدس و فراهم نمودن نسبی کمبودهای دوران جنگ، با باز شدن دروازه های ورودی کالائی به کشور مواجه‌ایم. ورود خودروهایی کره‌ای در همان زمانها، و پس از ایجاد اندازه اقتصادی تولید و فراهم نمودن زیرساختهای نوآوری و ساخت داخل، بخشی از خودروهای کره‌ای همچون Deawoo و Kia که برای ۶ الی ۷ سال توسط دولت منع فعالیت گردیده بودند (همانگونه که در پانویسهای ۸۲ و ۸۳ تشریح گردید) به ایران ورود پیدا نمودند و بطور مثال کیا پراید، از اولین خودروهای ورود مجدد شرکت کیا به بخش خودرو سواری کره جنوبی است که بیش از یک دهه است در کشورمان تولید می‌گردد.



صنعت خودرو پس از انقلاب و در پی عدم توانائی تأمین ارز مورد نیاز واردات خودرو (آمار واردات گمرک در قسمت خودرو و قطعات آن نشان میدهد که از سال ۱۳۶۸ الی آخر سال ۱۳۷۲، قریب ۷/۹ میلیارد دلار ارز از کشور و علیرغم داشتن بدهی خارجی از کشور خارج گشت) با تصویب قانونی موسوم به **قانون خودرو جانی گرفته و حرکتی جدید و لیکن بدون داشتن راهبرد جامع ، منسجم و مورد اجماع همه نهادهای کشور آغاز گردید .**

کافی است به مقایسه دو **نگرش** برای یک صنعت در دو کشور، که خود گویای زمینه‌های **ناکامی** در یکی و **توفیق** در دیگری است را، با ملاحظه در عناوین قانونی آنها ملاحظه نمود.

نگرش در آمدی:

" **قانون چگونگی محاسبه و وصول درآمد حقوق گمرکی، سود بازرگانی و**

مالیات انواع خودرو و ماشین آلات راهسازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آنها " (موسوم به قانون خودرو)

مأخذ: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱

نگرش توسعه ای:

قانون راهبرد بلندمدت برای توسعه تأمین صنایع خودرو چین

مأخذ: وزارت صنایع ماشین سازی چین، ۱۹۹۵

یقیناً میبایست در تحقیقی مستقل به چالشها، ناکارآمدیها و توفیق‌های این بخش صنعتی پرداخت تا از زیر بناهای ناقص موجود، زمینه توفیق و جهش بزرگ را جستجو نمود **که کاملاً پتانسیل آن وجود دارد.**

اکنون نیز با محصور ماندن در پوسته ظاهری واژه‌ها، در جداول صفحات ۸۹ الی ۹۱ مشاهده می‌فرمائید که تعداد تولید در کشورمان هیچ سنخیتی با تعداد کارخانجات موجود (عموماً مونتاژی) ندارد. قیاس با سایر کشورها نیز خود گویای **واقعیت‌های تلخ** می‌باشد. قضاوت را به خوانندگان محترم این گزارش وا می‌گذاریم.

معضل مهم تعداد واحدهای تکراری و زائد و سطح پائین فن‌آوری در بسیاری از رده‌های بخش صنعت و محبوس ماندن منابع مالی کشور در طرحهای زیر بنائی همچون راه، ساختمان، انرژی، و یا واحدهای صنعتی ناتمام و عموماً غیر اقتصادی از بلیه‌های اقتصادی است که گریبانگیر کشورمان شده است. به گزارشی از وزارت صنعت، معدن و تجارت در صفحه ۸۸ توجه فرمائید که خود بسیار گویا می‌باشد.

یکی از وجود مهم این معضلات، وفاق بر راهبرد توسعه به ویژه در بخشهای اقتصادی، صنعتی و کشاورزی است و همچنین پرهیز از تفوق قبیله‌گرایی و قومی‌گرایی در تصمیم‌سازی‌های ایجاد واحدهای صنعتی که نمونه‌های فوق، نشانه‌ی مشت‌ی از خروار می‌باشد.

ظرفیت های تولیدی بر اساس پروانه بهره برداری صادر شده تا پایان سال ۱۳۹۰

و طرحهای نیمه تمام از ۱٪ الی ۹۹٪

تعداد فقره	مجوزهای بهره برداری صادره			
	تعداد فقره	سرمايه مجوزها ميليون ريال (جاری سنوات)	اشتغال نفر	عنوان
۱۳,۱۵۹	۱۸,۶۵۴	۲۱۴,۹۶۷,۹۵۶	۳۹۸,۶۴۲	سایر محصولات کانی غیرفلزی
۱۰,۶۲۹	۱۰,۷۸۳	۱۵۵,۶۹۰,۳۰۳	۳۵۸,۱۵۹	محصولات غذائی و آشامیدنیها
۶,۰۶۲	۹,۱۵۶	۶۳,۶۳۳,۴۱۷	۱۵۲,۱۴۲	محصولات از لاستیک و پلاستیک
۴,۹۴۴	۹,۰۸۸	۵۳,۴۱۷,۸۰۶	۱۵۹,۸۸۴	محصولات فلزی فابریکی
۲,۱۵۶	۷,۱۴۹	۴۴,۷۹۵,۰۴۱	۱۷۹,۱۸۶	ساخت ماشین آلات و تجهیزات
۲,۲۶۹	۶,۵۸۲	۵۶,۵۱۲,۶۴۴	۲۱۴,۵۳۳	ساخت منسوجات
۲,۲۴۱	۴,۷۹۶	۱۸۴,۴۸۱,۴۳۳	۱۵۸,۲۳۵	ساخت مواد و محصولات شیمیائی
۲,۲۳۱	۳,۱۵۶	۲۰۴,۱۷۹,۰۸۸	۱۵۶,۲۷۳	ساخت فلزات اساسی
۱,۱۱۲	۲,۲۳۰	۵۲,۴۸۵,۴۰۵	۱۳۷,۴۶۰	وسایل نقلیه موتوری
۱,۹۶۹	۲,۱۸۳	۱۰,۴۴۵,۵۳۸	۳۵,۰۴۲	چوب و محصولات چوبی بجزمبل
۱,۷۵۲	۲,۰۹۶	۱۹,۵۴۷,۴۶۲	۴۴,۱۲۶	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی
۱,۳۸۰	۲,۰۹۴	۲۳,۵۱۲,۸۹۰	۷۷,۷۸۰	ماشین آلات و دستگاه های برقی
۵,۲۵۴	۱,۹۱۶	۲,۳۳۳,۸۶۵	۳۱,۷۰۸	پوشاک و عمل آوردن پوست خز
	۱,۳۵۵	۳,۶۰۵,۰۶۱	۲۲,۶۰۶	مبلمان سایر مصنوعات
	۱,۱۵۹	۳,۳۹۱,۴۸۵	۳۲,۹۵۵	دباغی - چرم - کیف - چمدان - کفش
	۸۱۹	۱۲۳,۴۷۵,۷۳۰	۳۳,۳۷۳	کک و فراورده های حاصل از نفت
	۷۳۵	۳,۹۱۴,۲۹۰	۱۹,۷۲۶	ابزار پزشکی - اپتیکی - دقیق - ساعت
	۶۷۵	۶,۶۵۱,۳۹۸	۳۵,۴۱۷	سایر تجهیزات حمل و نقل
	۴۹۰	۳,۳۸۸,۳۰۲	۱۰,۶۳۷	ماشین آلات دفتری و حسابداری
	۴۵۱	۳,۶۱۵,۳۴۹	۷,۴۳۱	انتشار و چاپ و تکثیر
	۴۰۵	۳,۵۷۰,۶۳۹	۱۹,۶۹۲	راديو، تلویزیون و وسایل ارتباط
	۴۰۴	۶,۰۰۵,۸۹۲	۷,۲۸۸	بازیافت
	۱۳۴	۱,۵۰۵	۱,۱۷۸	کامپیوتر و فعالیتهای مربوطه
	۱۵	۵,۶۰۲,۷۷۳	۷,۱۵۳	محصولات از توتون و تنباکو
	۵۵,۱۵۸	۸۶۵۷۹	۱,۲۸۰,۹۹۶,۸۸۲	۲,۳۱۴,۱۳۱

کره جنوبی

ردیف	نام شرکت
۱	Hyundai Motor
۲	Kia Motor
۳	GM Daewoo
۴	S sang young Motor
۵	Renault Samsung Motor
* ۴,۲۷۱,۹۴۱	

مالزی

ردیف	نام شرکت
۱	Proton Edar
۲	Perodua
۳	Bufori & TD 2000
۴	DRB HICOM
* ۵۶۷,۷۱۵	

ژاپن

ردیف	نام شرکت
۱	Toyota
۲	Honda
۳	Nissan
۴	Suzuki
۵	Mazda
۶	Daihatsu
۷	Mitssubishi
۸	Subaru
۹	Isuzu
۱۰	Fuso
۱۱	Hino
* ۹,۶۲۵,۹۴۰	

ترکیه

ردیف	نام شرکت
۱	Tofas
۲	Oyak Renault
۳	Ford o Tosan
۴	Toyota
۵	Hyundai Assan
۶	Karsan
۷	Honda Turkiye
۸	Mercedes Benz Turkiye
۹	Temsa
۱۰	B . M . C
۱۱	Amodolu . ISUZU
۱۲	O tokar
۱۳	MAN Turkiye
۱۴	Otoyol
۱۵	Askam – Hino
* ۱,۰۹۴,۵۵۷	

ایران

ردیف	نام شرکت	ردیف	نام شرکت
۱	ایران خودرو	۲۰	زرین خودرو
۲	پارس خودرو	۲۱	پیشرو یدک
۳	زاگرس خوردو	۲۲	آکیا دویچ
۴	سایپا	۲۳	هوراند خودرو دیزل
۵	سناباد خودرو توس	۲۴	سیر و سفر رخس
۶	خودروسازان بم	۲۵	یاوران خودرو شرق
۷	خودرو سازان راین	۲۶	خودروهایی دیزلی آذربایجان
۸	خودروسازی مدیران	۲۷	ارس خودرو دیزل
۹	کرمان موتور	۲۸	کاریزان خودرو
۱۰	بنیان توسعه صنعت پارس	۲۹	رخس خودرو دیزل
۱۱	کیش خودرو	۳۰	مازیران
۱۲	گروه بهمن	۳۱	خودرو کویر
۱۳	دیپار خودرو	۳۲	ستاره نیک آریا (اسنا)
۱۴	مرتب	۳۳	آریا دیزل موتور
۱۵	زامیاد	۳۴	سپهر دیزل کاوه
۱۶	ایران خودرو دیزل	۳۵	بن رو
۱۷	سایپا دیزل	۳۶	رانیران
۱۸	شهاب خودرو	۳۷	پیشرو دیزل آسیا
۱۹	صنعتی عقاب افشان	۳۸	لوتوس
* ۱,۵۹۹,۴۵۴			



شرکت های تولید کننده خودرو (سواری ، اتوبوس ، تجاری سبک ، کامیون)

در کشورهای منتخب و تولید آنها در سال ۲۰۱۰

کمیسیون اقتصاد کلان صفحه ۲ از ۳

ایتالیا

ردیف	نام شرکت
۱	Fiat Group (Iveco , Lancia , Ferrari , Alfa Romeo , Maserati)
۲	Volkswagen AG (Lamborghini)
۳	Bremach
۴	Pagani
۵	Piaggio
۸۵۷,۳۵۹ *	

چین

ردیف	نام شرکت	ردیف	نام شرکت	ردیف	نام شرکت
۱	Aux Auto	۱۹	Huabei Motor	۳۷	Zhengzhou Nissan
۲	Beijing Automobile Works (BAW)	۲۰	Huatai	۳۸	Polarsun Motor (Zhongshun)
۳	(Beiqi) Foton Motor	۲۱	Jiangling (JMC)	۳۹	Zhongxing Automobile (ZXAuto)
۴	Chery Automobile	۲۲	Jiangnan	۴۰	خودروسازان خارجی در چین
۵	BYD Auto	۲۳	Jincheng	۴۱	Toyota (Japan)
۶	Chang'an	۲۴	Chang Feng Motor (Liebao)	۴۲	Nissan (Japan)
۷	Great Wall Motor (GWM)	۲۵	Lifan	۴۳	Honda (Japan)
۸	Dadi	۲۶	Yuejin Motor Group (Nanjing Auto)	۴۴	Suzuki (Japan)
۹	Heibao Auto (Dong'an)	۲۷	Qingling Motors	۴۵	Mazda (Japan)
۱۰	DFM (Dongfeng Motor)	۲۸	Shanghai Maple Automotive (SMA)	۴۶	Daihatsu (Japan)
۱۱	South East (Fujian) Motor	۲۹	Shanghai Wanfeng Auto	۴۷	Mitsubishi (Japan)
۱۲	FAW (First Automobile Works)	۳۰	SAIC (Shanghai Automotive Industry Corporation)	۴۸	FIAT (Italy)
۱۳	Forta (Fuda)	۳۱	Shengma (Sainthorse)	۴۹	Isuzu (Japan)
۱۴	Fudi	۳۲	Shuanghuan Auto	۵۰	Ford (United States)
۱۵	Geely	۳۳	Liaoning Shuguang(SG)	۵۱	General Motors (United States)
۱۶	Gonow Auto	۳۴	Tianma Auto	۵۲	PSA Peugeot-Citroën (France)
۱۷	Brilliance China Automotive (Zhonghua, Jinbei)	۳۵	TianQI Meiya Auto	۵۳	Volkswagen (Germany)
۱۸	Hafei Motor	۳۶	Xinkai		
۱۸,۲۶۴,۸۶۷ *					

فرانسه

ردیف	نام شرکت
۱	Peugeot Citroen (PSA)
۲	Renault
۳	Fiat - Iveco
۴	Toyota
۵	Daimler AG
۶	Volkswagen AG
۷	Scania
۸	Volvo
۲,۲۲۷,۳۷۴ *	

اسپانیا

ردیف	نام شرکت
۱	Irizar
۲	Santana Motors
۳	Volkswagen AG (& seat)
۴	Daimler AG
۵	Ford
۶	Nissan
۷	GM (Opel)
۸	Peugeot Citroen(PSA)
۹	Renault SA
۱۰	Fiat Group
۲,۳۸۷,۹۰۰ *	

آلمان

ردیف	نام شرکت
۱	Daimler AG (& Setra)
۲	GM - Opel
۳	Volkswagen AG (& Audi)
۴	Wiesmann
۵	Bitter
۶	Fiat (Iveco & Magirus)
۷	Funke Will AG
۸	Volvo
۹	Ford
۱۰	BMW
۱۱	Porsche AG
۱۲	Man (& Neoplan)
۵,۹۰۵,۹۸۵ *	

انگلستان

ردیف	نام شرکت
۱	BMW
۲	Jaguar & Land Rovers
۳	Ford
۴	DAF
۵	GM
۶	Nissan
۷	Toyota
۸	Aston Martin
۹	Lotus Group
۱۰	Bristol
۱۱	Ginetta
۱۲	MG Motors
۱۳	Morgan
۱۴	Honda
۱۵	Metrocal(taxi)
۱۶	Mclaren
۱۷	Caterham
۱۸	TVR
۱۹	Tesla
۱,۳۹۳,۴۶۳ *	

برزیل

ردیف	نام شرکت
۱	Agrale
۲	Fiat Goup
۳	Ford
۴	GM
۵	Honda
۶	Hyundai
۷	International
۸	Iveco
۹	Man
۱۰	Daimler AG
۱۱	Mitsubishi
۱۲	Nissan
۱۳	Peugeot Citroen(PSA)
۱۴	Renault
۱۵	Scania
۱۶	Toyota
۱۷	Volkswagen AG
۱۸	Volvo
۳,۶۴۸,۳۵۸ *	

آمریکا

ردیف	نام شرکت	ردیف	نام شرکت
۱	GM	۱۶	Nissan
۲	Chrysler	۱۷	Saal
۳	Ford	۱۸	Subaru
۴	Volkswagen	۱۹	Suzuki
۵	Honda	۲۰	Toyota
۶	Ferrari	۲۱	Volvo
۷	Hyundai	۲۲	Isuzu
۸	Infiniti	۲۳	Kenworth
۹	Jaguar	۲۴	Hayes Truck
۱۰	Kia Motors	۲۵	Hino
۱۱	Mazda	۲۶	Peterbilt
۱۲	Land Rover	۲۷	Freightliner
۱۳	Lotus	۲۸	Western Star Truck
۱۴	Daimler AG	۲۹	International
۱۵	Mitsubishi Motors		
۷,۷۸۱,۴۴۰ *			



چه زمان می‌بایست از اشتباهات گذشته‌امان عبرت بگیریم؟

۲-۲-۱- عدم پایداری بر تولید محوری و برنامه ها و مبهم ماندن دلیل های آن

ملاحظه روند توسعه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که تنها با تکیه بر تولید و گسترش فن‌آوری، با استفاده از تحقیق و توسعه است، که می‌توان به پیشرفت پایدار و ارتقاء مداوم آن دست یافت و بدینسان کشور را به آمال‌های خود رساند.

" تاریخ غرب و اخیراً تاریخ پیشرفت آسیا معرف این واقعیت است که هیچ عاملی به اندازه **تولید**، زمینه‌های عقلانیت اجتماعی و سیاسی را فراهم نمی‌کند. **تولید** به یک فرد، ملت و کشور، **اعتماد به نفس** می‌دهد، مبنای حفظ هویت، حفظ استقلال و حفظ فرهنگ بومی و مظهر قدرت است. **تولید**، نیروی محرکه تغییر است و دامنه فکر و مرزهای **فهم پدیده‌ها** را گسترش می‌دهد. **تولید** زمانی جدی می‌شود که رقابت وجود داشته باشد. **تولید** موجبات نظم رفتاری، نظم فکری و قاعده مند شدن زندگی را به وجود می‌آورد. افزایش کمیت و کیفیت **تولید** تا آنجا یک جامعه را به **سوی پیشرفت و ثبات** سوق می‌دهد که شرایط تامین امنیت داخلی، امنیت ملی و حتی آزادی‌های مدنی و سیاسی را تسهیل نماید " (۸۴).

چنانچه با ابزارهای علم اقتصاد، نظری بر شاخصها و داده‌های کشورمان داشته باشیم، همین رویه پذیرفته شده کشورهای توسعه یافته، در خصوص اقتصاد ما نیز صادق بوده است. به عنوان یک مصداق با استفاده از جداول داده - ستانده کشورمان حتی در سال ۱۳۷۰ مشخص بود که انتخاب و تمرکز برنامه، درچه بخشهای اقتصادی می‌بایست صورت می‌پذیرفت. جدول شاخص **ضریب تکاثر** در صفحه ۹۶ که حاصل از یک تحقیق کمیسیون اقتصاد کلان می‌باشد، نشان می‌دهد که **هر یک واحد رشد در صنعت، باعث ۲/۰۷ واحد رشد** در بخشهایی می‌شود که به **تامین** نیازهای صنعت مبادرت نموده‌اند و باعث **۴/۹ واحد رشد** در بخشهایی می‌گردند که از صنعت تامین نیاز می‌نمایند. همانگونه که مشاهده می‌گردد، هیچ یک از بخشهای اقتصادی دیگر باعث چنین اثری نمی‌شوند و پس از صنعت، اثر بخش تولیدی کشاورزی در مراتب بالا است.



مجموع تحرک این دو بخش این قابلیت را داشته که طی سالهای گذشته بتواند اقتصاد کشور را به پیش برد. از همین رو مطالب ارائه شده رئیس جمهور محترم مندرج در صفحات ۹۸-۹۷ نیز گویای چنین نگاهی بوده و با نگاهی به تشخیص صحیح ارشدترین مقام پولی کشور در اظهارات خود، مندرج در صفحات ۱۰۰-۹۹ در خصوص اولویت منابع مالی کشور برای رفع نیاز بخشهای تولید، حاکی از جهت یابی صحیح می باشد. محاسبات دیگر همچون نتایج جداول داده - ستانده سال ۱۳۸۰ نیز نشان می دهد که **۸۰ درصد مالیات کشور از بخشهای تولید** و مابقی از سایر فعالیتهای بخش خدمات حاصل میگردد در حالیکه وفق گزارش اشتغال مرکز آمار ایران در بهار سال ۱۳۹۱ **قریب ۵۲/۷ درصد اشتغال در بخشهای کشاورزی و صنعت و معدن** کشور بوده. اما با این وجود، **بخشهای تولیدی** کشور، در شرایط فعلی **تحت بیشترین فشارها** قرار دارند و شگفت انگیزاین نکته است که **سهم** این بخشهای اثرگذار و مهم از **منابع تسهیلاتی** کشور **هر ساله کاهش** یافته، جدول صفحه ۱۰۶ و **بخشهای تولیدی** با واردات بی محابای کالاهای صنعتی و کشاورزی در **تنگناهای سختی** قرار گرفته و کاهش قدرت رقابت خود را هر ساله شاهد بوده اند. در حالیکه مقامات محترم ارشد دولتی راه صحیح را نشان داده اند، هیچ تحلیل و تبیینی انجام نشده که چگونه و چرا این **گوشها** به مرحله **اجراء نرسیده اند**، تا از تجارب حاصل از آنها و اشتباهات احتمالی، آینده را رقم زد. در کشور ما جمع بندی تجارب هزینه زای قبلی در مرکزی و یا نهادی متمرکز و مضبوط نیست تا با استفاده از آنها، بلکه چراغی برای آینده فراهم نمائیم.



جدول شاخص ضریب تکاثر

(اثرات اولیه و ثانویه حاصل از افزایش تولید در یک بخش اقتصادی)

عنوان بخش															عنوان بخش
سایر خدمات اجتماعی	همکاری اجتماعی و بهداشت	آموزش	اداره امور عمومی دفاع و تامین اجتماعی	مستغلات و کسب و کار	واسطه گریهای مالی	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	رستوران داری هتل و	عمده فروشی و خرده فروشی	ساختمان	برق، گاز و آب	صنعت	معادن	ماهگیری	کشاورزی، شکار و جنگلداری	
۱/۶	۱/۷	۱/۳۳	۱/۵۴	۱/۲۷	۱/۵	۱/۵۷	۱/۲	۱/۱	۱/۹	۱/۶	۲/۰۷	۱/۰۸	۱/۵۳	۱/۵۶	ارتباطات پسین کل
۱/۴	۱/۴۵	۱/۲۳	۱/۳	۱/۲	۱/۲۶	۱/۳۲	۱/۸۷	۱/۰۹	۱/۵۸	۱/۴۷	۱/۷۸	۱/۰۶	۱/۳۷	۱/۴۴	پسین داخلی
۰/۲	۰/۲۴	۰/۱	۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۲۴	۰/۰۲	۱/۳۸	۰/۱۶	۰/۳۱	۰/۲۵۰	۰/۱۶	۰/۱۲	پسین وارداتی
۱/۱۴	۱/۰۱۳	۱/۰۳	۱/۰۰۹	۱/۰۶	۱/۳	۱/۷۷	۱/۰۵	۱/۵	۱/۱۷	۱/۳۷	۴/۹	۱/۱۲	۱/۱۴	۲/۹۳	ارتباطات پیشین کل
۱/۱۲	۱/۰۱	۱/۰۲۷	۱/۰۰۹	۱/۰۵	۱/۱۵	۱/۶۴	۱/۰۵	۱/۴۲	۱/۱۷	۱/۳۴	۳/۲۴	۱/۰۸	۱/۱۴	۲/۴	پیشین داخلی
۰/۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۱۳	۰	۰/۱۱	۰	۰/۰۳	۱/۷	۰/۴۰	۰	۰/۵۲	پیشین صادراتی

مأخذ: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، کمیسیون اقتصاد کلان، مقاله تحلیلی تعیین بخش اساسی در توسعه اقتصادی ایران، شهریور ۱۳۹۱، مبتنی بر اطلاعات مرکز آمار ایران، جداول داده - ستانده (۱۵ کالا × ۱۵ کالا)، سال ۱۳۷۰



" ... ما باید بیاییم صنعت و تولید داخلی امان را حمایت کنیم تا بتواند با صنایع خارجی وارد رقابت بشود. من نمی دانم این شعارها از کجا آمده است. هیچ کشوری نمی آید این طور صنعت خودش را در مقابل سیل بنیان کن واردات رها کند. ... "



"... این چه افتخاری است که ما اجازه بدهیم
کارخانه‌هایمان تعطیل بشوند و کارگرهایمان
بیکار، اسم‌اش را هم بگذاریم آزاد سازی .
کدام عقل سلیمی این را می‌پسندد..."



نقدینگی و حمایت از تولید

"برخی نظرشان این بود که یکی از راههای مبارزه با تورم سرکوب تقاضا است. اما نظر ما این بود که این راه مؤثر نیست و ما باید به سراغ **تحریک عرضه** برویم. . . . **تزریق نقدینگی** در بخش **تولید** به هیچ عنوان **تورم ایجاد نمی کند** ، هرچند ممکن است در کوتاه مدت بحث نقدینگی را افزایش بدهد اما در طولانی مدت نمودار رشد قیمتها ، کاهش را نشان میدهد. . . . اگر قرار باشد بین **تورم و رکود** یکی را انتخاب کنیم ، **قطعا باید تورم را انتخاب کرد چون رکود** ، **بیکاری و تعطیلی تولید و کارخانجات را به دنبال دارد**. . . . در حال حاضر ما می بایست **حفظ اشتغال** و سپس ایجاد اشتغال را مد نظر داشته باشیم و این بدان معنا است که ما باید سعی کنیم کارخانجاتی را که در حال کار هستند ، **حتی با ظرفیت پائین** ، **حفظ و حمایت کنیم**. . . . اگر صنعت کشور بتواند **۵ تا ۶ ماه آینده با وجود مشکلات دوام بیاورد** ، رونق حاصل از افزایش قیمتها ، نصیب اش خواهد شد. . . "

دکتر محمود بهمنی ، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ماخذ: پورتال بانک مرکزی ، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ <http://www.cbi.ir/showtime/6011.aspx>



نقدینگی و حمایت از تولید

" تا ۴۰ سال گذشته فکر می کردیم هر نقدینگی تورم زا است. اما امروز پی برده ایم چنین نیست. هر نقدینگی الزاما تورم زا نیست. زمانی که نقدینگی به واحدهای تولیدی تزریق می شود ، ممکن است در کوتاه مدت تورم افزایش یابد ، اما بلافاصله چون اشتغال بالا میرود و عرضه کالا افزایش می یابد این تورم به تعادل می رسد. . . . به این نتیجه رسیده ایم که به واحدهای فعال و طرحهای نیمه کاره تسهیلات بدهیم چون با ۵,۰۰۰,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان به ازای هر نفر ، اشتغال موجود حفظ خواهد شد ، در حالیکه اگر بخواهیم به واحدهای جدید وام بدهیم برای هر شغل - نفر ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان سرمایه نیاز است ۵۰٪ افزایش هزینه طرحها به سبب تسویه به نرخ برابر دلار و جایگزینی یورو به جای دلار بوده است. . . . "

دکتر محمود بهمنی ، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ماخذ: روزنامه اعتماد ، شماره ۲۱۱۰ ، مورخ ۱۳۸۸/۹/۲ ، صفحه ۴

سهم اشتغال بخش‌های اقتصادی کل کشور در بهار ۱۳۹۱



کمیسیون اقتصاد کلان

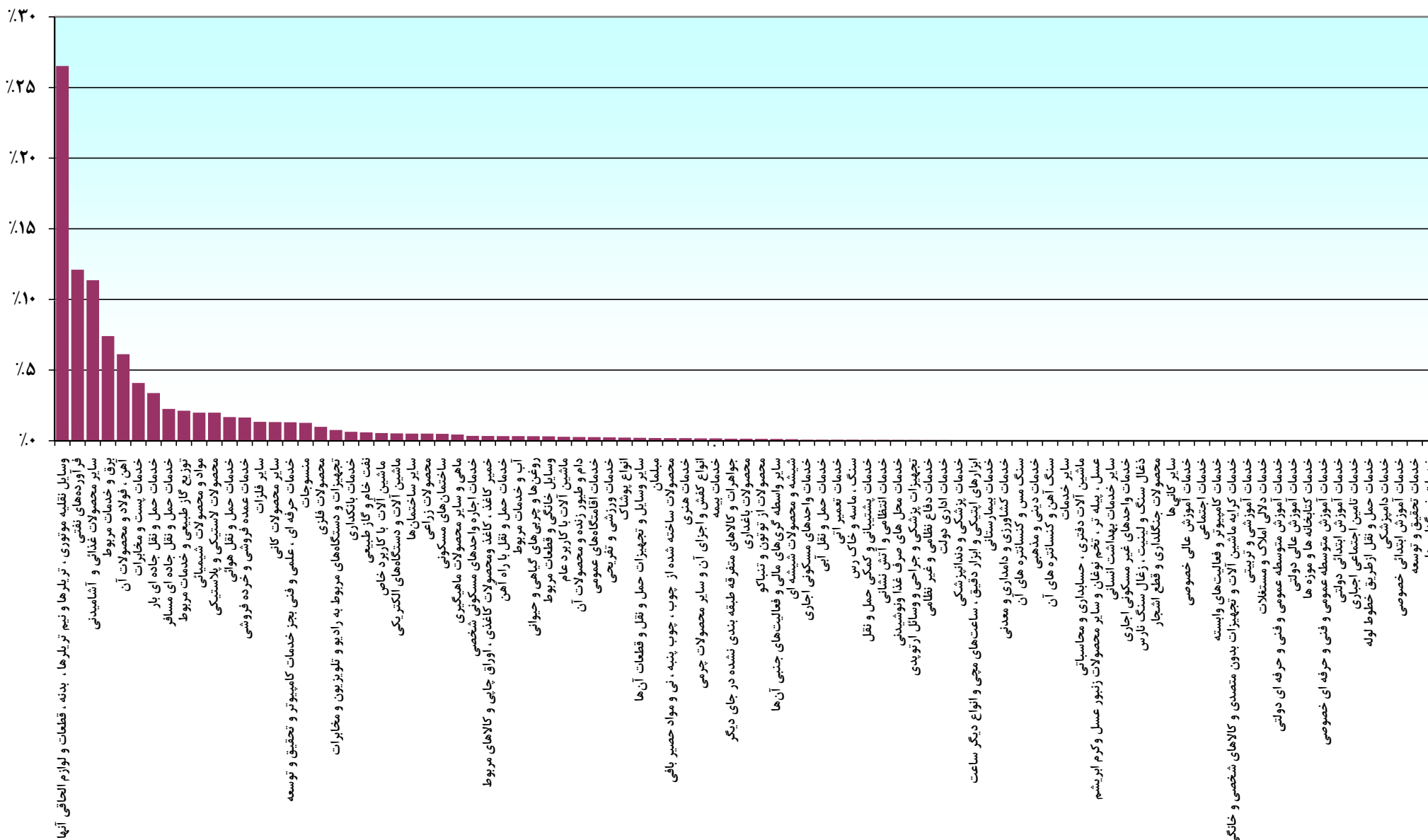
ردیف	شرح بخش اقتصادی	تعداد (تن)	در صد	سهم تجمیعی
۱	بخش کشاورزی	۴,۳۱۰,۲۱۹	۲۰/۳	۵۲/۷
۲	بخش صنعت و معدن	۶,۹۰۵,۵۷۵	۳۲/۴	
۳	بخش خدمات	۱۰,۰۶۷,۷۷۹	۴۷/۳	۴۷/۳

ماخذ: مرکز آمار ایران، چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، بهار ۱۳۹۱، صفحه ۵



سهم مالیات بخشهای مختلف اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۰

ارقام : درصد





تفکیک مالیات بخش های تولید در سال ۱۳۸۰

ارقام : درصد

ردیف	عنوان محصولات	مالیات
۴۱	محصولات ساخته شده از چوب ، چوب پنبه ، نی و مواد حصیر بافی	٪۰/۱۸۷
۴۳	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	٪۰/۱۷۰
۴۵	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	٪۰/۱۴۸
۴۶	محصولات باغداری	٪۰/۱۴۴
۴۷	محصولات از توتون و تنباکو	٪۰/۱۳۹
۴۹	شیشه و محصولات شیشه ای	٪۰/۱۱۵
۵۳	سنگ ، ماسه و خاک رس	٪۰/۰۶۹
۵۷	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	٪۰/۰۵۷
۶۱	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق ، ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت	٪۰/۰۳۸
۶۸	ماشین آلات دفتری ، حسابداری و محاسباتی	٪۰/۰۲۳
۶۹	عسل ، پیله تر ، تخم نوغان و سایر محصولات زنبور عسل و کرم ابریشم	٪۰/۰۲۲
۷۳	محصولات جنگلداری و قطع اشجار	٪۰/۰۱۵
۷۴	سایر کانی ها	٪۰/۰۱۴
جمع		٪۰/۵۷/۹۶۰

ردیف	عنوان محصولات	مالیات
۱	وسایل نقلیه موتوری ، تریلرها و نیم تریلرها ، بدنه ، قطعات و لوازم الحاقی آنها	٪۰/۲۶/۵۲۰
۳	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	٪۰/۱۱/۳۵۹
۵	آهن ، فولاد و محصولات آن	٪۰/۰۶/۱۲۱
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	٪۰/۰۱/۹۸۶
۱۴	سایر فلزات	٪۰/۰۱/۳۴۰
۱۵	سایر محصولات کانی	٪۰/۰۱/۳۲۱
۱۷	منسوجات	٪۰/۰۱/۲۶۷
۱۸	محصولات فلزی	٪۰/۰۰/۹۸۲
۱۹	تجهیزات و دستگاه های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	٪۰/۰۰/۷۶۰
۲۲	ماشین آلات با کاربرد خاص	٪۰/۰۰/۵۴۸
۲۳	ماشین آلات و دستگاه های الکتریکی	٪۰/۰۰/۵۲۴
۲۴	سایر ساختمان ها	٪۰/۰۰/۵۰۵
۲۵	محصولات زراعی	٪۰/۰۰/۵۰۲
۲۶	ساختمان های مسکونی	٪۰/۰۰/۴۹۲
۲۷	ماهی و سایر محصولات ماهیگیری	٪۰/۰۰/۴۴۰
۲۸	خدمات اجاره واحدهای مسکونی شخصی	٪۰/۰۰/۳۴۱
۳۲	روغن ها و چربی های گیاهی و حیوانی	٪۰/۰۰/۳۱۷
۳۳	وسایل خانگی و قطعات مربوط	٪۰/۰۰/۳۱۶
۳۴	ماشین آلات با کاربرد عام	٪۰/۰۰/۲۸۴
۳۵	دام و طیور زنده و محصولات آن	٪۰/۰۰/۲۶۸
۳۸	انواع پوشاک	٪۰/۰۰/۲۲۷
۳۹	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	٪۰/۰۰/۲۰۸
۴۰	میلان	٪۰/۰۰/۱۹۱



تفکیک مالیات بخش های تولید در سال ۱۳۸۰

ارقام : درصد

ردیف	عنوان محصولات	مالیات
۲	فرآورده های نفتی	٪۱۲/۱۰۸
۴	برق و خدمات مربوط	٪۷/۴۰۸
۱۰	مواد و محصولات شیمیائی	٪۱/۹۸۷
۲۱	نفت خام و گاز طبیعی	٪۰/۵۹۳
۳۱	آب و خدمات مربوط	٪۰/۳۲۷
۶۴	سنگ مس و کنسانتره های آن	٪۰/۰۲۹
۶۶	سنگ آهن و کنسانتره های آن	٪۰/۰۲۵
۷۲	ذغال سنگ و لینییت ، زغال سنگ نارس	٪۰/۰۱۵
	جمع	٪۲۲/۴۹۲



تفکیک مالیات بخش های خدماتی در سال ۱۳۸۰

ارقام : درصد

ردیف	عنوان محصولات	مالیات
۶۲	خدمات بیمارستانی	۰/۰۳۰٪
۶۳	خدمات کشاورزی و دامداری و معدنی	۰/۰۳۰٪
۶۵	خدمات دینی و مذهبی	۰/۰۲۶٪
۶۷	سایر خدمات	۰/۰۲۴٪
۷۰	سایر خدمات بهداشت انسانی	۰/۰۱۷٪
۷۱	خدمات واحدهای غیر مسکونی اجاری	۰/۰۱۷٪
۷۵	خدمات آموزش عالی خصوصی	۰/۰۱۴٪
۷۶	خدمات اجتماعی	۰/۰۱۱٪
۷۷	خدمات کامپیوتر و فعالیت های وابسته	۰/۰۱۱٪
۷۸	خدمات کرایه ماشین آلات و تجهیزات بدون متصدی و کالاهای شخصی و خانگی	۰/۰۱۱٪
۷۹	خدمات آموزشی و تربیتی	۰/۰۱۰٪
۸۰	خدمات دلالی املاک و مستغلات	۰/۰۰۸٪
۸۱	خدمات آموزش متوسطه عمومی و فنی و حرفه ای دولتی	۰/۰۰۷٪
۸۲	خدمات آموزش عالی دولتی	۰/۰۰۷٪
۸۳	خدمات کتابخانه ها و موزه ها	۰/۰۰۶٪
۸۴	خدمات آموزش متوسطه عمومی و فنی و حرفه ای خصوصی	۰/۰۰۶٪
۸۵	خدمات آموزش ابتدائی دولتی	۰/۰۰۵٪
۸۶	خدمات تامین اجتماعی اجباری	۰/۰۰۳٪
۸۷	خدمات حمل و نقل از طریق خطوط لوله	۰/۰۰۳٪
۸۸	خدمات دامپزشکی	۰/۰۰۳٪
۸۹	خدمات آموزش ابتدائی خصوصی	۰/۰۰۲٪
۹۰	خدمات تحقیق و توسعه	۰/۰۰۲٪
۹۱	خدمات خبرگزاری ها	۰/۰۰۰٪
جمع		۱۹/۵۴۶٪

ردیف	عنوان محصولات	مالیات
۶	خدمات پست و مخابرات	۰/۰۹۳٪
۷	خدمات حمل و نقل جاده ای بار	۰/۰۳۷۲٪
۸	خدمات حمل و نقل جاده ای مسافر	۰/۰۲۵۵٪
۹	توزیع گاز طبیعی و خدمات مربوط	۰/۰۲۲۱٪
۱۲	خدمات حمل و نقل هوایی	۰/۰۱۶۷۸٪
۱۳	خدمات عمده فروشی و خرده فروشی	۰/۰۱۶۴۷٪
۱۶	خدمات حرفه ای ، علمی و فنی بجز خدمات کامپیوتر و تحقیق و توسعه	۰/۰۱۳۰۴٪
۲۰	خدمات بانکداری	۰/۰۰۶۳۱٪
۲۹	خمیر کاغذ ، کاغذ و محصولات کاغذی ، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۰/۰۰۳۴۰٪
۳۰	خدمات حمل و نقل با راه آهن	۰/۰۰۳۳۳٪
۳۶	خدمات اقامتگاه های عمومی	۰/۰۰۲۵۶٪
۳۷	خدمات ورزشی و تفریحی	۰/۰۰۲۴۲٪
۴۲	خدمات هنری	۰/۰۰۱۸۵٪
۴۴	خدمات بیمه	۰/۰۰۱۶۷٪
۴۸	سایر واسطه گری های مالی و فعالیت های جنبی آنها	۰/۰۰۱۲۵٪
۵۰	خدمات واحدهای مسکونی اجاری	۰/۰۰۰۷۲٪
۵۱	خدمات حمل و نقل آبی	۰/۰۰۰۷۲٪
۵۲	خدمات تعمیراتی	۰/۰۰۰۶۹٪
۵۴	خدمات پشتیبانی و کمکی حمل و نقل	۰/۰۰۰۶۸٪
۵۵	خدمات انتظامی و آتش نشانی	۰/۰۰۰۶۶٪
۵۶	خدمات محل های صرف غذا و نوشیدنی	۰/۰۰۰۶۰٪
۵۸	خدمات دفاع نظامی و غیر نظامی	۰/۰۰۰۴۷٪
۵۹	خدمات اداری دولت	۰/۰۰۰۴۶٪
۶۰	خدمات پزشکی و دندانپزشکی	۰/۰۰۰۴۴٪

جدول شماره ۷ - سهم بخشهای مختلف غیر دولتی اقتصادی ایران

از مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی (۱)

ارقام : میلیارد ریال

ردیف	سال	شرح	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
۱	+	بخش غیر دولتی کشاورزی (۲)	۵۰,۲۳۹.۴	۶۲,۹۶۷.۵	۸۲,۹۴۵.۸	۱۱۲,۲۰۳.۸	۱۵۱,۳۳۳.۴	۲۰۲,۰۳۳.۴	۲۴۴,۳۹۵	۲۴۴,۳۹۵	۲۸۶,۰۷۷.۶	۳۳۶,۲۲۵
۲	←	بخش غیر دولتی صنعت و معدن (۳)	۸۱,۴۷۰.۶	۱۲۱,۲۶۷.۴	۱۷۲,۶۴۲.۳	۲۲۸,۱۳۳.۲	۲۹۳,۱۲۶.۷	۳۷۳,۵۶۰.۴	۴۰۳,۶۳۹.۳	۴۵۶,۶۷۰.۷	۶۰۰,۸۱۴.۴	۷۰۸,۲۰۰
۳		بخش غیر دولتی مسکن و ساختمان (۴)	۷۲,۴۶۲.۴	۹۴,۶۴۱.۹	۱۲۱,۲۶۴.۵	۱۶۸,۷۵۷.۶	۲۳۹,۲۷۷.۱	۲۹۷,۲۳۶	۳۴۹,۰۸۴.۲	۴۲۳,۸۶۵.۶	۶۷۴,۰۵۱.۹	۹۳۲,۸۰۰
۴	÷	صادرات (۶)	۷,۱۲۷.۲	۸,۴۷۳.۵	۱۲,۱۲۸.۲	۱۴,۹۷۲	۱۶,۵۶۰.۴	۲۰,۹۷۵.۹	۲۷,۳۸۶.۴	?	?	÷
۵		بخش غیر دولتی بازرگانی داخلی (۵)	۱۴,۰۰۸.۲	۲۷,۰۲۸.۸	۴۰,۶۷۳	۷۰,۰۴۴	۱۱۴,۲۴۸.۳	۱۷۷,۹۸۰.۷	۱۸۳,۲۱۸	۲۱۳,۹۰۴.۱	۲۸۴,۸۰۶.۷	۱,۲۰۸,۶۳۵
۶		بخش غیر دولتی؟ (۷)	۵۲,۲۷۰.۲	۷۳,۸۴۴.۶	۱۰۶,۴۹۶.۶	۱۵۰,۹۱۷.۶	۲۵۲,۰۰۲.۶	۳۹۶,۵۰۶.۶	۴۵۷,۴۶۷.۱	۵۹۰,۷۲۱.۳	۸۱۳,۹۰۶.۶	
۷	←	جمع بدهی بخش غیر دولتی (۸)	۲۷۷,۵۷۸	۳۸۸,۲۲۳.۷	۵۳۶,۱۵۰.۴	۷۴۵,۰۲۸.۲	۱,۰۶۶,۵۴۸.۵	۱,۴۶۸,۲۹۳	۱,۶۶۵,۱۹۰	۱,۹۲۹,۵۵۷	۲,۶۵۹,۶۵۷	۳,۱۸۵,۸۶۰

%۳۲

%۳۶

%۴۷

(۱) بدون احتساب سود و درآمد سالهای آتی است.

توضیح : چنانچه ارقام مربوط به سال گزارش در گزارش سال بعد اصلاح گردیده باشد، رقم اصلاح شده برای سال مورد نظر منظور گردیده.

(۲) ماخذ : جدول شماره I

(۳) ماخذ : جدول شماره II

(۴) ماخذ : جدول شماره III

(۵) ماخذ : جدول شماره IV

(۶) ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی، بخش متغیرهای پولی و اعتباری.

(۷) حاصل کسر ردیف های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ از ردیف ۷

(۸) ماخذ : سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، گزیده آمارهای اقتصادی ، بخش پولی و بانکی ، اسفند ۱۳۸۵ و اسفند ۱۳۸۹ و بهمن ۱۳۹۰.



۳-۲-۱- واردات و نامناسب نگهداشتن نرخ ارز،
در قالب ساده ترین راههای حل مشکلات و
خروج منابع حیاتی کشور و عدم تمهیدات کافی
برای شرایط سخت

در قانون برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴) به عنوان فرض اساسی تصویب گردید که " **نرخ برابری دلار : لازم است سالیانه به میزان مابالتفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی** " ^(۸۵) افزایش یابد .

متأسفانه این اقدام اساسی هم از سوی دولت محترم نادیده گرفته شد و هم از سوی مجلس محترم شورای اسلامی پیگیری و نظارت نگردید. امروز با نگاه به وضعیت فعلی می توان پی به ضرورت این اصل برد و متوجه شد که پیش بینی کارشناسان امر از این موضوع درست بود و چگونه می شد با تدوین و پی گیری یک اصل سودمند، فرصت های مغتنمی را برای تولید و توسعه کشور به ارمغان آورد. فراموشی این اصل و از سویی دیگر سیاست غلط و ناکارآمد تثبیت قیمت ها و حامل های انرژی، بدون ساختارمند نمودن ضوابط توسعه و تولید و عدم ارائه نقشه راه حرکت اقتصادی و تولیدی کشور، سبب گردید تا واردات بر تولید بخش های واقعی اقتصاد **تفوق** یافته و جامعه را به سمت مصرف هر چه بیشتر کالاهای خارجی و تشدید مصرف گزافی سوق داد. برای نشان دادن محاسباتی این اقدام ناموجه، شاخص تورم کشورهای عضو **سازمان همکاری برای توسعه اقتصادی (OECD)**، را که متشکل از ۲۸ کشور توسعه یافته با سهمی در حدود شصت الی شصت و پنج درصد حجم تجارت جهانی می باشد، مبنائی برای تورم جهانی در نظر گرفته شده است. از آنجائی که شاخص تورم ایران بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ توسط بانک مرکزی در نظر گرفته شده است، لذا شاخص تورم کشورهای OECD نیز به همین مبناء تغییر یافت و مشابه این محاسبه برای تورم جهانی، که مستند به آمار **بانک جهانی** است، صورت پذیرفته که در جداول صفحات ۱۱۵-۱۱۲ خوانندگان محترم خلاصه این مقایسه ها را ملاحظه می فرمایند.

همانگونه که در نمودار صفحه ۱۱۶ مشاهده می شود نرخ واقعی ارز (با لحاظ مابه التفاوت تورم داخلی و خارجی)، چنان روند **کاهشی** به خود گرفته که کاملاً **واردات کالا از خارج** کشور و واردات **خدمات از خارج** از کشور را میتوان تبیین نمود. نمودار ترکیبی نرخ حقیقی ارز و روندهای افزایشی خروج ارز برای واردات کالائی و همچنین خروج ارز برای بخش های خدماتی به کشور، نشان دهنده **صحیح نبودن عدم اجرای** این فرض اساسی برنامه چهارم می باشد. متأسفانه از تجارب قبلی در تاریخ اقتصادی کشورمان درس نیاموخته ایم و مجدداً به **سهولت در دام « بیماری هلندی » گرفتار آمده ایم.**

" در اقتصاد مبتلا به بیماری هلندی صرفنظر از وارد کنندگان، برد با تولیدکنندگانی است که بخش بزرگتری از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای آنها وارداتی هستند. تولیدکنندگان داخلی در این مبارزه نابرابر گام به گام عقب می‌نشینند و میدان را به رقبای خارجی واگذار می‌کنند. برخی از آنها ورشکست می‌شوند و از میدان به در می‌روند و بعضی دیگر لنگ لنگان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند و به امید روزهای بهتر می‌نشینند. بی‌دلیل نیست که یکی از واپسین پیامدهای بیماری هلندی را «عقب‌گرد صنعتی» (De-Industrialization) دانسته‌اند. این مرحله هنگامی آشکارتر می‌شود که بر اثر کاهش درآمدهای ارزی (مثلاً به دلیل تنزل بهای نفت که دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد) یارانه‌ها و اقدامات حمایتی دولت کاستی می‌گیرد و تولیدکنندگان داخلی در شرایط ضعف و رنجوری به رقابت دشوارتر در بازار جهانی کشانده می‌شوند. بازگرداندن صنایع ورشکست شده به عرصه تولید کار آسانی نیست و ضعف و شکنندگی صنایع باقیمانده نیز به سرعت بر طرف نخواهد شد. آن هم در شرایطی که خزانه ارزی رونق گذشته را از دست داده است.

همین جا باید اضافه شود که در سال‌های اخیر دامنه رقابت کالاهای خارجی به مرکبات و سیب و انگور و سیب‌زمینی نیز تسری یافته و چنانچه شرایط موجود تداوم یابد، کشاورزان ما نیز پیامدهای بیماری هلندی را تجربه خواهند کرد. تحلیلگرانی که بیماری هلندی را در برخی از کشورهای صادرکننده محصولات کشاورزی بررسی کرده‌اند از «عقب‌گرد کشاورزی» (De-Agriculturalisation) نیز سخن به میان آورده‌اند! نکته آخر این که از آن جا که تورم داخلی ما عمدتاً ناشی از رشد سریع نقدینگی است، سیاست کنترل دستوری قیمت‌ها راه به جایی نخواهد برد هر چند که به مشکلات صنایع

مشمول این کنترل‌ها دامن می‌زند و شرایط فعالیت آنها را دشوارتر می‌سازد (صنایع سیمان، مواد شوینده، لبنیات و برخی مواد غذایی دیگر در کشور ما در حال حاضر با همین مساله دست به گریبانند). در مورد صادرات غیر نفتی نیز انتظار «**جهش صادراتی**»، در شرایطی که بر اثر تورم داخلی و تثبیت نرخ ارز کالاهای ما هر سال برای خارجی‌ها گران‌تر می‌شود، رؤیائی دست نیافتنی خواهد بود. گرچه آمارهای رسمی از افزایش مداوم و رشد قابل قبول صادرات غیرنفتی خبر می‌دهند، اما این آمار مشتقات گازی و محصولات پتروشیمی را نیز (که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و تقریباً نیمی از صادرات «غیرنفتی» ما را تشکیل می‌دهند) در برمی‌گیرد که لااقل در رابطه با این تحلیل موجه نمی‌باشد. اعطای جوایز صادراتی که از چند سال پیش آغاز شده مبین آگاهی سیاست‌گذاران از شرایط دشوار صادرکنندگان ما است، هر چند که مقدار و نحوه پرداخت این جوایز، با توجه به ابعاد مساله مورد بحث، **چندان تاثیرگذار نبوده است**. پی‌آمدهای ناگوار بیماری هلندی برخی از تحلیل‌گران را بر آن داشته که اساس فراوانی ذخایر معدنی را برای کشورهای در حال توسعه، نه یک موهبت خدادادی، که «**آفتی**» بدانند که **مسیر رشد اقتصادی آنها را منحرف و مخدوش** کرده است. برخی از نویسندگان، بیماری هلندی را «**نفرین منابع**» یا «**آفت نفت**» نامیده‌اند. در کشور ما نیز کم نیستند نویسندگانی که نفت را «**بلای جان**» **اقتصاد ایران** خوانده‌اند، هر چند که اغلب این افراد بیشتر جوانب سیاسی مساله را در نظر داشته و ذخایر نفتی ما را **جاذبه‌ای** نیرومند برای **هجوم و نفوذ استعمارگران** به کشور ما دانسته‌اند. تحلیل‌های جدی‌تری نیز در این زمینه صورت گرفته که می‌تواند به استنتاجات مشابهی منجر گردد" (۸۶).

این کمیسیون در خردادماه ۱۳۸۷، که بحث تقویت پول ملی مطرح شده بود گزارش مستندی را ارائه نمود و هشدارهای لازم و پیشنهادات ضروری را ارائه نمود. متأسفانه باسرخوشی حاصل از منابع بادآورده، گوش شنوائی پیدا نگردید و تبعات آن اکنون مشکلاتی است که با آن روبرو گردیده ایم و تا حد زیادی قابل پیشگیری بود.

برای آگاهی از اثرات عدم تصمیم گیری به موقع در صفحات ۱۱۲ الی ۱۱۶ خوانندگان این گزارش میتوانند بانمودارها وجداول تهیه شده ، تصویری تخمینی از اثرگذاری **تفاوت** نرخ تورم داخلی و تورم خارجی وعدم **انعکاس** آن در نرخ برابری دلار بازارهای خارجی را در معرض قضاوت خود داشته باشند . نکته تاسف آور، افزایش سالیانه ارز برای **واردات خدمات** وهمچنین صرف ارز برای مسافرتهاى **شخصی** میباشد .

توضیح ضروری :

این گزارش به دنبال **توصیه افزایش** نرخ ارز ، بدون داشتن راهبرد منسجم **نمیباشد** . عده ای تصور می نمایند که زمان فعلی برای جهش صادراتی **بسیار طلائی** میباشد . درحالیکه این موضوع حقیقت ندارد . وضعیت فعلی به دلیل محدودیتهای ناخواسته ایجاد شده است ونه مبتنی بربرنامه ریزی قبلی. درجائی که ناکارآمدی در بخشهای اقتصاد وتولید وجود داشته باشد ، این تغییر همچون **سمی** است که وارد اقتصاد میگردد وتفاوت **ماهوی** بسیار بااهمیتی دارد ، با اقدامی منطبق با هدف بلند مدت برنامه ریزی شده صورت میپذیرفت.به عنوان نمونه آمارهای صندوق بین المللی نشان میدهد که چگونه کشوری چون کره ، درهنگامه بحرانها وبراساس برنامه ، باتغییرات در فاکتورهای اقتصادی همچون ارز ، بلافاصله **منافع ملی** خودرا دربالاترین سطح ممکن محافظت مینمایند. روند تغییرات نمودار صفحه ۱۱۷ نشان ازاین تعهد دارد .لیکن شرایطی که اکنون درآن وجود داریم ، بااحتمال بالانه تنها دربلند مدت قادر به تأمین پایدار صادرات افزایشی نخواهد بود ، بلکه وقوع رویدادی که اقتصاددان شهیر - جان مینارد کینز- بیان نموده ، احتمال حدوث بیشتری را ممکن است از خود نشان دهد. عقیده کینز را میتوانید درصفحه ۱۱۸ملاحظه نمائید.



نرخ واقعی و تعادلی ارز

الف : یافته های تحقیقاتی نشان داده است که بی ثباتی و انحراف نرخ واقعی ارز از مقدار و شرایط تعادلی آن تاثیر معکوس معنی داری بر رشد اقتصادی کشور دارد.

ب : منظور از نرخ تعادلی ارز آن نرخ است که در شرایط یک اقتصاد پویا و تولید محور بازارهای پول، کالا و سرمایه را در فصلهای تراز پرداختها، تراز حساب سرمایه و حساب بودجه، به سامان رسانده و در مسیر حرکت بلند مدت توسعه ملی کشور باشد.

ج : انحراف نرخ واقعی ارز از مقدار تعادلی آن باعث اختلال در نظام سرمایه گذاری شده، عوامل تولید را به سمت محصولات غیر قابل مبادله سوق داده و باعث انتقال منابع به بخشهای غیر کارآمد و غیر توسعه ای می گردد.

د : هر گونه شواهدی که بیانگر مطلوب نبودن وضعیت پارامترهای فوق الذکر باشد، می تواند بخشی از مسئله به نرخ واقعی ارز و انحراف آن از نرخ تعادلی باز گردد.

برای محاسبه نرخ واقعی ارز از رابطه زیر می توان استفاده نمود :

$$RREX = REX(PID - PIF) - RG$$

در این معادله **RREX** نرخ واقعی ارز، **REX** نرخ اسمی ارز در بازار، **PID** شاخص تعدیل کننده تولید در داخل (نرخ تورم)، **PIF** شاخص تورم در خارج و در نهایت **RG** نرخ رشد اقتصادی کشور مفروض می باشد.

محاسبات نرخ واقعی ارز در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۱

درمقایسه با متوسط نرخ تورم در کشورهای OECD

سال	شرح	نرخ اسمی ارز نرخ واقعی که تولید کننده داخلی می‌پردازد (۱) (ریال)	درصد افزایش نرخ اسمی	تورم داخلی (۲)		تورم خارجی OECD (۳)		مابه التفاوت تورم داخلی خارجی (درصد)	ما به التفاوت نرخ های تورم و رشد نرخ ارز ایران (درصد)	نرخ واقعی ارز برای صادر کنندگان خارجی (ریال)
				نرخ تورم	شاخص تورم ۱۳۸۳-۱۰۰	نرخ تورم	شاخص تورم			
۱۳۸۱		۷,۹۵۸	-----	-----	۷۵	۹۵/۴	-----	-----	-----	۷,۹۵۸
۱۳۸۲		۸,۲۸۲	%۴/۱	%۱۵/۶	۸۶/۷	۹۷/۷	%۲/۴	%۱۳/۲	%۹/۱	۷,۲۳۲
۱۳۸۳		۸,۷۱۹	%۵/۳	%۱۵/۲	۱۰۰	۱۰۰	%۲/۴	%۱۲/۸	%۷/۵	۶,۶۸۷
۱۳۸۴		۹,۰۲۶	%۳/۵	%۱۰/۴	۱۱۰/۴	۱۰۲/۶	%۲/۶	%۷/۸	%۴/۳	۶,۴۰۱
۱۳۸۵		۹,۱۹۷	%۱/۹	%۱۱/۹	۱۲۳/۵	۱۰۵/۳	%۲/۶	%۹/۳	%۷/۴	۵,۹۲۷
۱۳۸۶		۹,۲۸۵	%۱	%۱۸/۴	۱۴۶/۲	۱۰۷/۹	%۲/۵	%۱۵/۹	%۱۴/۹	۵,۰۴۲
۱۳۸۷		۹,۵۷۴	%۳/۱	%۲۵/۴	۱۸۳/۳	۱۱۱/۹	%۳/۷	%۲۱/۷	%۱۸/۶	۴,۱۰۴
۱۳۸۸		۹,۹۲۰	%۳/۶	%۱۰/۸	۲۰۳	۱۱۲/۵	%۰/۵	%۱۰/۳	%۶/۷	۳,۸۳۰
۱۳۸۹		۱۰,۳۳۹	%۴/۲	%۱۲/۴	۲۲۸/۲	۱۱۴/۵	%۱/۸	%۱۰/۶	%۶/۴	۳,۵۸۶
۱۳۹۰		۱۲,۲۶۰	%۱۸/۶	%۲۱/۵	۲۷۷/۲	۱۱۷/۸	%۲/۹	%۱۸/۶	%۰/۰۲	۳,۵۸۵

منابع : ۱- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، شماره های ۴۰ الی ۶۵

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، اداره آمار اقتصادی ، دایره شاخص بهای مصرف کننده ، مهر ماه ۱۳۹۱

۳- گزارش شاخص قیمت مصرف کننده (تورم) در کشورهای OECD ، www.oecd.com

توضیح : به عنوان پیش فرض نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ معادل نرخ واقعی ارز در نظر گرفته شده است .

برای محاسبه نرخ حقیقی ارز از نظریه برابری قدرت خرید استفاده شده است بدین معنا که به ازاء مابه التفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی لازم است نرخ ارز تغییر نماید تا برابری قدرت خرید و شرایط رقابتی ، یکسان باقی بماند . به عنوان مثال :

ما به التفاوت نرخهای تورم داخلی و خارجی و نرخ رشد ارز در ایران × نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ = نرخ واقعی ارز در سال ۱۳۸۲

$$۷۲۳۲ = ۷۹۵۸ \times (۱.۰۰ - ۰.۰۹)$$

درمقایسه با متوسط نرخ تورم در جهان (بانک جهانی)

سال	شرح	نرخ اسمی و مؤثر ارز برای تولید کننده داخلی (۱) (ریال)	درصد افزایش نرخ اسمی	نرخ تورم داخلی (۲)	نرخ تورم جهانی (۳)	مابه التفاوت تورم داخلی خارجی (درصد)	ما به التفاوت نرخ های تورم و رشد نرخ ارز ایران (درصد)	نرخ واقعی ارز برای صادر کنندگان خارجی (ریال)
۱۳۸۱		۷,۹۵۸	-----	-----	-----	-----	-----	۷,۹۵۸
۱۳۸۲		۸,۲۸۲	%۴/۱	%۱۵/۶	%۳/۳	%۱۲/۳	%۸/۲	۷,۳۰۵
۱۳۸۳		۸,۷۱۹	%۵/۳	%۱۵/۲	%۳/۶	%۱۱/۶	%۶/۳	۶,۸۴۵
۱۳۸۴		۹,۰۲۶	%۳/۵	%۱۰/۴	%۴/۱	%۶/۳	%۲/۸	۶,۶۵۴
۱۳۸۵		۹,۱۹۷	%۱/۹	%۱۱/۹	%۴/۴	%۷/۵	%۵/۶	۶,۲۸۱
۱۳۸۶		۹,۲۸۵	%۱	%۱۸/۴	%۵	%۱۳/۴	%۱۲/۴	۵,۵۰۲
۱۳۸۷		۹,۵۷۴	%۳/۱	%۲۵/۴	%۹	%۱۶/۴	%۱۳/۳	۴,۷۷۰
۱۳۸۸		۹,۹۲۰	%۳/۶	%۱۰/۸	%۲/۹	%۷/۹	%۴/۳	۴,۵۶۵
۱۳۸۹		۱۰,۳۳۹	%۴/۲	%۱۲/۴	%۳/۵	%۸/۹	%۴/۷	۴,۳۵۱
۱۳۹۰		۱۲,۲۶۰	%۱۸/۶	%۲۱/۵	%۴/۹	%۱۶/۶	%-۲	۴,۴۳۸

منابع: ۱- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۴۰ الی ۶۶

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره آمار اقتصادی، دایره شاخص بهای مصرف کننده، مهر ماه ۱۳۹۱

۳- بانک جهانی: World Bank, World Data Bank, World Development Indication, JAN. 2013, <http://data.worldbank.org/indicator>

توضیح: به عنوان پیش فرض نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ معادل نرخ واقعی ارز در نظر گرفته شده است.

برای محاسبه نرخ حقیقی ارز از نظریه برابری قدرت خرید استفاده شده است بدین معنا که به ازاء مابه التفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی لازم است نرخ ارز تغییر نماید تا برابری قدرت خرید و شرایط رقابتی، یکسان باقی بماند. به عنوان مثال:

ما به التفاوت نرخهای تورم داخلی و خارجی و نرخ رشد ارز در ایران × نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ = نرخ واقعی ارز در سال ۱۳۸۲

$$۷۳۰۵ = ۷۹۵۸ \times (۱.۰۰ - ۰.۸۲)$$

اثرات تورم (تفاوت داخلی و خارجی) و نوسانات نرخ ارز بر تغییر و تحولات واردات

کالاها و خدمات در مقابل نوسانات نرخ واقعی ارز طی سالهای ۱۳۹۰ - ۱۳۸۱

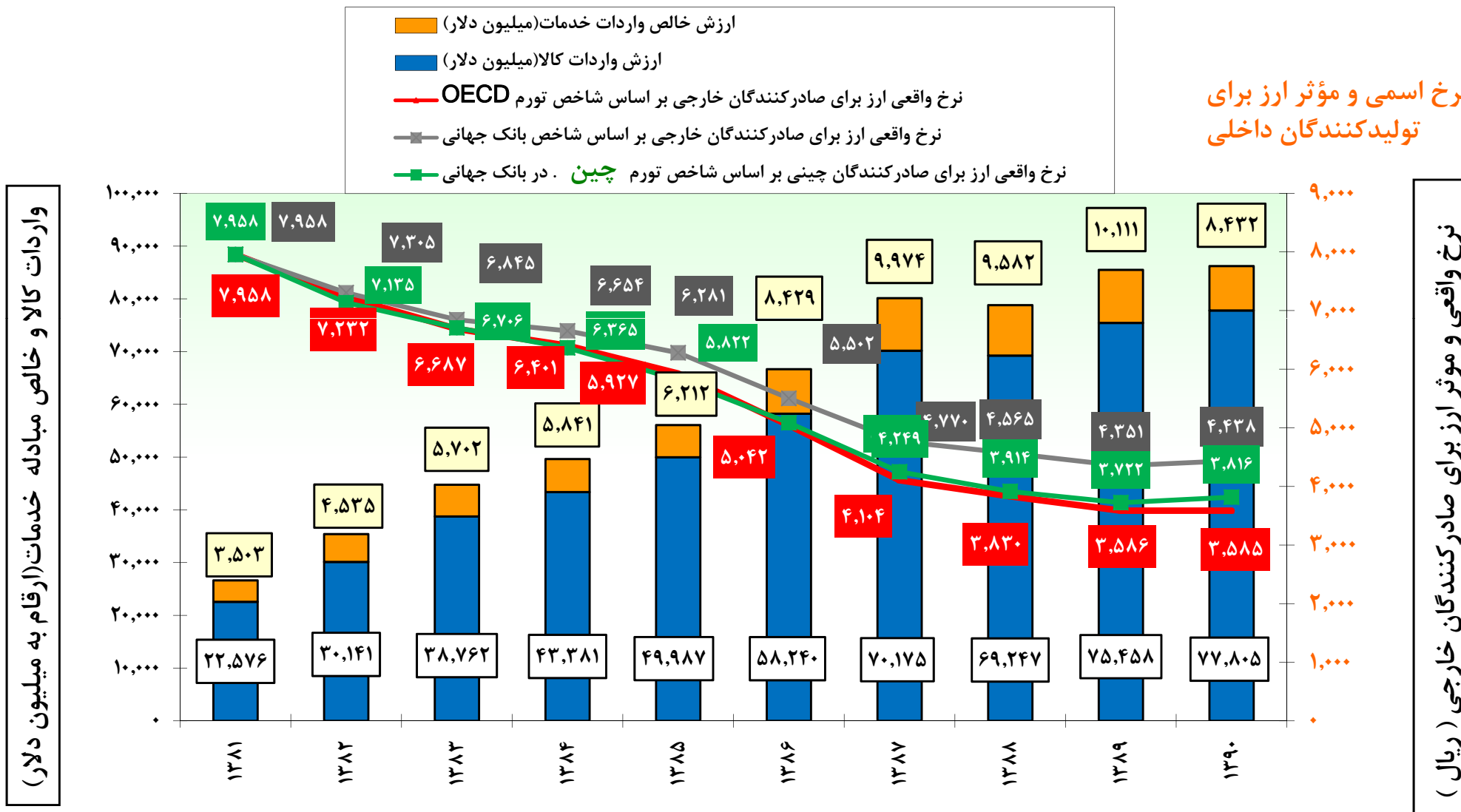
شرح / سال	ارزش واردات کالا (میلیون دلار) (^۱)	ارزش واردات خدمات (میلیون دلار)		ارزش خالص حساب تراز خدمات (میلیون دلار)	نرخ اسمی و مؤثر ارز برای تولید کننده داخلی (^۲) (ریال)	نرخ واقعی ارز برای صادر کنندگان خارجی (ریال) براساس بانک جهانی	نرخ واقعی ارز برای صادر کنندگان خارجی (ریال) براساس OECD
		کل	(مسافرت)				
۱۳۸۱	۲۲,۰۳۶	۸,۵۲۸	۳,۷۵۰	-۳,۵۰۳	۷,۹۵۸	۷,۹۵۸	۷,۹۵۸
۱۳۸۲	۲۹,۵۶۱	۱۰,۷۸۴	۳,۸۴۲	-۴,۵۳۵	۸,۲۸۲	۷,۳۰۵	۷,۲۳۲
۱۳۸۳	۳۸,۷۶۲	۱۰,۱۴۲	۳,۸۴۸	-۵,۷۰۲	۸,۷۱۹	۶,۸۴۵	۶,۶۸۷
۱۳۸۴	۴۳,۳۸۱	۱۰,۸۴۰	۳,۷۲۳	-۵,۸۴۱	۹,۰۲۶	۶,۶۵۴	۶,۴۰۱
۱۳۸۵	۴۹,۹۸۷	۱۱,۸۸۱	۴,۶۸۴	-۶,۲۱۲	۹,۱۹۷	۶,۲۸۱	۵,۹۲۷
۱۳۸۶	۵۸,۲۴۰	۱۵,۳۵۷	۶,۸۰۹	-۸,۴۲۹	۹,۲۸۵	۵,۵۰۲	۵,۰۴۲
۱۳۸۷	۷۰,۱۷۵	۱۷,۷۴۹	۸,۶۸۵	-۹,۹۷۳	۹,۵۷۴	۴,۷۷۰	۴,۱۰۴
۱۳۸۸	۶۹,۲۴۷	۱۷,۶۵۷	۹,۳۱۱	-۹,۵۸۲	۹,۹۲۰	۴,۵۶۵	۳,۸۳۰
۱۳۸۹	۷۵,۴۵۸	۱۸,۸۹۳	۶,۲۱۶	-۱۰,۰۴۰	۱۰,۳۳۹	۴,۳۵۱	۳,۵۸۶
۱۳۹۰	۷۷,۸۰۵	۱۳,۷۸۲	۶,۳۳۶	-۸,۴۳۱	۱۲,۲۶۰	۴,۴۳۸	۳,۵۸۵

منابع: ۱- آمارهای سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ از بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزیده آمارهای اقتصادی، بخش تراز پرداختها، اسفند ۱۳۸۶، جدول (۱)، تاریخ انتشار ۱۳۸۷/۵/۱۵
و برای سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ از گزارش گزیده آمارهای اقتصادی، یازده ماهه ۱۳۸۸، جدول (۱) به تاریخ انتشار ۱۳۸۸/۱۷/۳ و آمار سال ۱۳۹۰ از نماگرهای شماره ۶۶ استفاده شده است. برای سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۰ از خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۹ استفاده شده است.
۲- نرخ ارز از آمار سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ایران، شماره ۳۵ و آمار سالهای ۱۳۸۳ تا شش ماهه اول ۱۳۹۰ از شماره ۶۵ اقتباس گردیده است.

اثرات تورم (تفاوت داخلی و خارجی) و نوسانات نرخ ارز بر تغییر و تحولات واردات

کالاهای و خدمات در مقابل نوسانات نرخ واقعی ارز طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۹۰

نرخ اسمی و مؤثر ارز برای تولیدکنندگان داخلی

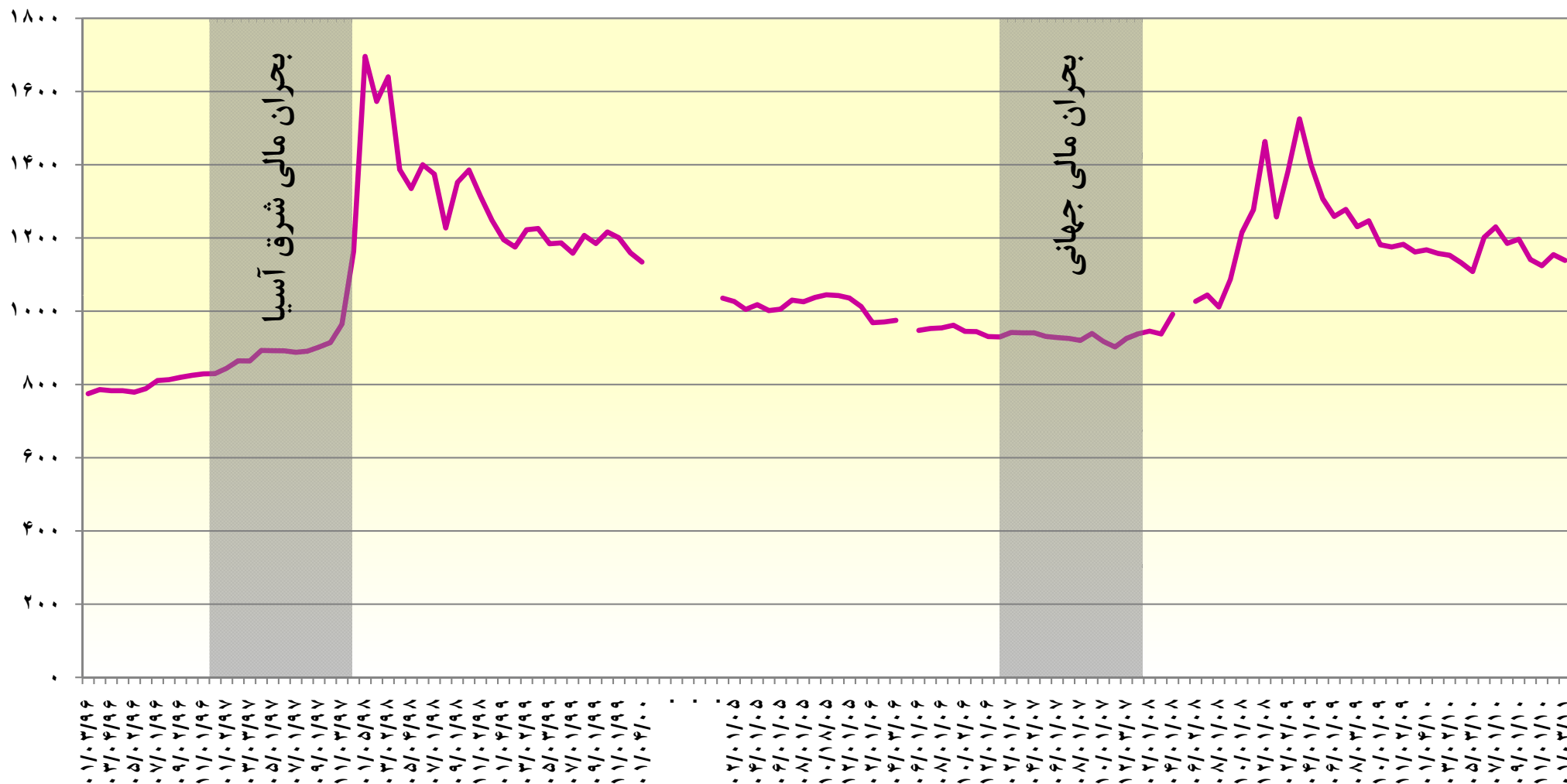


منابع: ۱- آمارهای سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۲ از بانک مرکزی ج.ا.ایران، گزیده آمارهای اقتصادی، بخش تراز پرداختها، اسفند ۱۳۸۶، جدول (۱)، تاریخ انتشار ۱۳۸۷/۵/۱۵ و برای سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ از گزارش گزیده آمارهای اقتصادی، اسفند سالهای مربوطه استفاده گردیده است.

۲- نرخ ارز از آمار سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۲ از نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ایران، شماره ۳۵ و آمار سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۰ از نماگرهای ۶۴-۶۵ اقتباس گردیده است.

روند تحول نرخ برابری وُن کره در مقابل دلار امریکا

طی سالهای ۲۰۱۱ - ۱۹۹۶



مأخذ: صندوق بین المللی پول (IMF)، مخزن داده های آماری.
توضیح: نرخ برابری ارزها در اول هر ماه انتخاب شده است.



"هیچ وسیله ای مکارانه تر و اطمینان بخش تر برای واژگون کردن پایه های موجود جامعه ، بهتر از خراب و بی اعتبار کردن پول رایج آن نیست. این فرآیند همه **نیروهای نهانی قانون اقتصادی** را در جهت **انهدام و ویرانی** به کار میگیرد و آن را به صورتی عملی می کند که یک نفر از یک میلیون ، **قادر به تشخیص آن نیست.**"*

*جان مینارد کینز

ماخذ : رابرت هایلبرونر ، بزرگان اقتصاد ، ترجمه احمد شهسا، انتشارات علمی و فرهنگی ،
شاپک 2-503-445-964-978، چاپ سال 1370، صفحه 329

« با تشکر از جناب آقای دکتر احمد میدری به جهت معرفی این نکته مفید»

اکنون کشورمان مواجه با تحریم‌های سنگین و کم سابقه در سطح جهانی گردیده و شرایطی را تجربه مینمائیم که در بین سایر ملل کم نظیر و ظالمانه می‌باشد. **فراموشی تاریخی از تجارب دردناک گذشته** کشورمان در دوران ملی‌شدن صنعت نفت که حاصل عدم آینده‌نگری بوده و در نتیجه مصرف بی‌محابای منابع زیرزمینی استخراج شده و شور و نشاط ظاهری تبعی حاصل از مصرف آنها در سالهای اخیر، ما را **غافل** نمود که می‌بایست تمهیدات جدی و کافی را در زمانهای مناسب معمول می‌داشتیم. نمودارها و جداول صفحات ۱۲۰ الی ۱۲۳ نشان می‌دهد که همین وضعیت حاضر و محدودیت حاصل از عدم صادرات نفت خام طی سالهای ۱۳۳۳ - ۱۳۳۰ برای کشورمان حادث گردیده بود و همه‌گونه همراهی از سوی کشورهای مختلف جهان در آن سالها، با جریان سلطه‌طلب وقت (انگلستان) نیز صورت پذیرد. حتی **کشورهای به ظاهر دوست همچون هندوستان، ترکیه و امثالهم فرصت طلبانه قراردادهای خود را با ایران، زیر پا نهادند** و در همراهی با دولت انگلیس قرار گرفتند. تجربه آن سالها از زبان یکی از دست اندرکاران کشور را در صفحه ۱۲۴ ملاحظه می‌فرمائید. تشابه وضعیت فعلی با آن سالها کاملاً قابل درک است. **سوال اساسی** که به ذهن متبادر می‌شود این واقعیت می‌باشد که درحالیکه اولین مصوبه تحریم شورای امنیت سازمان ملل در تیرماه سال ۱۳۸۵ صادر گردید، چرا تمهیدی انجام نپذیرفت که منابع ذیقیمت درآمدهای ارزی حاصل از صادرات منابع خدادادی سهل الوصول زیرزمینی و نفت کشور را به راحتی برای واردات کالاهای ساخته شده و مصرفی صنعتی و کشاورزی و همچنین بابت خدمات، به نحو تعجب‌آوری خارج از دسترس کشور قرار نگیرد؟ رقم خروج ارز به میزان قریب **۱۰ میلیارد دلار** در سال ۱۳۸۹ برای **خدمات و مسافرت شخصی** بسیار دردناک و حیرت‌آور است. جداول صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷ نشان‌دهنده این واقعیات است. در زمانیکه **به دلیل تخاصم دولتهای سلطه طلب، می‌بایست هوشیاری** ما دوچندان گردد، به راحتی **دردام بیماری اقتصادی شناخته شده هلندی** گرفتار گردیده و همانگونه که در صفحه ۱۱۶ نشان‌داده شد با نامناسب نگهداشتن نرخ ارز، صنعت‌زدائی و کشاورزی‌زدائی را تقویت نموده و تا آنجا پیش می‌رویم که حتی نهادی دولتی نسبت به **واردات عروسک از چین**، صفحه ۱۳۰، و یا ارائه پروژه‌هائی برای اولین بار به کشورهائی چون چین در زمینه **نیروگاه سازی، مترو، کشتی سازی** و امثالهم، صفحه ۱۳۱، را با **پذیرش ریسک آنها** توسط کشورمان تحمل و تلاش برای ارتقاء فن‌آوری آنها نموده و ایجاد اشتغال در کشورهائیشان را فراهم می‌نمائیم، درحالیکه از دیگرسو و بالعکس، طبق اطلاعات و مستندات بانک مرکزی در صفحات ۱۳۳-۱۳۲ به دلیل گرفتار شدن در دام بیماری هلندی، **عملکرد بخشهای واقعی تولیدی** خود را **به ناکارآمدی بیشتر** دچار نمودیم.

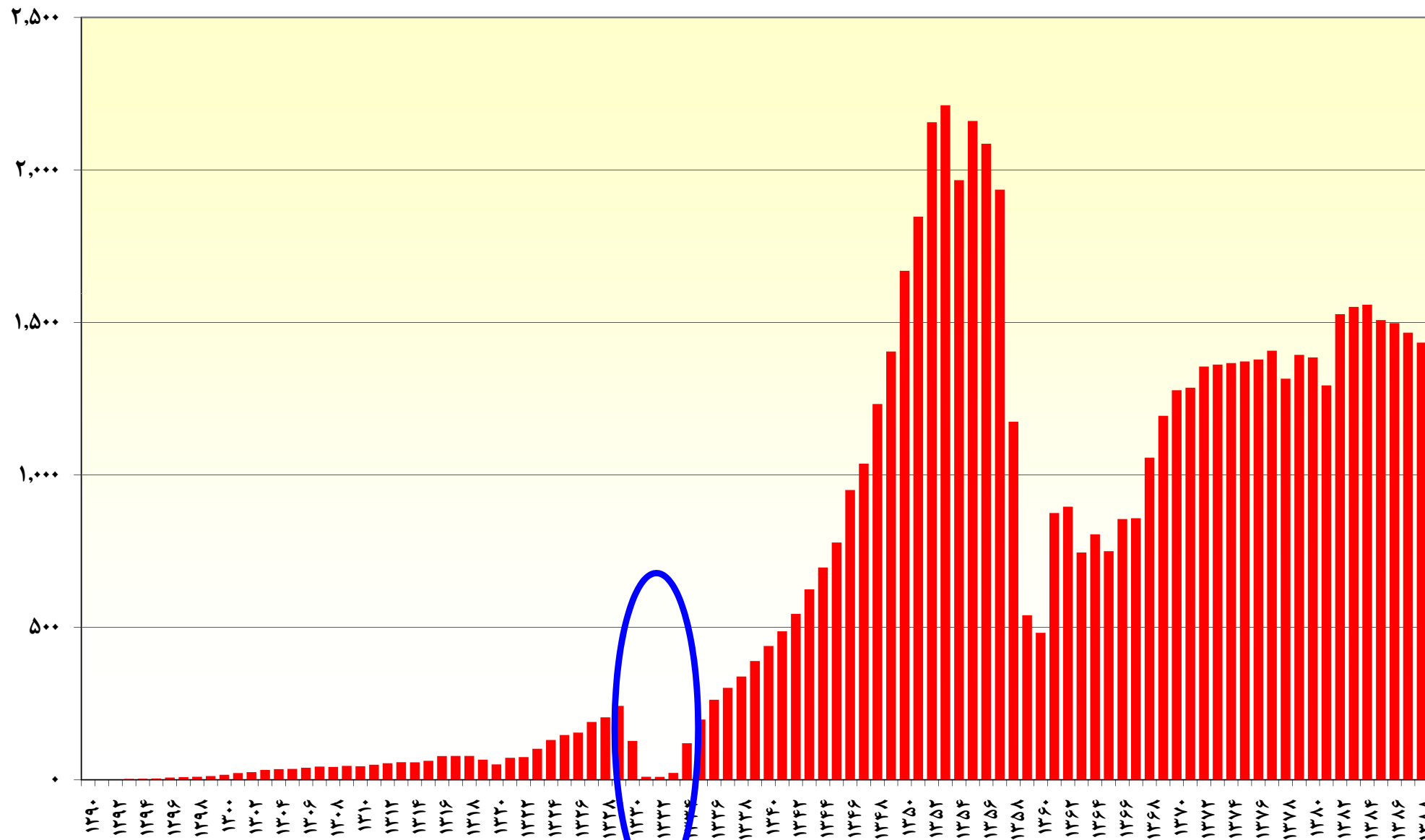
تحول میزان تولید سالیانه نفت خام در ایران



کمیسیون اقتصاد کلان

سالهای ۱۳۸۸ - ۱۲۹۰

واحد : میلیون بشکه



با تشکر از جناب آقای مهندس اکبر ترکان به جهت در اختیار گذاشتن آمار شرکت نفت انگلیس (BP)



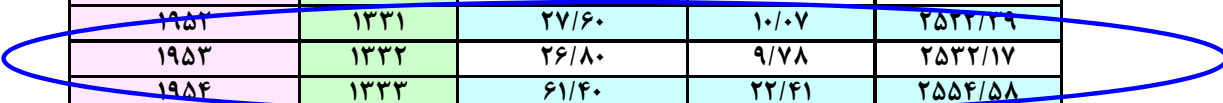
تحول میزان تولید نفت خام در ایران

سال میلادی	سال شمسی	متوسط تولید روزانه	تولید سالیانه	تولید انباشتی
		(هزار بشکه در روز)	(میلیون بشکه)	(میلیون بشکه)
۱۹۱۱	۱۲۹۰	۰/۵۵	۰/۲۰	۰/۲۰
۱۹۱۲	۱۲۹۱	۰/۹۰	۰/۳۳	۰/۵۳
۱۹۱۳	۱۲۹۲	۴/۸۷	۱/۷۸	۲/۳۱
۱۹۱۴	۱۲۹۳	۷/۷۸	۲/۸۴	۵/۱۴
۱۹۱۵	۱۲۹۴	۹/۶۶	۳/۵۳	۸/۶۷
۱۹۱۶	۱۲۹۵	۱۲/۰۰	۴/۳۸	۱۳/۰۵
۱۹۱۷	۱۲۹۶	۱۹/۹۰	۷/۲۶	۲۰/۳۱
۱۹۱۸	۱۲۹۷	۲۴/۰۰	۸/۷۶	۲۹/۰۷
۱۹۱۹	۱۲۹۸	۲۷/۸۰	۱۰/۱۵	۳۹/۲۲
۱۹۲۰	۱۲۹۹	۳۳/۴۰	۱۲/۱۹	۵۱/۴۱
۱۹۲۱	۱۳۰۰	۴۵/۷۰	۱۶/۶۸	۶۸/۰۹
۱۹۲۲	۱۳۰۱	۶۱/۰۰	۲۲/۲۷	۹۰/۳۶
۱۹۲۳	۱۳۰۲	۶۹/۱۰	۲۵/۲۲	۱۱۵/۵۸
۱۹۲۴	۱۳۰۳	۸۸/۵۰	۳۲/۳۰	۱۴۷/۸۸
۱۹۲۵	۱۳۰۴	۹۶/۰۰	۳۵/۰۴	۱۸۲/۹۲
۱۹۲۶	۱۳۰۵	۹۸/۲۰	۳۵/۸۴	۲۱۸/۷۶
۱۹۲۷	۱۳۰۶	۱۰۸/۷۰	۳۹/۶۸	۲۵۸/۴۴
۱۹۲۸	۱۳۰۷	۱۱۸/۷۰	۴۳/۳۳	۳۰۱/۷۷
۱۹۲۹	۱۳۰۸	۱۱۵/۵۰	۴۲/۱۶	۳۴۳/۹۲
۱۹۳۰	۱۳۰۹	۱۲۵/۶۰	۴۵/۸۴	۳۸۹/۷۷
۱۹۳۱	۱۳۱۰	۱۳۱/۶۰	۴۴/۳۸	۴۳۴/۱۵
۱۹۳۲	۱۳۱۱	۱۳۵/۲۰	۴۹/۳۵	۴۸۳/۵۰
۱۹۳۳	۱۳۱۲	۱۴۹/۰۰	۵۴/۳۹	۵۳۷/۸۸
۱۹۳۴	۱۳۱۳	۱۵۸/۵۰	۵۷/۸۵	۵۹۵/۷۴
۱۹۳۵	۱۳۱۴	۱۵۶/۹۰	۵۷/۲۷	۶۵۳/۰۰
۱۹۳۶	۱۳۱۵	۱۷۱/۴۰	۶۲/۵۶	۷۱۵/۵۷
۱۹۳۷	۱۳۱۶	۲۱۳/۲۰	۷۷/۸۲	۷۹۳/۳۸
۱۹۳۸	۱۳۱۷	۲۱۴/۷۰	۷۸/۳۷	۸۷۱/۷۵
۱۹۳۹	۱۳۱۸	۲۱۴/۱۰	۷۸/۱۵	۹۴۹/۹۰
۱۹۴۰	۱۳۱۹	۱۸۱/۲۰	۶۶/۱۴	۱۰۱۶/۰۳
۱۹۴۱	۱۳۲۰	۱۳۹/۱۰	۵۰/۷۷	۱۰۶۶/۸۱
۱۹۴۲	۱۳۲۱	۱۹۸/۰۰	۷۲/۲۷	۱۱۳۹/۰۸
۱۹۴۳	۱۳۲۲	۲۰۴/۰۰	۷۴/۴۶	۱۲۱۳/۵۴



تحول میزان تولید نفت خام در ایران

سال میلادی	سال شمسی	متوسط تولید روزانه	تولید سالیانه	تولید انباشتی
		(هزار بشکه در روز)	(میلیون بشکه)	(میلیون بشکه)
۱۹۴۵	۱۳۲۴	۳۵۷/۶۰	۱۳۰/۵۲	۱۴۴۵/۸۲
۱۹۴۶	۱۳۲۵	۴۰۲/۲۰	۱۴۶/۸۰	۱۵۹۲/۶۲
۱۹۴۷	۱۳۲۶	۴۲۴/۷۰	۱۵۵/۰۲	۱۷۴۷/۶۴
۱۹۴۸	۱۳۲۷	۵۲۰/۲۰	۱۸۹/۸۷	۱۹۳۷/۵۱
۱۹۴۹	۱۳۲۸	۵۶۰/۹۰	۲۰۴/۷۳	۲۱۴۲/۲۴
۱۹۵۰	۱۳۲۹	۶۶۴/۳۰	۲۴۲/۴۷	۲۳۸۴/۷۱
۱۹۵۱	۱۳۳۰	۳۴۹/۶۰	۱۲۷/۶۰	۲۵۱۲/۳۱
۱۹۵۲	۱۳۳۱	۲۷/۶۰	۱۰/۰۷	۲۵۲۲/۲۹
۱۹۵۳	۱۳۳۲	۲۶/۸۰	۹/۷۸	۲۵۳۲/۱۷
۱۹۵۴	۱۳۳۳	۶۱/۴۰	۲۲/۴۱	۲۵۵۴/۵۸
۱۹۵۵	۱۳۳۴	۳۲۸/۹۰	۱۲۰/۰۵	۲۶۷۴/۶۳
۱۹۵۶	۱۳۳۵	۵۴۱/۸۰	۱۹۷/۷۶	۲۸۷۲/۳۹
۱۹۵۷	۱۳۳۶	۷۱۹/۸۰	۲۶۲/۷۳	۳۱۳۵/۱۱
۱۹۵۸	۱۳۳۷	۸۲۶/۱۰	۳۰۱/۵۳	۳۴۳۶/۶۴
۱۹۵۹	۱۳۳۸	۹۲۸/۲۰	۳۳۸/۷۹	۳۷۷۵/۴۳
۱۹۶۰	۱۳۳۹	۱۰۶۷/۷۰	۳۸۹/۷۱	۴۱۶۵/۱۴
۱۹۶۱	۱۳۴۰	۱۲۰۲/۲۰	۴۳۸/۸۰	۴۶۰۳/۹۵
۱۹۶۲	۱۳۴۱	۱۳۳۴/۵۰	۴۸۷/۰۹	۵۰۹۱/۰۴
۱۹۶۳	۱۳۴۲	۱۴۹۱/۳۰	۵۴۴/۳۲	۵۶۳۵/۳۶
۱۹۶۴	۱۳۴۳	۱۷۱۰/۷۰	۶۲۴/۴۱	۶۲۵۹/۷۷
۱۹۶۵	۱۳۴۴	۱۹۰۸/۰۰	۶۹۶/۴۲	۶۹۵۶/۱۹
۱۹۶۶	۱۳۴۵	۲۱۳۲/۰۰	۷۷۸/۱۸	۷۷۳۴/۳۷
۱۹۶۷	۱۳۴۶	۲۶۰۳/۰۰	۹۵۰/۱۰	۸۶۸۴/۴۶
۱۹۶۸	۱۳۴۷	۲۸۴۰/۰۰	۱۰۳۶/۶۰	۹۷۲۱/۰۶
۱۹۶۹	۱۳۴۸	۳۳۷۶/۰۰	۱۲۳۲/۲۴	۱۰۹۵۳/۳۰
۱۹۷۰	۱۳۴۹	۳۸۴۷/۶۶	۱۴۰۴/۴۰	۱۲۳۵۷/۷۰
۱۹۷۱	۱۳۵۰	۴۵۷۲/۴۲	۱۶۶۸/۹۳	۱۴۰۲۶/۶۳
۱۹۷۲	۱۳۵۱	۵۰۵۸/۹۶	۱۸۴۶/۵۲	۱۵۸۷۳/۱۵
۱۹۷۳	۱۳۵۲	۵۹۰۷/۳۸	۲۱۵۶/۱۹	۱۸۰۲۹/۳۵
۱۹۷۴	۱۳۵۳	۶۰۶۰/۳۰	۲۲۱۲/۰۱	۲۰۲۴۱/۳۶
۱۹۷۵	۱۳۵۴	۵۳۸۶/۶۲	۱۹۶۶/۱۲	۲۲۲۰۷/۴۷
۱۹۷۶	۱۳۵۵	۵۹۱۸/۱۹	۲۱۶۰/۱۴	۲۴۳۶۷/۶۱





تحول میزان تولید نفت خام در ایران

سال میلادی	سال شمسی	متوسط تولید روزانه	تولید سالیانه	تولید انباشتی
		(هزار بشکه در روز)	(میلیون بشکه)	(میلیون بشکه)
۱۹۷۸	۱۳۵۷	۵۳۰۲/۰۵	۱۹۳۵/۲۵	۲۸۳۸۸/۴۶
۱۹۷۹	۱۳۵۸	۳۲۱۷/۵۹	۱۱۷۴/۴۲	۲۹۵۶۲/۸۸
۱۹۸۰	۱۳۵۹	۱۴۷۸/۹۶	۵۳۹/۸۲	۳۰۱۰۲/۷۰
۱۹۸۱	۱۳۶۰	۱۳۲۱/۰۳	۴۸۲/۱۸	۳۰۵۸۴/۸۷
۱۹۸۲	۱۳۶۱	۲۳۹۶/۹۲	۸۷۴/۸۸	۳۱۴۵۹/۷۵
۱۹۸۳	۱۳۶۲	۲۴۵۳/۵۸	۸۹۵/۵۶	۳۲۳۵۵/۳۱
۱۹۸۴	۱۳۶۳	۲۰۴۲/۵۴	۷۴۵/۵۳	۳۳۱۰۰/۸۴
۱۹۸۵	۱۳۶۴	۲۲۰۵/۲۱	۸۰۴/۹۰	۳۳۹۰۵/۷۴
۱۹۸۶	۱۳۶۵	۲۰۵۴/۲۴	۷۴۹/۸۰	۳۴۶۵۵/۵۳
۱۹۸۷	۱۳۶۶	۲۳۴۲/۴۴	۸۵۴/۹۹	۳۵۵۱۰/۵۲
۱۹۸۸	۱۳۶۷	۲۳۴۹/۴۸	۸۵۷/۵۶	۳۶۳۶۸/۰۸
۱۹۸۹	۱۳۶۸	۲۸۹۴/۳۴	۱۰۵۶/۴۳	۳۷۴۲۴/۵۲
۱۹۹۰	۱۳۶۹	۳۲۷۰/۱۸	۱۱۹۳/۶۲	۳۸۶۱۸/۱۳
۱۹۹۱	۱۳۷۰	۳۴۹۹/۵۶	۱۲۷۷/۳۴	۳۹۸۹۵/۴۷
۱۹۹۲	۱۳۷۱	۳۵۲۳/۰۲	۱۲۸۵/۹۰	۴۱۱۸۱/۳۷
۱۹۹۳	۱۳۷۲	۳۷۱۲/۱۶	۱۳۵۴/۹۴	۴۲۵۳۶/۳۱
۱۹۹۴	۱۳۷۳	۳۷۳۰/۰۳	۱۳۶۱/۴۶	۴۳۸۹۷/۷۷
۱۹۹۵	۱۳۷۴	۳۷۴۳/۷۷	۱۳۶۶/۴۸	۴۵۲۶۴/۲۵
۱۹۹۶	۱۳۷۵	۳۷۵۸/۵۸	۱۳۷۱/۸۸	۴۶۶۳۶/۱۳
۱۹۹۷	۱۳۷۶	۳۷۷۶/۴۶	۱۳۷۸/۴۱	۴۸۰۱۴/۵۴
۱۹۹۸	۱۳۷۷	۳۸۵۴/۷۵	۱۴۰۶/۹۸	۴۹۴۲۱/۵۲
۱۹۹۹	۱۳۷۸	۳۶۰۳/۳۶	۱۳۱۵/۲۳	۵۰۷۳۶/۷۵
۲۰۰۰	۱۳۷۹	۳۸۱۷/۹۱	۱۳۹۳/۵۴	۵۲۱۳۰/۲۹
۲۰۰۱	۱۳۸۰	۳۷۹۴/۲۶	۱۳۸۴/۹۱	۵۳۵۱۵/۱۹
۲۰۰۲	۱۳۸۱	۳۵۴۳/۲۹	۱۲۹۳/۳۰	۵۴۸۰۸/۴۹
۲۰۰۳	۱۳۸۲	۴۱۸۳/۱۸	۱۵۲۶/۸۶	۵۶۳۳۵/۳۵
۲۰۰۴	۱۳۸۳	۴۲۴۸/۴۲	۱۵۵۰/۶۷	۵۷۸۸۶/۰۳
۲۰۰۵	۱۳۸۴	۴۲۶۷/۸۰	۱۵۵۷/۷۵	۵۹۴۴۳/۷۷
۲۰۰۶	۱۳۸۵	۴۱۳۰/۰۰	۱۵۰۷/۴۵	۶۰۹۵۱/۲۲
۲۰۰۷	۱۳۸۶	۴۱۰۳/۶۰	۱۴۹۷/۸۱	۶۲۴۴۹/۰۴
۲۰۰۸	۱۳۸۷	۴۰۱۶/۵۰	۱۴۶۶/۰۲	۶۳۹۱۵/۰۶
۲۰۰۹	۱۳۸۸	۳۹۲۷/۴۰	۱۴۳۳/۵۰	۶۵۳۴۸/۵۶

" برای به زانو درآوردن کشور و بی اعتبار کردن مصدق، **یک برنامه مه‌ار چهار مرحله‌ای** به اجرا گذاشته شد .

- نخست : برنامه تحریم گسترش یافت و مشمول جلوگیری از تمام نفت کشفی شد که به هر نحوی، از جمله معاوضه، نفت ایران را حمل می کردند. [یک] آگهی در ۳۳ روزنامه در بیست کشور اعلام داشت که مالکیت نفت ایران غصبی است و **هر نفتکشی که آن را حمل می کند، عملی غیر قانونی انجام داده است.** قراردادهایی که مصدق با **هندوستان، ترکیه، و ایتالیا** بسته بود، **ناگهان از طرف این دولتها فسخ شد. برای اینکه خطر چالش با موضع انگلستان روشن شود،** بازرسان انگلیسی یک نفتکش ایتالیایی حامل نفت ایران را در دیماه سال ۱۳۳۱ در بندر عدن توقیف کردند. محموله آن ضبط شد و یک دادگاه علیه شرکت ایرانی رأی داد.
- دوم : به کارشناس فنی، حقوقدانان و حسابدارانی که به استخدام شرکت ملی نفت ایران درآمده بودند، **اجازه خروج از کشورهاشان برای رفتن به ایران داده نشد.** به دولتهای آلمان، سوئد، اتریش و سوئیس فشار آورده شد تا به اتباع خود روادید ندهند. در ایالات متحده، سفارت انگلیس، از نصب یک آگهی در جلو ساختمان کمیته روابط خارجی، که **شرکتهای نفتی آمریکایی را تشویق می کرد** که کارشناسان فنی آمریکائی را به ایران بفرستند، **جلوگیری کرد.** وزارت خارجه حتی کارشناسان فنی آمریکائی را که در سایر نقاط دنیا کار می کردند **از گرفتن روادید منع کرد.**
- سوم : بانک انگلیس **تمام ذخایر ارزی ایران را مسدود** و از پرداخت حق الامتیازهای معوقه مربوط به ماقبل از ملی کردن **خودداری** کرد. این مبلغ جمعاً ۴۹ میلیون پوند می شد که بدون آن **مصدق نمی توانست حقوق ارتشیان و کارکنان دولت را بپردازد.** پرداخت بدهی خارجی ایران به کنار.
- چهارم : پس از آنکه پس از گذشت ماهها، در موضع مصدق کوچکترین تغییری حاصل نشد، تدارکات یک طرح نظامی، به نام عملیات چکمه (آژاکس)، به منظور به زیر کشیدن نخست وزیر از قدرت آغاز شد. این طرح تا آبان ۱۳۳۱ به دولت آمریکا ارائه نشد. در آن تاریخ، ژنرال عمر برادلی رئیس ستاد مشترک، و دیگر بازیگران کلیدی آن را غیر واقعی و دارای لحن نظامی بیش از اندازه دانسته و **رد کردند.** در واقع این طرح در واشنگتن امکان پذیرش نداشت، تا این که **دموکرات‌ها در انتخابات شکست خوردند** و آیزنهاور پیروز شد " (۸۷) .



تاریخ اولین مصوبه تحریم

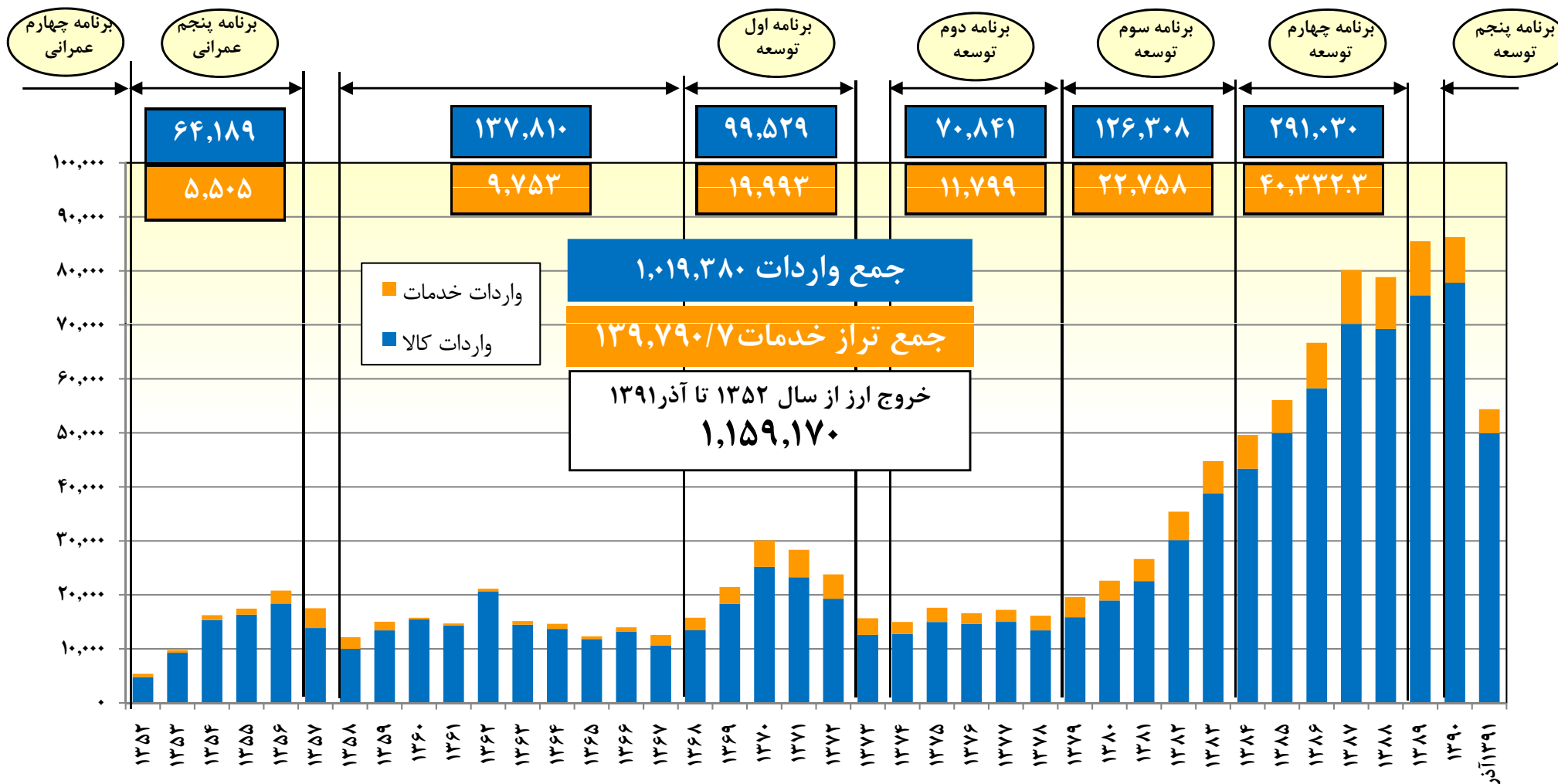
شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران:

۱۳۸۵/۴/۱۰

روند تحول واردات کالا و خدمات به کشور طی سالهای

واحد : میلیون دلار

۱۳۵۲-۱۳۹۱ *



مأخذ : ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، تراز حساب جاری، خدمات
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، تراز حساب جاری، واردات کالا
 ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۹۰، صفحه ۸۰
 ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزیده آماری اقتصادی، بخش تراز پرداختها، آذر ۱۳۹۱
 * تا آذر ۱۳۹۱ می باشد.

روند تحول واردات کالا و خدمات به کشور طی سالهای

واحد : میلیون دلار

* ۱۳۵۲-۱۳۹۱

سال	تراز خالص خدمات	واردات
۱۳۵۲	۶۰۸	۴,۷۸۸
۱۳۵۳	۴۷۰	۹,۲۹۹
۱۳۵۴	۸۸۶	۱۵,۳۶۲
۱۳۵۵	۱,۱۲۳	۱۶,۳۴۶
۱۳۵۶	۲,۴۱۸	۱۸,۳۹۴
۱۳۵۷	۳,۶۶۹	۱۳,۸۷۲
۱۳۵۸	۲,۱۵۱	۱۰,۰۲۰
۱۳۵۹	۱,۵۹۰	۱۳,۴۴۱
۱۳۶۰	۲۵۹	۱۵,۵۱۵
۱۳۶۱	۳۶۹	۱۴,۳۴۵
۱۳۶۲	۵۴۶	۲۰,۶۰۳
۱۳۶۳	۶۶۹	۱۴,۴۹۴
۱۳۶۴	۹۳۰	۱۳,۷۲۱
۱۳۶۵	۴۹۹	۱۱,۸۲۷
۱۳۶۶	۷۷۰	۱۳,۲۳۶
۱۳۶۷	۱,۹۷۰	۱۰,۶۰۸
۱۳۶۸	۲,۳۲۴	۱۳,۴۴۸
۱۳۶۹	۳,۱۴۸	۱۸,۳۳۰
۱۳۷۰	۴,۹۱۹	۲۵,۱۹۰
۱۳۷۱	۵,۰۹۴	۲۳,۲۷۴
۱۳۷۲	۴,۵۰۸	۱۹,۲۸۷
۱۳۷۳	۳,۰۵۹	۱۲,۶۱۷
۱۳۷۴	۲,۲۲۴	۱۲,۷۷۴
۱۳۷۵	۲,۶۳۳	۱۴,۹۸۹
۱۳۷۶	۱,۹۹۵/۹	۱۴,۶۲۲
۱۳۷۷	۲,۲۲۴/۱	۱۵,۰۱۴
۱۳۷۸	۲,۷۲۲/۴	۱۳,۴۴۲
۱۳۷۹	۳,۷۵۶/۹	۱۵,۸۶۰
۱۳۸۰	۳,۶۵۹/۷	۱۸,۹۶۹
۱۳۸۱	۴,۰۶۵/۱	۲۲,۵۷۶
۱۳۸۲	۵,۲۷۰/۴	۳۰,۱۴۱
۱۳۸۳	۶,۰۰۵/۹	۳۸,۷۶۲
۱۳۸۴	۶,۲۴۷/۸	۴۳,۳۸۱
۱۳۸۵	۶,۱۰۰/۵	۴۹,۹۸۷
۱۳۸۶	۸,۴۲۹	۵۸,۲۴۰
۱۳۸۷(۳)	۹,۹۷۳	۷۰,۱۷۵
۱۳۸۸(۳)	۹,۵۸۲	۶۹,۲۴۷
۱۳۸۹(۳)	۱۰,۰۴۰	۷۵,۴۵۸
۱۳۹۰(۳)	۸,۴۳۱	۷۷,۸۰۵
۱۳۹۱(۴)*	۴,۴۵۱	۴۹,۹۲۱
جمع کل	۱۳۹,۷۹۰.۷	۱,۰۱۹,۳۸۰

 خروج ارز از سال
۱۳۵۲ تا آذر ۱۳۹۱
۱,۱۵۹,۱۷۰

۵۰۷,۸۳۹

- مأخذ : ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، تراز حساب جاری، خدمات
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، تراز حساب جاری، واردات کالا
 ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۶، صفحه ۸۲
 ۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزیده آماری اقتصادی، بخش تراز پرداختها، آذر ۱۳۹۱
 * تا آذر ۱۳۹۱ می باشد.

درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز، پتروشیمی و کالاهای غیر نفتی

ارقام : میلیون دلار

سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۱

صادرات غیر نفتی		صادرات نفت و گاز	شرح سال
سایر کالاها	صادرات پتروشیمی		
۲,۸۴۹	۴۰۸	۱۵,۱۰۳	۱۳۷۴
۲,۶۱۳	۵۰۷	۱۹,۲۷۱	۱۳۷۵
۲,۳۵۱	۵۵۹	۱۵,۴۷۱	۱۳۷۶
۲,۷۳۳	۴۵۲	۹,۹۳۳	۱۳۷۷
۳,۳۶۲	۵۷۹	۱۷,۰۸۹	۱۳۷۸
۳,۳۵۱	۸۲۹	۲۴,۲۸۰	۱۳۷۹
۳,۷۷۰	۷۹۵	۱۹,۳۳۸	۱۳۸۰
۴,۳۲۹	۹۴۲	۲۲,۹۶۵	۱۳۸۱
۵,۴۱۱	۱,۲۲۵	۲۷,۳۵۵	۱۳۸۲
۵,۸۱۰	۱,۷۲۶	۳۶,۳۱۵	۱۳۸۳
۸,۲۲۲	۲,۳۲۳	۵۳,۸۲۰	۱۳۸۴
۹,۶۹۸	۳,۲۹۹	۶۴,۶۶۵	۱۳۸۵
۹,۲۵۳	۶,۰۵۹	۸۴,۵۰۵	۱۳۸۶
۶,۸۹۷	۷,۷۷۳	۸۶,۶۱۹	۱۳۸۷
۹,۲۲۲	۹,۱۴۷	۶۹,۹۵۷	۱۳۸۸
۱۳,۴۴۹	۱۱,۵۵۹	۹۰,۱۹۱	۱۳۸۹
۱۱,۹۸۰	۱۴,۶۶۲	۱۱۸,۲۳۲	۱۳۹۰
۲۱,۲۸۵		۵۲,۰۸۱	۱۳۹۱ *
۲۱۸,۵۶۶		۱,۲۰۴,۷۶۸	جمع

صادرات غیر نفتی		صادرات نفت و گاز	شرح سال
سایر کالاها	صادرات پتروشیمی		
۴۷۵	۴۸	۲۳,۴۵۱	۱۳۵۶
۴۹۷	۴۶	۱۵,۶۶۰	۱۳۵۷
۶۴۶	۱۶۶	۲۴,۱۵۸	۱۳۵۸
۵۶۸	۷۷	۱۱,۶۴۸	۱۳۵۹
۳۲۱	۱۹	۱۰,۶۱۹	۱۳۶۰
۲۸۴	۰	۲۱,۷۹۸	۱۳۶۱
۳۵۶	۱	۲۱,۱۵۰	۱۳۶۲
۳۶۰	۱	۱۶,۷۲۶	۱۳۶۳
۴۵۱	۱۴	۱۳,۷۱۰	۱۳۶۴
۹۱۵	۱	۶,۲۵۵	۱۳۶۵
۱,۱۴۴	۱۷	۱۰,۷۵۵	۱۳۶۶
۱,۰۱۰	۲۶	۹,۶۷۳	۱۳۶۷
۱,۰۱۵	۲۹	۱۲,۰۳۷	۱۳۶۸
۱,۲۷۷	۳۵	۱۷,۹۹۳	۱۳۶۹
۲,۵۱۹	۱۳۰	۱۶,۰۱۲	۱۳۷۰
۲,۸۷۳	۱۱۵	۱۶,۸۸۰	۱۳۷۱
۳,۵۵۵	۱۹۲	۱۴,۳۳۳	۱۳۷۲
۴,۵۶۱	۲۷۰	۱۴,۶۰۳	۱۳۷۳

صادرات غیر نفتی		صادرات نفت و گاز	شرح سال
سایر کالاها	صادرات پتروشیمی		
۱۰۵		۵۹۵	۱۳۳۸
۱۱۱		۶۷۲	۱۳۳۹
۱۲۸		۷۰۶	۱۳۴۰
۱۱۵		۷۹۹	۱۳۴۱
۱۲۸		۱,۱۰۹	۱۳۴۲
۱۵۳		۱,۱۳۹	۱۳۴۳
۱۸۱		۱,۱۴۹	۱۳۴۴
۱۵۸		۱,۷۴۹	۱۳۴۵
۱۸۲		۱,۶۸۸	۱۳۴۶
۲۱۷		۱,۸۵۷	۱۳۴۷
۲۴۵		۲,۳۵۸	۱۳۴۸
۲۷۳		۳,۴۹۴	۱۳۴۹
۳۳۵		۳,۶۳۸	۱۳۵۰
۴۴۰		۵,۶۱۷	۱۳۵۱
۶۳۵		۸,۳۱۸	۱۳۵۲
۵۸۲		۲۱,۰۱۴	۱۳۵۳
۵۹۲		۲۰,۰۳۴	۱۳۵۴
۵۴۰		۲۴,۱۷۹	۱۳۵۵

۱۵۲٪

- منابع : ۱- بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری های زمانی آمارهای اقتصادی ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سالهای ۱۳۳۸-۱۳۸۴
 ۲- بانک مرکزی، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی ، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش های خارجی و صنعت و معدن
 ۳- بانک مرکزی ، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۹ (صفحه ۶۲ ، جدول ۲۸) ، سال ۱۳۹۰ (صفحه ۶۴ ، جدول ۲۸)
 ۴- گزیده آمارهای اقتصادی ، بخش تراز پرداختها ، آذر ۱۳۹۱
 ۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، خلاصه تحولات اقتصادی کشور سال ۱۳۸۹ (فصل تراز پرداختها صفحه ۸۰ ، جدول ۵۳) ، سال ۱۳۹۰ ، صفحه ۸۲ ، جدول ۵۳

توضیح : ارقام صادرات پتروشیمی برای سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۲ در دسترس نبود - سال ۱۳۵۷ ، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۹ شامل هیچکدام از برنامه ها نمی باشد
 * آمار آذر ۱۳۹۱ می باشد

۷۰۰,۵۳۳

۵۶۶,۲۵۰

$$\begin{array}{r} \text{درآمد ارزی} \\ \hline 566,625 \end{array} - \begin{array}{r} \text{خروج ارزی} \\ \hline 507,839 \end{array} = 58,411$$

و چنانچه صادرات غیر نفتی واقعی و پتروشیمی را نیز جزء درآمدهای ارزی **تحت کنترل دولت** فرض نمائیم ، خواهیم داشت :

$$\begin{array}{r} \text{درآمد ارزی} \\ \hline 700,533 \end{array} - \begin{array}{r} \text{خروج ارزی} \\ \hline 507,839 \end{array} = 192,694$$

آیا در حالیکه اولین مصوبه تحریم صادر گردید ، نباید تمهیدات کافی را فراهم می نمودیم ؟



عروسکهای دارا و سارا ، قصه واردات

" **قد عروسکهای نسل اول دارا و سارا ۴۰ سانتی متر بود که نسل جدید به ۳۰ سانتی متر تغییر یافت. . . .** اولین محموله این **عروسکها** که طراحی آن در ایران و **ساخت آن در کشور چین** صورت گرفته است، اواخر هفته گذشته **وارد بندر بوشهر** شده و کار **ترخیص** آن در حال انجام است . . . نسل جدید دارا و سارا با قیمتی نزدیک به **۴۰٪** ارزانتر از گذشته در فروشگاههای کانون و اسباب بازی فروشی های سراسر کشور به فروش خواهد رسید . . . " (۸۸)

۸۸- محسن چینی فروشان، مدیر عامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
ماخذ: روزنامه خراسان، شماره ۱۷۴۶۹، مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱، صفحه ۶

"... **کشوری که چین را وارد پروژه نیروگاه سازی در دنیا کرده بی شک ایران بود.** ایران این ریسک را پذیرفته که چین در ایران نیروگاه بسازد. پس از آنکه چینی ها در یک محیط خارجی مثل ایران تمرین کردند ، **توانستند در دنیا نیروگاه بسازند.** ایران اولین کشوری بود که **مترو سازی چین را از مرزهای این کشور خارج کرد** و اولین کشوری بود که پذیرفت چین در ایران مترو بسازد . همچنین **ایران اولین کشوری بود که پذیرفت چین تانکر های بزرگ نفتکش ۳۰۰,۰۰۰ تنی بسازد** و ۴ تانکر به چین سفارش داد و پس از آن بود که هم اینک کارخانه های کشتی سازی چین **تا ۱۰ سال آینده رزرو شده اند.** ... چینی ها سعی کردند ایران را به یک **مشتری خوب** تبدیل کنند و نه یک **شریک اقتصادی خوب**." (۸۹)

۸۹- فریدون وردی نژاد ، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در چین
ماخذ : روزنامه شرق ، شماره ۱۶۲۷ ، مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۶ ، صفحه ۷



روند کاهشی عملکرد ارزش افزوده کل اقتصاد ، بخش صنعت و بخش معدن

در برنامه چهارم توسعه

ارقام : درصد

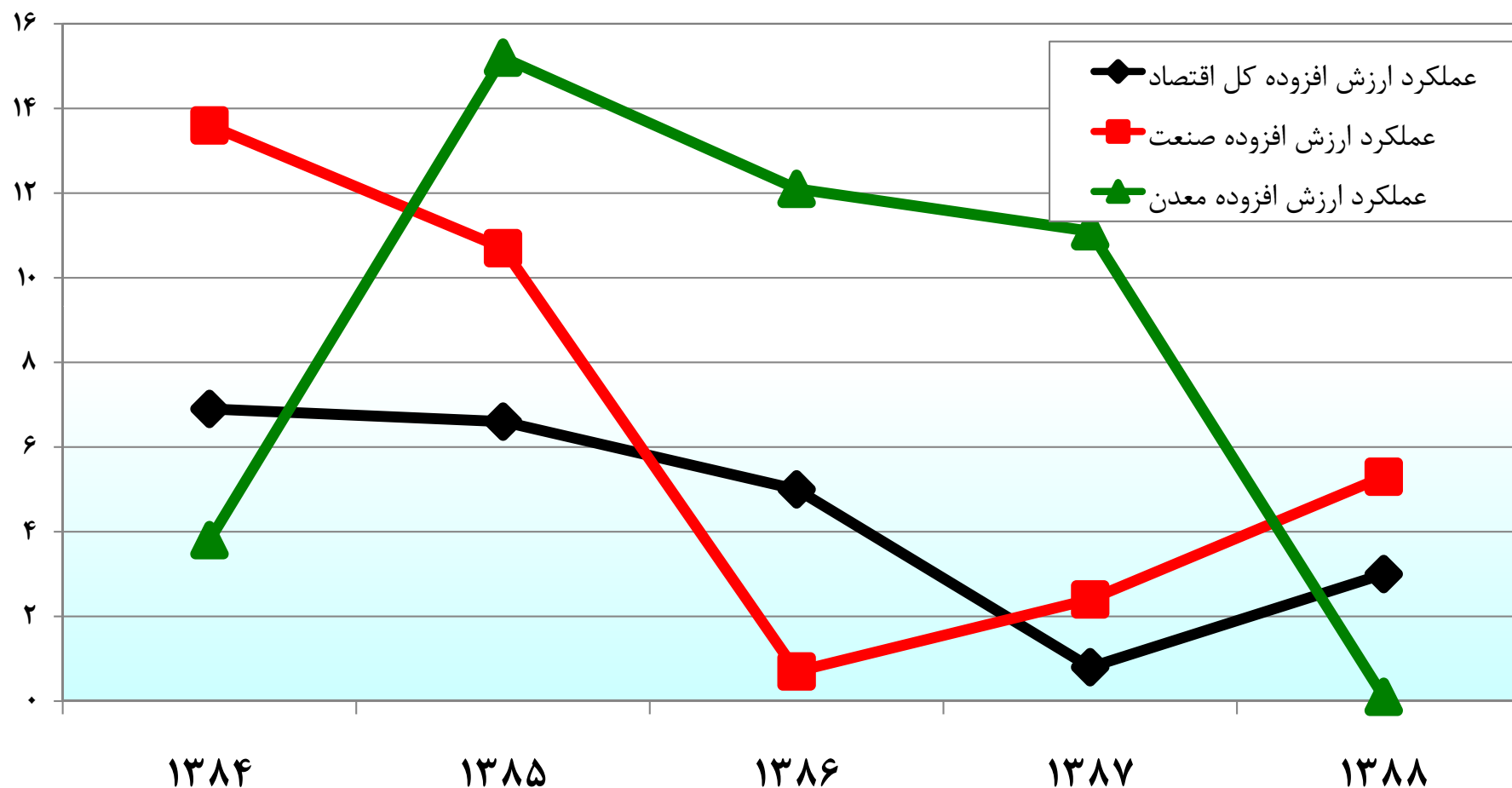
متوسط رشد برنامه (سال پایه ۱۳۸۳)	سال					شرح	
	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴		
۸	۹/۳	۸/۴	۷/۸	۷/۴	۷/۱	هدف	ارزش افزوده کل اقتصاد
۴/۴	۳	۰/۸	۵	۶/۶	۶/۹	عملکرد	
۱۱/۲	۱۲/۴	۱۱/۵	۱۱	۱۰/۸	۱۰/۵	هدف	ارزش افزوده صنعت
۶/۴	۵/۳	۲/۴	۰/۷	۱۰/۷	۱۳/۶	عملکرد	
۱۱/۲	۱۲/۴	۱۱/۵	۱۱	۱۰/۸	۱۰/۵	هدف	ارزش افزوده معدن
۸/۳	۰/۱	۱۱/۱	۱۲/۱	۱۵/۲	۳/۸	عملکرد	

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸ ، صفحه ۴۶

روند کاهشی عملکرد ارزش افزوده کل اقتصاد ، بخش صنعت و بخش معدن

در برنامه چهارم توسعه

ارقام : درصد



ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۸ ، صفحه ۴۶



چند بار می‌بایست تجارب
یکسان را تکرار و هزینه‌های
آن را دامنگیر کشور نمائیم؟



۴-۲-۱- هدفمندی یارانه ها و فرصتی شایسته که در ابهام قرار گرفت

هدفمند نمودن یارانه ها ، خواسته ای بود که کلیه صاحب نظران و نخبگان کشور با هردیدگاهی بر انجام آن اتفاق نظر داشته اند و تنها نقطه مورد بحث، رویه اجراء آن بود. تحقیقات بسیاری در ایران، نظام مورد اجراء در طی سالیان گذشته را در زمینه پرداخت یارانه، ناکارآمد ارزیابی کرده اند. به سخن دیگر، در این مطالعات، نظامی که در طی چند دهه پرداخت یارانه که پرداخت عام را به عنوان یکی از نقطه ضعف های خود به همراه داشت، در اعطای یارانه به گروههای هدف، موفقیت چشم گیری را به همراه نداشت. اعداد مندرج در جداول صفحات ۶۵-۷۰ این گزارش، تصویری تکان دهنده از ناکارآمد شدن نسبی منابع خدادادی را به نمایش می گذارد و ارقام افزایشی آن در صورت ادامه وضع قبلی، می توانست و می تواند بسیار خطر آفرین باشد.

چنانچه اقدامی به موقع صورت می پذیرفت، قادر بودیم در تبدیل ثروت خدادادی نفت، به توسعه پایدار و متوازن، موفق عمل نمائیم. " اگر این سرمایه در دارائیهای مالی و فیزیکی به کار برده می شد، می توانست درآمد اضافی (به صورت بهره یا سود سهام) در حدود **دو درصد تولید ناخالص داخلی** ایجاد کند (۹۰)."

به دلیل اهمیت حیاتی موضوع، دولتهای محترم و درقوانین برنامه های توسعه بر این موضوع تاکید نموده اند، منجمله در برنامه سوم توسعه دولت مکلف شد با انجام و بررسی های کارشناسی، اقدام های قانونی به منظور هدفمند کردن پرداخت یارانه کالا های اساسی و حاملهای انرژی را انجام دهد، به طوری که از سال سوم برنامه نظام پرداخت یارانه با کمیت مشخص و به منظور تحقق اهداف زیر تغییر یابد:

- ۱- منطقی کردن مصرف کالاهای یارانه ای و جلوگیری از قاچاق این نوع کالا
- ۲- تشویق و توسعه سرمایه گذاری و **حمایت از تولید داخلی کالاهای یارانه ای**
- ۳- کاهش سهم طبقات با درآمد بالا و **افزایش سهم طبقات**، با درآمد پایین از یارانه ها
- ۴- جانشینی تدریجی **طرح های رفاه اجتماعی** با پرداخت یارانه ها
- ۵- تأمین منابع برای سرمایه گذاری زیر بنایی و محرومیت زدایی کشور و توسعه اشتغال
- ۶- توسعه **اشتغال مولد با اعطای وام** از محل درآمدهای حاصل

گزارش مستندی حداقل در دسترس نیست که چه اقداماتی در طول برنامه سوم توسعه کشور در این راستا صورت پذیرفت. لیکن مجدداً در برنامه چهارم توسعه (بند ج، ماده ۹۵) مقرر گردیده بود که ".... دولت موظف است کلیه خانوارهای زیر خط فقر مطلق را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه به صورت کامل توسط دستگاه های و نهادهای متولی نظام تأمین اجتماعی، شناسایی و تحت پوشش قرار دهد". لیکن مجدداً مشاهده می شود گزارشی مستند در دسترس نیست که چه اقداماتی در این راستا صورت پذیرفت. حداقل آن چه به نظر می رسد تا زمان شروع هدفمندی یارانه ها در سال ۱۳۸۹ و حتی اکنون نیز شناسایی اقشار آسیب پذیر انجام نگرفته و بدین سبب مجدداً تصمیم به پرداخت عام نقدی انجام گرفته شد. به دلیل اهمیت بالای موضوع، این کمیسیون بنا به مأموریت محوله هیئت رئیسه اتاق ایران و با محدوده اطلاعات در دسترس به طور مثال جداول داده - ستانده سال ۱۳۸۳ اقتصاد ایران، تحقیقی را در قریب ۲ سال پیش از اجرای هدفمندی یارانه ها، انجام و آن را در بهمن ۱۳۸۷ به تصویب هیئت نمایندگان اتاق ایران رساند و توسط ریاست اتاق ایران برای کلیه مسئولین تراز اول کشور ارسال گردید. این گزارش مستند و محاسباتی، اثرات تحمیلی بر هر بخش اقتصادی را برآورد و پیشنهادات و راه حل های متفاوت جایگزین را ارائه داد. اکنون با گذشت قریب دو سال پس از شروع اجرای هدفمندی و نزدیک بودن قابل قبول نتایج حاصله با پیش بینی ها و گمانه زنی های آن گزارش، نشان از لزوم بکارگیری علم، حتی در وضعیت ناقص آن در تصمیم گیرها می باشد و الزام آن را گوشزد می نماید. علاقمندان به محاسبات و جداول تفضیلی آن و همچنین مستندات آماری فراوان آن، می توانند در پورتال اتاق ایران و یا مشهد آن را در دسترس داشته باشند. هشدارهای متعدد توسط اقتصاددانان و نخبگان داخلی در خصوص رویه اجرای هدفمندی یارانه ها به مسئولین داده شد. حتی سازمانی بین المللی همچون بانک جهانی، - گرچه با همه نظرات آنها موافق نباشیم - نیز در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) در گزارشی مبسوط و مستند و تحلیلی، نکات مفیدی را انداز داده بود.

"انگیزه های اجتماعی ایران پس از انقلاب، از الویت برخوردار بوده است. دستاوردهای ایران در زمینه های آموزش و پرورش و بهداشت و کاهش فقر، به رغم همه مشکلات مالی داخلی و خارجی **تحسین برانگیز بوده است**. برنامه های اجتماعی ایران به لحاظ کمک رسانی **به تهی‌دستان کارساز بوده است**. ولی منافع یارانه های غیر مستقیم - به ویژه یارانه های گسترده انرژی - برای ثروتمندترین قشر جمعیت، **چند برابر این منافع برای فقیرترین قشر بوده است**. این یارانه ها علاوه بر ناکارائی و زیان های هنگفت، **از ریخت و پاش بیش از حد ثروت انرژی تأمین شده است**. اگر این ثروت از دست رفته صرفه جویی و سرمایه گذاری می گردید، می توانست به رشدی بیشتر از آنچه تحقق یافته منجر شود و با اشتغال ایجاد شده - به جای کمک مستقیم - **بیشتر از تنگدستان حمایت کند**. به دلیل ارتباط تنگاتنگ **میان فقر و بیکاری**، تاثیر سرمایه گذاری می توانست حتی بیش از این باشد، زیرا ۴۰٪ سرپرستان، تهیدست ترین قشر خانوارها بیکار هستند" (۹۱).

"چیزی که **ایران** باید از آن پرهیز کند درگیر شدن در فرآیند تعدیل است، بدون این که نقشه ای برای زمان بندی آن تعریف شده باشد و بدون اینکه بداند چگونه از پس اندازه های تحقق یافته استفاده کند. **چاله ای که باید از آن پرهیز کرد**، درگیر شدن در افزایش قیمت و **استفاده از منابع حاصل از آن برای مصرف و هزینه های عمومی برنامه ریزی شده ای** است که توجیه آنها در آینده مشکل باشد. کشورهای دیگر عضو اوپک این راه را پیمودند و فرصت تبدیل ظرفیتهای عاطل مانده در زمینه یارانه های انرژی را به امر توسعه از دست دادند. ایران نیازمند آن است که راهبرد مدیریت ثروت نفتی خود را خیلی روشن تعریف کند و پیش از دست یازیدن به اصلاحات، یک صندوق پس انداز و سرمایه گذاری نفت با **قواعد روشن** به لحاظ مدیریت آن ایجاد کند" (۹۲).

"یک مشکل عمده **در گذار ایران** عبارت است از یافتن بهترین سازو کار های دوری جستن از یارانه های گسترده **بدون هدف** و روی آوری به **یارانه های هدفمندتر** برای **تهی‌دستان واقعی است** و هدایت پس اندازهای ناشی از حذف یارانه های غیر ضروری به منظور **افزایش پس اندازهای خصوصی در تأمین مالی سرمایه گذاری بخش خصوصی**، به منظور ایجاد اشتغال مولد و **رشد پایدار**" (۹۳).

۹۱- اقتصاد ایران از دیدگاه بانک جهانی، همان، صفحات ۴۲-۴۱

۹۲- اقتصاد ایران از دیدگاه بانک جهانی، همان، صفحه ۱۸

۹۳- اقتصاد ایران از دیدگاه بانک جهانی، همان، صفحه ۵۴

چرا ایران می بایست به سوی یک سیاست مالی متفاوت با آن چه که بود تغییر وضعیت میداد؟

"نخست، به این دلیل که درآمدهای مالی ایران به میزان وسیعی از **منابع ناپایدار** سرچشمه می گیرد، و مدیریت بهینه این منابع با هدف تضمین یک جریان پایدار درآمد از این منابع، مستلزم محدود کردن برداشت از محل این ثروت و هدایت مازاد آن به سرمایه گذاری است. دوم، **سیاست رشد بی پروا**تر همراه با اصلاحات شدید ساختاری مورد نیاز است، تا **افزایش خطرناک بیکاری را مهار کند**. این سیاست مستلزم پس انداز بسیار زیادتری است تا **اعتبار سرمایه گذاری** مورد نیاز را تامین کند " (۹۴).

چنین اقداماتی متأسفانه صورت نپذیرفت و لذا بخشهای تولیدی-که می بایست تقاضای جامعه ای را که توانمند بود و داشت بوجود می آمد، اجابت می کرد و آن را پیدا می نمود - به این مهم قادر نگردید. زیرا حتی قانون تصویب شده که متأسفانه پرداخت عام را درپیش گرفت. **سهام سی درصدی مصوب شده برای تولید** را نیز پرداخت نشده باقی گذاشت و بخشهای تولید اعم از کشاورزی و صنعتی، با وجود تحریم ها، با مشکلات عدیده و مهمی مواجه گردیده اند.

یکی از موضوعات قابل توجه که در گزارش فوق الذکر این کمیسیون انظار داده شده بود، **اتلاف انرژی** در تولید و توزیع نیروگاهها بود. برای انجام این امر مهم، ضروری و حیاتی کاهش هزینه های اتلاف، برای فائق آمدن بنگاه های تولیدی بر تبعات هدفمندی یارانه ها، گزارش مستندی در دسترس نیست که چه اقدامی صورت پذیرفته. به نظر می رسد که این **اتلاف هم بر عهده بخشهای تولیدی و خانوارها** قرار گرفته است. گزارش چنین اتلاف مهمی توسط یکی از مسئولین که در صفحه ۱۴۰ بیان گردیده، می بایست مورد تأمل جدی قرار گیرد.

از سوی دیگر در تمام این دوران تکیه کلامهای متعدد مبتنی بر کارشناسی شدن این اقدام و انجام دقتهای لازم برای این امر حیاتی را به دفعات اظهار نموده اند، صفحه ۱۴۱. اما مواجه می گردیم با بیان واقعیتی که متأسفانه دولت محترم اشتباه محاسباتی داشته اند صفحه ۱۴۲.



ارزش اتلاف انرژی

" ارزشی که تولید $50,000,000,000$ کیلو وات ساعت برق در کشور دارد حدود $5,000,000,000$ دلار است .
اما متاسفانه تلفات حدود 18% شبکه برق ایران نشان می دهد که چه حجمی از برق و چه میزان سرمایه در حال اتلاف است
تلفات 3% ای برق در کشوری مانند کره جنوبی نشان می دهد که تلفات 18% ای برق در ایران چه حجم قابل توجهی است "

عباس علی آبادی ، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی ،

ماخذ: روزنامه جهان صنعت ، شماره ۱۵۶۶ ، مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۱ ، صفحه ۱۵



نکات ارائه شده مسئولین در خصوص هدفمند کردن یارانه ها

".... برای اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها به اندازه کافی کار **کارشناسی** در دولت انجام شده"

دکتر محمد رضا فرزین ، معاون وزیر و سخنگو و دبیر ستاد هدفمند سازی یارانه ها
ماخذ: روزنامه دنیای اقتصاد ، شماره ۲۲۲۴ ، مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۹

".... شما اطمینان داشته باشید که دولت در مورد تمامی موارد کار **کارشناسی** می کند و هر سال نسبت به تحقق کلی اهداف قانون است"

دکتر محمدرضا فرزین ، معاون وزیر و سخنگو و دبیر ستاد هدفمند سازی یارانه ها
ماخذ: پایگاه اطلاع رسانی دولت ، کد خبر ۲۱۴۲۷۹ ، مورخ ۱۳۹۱/۲/۵



محدودیت های اجرای قانون هدفمندی یارانه ها

" دولت در اجرای فاز اول هدفمندی، دچار اشتباه محاسباتی شد دولت به دلیل عدم مشخص کردن دهک های واجد شرایط برای دریافت یارانه، به تمامی گروهها یارانه نقدی پرداخت کرد و این امر موجب کسری در منابع درآمدی هدفمندی شد. دولت در این خصوص دچار اشتباه محاسباتی شد. این امر موجب کسری در منابع درآمدی هدفمندی شد، اما دولت سرانجام توانست از طریق راهکارهای قانونی، کسری به وجود آمده را جبران کند. در اینکه دولت از محل افزایش قیمت حاملهای انرژی درآمدکسب کرده شکی وجود ندارد و اینکه منابع حاصل از اجرای قانون هدفمندی از جیب یک عده به گروه های واجد شرایط پرداخت شده، امری کاملاً منطقی و اجرای آن نیز موفقیت آمیز بوده. با اجرای فاز اول قانون هدفمندی، تقاضا برای حاملهای انرژی کاهش پیدا کرده و رشد مصرف نیز کاهش یافته شد. دولت می تواند مقدار یارانه کمتری در فاز اول هدفمندی بپردازد و به تبع آن کسری به وجود نمی آید " (۹۴)

سؤال بسیار مهمی که به ذهن متبادر می شود این واقعیت است که آیا برای تولید نیازهای اساسی در کشور و قبل از اجراء، برنامه ریزی شده بود که با تغییر نرخ ارز تأمین کالاهای اساسی، اقشار آسیب پذیر با تلاطم ها و ناپایداریها مواجه نگردند؟

" وقتی ۹۰٪ روغن ، حدود ۹۰٪ کره مصرفی و ۲۰٪ گوشت کشور وارداتی است و نرخ ارز هم افزایش یافته ، چرا افزایش قیمتها را به گردن هدفمندی می اندازید؟ ... " (۹۵)

آیا این سؤال منطقی نیست که جبران زیان دیدگان تولیدی بر عهده چه کسی می باشد؟

۹۴- دکتر جمشید پژویان، رئیس شورای رقابت ، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۹۰، مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۶، صفحه ۸
۹۵- دکتر محمدرضا فرزین (معاون وزیر اقتصاد و دارایی) خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، کد خبر ۲۵۸۷۳۹، مورخ ۱۳۹۱/۲/۵



۲- فصل دوم :

فرصت های سوخته

– پیشگفتار فصل دوم

"ما با بیان حقایقی که آگاهانه ناگفته مانده اند، خطر رنجش عمیق و جریحه دار کردن احساسات میهن پرستانه ی دروغین را، که فقط نارسائی تاریخی دولت ملی را پنهان کرده اند، به جان می خریم. ولی معتقدم که این تأمل و بازاندیشی در کشورهایی که تمام طول قرن بیستم را بدون نیل به توسعه، از دست دادند ضروری است، در کشورهایی که فرآیند توسعه در اوضاع و احوال کنونی جنگل جهانی دست نیافتنی است و در آنها باید یک پیمان ملی برای بقا و زنده ماندن جایگزین توهم توسعه شود" (۹۶).

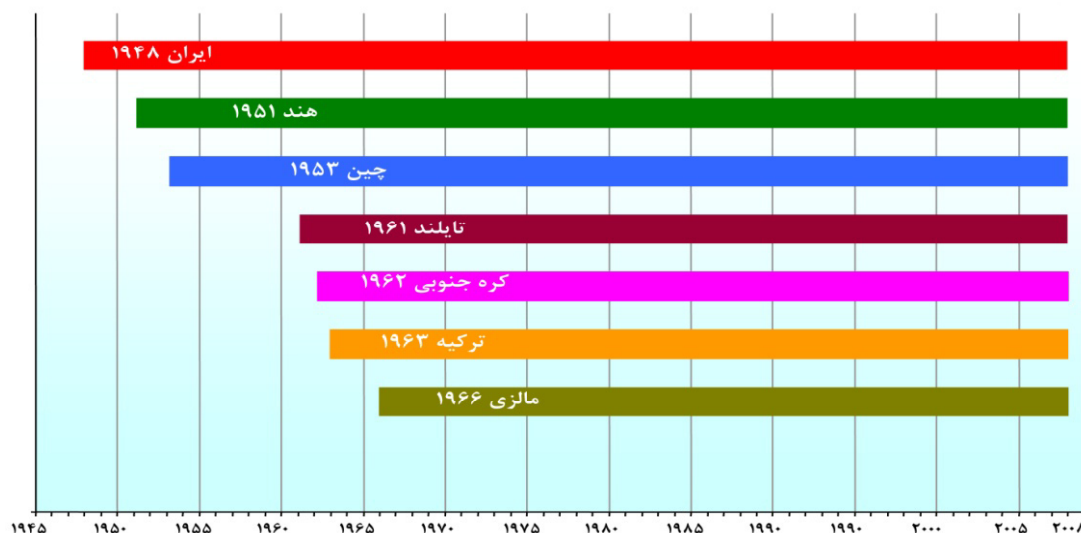
گفتار فوق حاوی وجهی دردناک از حقایق می باشد. بسیاری از کشورها فرصت های طلایی و امکان پذیر برای توسعه، در طول قرن گذشته و به ویژه نیمه دوم و پس از جنگ جهانی دوم را از دست داده اند. اکنون مواجه با کشورهایی هستیم که در نیمه اول قرن بیستم در زمره کشورهای عقب مانده قرار داشته اند، لیکن در حال حاضر در زمره کشورهای توسعه یافته محسوب شده و یا برخی از آنها نزدیک به آن مرحله می باشند. چه اتفاقی در این میان حادث گردیده؟ چرا نمونه های قابل توجه اینگونه کشورها با تعداد بیشتری در شرق آسیا قرار گرفته اند و در سایر نقاط جهان تعداد اینگونه کشورها کمتر می باشند؟

آیا کیفیت توسعه یافتگی در همه آنها مشابه است؟ آیا کشورهایی که با برنامه و اهداف مشخص حرکت نموده اند به نتایج بهتری دست یافته اند، یا کشورهایی که تنها با جهت گیری علائم داده شده بازار حرکت نموده اند؟ سئوالات بیشماری در این گونه زمینه ها وجود دارند که یقیناً جویش در پاسخها می توانند افق های هدایت کننده را روشن تر نماید. در این میان وضعیت کشور ما چگونه است؟ آیا فرصت های طلایی را نسوزانده ایم؟

با نگاهی به زمینه های متعدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان، می توان مشاهده نمود که از جمله کشورهایی بوده ایم، که تأثیرهای اجتماعی قابل تأملی، به اندازه وسع خود در جهان داشته ایم، همچون انقلاب مشروطه، ملی کردن نفت و انقلاب سال ۵۷.

در خصوص برنامه های اقتصادی نیز، حداقل در آسیا، جزء مللی بوده ایم که پیشگامی در امر برنامه ریزی را تجربه نموده ایم.

تحول تاریخ شروع برنامه ریزی های توسعه در کشورهای منتخب آسیایی



اما چرا نتوانستیم به توسعه و پیشرفت کارآمد دست یافته و یا رشد پایداری را شاهد باشیم؟ پاسخ های ساده شده، همچون مثال **ضعف فرهنگ** نمی تواند توجیه این عقب ماندگیها باشد " این پیشنهاد که فرهنگ عامل تعیین کننده موفقیت مناطق مختلفی مانند ژاپن، سوئیس و کالیفرنیا است و از سوی دیگر فرهنگ، فقر نسبی مناطق همان گونه متنوع مانند چین، استونی و باها در کالیفرنیا را توجیه می کند، یک پیشنهاد غیر انسانی بوده و قانع کننده نیست. **تفاوت** ثروت بین غرب و بقیه جهان **آن قدر** زیاد است که تنها به وسیله **عامل فرهنگی قابل توجیه نیست** " (۹۷).

پیشرفت برخی از کشورها در چنان سطحی بوده که ملل بسیاری را به تحسین و داشتنه اند. این مهم با بکارگیری تعقل، ممارست، تدوین هدف روشن و قابل سنجش، قابلیت **قضاوت و داوری** در هنگامه تناقض **نظریه ها**، اخذ تصمیم های جسورانه و **غیر منفعلانه** در زمان مقتضی و بسیاری از فاکتورهای دیگر حاصل گردیده. تکیه بر دلائل ساده شده و ظاهری نمیتواند هدایت به دریافت واقعیت، جهت تجربه آموزی را، حاصل نماید.

" همه **مردم** تاکتیکهائی را که به **وسیله** آن پیروزی حاصل می شود **می بینند**، اما آنچه هیچ کس **نمی تواند ببیند**، **استراتژی** است که این **پیروزی بزرگ** بر اساس آن **حاصل** شده است " (۹۸).

– توسعه و نظریه ها

کشورهای علاقمند به توسعه برای حصول به خواسته های خود، مواجه با نظریه های مختلف و مناقشه پایان ناپذیر فیما بین آنها می باشند، آنهم نظریه های علمی بحق ای که در بسترهای آماده شده تدریجی کشورهای پیشرفته ظهور و بروز یافته اند و نشانگر تکامل **تدریجی** آن جوامع میباشد و قطعی نیست که آیا توان به کارگیری کارآمد آنها در کشورهای عقب مانده وجود دارد یا خیر.

" ما از اقتصاد «کلاسیک» گنجینه ای از نظریه ها به ارث برده ایم که **آکنده از ادعاهای کلی** (است) که صحت همه آنها را نمی توان **تضمین** کرد. تا آن جا که مورد استعمال این نظریه ها، منحصر به این قسمت از دنیا است که ما در آن به سر می بریم، ادعای عمومیت ممکن است ضرری نداشته باشد. اما وقتی قرار باشد که این **نظریات**، که برای کشورهای توسعه نیافته جنوب آسیا **مناسب و شایسته نیست**، در تحقیقات مربوط به این کشورها به کار بسته شود **عواقبی وخیم خواهد داشت**. ما اقتصاددانان براساس سنت ریشه دار اما رنگارنگ و انعطاف پذیر تصدیق های بلاتصوری عمل می کنیم که مسلماً با اوضاع و احوال خودمان ناسازگار نیست، اما همین که ناگهان به سراغ کشورهائی با اوضاع و احوال کاملاً متفاوت رفتیم، **خطر اشتباهات اصولی بی نهایت شدت می یابد**. چیزی که بر میزان این خطر می افزاید، **کمیابی داده های تجربی** درباره **واقعیات اجتماعی** کشورهای توسعه نیافته است " (۹۹).

در کشورمان نیز در پی انجام برنامه های عمرانی و توسعه ای و پس از چند سال تلاش گروهی زبده از کارشناسان، نهایتاً مواجه با بیان واقعیتی می گردیم که تقویت کننده نظر فرهیختگانی همچون میردال (برنده جایزه نوبل اقتصاد) می باشد.

" ما بیش از پیش یقین کردیم که جامعه سنتی (که ایران نمونه آن است) باید راه ویژه و احتمالاً پیچ در پیچ خود را در فرآیند پیشرفت و توسعه طی کند. بیماریهای این جامعه را به سختی می توان با نسخه هایی درمان کرد که مختص شرایط جوامع توسعه یافته غرب است.

در جامعه سنتی مفهوم تغییر باید مبتنی بر نیروهائی باشد که تماماً از محیط خود این جامعه بجوشند. ما در طی ماموریت خود، بیش از پیش اعتقاد پیدا کردیم که نیروهای جهان شمولی که برنامه ریز توسعه، در جامعه در حال توسعه به سهولت یا به طور موثر بتواند بر آنها تکیه کند، اندک هستند " (۱۰۰).

نظریات علمی و صحیح اقتصادی در کشورهای پیشرفته غربی، در طی چند سده و بر حسب شرایط زمانی، مکانی و طبیعی تکامل یافتند. با وجود اقتصادهای نیرومند و بنگاه های توانمند اقتصادی و تولیدی که ریشه در قرون متمادی داشته اند، کاربرد آنها در آن جوامع می توانند معنا یافتن را دارا باشند. از سوی دیگر به سبب تکامل فکری متفکرین آن جامعه، که در معرض کسب نتایج مبتنی بر سعی و خطاهای احتمالی بوده اند، قدرت قضاوت و داوری ممتازتری در برابر تناقض ها و تعارض های شکل گرفته داشته و با درصد بیشتری از اطمینان، نسبت به رفتارهای اجتماعی افراد جوامع خود، شرایط محیطی زمانی و شاخصه های آماری متقن، قادرند راه حل های مناسبتری را برای فائق آمدن بر محدودیتها به جامعه ارائه نمایند.

۱۰۰- تاس. اچ. مک لئود (سرپرست اجرائی گروه مشاوران دانشگاه هاروارد)، برنامه ریزی در ایران، ترجمه علی اعظم محمد بیگی، نشر نی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۰، صفحه ۷۸
توضیح: گروهی از مشاوران دانشگاه هاروارد، برای کمک به تهیه برنامه عمرانی سوم در طول پنج سال در ایران حضور داشتند.

" **نظریه** فقط خصوصیات **عمده** هر مورد مشخص را شناسائی می‌کند، زیرا **غیرممکن** است به طور کامل به **باز تولید واقعیت پرداخت**. از این رو میتوانیم بگوئیم که نظریه برای عمل، **هم اجتناب ناپذیر** است و **هم ضروری**. پس، چگونه باید امتیازات رقیب دو نظریه‌ای که در این فصل مورد بحث قرار گرفتند ارزیابی شوند. روشن است که در علوم اجتماعی آزمون نظریه‌های مغایر تحت شرایط آزمایشگاهی غیر ممکن است و از این رو، برای تبیین یک واقعیت، ممکن است بیش از یک نظریه وجود داشته باشد. بنابراین، **انتخاب بین نظریه‌های مختلف بیشتر به صورت کار داوری و قضاوت** درمی‌آید. این کار مستلزم ارزیابی آن است که نظریه مورد نظر هم به طور درونی، از نظر منطق آن، و هم به طور بیرونی، از نظر درجه‌ای که واقعیت را منعکس می‌کند، تا چه حد **بدون تناقض** است " (۱۰۱).

" در علوم اجتماعی، **نظریه‌ها** عموماً ما رایاری می‌دهند که **گذشته** را تبیین و تفسیر کنیم، در زمان حال **دخالت** ورزیم و پیش‌بینی‌هایی در مورد **آینده** انجام دهیم. در **مطالعات توسعه** که بر حسب تعریف با تغییر اقتصادی و اجتماعی مرتبطاند، **مداخله در زمان حال** دارای **اهمیت** زیادی است. همان طور که کارل مارکس نوشت: « فلاسفه فقط به طرق گوناگون به تبیین و تفسیر جهان پرداخته‌اند؛ نکته **اصلی** تغییر جهان است » " (۱۰۲).

" **نظریه‌ها ایستا نیستند**. آنها در واکنش به پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی که هم مسائل و هم راه‌های جدیدی را مطرح می‌کنند، **تطور** می‌یابند. همچنین، آنها از طریق **مباحثه و همگرایی** از یکدیگر **تغذیه** می‌کنند. در پرتو همه این گفته‌ها، روشن می‌شود که بسیار ضروری است که به همه نظریه‌ها به گونه‌ای **انتقادی**، با دیدی که هم **نقاط قوت** و هم **نقاط ضعف** را می‌بیند، نزدیک شویم و آنها را با آنچه **در ظاهر ابراز** می‌دارند، **نپذیریم** " (۱۰۳).

۱۰۱ - تام هیویت و دیگران، صنعتی شدن و توسعه، ترجمه دکتر طاهره قادری، نشر دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، صفحه ۴۱۷

۱۰۲ - تام هیویت و دیگران، همان، صفحه ۴۱۷

۱۰۳ - تام هیویت و دیگران، همان، صفحه ۴۱۸

" همچنین ، این کارمستلزم بررسی **مرتبط بودن** نظریه با مسائلی است که به آن می پردازد . تا آنجائی که که نظریه های مختلف را بتوان در خدمت منافع مختلف دید، آن وقت **عنصری سیاسی** نیز در انتخابات بین نظریه ها **دخیل** خواهد شد. همچون سایر بخشهای زندگی ، در این جا نیز **همیشه مفید** است که بپرسیم **چه کسی نفع می برد**" (۱۰۴).

در طول قرن بیستم و به ویژه شکل گیری دولت به مفهوم مدرن آن در کشورمان، شاهد عدم تطابق شرایط محیطی جامعه ایران و به ویژه از منظر اقتصادی با جوامع پیشرفته بوده ایم و نیز عدم آگاهی و دانش کاربردی برای **قضاوت و داوری** و ارائه راه حل های عملی برای مشکلات. شاید به همین دلیل مواجه هستیم با تصمیم گیریها و حرکت های آونگوار، توسط دولت های کشورمان ، که نتیجه آن عدم حصول به رشد و توسعه کافی و پایدار بوده.

" اگر بخواهیم از زاویه نگرش های علمی اقتصاد به سیاست گذاری اقتصادی که در کشورمان رخ داده نگاه کنیم، هرگز در ریشه یابی مبانی مکاتب، به دسته بندی های رایج در دنیا نمی رسیم. " (۱۰۵) و آنچه از گزارشها و مستندات ارائه شده این کمیسیون مشاهده می شود این است که دولت های محترم ترجیح اشان صورت بندی سیاسی است و در ایران " **تقدم سیاست بر اندیشه و اقتصاد** " (۱۰۶) وجه قالب را به خود گرفته است.

" سیاستمداران در کشورمان بیشتر مایلند **آرزوهای بلند** داشته باشند. این آرزوهای بلند معمولاً با دو مانع **منابع مالی** و **زمان** مواجه می شود و سیاست مدار هیچ یک از این دو مانع را دوست ندارد. می گویند سیاستمداران در همه جای دنیا رویکردی مشابه دارند. آنان **می خواهند پل بسازند حتی اگر رودخانه ای در کار نباشد!** سیاستمدار دوست دارد که **مستقل از واقعیت ها**، همه چیز را ارزان در اختیار مردم قرار دهد و برای کسب درآمد از مردم هیچ فشاری به کسی وارد نشود. خوب اینکه واقعاً ایده آل و آرزویی بسیار شیرین است.

۱۰۴ - تام هیویت و دیگران ، همان ، صفحات ۴۱۸-۴۱۷

۱۰۵ - مسعود نیلی، موانع تحقق رویاهای اقتصادی، روزنامه دنیای اقتصاد، کد خبر ۳۵۴۹۲۱، تاریخ ۱۳۹۰/۱/۲۰

۱۰۶ - عماد افروغ، سایت خبری تابناک، کد خبر ۷۵۰۵۰، تاریخ ۱۳۸۸/۹/۸

اما وقتی این آرزو را در جداول درآمد - هزینه می‌ریزید، با مشکل کسری بودجه مواجه می‌شوید. یا باید هزینه‌ها را کم کنید که به معنی کاهش یارانه‌هاست؛ یا هزینه‌های آموزشی و درمانی و غیره کاهش یابد. درست درآمدها هم گفته می‌شود که ببینید چه اقلامی با قیمت‌های غیر واقعی عرضه می‌شود، این قیمت‌ها را اصلاح کنید تا خدمات دولت ادامه یابد که این هم شامل اقلامی مثل ارز و انرژی می‌شود. از همین رو **محور اصلی تعارضات فکری** در کشور ما ناشی از **مقابله** آروزهائی شیرین و تقریباً **دست نیافتنی** با **واقعیت‌های** برآمده از **محدودیت منابع** شکل گرفته است^(۱۰۷). همین رویه صورت پردازی را در بیان صادقانه تجارب، توسط مسئول محترم دیگری نیز شاهد هستیم. "... ما الی ماشاء... **طرح‌های نیمه‌تمام** داریم، واقعاً چه کاری می‌خواهیم بکنیم و قسمتی از این طرحها در اثر **همان بلند پروازیها، رؤیاهای و بی‌حساب و کتابها** است. ... هر که هر جا رفته و **از او یک چیزی خواسته‌اند**، او هم با **دست و دلبازی** گفته «**بشود**» و الان آمده برنامه می‌دهد و **برنامه هم** می‌گوید **الان نمی‌شود**. او می‌گوید من قول دادم، بالاخره با **یک صنار سه شاهی**، **دو تا آجر** روی هم گذاشته شده و **ما طرح‌هایی از ۵ درصد تا ۴۵، ۵۰ درصد** داریم ... پس **بی‌حساب و کتابی** یکی از علل و عواملی است که ما را از **برنامه دور می‌کند** و متأسفانه ما این را در حال حاضر، یعنی در این دوره پس از پیروزی انقلاب داریم. ... حالا **هدفها** را مقداری کم و یا مقداری زیاد می‌کنیم ولی همه اینها براساس **تفاهم‌های مصلحتی** است و چون تفاهم مصلحتی است **در عمل مجدداً با گرفتاری روبرو** می‌شویم^(۱۰۸). مشابه این قضاوت را در مکتوبات یکی از کارشناسان گروه مشاورین اعزامی دانشگاه هاروارد در ایران شاهدیم: "**هنوز مرکب برنامه سوم** تهیه شده توسط برنامه‌ریزان **خشک نشده** بود که رخدادهائی غیر منتظره صورت پذیرفت: دولت دست به برنامه اصلاحات ارضی زد که اغلب ناظران اعتقادی به امکانپذیر بودنش نداشتند. دیری نپائید که این حرکت علی‌الظاهر سریع در اجرای اصلاحات ارضی منجر به بروز یک سری گسترده‌تری از اصلاحات گردید که شاه **شخصاً** هدایت آنرا بر عهده گرفت تا از این طریق بتواند محافظه کاران و سنت‌گرایان را منزوی نموده و **محبوبیت** خود را فزونی بخشد. ... اجرای ناگهانی اصلاحات ارضی، دست کم قبل از شروع برنامه عمرانی سوم، سبب **بلعیدن** همه منابع توسعه و تلاش‌های مصروف شده برنامه‌ریزان گردیده. به نحوی که همه، برنامه‌ای که توسط برنامه‌ریزان تهیه شده بود را **فراموش** نمودند. ... تقریباً هر چه را برنامه‌ریزان در طول روز **رشته** می‌نمودند، در شب **پنبه** می‌گردید^(۱۰۹)."

۱۰۷- مسعود نیلی، همان

۱۰۸- دکتر حسن حبیبی، مجموعه مقالات همایش ۵۰ سال برنامه ریزی توسعه در ایران (۲۰-۱۸ اسفند ماه ۱۳۷۷)، جلد اول، مباحث کلان، توسعه و نظام

برنامه‌ریزی، انتشارات مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول سال ۱۳۷۸- صفحات ۳۶ الی ۴۰

آنچه از بطن این گفتارها و نکات ارائه شده در صفحات قبل دستگیر می گردد. این واقعیت است که ما در کشورمان در پاره ای از زمانها مواجه با بحران **خلوص نیت** میباشیم. همین امر میتواند یکی از وجوه مهم ناکارآمدی منابع کشور باشد و اتخاذ تصمیمهای شخصی و بدون عمق نگری و درک واقعیات، هزینههای غیر قابل جبرانی را برای کشور به وجود آورده است. " وقتی عملکرد برنامه های کشور را بررسی می کنیم به یک **شکاف بزرگ** می رسیم. بدون تردید این شکاف بزرگ به **کیفیت سیاست گذاری ها** بر می گردد. ما **کشور عقب افتاده ای به لحاظ منابع نیستیم**. اینکه استعدادهای نهفته در کشور ما چه میزان است و این شکاف چقدر است، همگی ما را به پاسخ این سئوالات **ملزم** می سازد. باید بررسی کرد کشوری که هدف خودکفائی را دنبال کرده، امروز **چه وضعیتی دارد**؟ یا کشوری که می خواسته به **عدالت اجتماعی** برسد، امروز با مشکل **فقر و نابرابری** روبه رو است. می خواسته در گندم خود کفا باشد؛ اما امروز **بزرگترین وارد کننده گندم** است " (۱۱۰).

تعجیل در اجرای آرزوهای بلند و گاه دست نیافتنی، به امید حصول به توسعه در کوتاهترین زمانها و **ایجاد انتظارات** سهل الوصول درآحاد جامعه، باعث بروز رفتارها و تفکرات ساده گیرانه، خواسته های **مصرفی** فراوان و عدم تحمل زحمت برای دست یابی به آنها شده و معالاً پدید آمدن **ناهنجاریهای رفتاری** بسیار ناخوشایندی را در کشور باعث گردیده است.

از این رو راه دشوار و سخت، لیکن کاملاً امکان پذیر، را برای تصحیح مسیر و قرارگرفتن در راه درست در فراروی خود داریم که در فصل سوم به آن می پردازیم. اما می بایست آگاه باشیم که در صورت انتخاب مسیر، تلاشها در بازه زمانی کوتاه مدت جواب نخواهد داد.

" توسعه یک فرآیند **تدریجی** است و اینگونه نیست که با تغییر نوع سیاست های اتخاذ شده، هر چند هم درست و کامل، بتوان **قواعد ناظر بر زمان** مورد نیاز برای تحقق عملکرد دلخواه را نقض کرد. طول می کشد که کشوری بتواند روستاهای آباد داشته باشد. زمان می برد که فقر و ناداری را **ریشه کن** کرد " (۱۱۱).

در طول قریب هشتاد سال که از شروع اولین برنامه های توسعه ای می گذرد ، واژه های متعدد و آرمانی همچون **عدالت اجتماعی** و استقلال اقتصادی و امثالهم بارها تکرار گردیده ، بدون اینکه **تعاریف** حداقلی و روشنی را از آن در برنامه ها ارائه دهند. و این واقعیت را مدّ نظر قرار دهند که در بستر زمان اگر ارتقاء شرایط بُروز نماید ، سطح **محتوائی** این واژه ها نیز **تغییر** می نمایند ، و چون فرآیند دست یابی به محدوده این خواسته ها، در صورت ثبات سیاست گذاری ها حصول به آن، می بایست با **بردباری و صبر** همراه باشد ، لذا مواجه با عدم دست یابی به کارآمدی وافی بوده و دولتهای محترم با ارائه خواسته ها و آمالهای مختلف و گاه متضاد ، بر **پیچیدگی** امر افزوده اند . آرمان طلبی های **مستقل از واقعیات** و حساب و کتابهای واقعی کشور و تغییرات نظریه ها و یا رویکردهای تخیلی که مستقل از تجارب اجرایی ارائه می گردید و یا نقش مورد انتظار از دولت در اقتصاد و تناسب آن، از جمله نکات مورد **مناقشه** و زیان رسان به کشور بوده . بهره مندی کارآمد از منابع قابل توجه کشورمان ، وفق اطلاعاتی که در صفحات گذشته و بعدی ارائه گردیده ، صورت نپذیرفته و شرایط چیستان گونه ای را به وجود آورده.

" ایفای **نقش نامناسب** تاریخی دولت در اقتصاد ایران ، **عدم تعادل‌های بزرگی** را به وجود آورده که برطرف کردن این عدم تعادل‌ها هم، همچنان با دولت است. این یک پارادوکس بزرگ است که **ریشه تاریخی** مشکلات ما در **نهاد دولت** است و راه حل آن نیز از مسیر دولت است . تا دولت کارآمد نباشد ، امیدی نیست " (۱۱۲).

راه دیگر **مستقل** نمودن امر **توسعه اقتصادی از نهادهای موجود** است که در فصل سوم به آن پرداخته خواهد شد . **فرصت های طلایی** نیمه دوم قرن بیستم ، که رشد حیرت انگیز فن‌آوری‌هایی که از **سطوح ساده تر** شروع و اکنون به سطوحی بسیار بالا نائل گردیده ، فرصتی بود که آن را به دلیل عدم کارآمدی کافی از دست داده ایم . برای کمک به تفکر مسیر یابی، **وجوهی** چند از عوامل قابل توجه و همچنین تجاربی که کشورهای عقب مانده ، در فرآیند حصول به مرحله **توسعه یافتگی** طی نموده اند، **علائمی** را میتواند فراروی تصمیم‌گیری اساسی ما قرار دهد . خصوصاً اگر این گونه مصداقها، تجارب کشورهایی باشد که **دیرتر** از کشور ما برنامه های توسعه را آغاز نمودند .

" ما باید از تجربه های دنیا - چه دنیای غرب ، چه دنیای شرق ، ملتهای گوناگون - حتماً استفاده کنیم برای کیفیت بخشیدن به الگوی خودمان . نیاز ما به تحوّل ، از اینجا است " (۱۱۳) . از این رو که فرصتهای مناسبی را از دست داده ایم دیگر چندان بدیل های مبسوطی فراروی ما قرار ندارد . " یعنی زمان آزمون و خطا را سپری شده بدانیم ، در این سی سال ، در موارد زیادی کارمان عبارت بود از آزمون و خطا . دیگر صلاح نیست ما این جور عمل کنیم " (۱۱۴) .

توضیحاتی چند :

پس از ارائه گزارش اردیبهشت ۱۳۹۱ توسط این کمیسیون، نکاتی از سوی مطالعه کنندگان ارجمند مطرح و سئوالاتی طرح گردید، بطور مثال :

- ۱- چرا در مقایسه ها ، کشورهای محدود به صورت مصداقی مورد بررسی قرار گرفته؟
 - ۲- چرا در خصوص آمارها ، تمرکز بیشتر بر کره جنوبی بوده؟
 - ۳- آیا حجم وامها و کمکهای دریافتی کره جنوبی قابل توجه نبوده و آیا نمی توانسته این وامها عامل اصلی پیشرفت آنها بوده باشد؟
 - ۴- آیا حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی عظیم و عاملی مهم در این پیشرفت محسوب نمی گردد؟
- و سئوالات و تذکراتی از این دست . کمیسیون لازم می داند در حد توان و بضاعت خود ، پاسخ هایی را جهت روشن نمودن فضای بحث ارائه نماید .

الف - کشورهای منتخب

واقعیت عقب ماندن بسیاری از کشورهای آسیائی ، آفریقائی و آمریکای لاتین، در طول چند سده گذشته از قافله علوم محض، علوم اجتماعی و علوم سیاسی تکامل یافته در غرب موضوعی نیست که قابل کتمان باشد. سهم زمینه های استثماری، تفاوت های اجتماعی و فرهنگی نیز در این عقب ماندگیها قابل چشم پوشی نمی باشد. اهمیت دستاوردهای کشورهای موسوم به پیشرفته ، در **تدریجی بودن** تکامل علوم محض و فن آوری ها و علوم اجتماعی و سیاسی و لذا نهادینه شدن آن بخشها را نباید از نظر دور داشته شود. مقایسه با چنین کشورهایی، می توانند اولاً باعث برجسته شدن علائمی غلط در فراروی ما گردد و ثانیاً یأس و ناامیدی را، به لحاظ بعد زمانی نهادینه شدن دستاوردهای ایشان، در کشورهای عقب مانده فراگیر نماید .

از این رو **تجارب** آن دسته از کشورهایی که قادر گردیدند فاصله **ایجاد شده** را در بازه زمانی کوتاه تری **کاهش** دهند، می تواند چشم انداز تحلیلی مناسب تری را فراروی ما قرار دهد که بتوانیم دستاوردهای آن را - در صورت منطبق بودن بر مبانی علمی - در برابر خود به تصویر بکشیم.

از اینرو - جدای از مباحث اجتماعی و فرهنگی که بسیار حیاتی و با اهمیت می باشند لیکن در حوزه تخصصی این کمیسیون قرار ندارد - باز نمودن وجوهی از روشهای علمی و فنی مورد استفاده تجارت توسعه ای اینگونه کشورها که قابلیت تفسیری کمتری را در ریشه خود داشته باشند ، خمیر مایه تلاش های این کمیسیون بوده و خواهد بود، که در فصل فرصت های سوخته در معرض ارائه قرار گرفته و نگاه ویژه ای به کره جنوبی نموده ایم . دلیل این امر نیز ، نظام مند بودن عرضه تجارب(که از علائم توسعه یافتگی است) کشور مزبور و ارائه آنها به زبان قابل درک ، ساده و قابل برداشت توسط مخاطبین عام بوده است .

ب - حجم وامها و کمک های دریافتی

برای رفع شبهه در اختیار بودن منابع کلان مالی و فراهم شدن آن از سوی جامعه بین المللی، چند نمودار و جدول از منابع در دسترس را در معرض آگاهی خوانندگان این سطور قرار می دهیم تا در خصوص حجم اینگونه از منابع، خود **قضاوت** نمایند. از دو نمودار صفحات ۱۵۶-۱۵۷، یکی حجم مقداری برحسب دلار و دیگری بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی GDP می باشد. ملاحظه میگردد که حجم اینگونه منابع طی سال های ۱۹۶۲ الی ۲۰۰۹ (چه توسط دولت و چه بخش خصوصی، چه با ضمانت دولت و چه بی ضمانت آن) رقمی در حدود **۳۹۷ میلیارد دلار** بوده است.

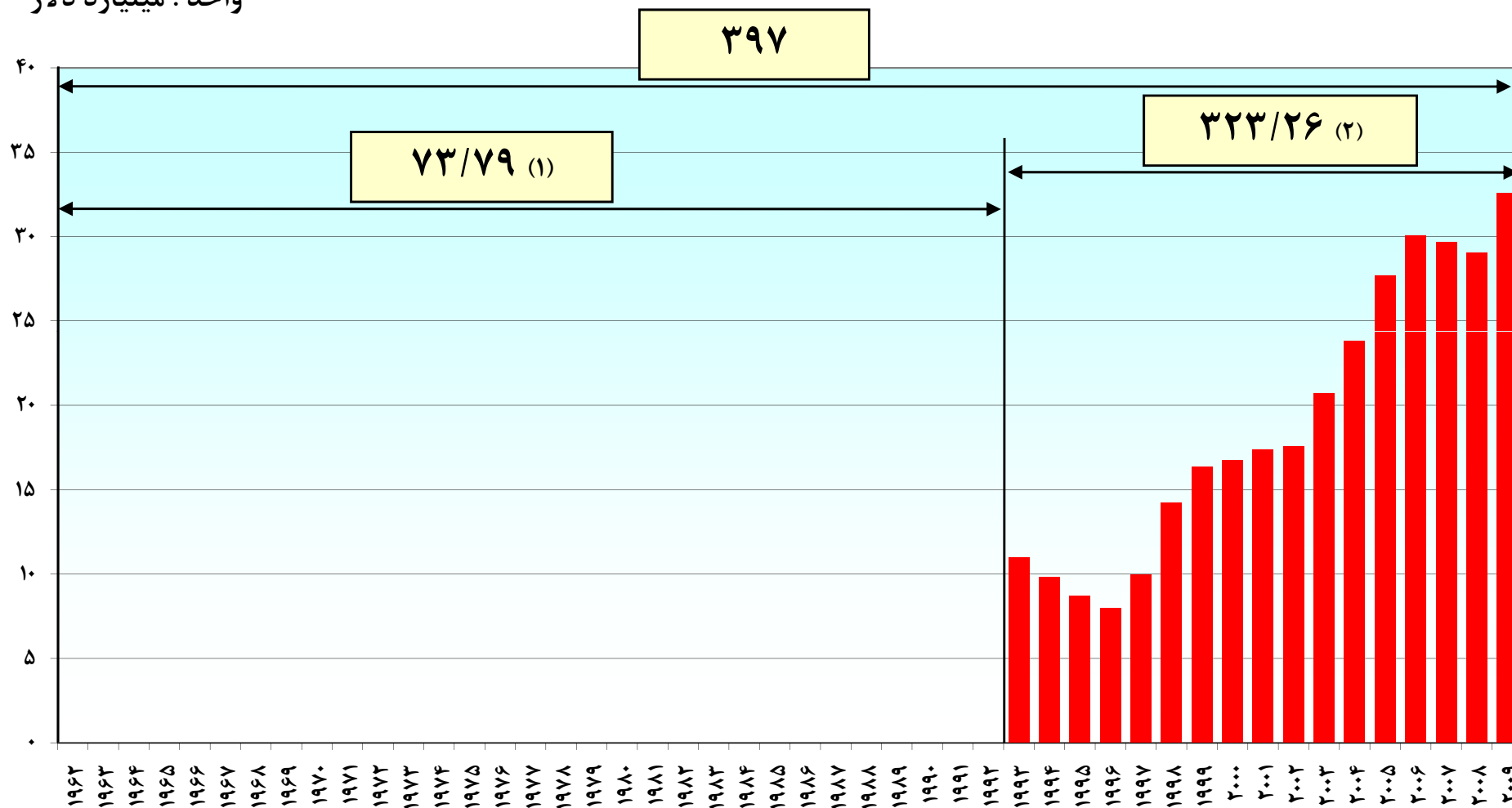
ج - حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی

برخی از کشورهای توسعه یافته شرق آسیا، به ویژه ژاپن و کره جنوبی، تمایل و روی خوش چندانی در ابتدای مراحل توسعه و حتی تا پس از **توانمند شدن بنگاه های تولیدی داخلی** به سرمایه گذاری مستقیم خارجی نداشته اند و بیشتر تلاش خود را بر وامهای خارجی مصرف می داشتند. نمودار صفحه ۱۵۹ خود نشان دهنده این رویه ارزشمند است. زمانی درصدد استفاده از این امکان بین المللی بر می آمدند، که اولاً بطور کاملاً مشخص و منسجم می دانستند که در چه زمینه، برای چه امکاناتی نیاز به این ابزار دارند و دقیقاً آگاه بودند که چه خواسته ای دارند ثانیاً دولت آن را به نحوی هدایت و نظارت می نمود که منافع بنگاه های کره ای در آن بیشتر ملحوظ گردیده شده باشد.

وامهای دریافتی و بدهیهای دولت در کشور کره جنوبی

طی سالهای ۱۹۶۲-۲۰۰۹

واحد : میلیارد دلار

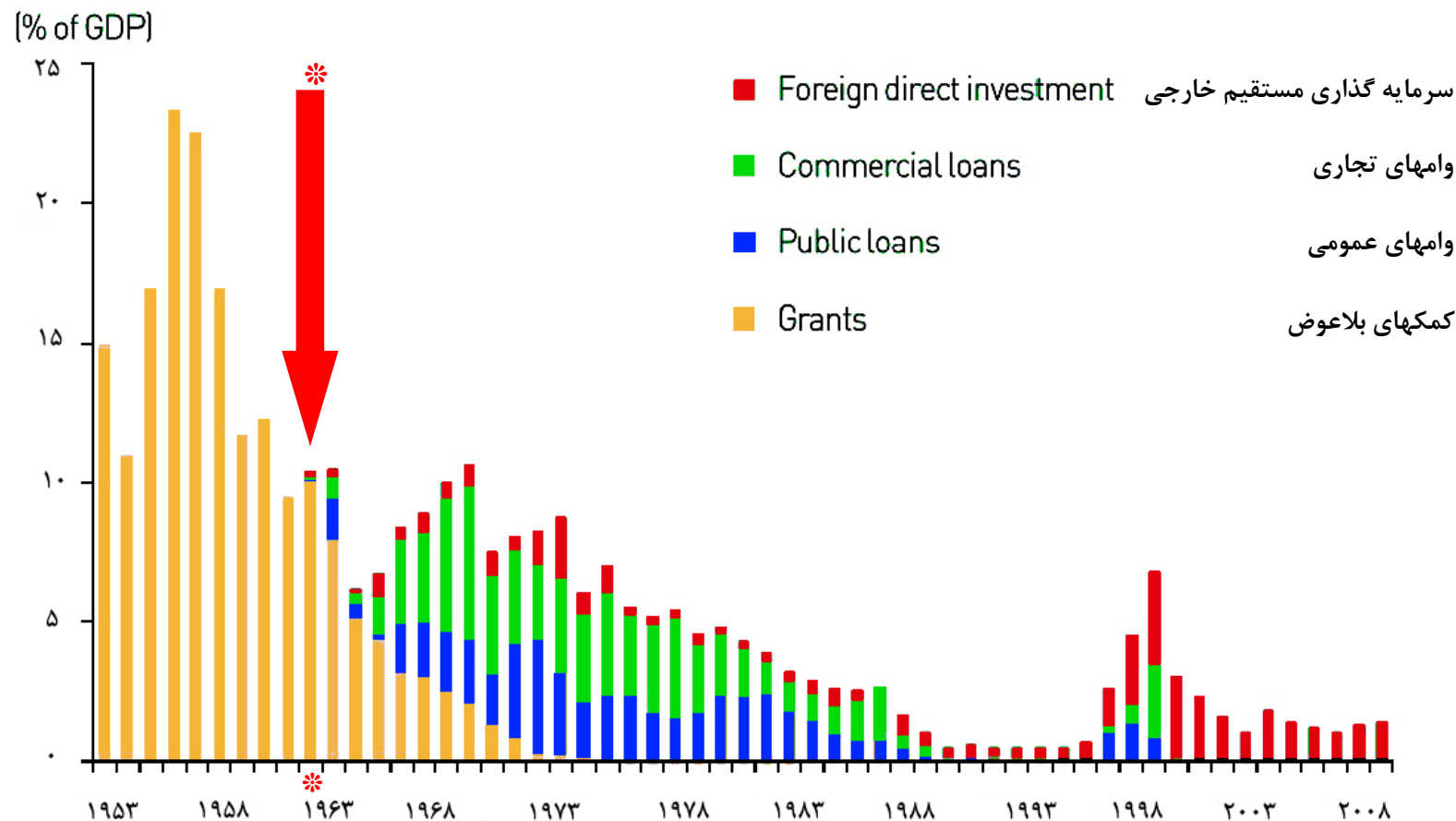


1- FROM DESPAIR TO HOPE (*Economic Policymaking in KOREA 1945-1979*) ,
 KOREA Development Institute (KDI) , ISBN : 978-89-8063-529-093320 , page XXXIII
 2-International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October 2010

ماخذ :

جریان ورودی کمکها ، وام ها و سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)

به کره جنوبی بر حسب درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) طی سالهای ۱۹۵۳ - ۲۰۰۹



Sources: ۱) Among grants, financial aid from U.S and international organizations are from Bank of Korea, *Economic Statistics Yearbook*, ۱۹۸۴, p.۲۴۵, and reparation payments from Japan are from Economic Planning Board, *Whitepaper on Reparation Payments*, ۱۹۷۶, p.۲۹.

۲) Commercial and public loans (۱۹۶۲-۱۹۶۵) are from Ministry of Finance, *Thirty-Year History of Fiscal and Financial Policies*, ۱۹۷۸, p.۹۷.

۳) Commercial and public loans (۱۹۶۶-۲۰۰۷), foreign direct investment and GDP are from Bank of Korea (<http://ecos.bok.or.kr>).

* : سال ۱۹۶۲ اولین برنامه توسعه کره جنوبی شروع گردید. (توضیح کمیسیون)

" دولت کره جنوبی همچنین اطمینان حاصل کرد که شرکتهای تحت مالکیت کره‌ای‌ها در رابطه با این سیاستها، سود برندگان عمده باشند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، سرمایه داران خارجی در کره جنوبی در معرض بازرسی و گزینش سخت و دقیق سرمایه گذاریها، مداخله های گسترده دولتی، الزام در دادن گزارش وضعیت خود و کنترل قرار داشتند. امتیازات ترجیحی خاصی به شرکتهای سرمایه گذاری مشترک (بین کره و سرمایه گذاران خارجی) داده و، به طور کلی، سایر سرمایه‌های خارجی از همه حوزه‌ها کنار گذاشته شدند، مگر این که چیزی غیر از این تعیین شده باشد " (۱۱۵).

" دولت قادر به اعمال نفوذ همه جانبه‌ای بر الگوهای سرمایه گذاری خارجی در کره بود به ندرت به سرمایه گذاران خارجی اجازه رقابت با شرکتهای داخلی، چه در بازار داخلی و چه در بازارهای صادراتی، داده می‌شد و به این ترتیب، کره به صورت یکی از محدود کشورهایی درآمد که از مقررات سرمایه گذاری بسیار محدودکننده‌ای برخوردار بود. تمایل بیشتر کره برای محدود کردن سرمایه‌های خارجی و هدایت آن سرمایه‌ها به حیطه هائی که می توانستند در آن منافع مشخصی را از نظر دسترسی به تکنولوژی خارجی و یا بازارهای صادراتی ارائه دهند، در نقش محدودی که شرکتهای فراملیتی در اقتصاد کره ایفا کردند، منعکس شده است " (۱۱۶).

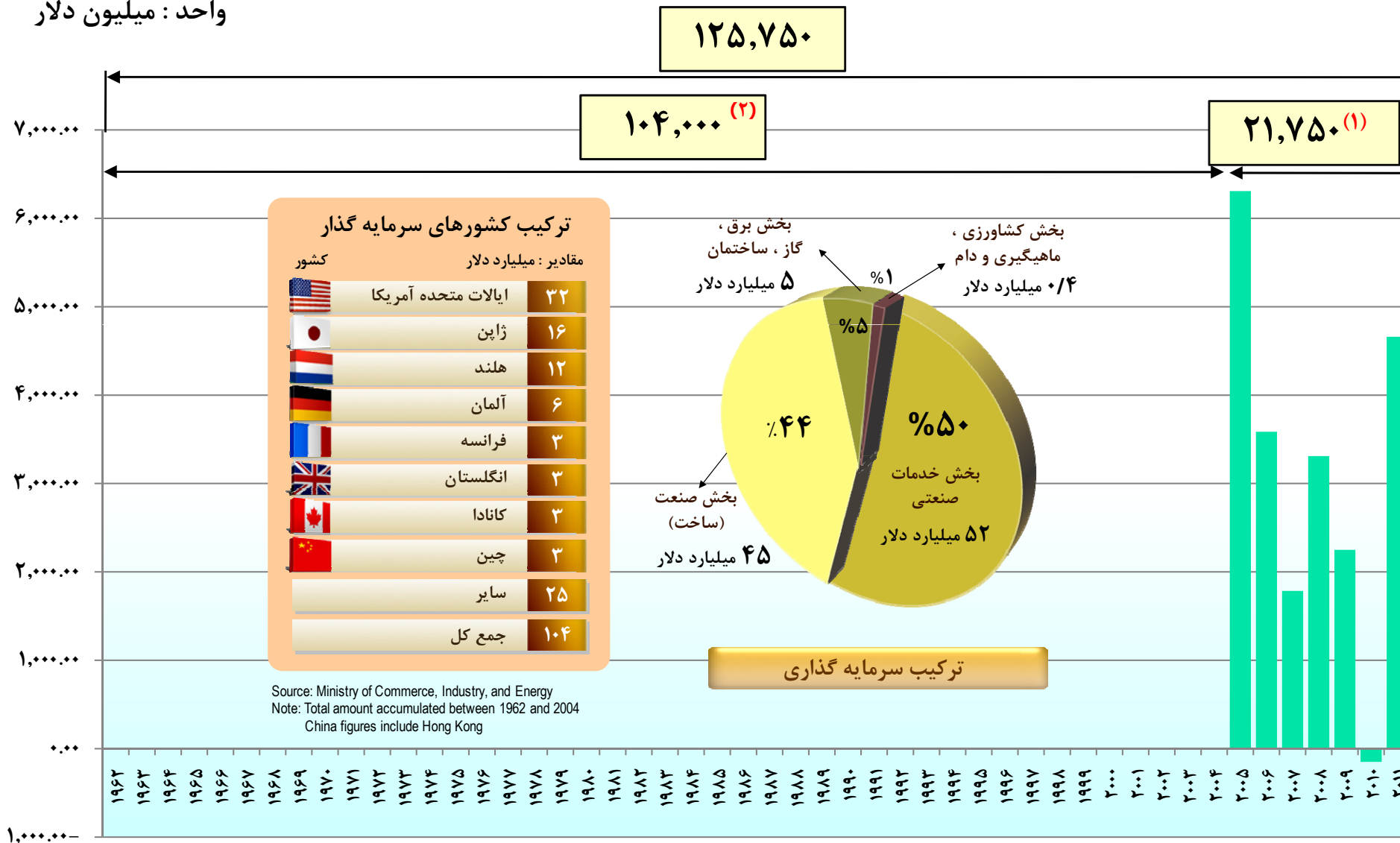
در نمودار صفحه ۱۵۹ ملاحظه می گردد که از سال ۱۹۶۲ الی ۲۰۱۱ مجموعاً قریب ۱۲۵ میلیارد دلار ورودی جریان سرمایه گذاری خارجی به این کشور بوده است و شبیه ورود عظیم منابع سرمایه گذاری خارجی، تنها گمانه ای بیش نیست. کیفیت سرمایه گذاری خارجی نیز مهم می‌باشد. در مستندی که بخشی از نمودار صفحه ۱۵۹ از آن اقتباس گردیده و مربوط به وزارت بازرگانی، صنعت و انرژی کشور کره جنوبی می باشد نشان داده شده که تأکید دولت بر هدایت و بکار گیری منابع در بخش ساخت صنعتی بوده و در خصوص خدمات نیز، خدمات صنعتی و در واقع خدمات حامی و مولود تولید داخل باشد.

این نگرش داهیهانه را مقایسه نمائید به طور مثال، با کشوری همچون ترکیه و بر مستندی که در اختیار بوده. این نمودار نشان میدهد ترکیه در سال ۲۰۰۶ عموم سرمایه گذاری را در بخش خدمات و آنهم خدمات مالی که درصد قابل توجهی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به خود تخصیص داده است. در صفحات ۱۶۳-۱۶۰ نیز تفاوت ماهوی دیگری را نیز در خصوص حجم بدهیهای خارجی و تراز بازرگانی خارجی، بین دو کشور، مشاهده مینمائید.

خالص جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، تراز پرداختها بر حسب دلار آمریکا

در کشور کره جنوبی سالهای ۲۰۱۱-۱۹۶۲

واحد: میلیون دلار



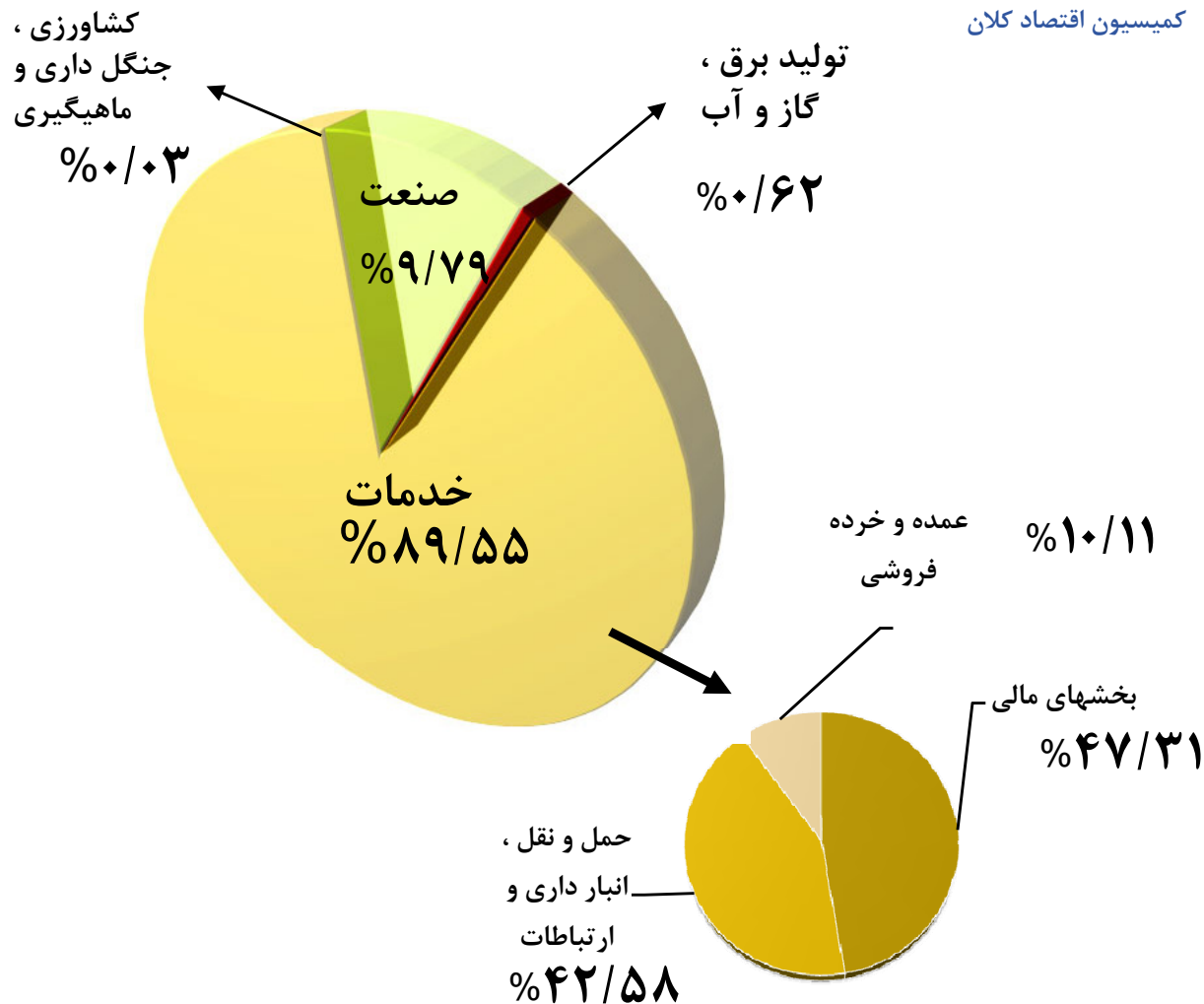
مأخذ: ۱- بانک جهانی World Bank , World Data Bank , World Development Indication , JULY 2012 , <http://data.worldbank.org/indicator>

۲- وزارت تجارت ، صنعت و انرژی کره جنوبی ، اداره سرمایه گذاری ، سال 2005

ترکیب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور ترکیه در سال ۲۰۰۶

ترکیب کشورهای سرمایه گذار

کشور	مقادیر : میلیارد دلار
	هلند ۵/۲
	بلژیک ۳/۵
	یونان ۲/۸
	امارات متحده عربی ۱/۵
	اتریش ۱/۱
	انگلستان ۰/۹
	ایالات متحده امریکا ۰/۷
	فرانسه ۰/۴
	آلمان ۰/۴
	لوکزامبورگ ۰/۲۵
	سایر کشورها ۱/۱
	جمع کل ۱۷/۷



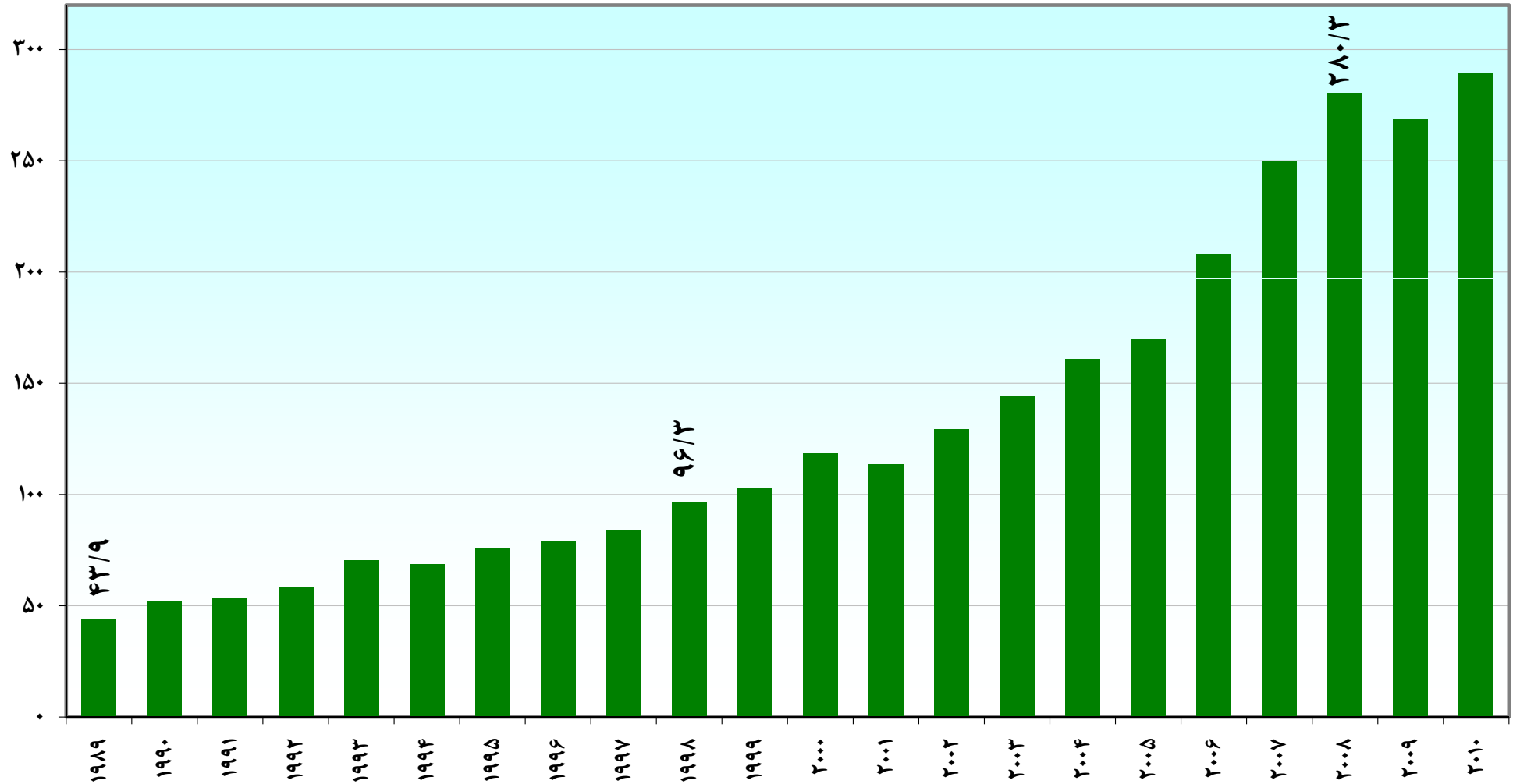
ترکیب سرمایه گذاری

بدهی خارجی ترکیه در سالهای ۱۹۸۹-۲۰۱۰



کمیسیون اقتصاد کلان

واحد: میلیارد دلار



Turkish Statistical Institute, Statistical Indicators 1923 – 2010, ISBN 978-975-19-5248-6, pages 640-643

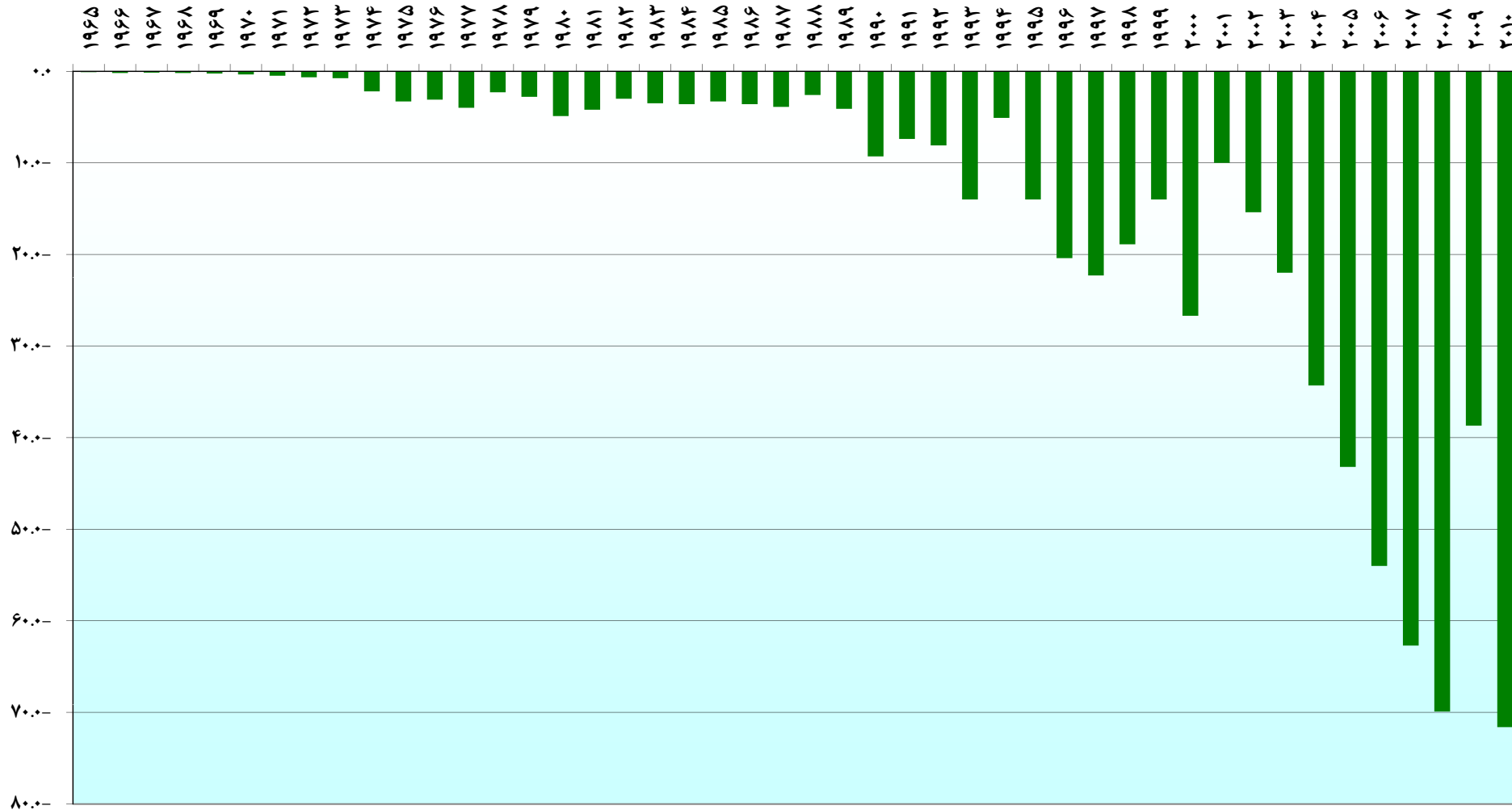
ماخذ:

کسری تراز بازرگانی خارجی ترکیه در سالهای ۱۹۶۵-۲۰۱۰



کمیسیون اقتصاد کلان

واحد: میلیارد دلار

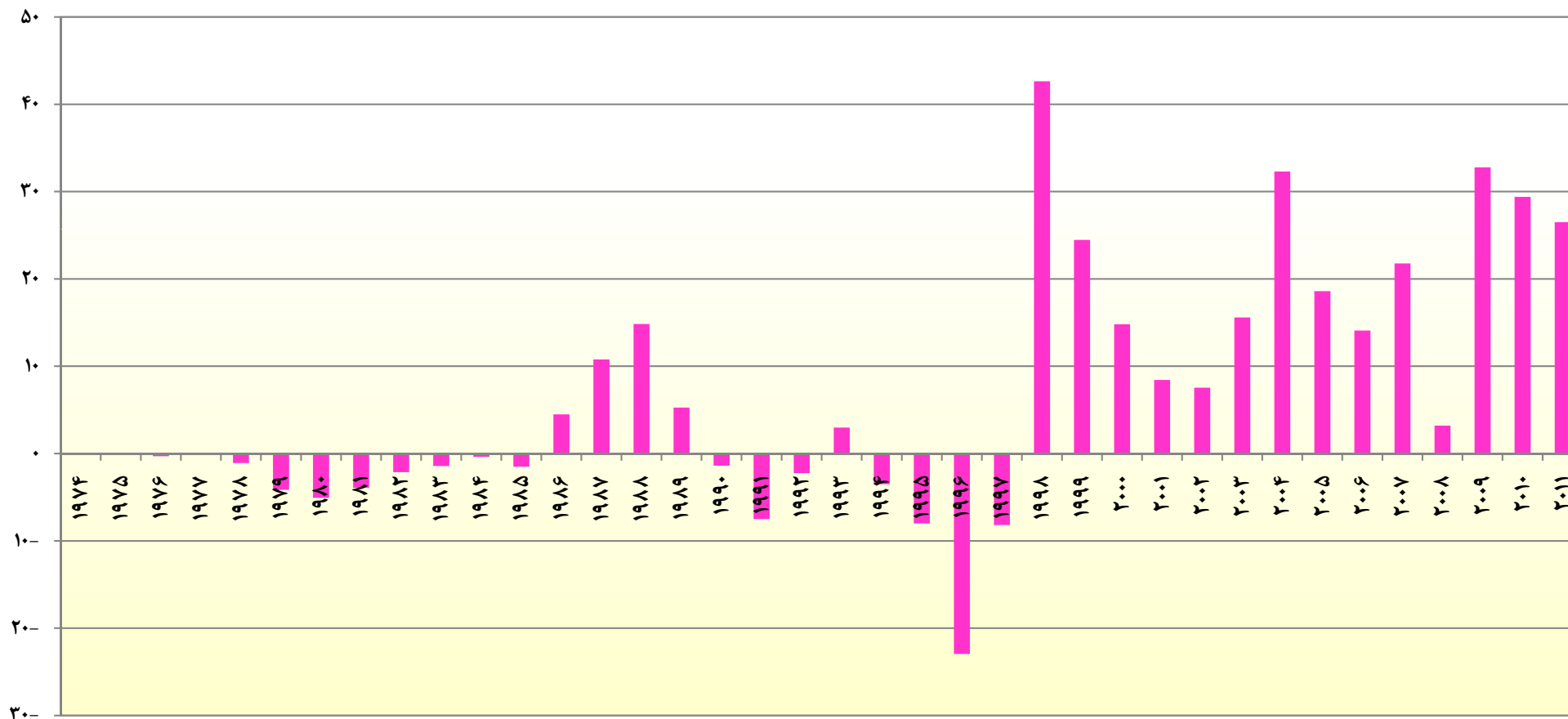




تراز حساب جاری در کره جنوبی

سالهای ۱۹۷۴-۲۰۱۱

ارقام : میلیارد دلار





تفاوت ماهوی دونگرش را خوانندگان محترم ملاحظه و می توانند مورد قضاوت قرار دهند. کشور ترکیه ورود سرمایه گذاری را عمدتاً در زمینه **خدمات** پیشه نموده بود و کشور کره بخش اقتصادی **تولید صنعتی** را ملاک تصمیم های خود قرار داده است.

د - ماحصل منابع

در جدول صفحه ۲۸ ملاحظه نموده اید که منابع حاصل از صادرات نفتی کشورمان از سال ۱۳۳۸ الی آذرماه سال ۱۳۹۱ معادل **۱۲۰۴/۷ میلیارد دلار** و صادرات غیر نفتی (شامل محصولات **پتروشیمیایی**) حدود **۲۱۸/۵ میلیارد دلار** بوده . اگر ارزش منابع **غیر مستقیم** استفاده شده در اقتصاد را و آنهم در کمترین برآورد یعنی جدول صفحه ۶۷ که حدود **۵۶۹ میلیارد دلار** بود، در نظر گرفته شود ، نشان می دهد که جمعاً قریب **۱۹۹۲ میلیارد دلار** برای اقتصاد کشورمان از مصرف منابع خدادادی تجدید ناپذیر **فراهم** گردیده بوده است . اگر شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) را در نظر بگیریم ، کشورمان وفق گزارشهای بانک جهانی طی این محدوده زمانی (بدون احتساب سالهائی که در نمودار صفحه ۱۶۵ ذکر نگردیده و دارای مقادیر مشخصی نیست) ارزش تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورمان رقمی در حدود **۴۵۹۰/۸ میلیارد دلار** بوده است .

از دیگر سو ، کره جنوبی با فراهم نمودن سر سختانه پس انداز و تلاشهای مُجدّانه برای تأمین مالی، همانگونه که در صفحات ۱۵۶ و ۱۵۹ مشاهده می شود، جمعاً از تأمین وام و سرمایه گذاری خارجی رقمی در حدود **۵۲۲/۷ میلیارد دلار** را دسترس خود داشته است. این کشور در طی بازه زمانی تقریباً مشابهی طبق نمودار صفحه ۱۶۶، قادر بوده ارزش تولید ناخالص داخلی (GDP) قریب به **۱۵۲۵۵/۷ میلیارد دلار** داشته باشد! کنکاش در چرایی این تفاوت و سایر موارد دیگر، می تواند تصویر روشن تری از دلائل و راهکارها را در مقابل ما قرار دهد.

کمیسیون اقتصاد کلان امید دارد در آینده ای نزدیک، مقایسه تطبیقی اقتصاد ایران با کره جنوبی و برخی از کشورهای دیگر را با مستندات فراهم شده انتشار دهد.

کشورمان به دلیل اقدامات و تلاشهای صورت پذیرفته در طول چند دهه، به ویژه تجارب دوران دفاع مقدس، **قابلیتها و پتانسیلهای فراوان و بسیار ارزشمندی را در اختیار خود داشته و دارد** و به همراه نیروهای بالنده و جوان خود و سطح آگاهی های حاصل شده، **کاملاً قادر به فائق آمدن بر محدودیتها و حصول به توسعه و پیشرفت** و بروز موقعیت برجسته در اقتصاد جهانی می باشد. ذکر مثالها و مصداقها نه به معنای کعبه آمال بودن اینگونه کشورها، بلکه در حد امکان استخراج **نکات مفید** و آموزنده تجارب آنها می باشد و

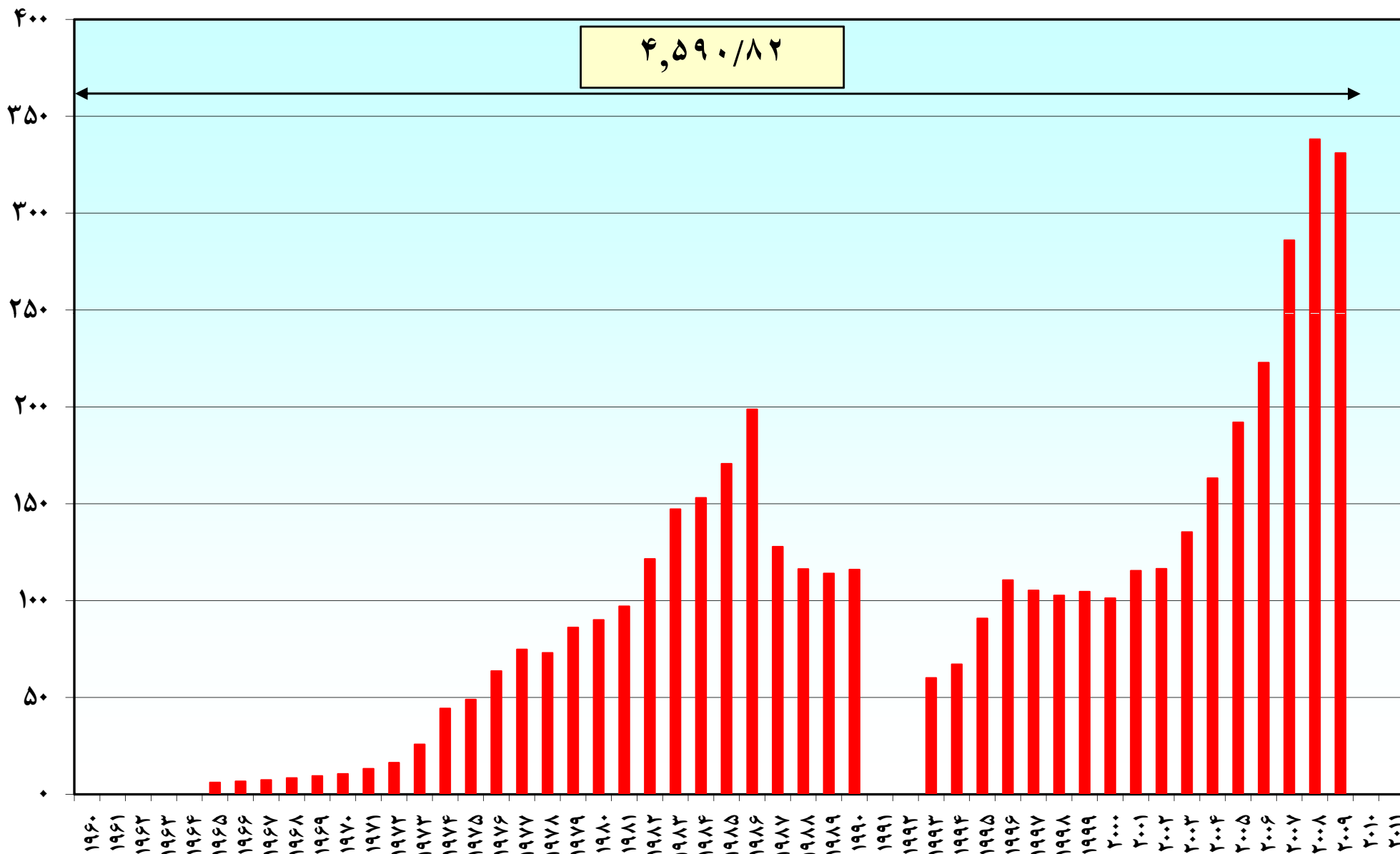


تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت جاری در کشور ایران

سالهای ۱۹۶۰ - ۲۰۱۱

واحد: میلیارد دلار

۴,۵۹۰/۸۲



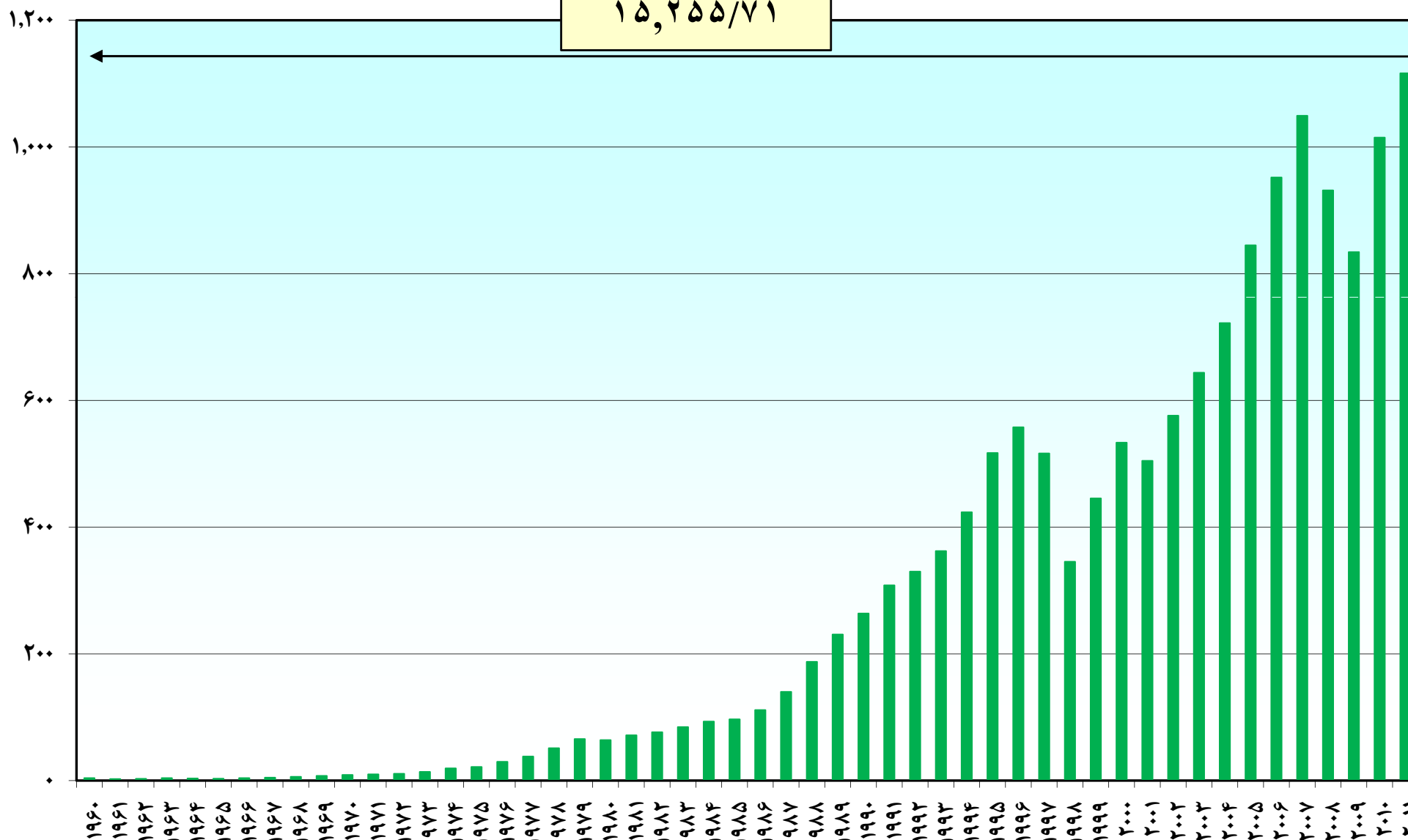


تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت جاری در کشور کره جنوبی

سالهای ۲۰۱۱ - ۱۹۶۰

واحد: میلیارد دلار

۱۵,۲۵۵/۷۱



۱-۲- درک صادقانه و واقع
گرایانه از کمبود دانش ها و
ضعف ها و تشخیص صحیح و
بدون مبالغه در جایگاه
بین المللی

در فاصله زمانی سالهای ۱۳۲۷ الی ۱۳۴۲ که کشورمان دو برنامه عمرانی را پشت سر گذاشته بود، کره جنوبی دو جنگ خانمانسوز یعنی استقلال از استعمار ژاپن و جنگ خانگی که منجر به دو پاره شدن کشور شد را از سر گذرانده بود. خرابیهای حاصل از جنگ ها، فساد، آواره گی مردمان، شدت فقر مطلق در جامعه و ... جلوه جهانی کره جنوبی را به عنوان کشوری ناامید، سرخورده، تحقیر شده و بی اعتماد به خود را نمایان می نمود. با روی کار آمدن رئیس جمهور پارک، در جایی که :

- ۱- فن آوری و علوم در سطح بسیار نازلی قرار داشت
- ۲- کمبود بسیار محدود کننده سرمایه و میزان آن بسیار نازل بود
- ۳- فن آوری در زمینه های تولیدی وجود نداشت
- ۴- مهارت های مدیریتی و فنی در کشور بسیار کمیاب بود
- ۵- بازارها بسیار ضعیف بودند و ظرفیت آنها اندک تر
- ۶- **فعالین اقتصادی و تجاری**، به سبب نگرش مذهب کنفوسیوسی، در **طبقات پست و فرومایه اجتماعی** قرار داشتند " علاوه بر این، گفته می شود که تاریخ دیرینه این کشور، در رابطه با مکتب کنفوسیوس، جامعه ای را بنیان نهاده است که دولت، موضع برتری اخلاقی را در سیطره داشته و استعدادهای درخشان را جذب می کند (لوده -نورات، ۱۹۸۵). با این حال، آئین کنفوسیوس به خودی خود لزوماً به **نفع** توسعه اقتصادی نیست. خردنگاری این آئین در رابطه با فعالیتهای تجاری و صنعتی (کوچک شمردن **تجارت و صنعتگران** به **عنوان دو طبقه خوار و حقیر** در سلسله مراتب آئین کنفوسیوس) می توانسته به عنوان **مانعی** بر سر راه صنعتی سازی عمل نموده باشد. در واقع، آئین کنفوسیوس، که اغلب امروزه به عنوان دلیلی برای موفقیت کره، **مورد تمجید** بوده، همواره برای عملکرد نسبتاً ضعیف کره در مسائل اقتصادی در دهه ۱۹۵۰ **مورد نکوهش** بوده است " (۱۱۷).

با تعریف یک چشم انداز کوتاه، روشن و قابل سنجش تصمیم می گیرند که " کره جنوبی را از کشوری با استخوانبندی **کشاورزی** عقب مانده به کشوری با استخوان بندی **صنعت مدرن** " تبدیل نمایند .

با وقوف به واقعیت کمبود و **نایاب** بودن افراد دارای دانش و متبخر و همچنین قلیل بودن و گرانبها بودن منابع مالی، اتخاذ تصمیم به تدوین راهبرد توسعه اقتصادی توسط **نخبگان** تحصیلکرده و صاحب تجربه و دانش، با تجمیع خرده دانشها در نهادی تحت نام « **هیئت برنامه ریزی اقتصادی** » یا « **Economic planning Board (EPB)** » می نمایند . این هیئت **استخوان بندی اصلی** تصمیم گیری های توسعه اقتصادی بوده اند و مجالس و دولتها تغییر بنیادی و نهادین را پذیرفته و بر آن تا چند دهه **ثابت قدم** باقی ماندند و با **تغییر** دولتها و مجالس دستخوش تغییر قرار نگرفت و تنها تکامل یافتند.

" مورد کره جنوبی و برزیل نشان می دهند که **سه عامل** برای توسعه اقتصادی موفقیت آمیز بسیار ضروری اند: **تغییر ساختاری بنیادین**، **سطوح بالای انباشت سرمایه** و **توسعه قابلیت های تکنولوژیک**. تغییر ساختاری به خصوص اصلاحات ارضی، عامل خطیری در توسعه کره جنوبی بوده است. **توسعه برزیل** به علت **فقدان** تغییرات ساختاری و اجتماعی **محدود شده** است " (۱۱۸).

و این تغییر بنیادی و ایجاد فکورانه نهاد هیئت برنامه ریزی اقتصادی، از دلایل اساسی موفقیت کره جنوبی بوده است . چنین تجربه ای را در کشورمان مشاهده نمی کنیم، با وقوع انقلاب که گمان میرفت تغییر بنیادی نهادها صورت پذیرد، نه تنها این تغییر نهادی انجام پذیرفت بلکه ادامه مسیر چند دهه قبلی و با همان نهادهای ناکارآمد را دنبال نمودیم .

" در سال ۱۹۶۱، رئیس جمهور پارک « هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی » (EPB) را، که نقش عمده‌ای در تعیین اولویتهای صنعتی در طول یک رشته از برنامه‌های پنجساله توسعه ایفا کرده‌است، ایجاد کرد. بنابراین، اگر چه بنگاههای اقتصادی خصوصی قسمت عمده تولید صنعتی را در کره جنوبی به وجود آورده‌اند، مسیر کلی توسعه توسط دولت تعیین شده است " (۱۱۹).

" از نقطه نظر تشکیلاتی، دولت گام اصلی را با کمک دو نهاد «هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی» و «سیستم مالی» برداشت. دولت هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی را از وزارت دارائی مستقل نمود (بدین سبب که انتظارات کوتاه مدت بر انتظارات بلند مدت غلبه نکند) و ارتباط مستقیم این هیئت با وزراء و همچنین معاون نخست وزیر در رابطه با مسائل اقتصادی را فراهم نمود " (۱۲۰).

هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی (EPB) و دولت به دو نتیجه گیری اساسی و محوری می‌رسند:

الف - اقتصاد آزاد از الزامات توسعه و پیشرفت میباشد، اما نقش دولت در نیل به آن حیاتی است

ب - بخش خصوصی نوآور موتور محرکه توسعه است .

لیکن با وجود بازار ضعیف و عدم زیر ساختها ، ریسکهای شدیداً بالا، عدم قطعیت در نیل به اهداف و نبود امکانات برای اداره کسب و کار و همچنین در نبود اقتصاد توانمند و در غیاب بنگاه های توانمند تولیدی ، سپردن کامل هدایت اقتصادی به نیروهای بازار ، عواقبی بسیار وخیم را ممکن است برای جامعه به بار آورد.

از اینرو مداخله دولت و نحوه شکل بندی آن در بازه های زمانی و شکل بندی آن تا رسیدن به نقطه توانمند شدن اقتصاد بنگاه هارا از ملزومات اساسی شناخته و تفاهم گردید .

۱۱۹- تام هیویت و دیگران ، همان صفحه ۴۰۴

۱۲۰- پروفیسور ایرما آدلمان (دانشگاه برکلی)



تحول دخالت دولت در توسعه اقتصادی کره جنوبی

رشد سریع از طریق دخالت مستقیم دولت در جایی که لزوم داشته باشد

دخالتهای مقطعی و قانون گذاری برای بخش خصوصی

اقتصاد باز و نقش دولت در هماهنگی خوب

دهه ۱۹۶۰

دهه ۱۹۸۰

دهه ۱۹۹۷

" بسیاری از نویسندگان در تلاش برای تبیین این که چرا **مداخله** دولت - در حالی که در سایر کشورها با شکست مواجه شده - در کره جنوبی این چنین موفقیت آمیز بوده است، **تعامل** بین سیاست و اقتصاد را مورد تأکید قرار داده اند " (۱۲۱). از این رو ماهیت مداخله دولت عاملی بسیار مهم بوده و این ماهیت میتواند از میان نکته‌ای مهم استنتاج گردد و آن نکته عبارت است از :

" تجربه کره جنوبی از سال ۱۹۶۱ به بعد نشان می‌دهد که دولتی با درجه بالایی از **استقلال** در برابر **گروههای صاحب منفعت** و با دیوان‌سالاری **کارآ** و **تعهدی** قوی نسبت به **رشد اقتصادی**، در عمل می‌تواند به نتایج تحسین برانگیزی دست یابد " (۱۲۲).

این تعامل و تحول پیوسته و مداوم سبب گردیده که " در حال حاضر ، کره به **مرحله ای از توسعه** رسیده است که در آن ، **نیروی محرکه رشد** به میزان زیادی از تقاضای داخلی **سرچشمه** می‌گیرد " (۱۲۳).

۱۲۱- تام هیویت و دیگران ، صنعتی شدن و توسعه ، ترجمه دکتر طاهره قادری ، نشر دانشگاه علامه طباطبایی ، چاپ اول ، سال ۱۳۷۷ ، صفحه ۲۷۱

۱۲۲- تام هیویت و دیگران ، همان ، صفحه ۴۰۳

۱۲۳- تام هیویت و دیگران ، همان ، صفحه ۲۷۲

فاکتورهای کلیدی موفقیت توسعه اقتصادی کره



* برخلاف رویکرد معمول برای توسعه اقتصادی، دولت کره راهبردهای توسعه ای خودش را بر اساس نقش اصلی دولت به کار گرفت که عملکرد اقتصادی بی سابقه ای را به ارمغان آورده است.



۲-۲- برنامه و راهبرد

در مواجهه با کمبود منابع در کشوری توسعه نیافته در زمینه :

۱- نبود دانش فنی و فن آوری

۲- نبود مهارت‌ها و متخصصین

۳- نبود منابع مالی و سرمایه

تمرکز بر زمینه هائی از فعالیتهای اقتصادی تولیدی که بیشترین تحریک در بخشهای **خدمت دهنده** به زمینه انتخابی و بیشترین تحریک را در بخشهای **خدمت گیرنده** از زمینه انتخابی را ایجاد نماید یکی از اصول شناخته شده در کشورهای توسعه یافته است . بدین ترتیب در پیش گرفتن توسعه نامتوازن و پس از آن و به دنبال دست یابی به ساختارهای مناسب در کمبودهای فوق الذکر و سپس درپیش گرفتن توسعه متوازن یکی از توصیه های نظریات اقتصادی است .

از این رو انتخاب راهبرد که مبتنی بر شناخت دقیق محدودیتهای باشد، یکی از الزمات پیش گیری از هدر رفت منابع ذیقیمت است . بدین سبب تعریف مناسب توسعه می تواند هماهنگی متوازن در طی مراحل را به دنبال داشته باشد.

تعریفی که این کمیسیون بر پایه مستندات جمع آوری شده خود و در خصوص توسعه اقتصادی صنعتی ایران، قابلیت انطباق بیشتر را میتواند داشته باشد عبارت است از :

" حاصل **تعامل** نسبتاً پیچیده **عوامل** مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی است که تنها با **چیدمان خاص** از مجموعه این عوامل تبدیل به **توسعه صنعتی** می شود. **استراتژی توسعه صنعتی** به دنبال **تنظیم این چیدمان** است " (۱۲۴).

بر این منوال همانگونه که در صفحه ۱۷۸ خوانندگان ملاحظه می فرمایند ، تجربه کره جنوبی نشان از چیدمان مورد بحث طبق برنامه مبتنی بر **علم** ، تعقل و شناخت توسط هیئت برنامه ریزی اقتصادی (EPB) و منطبق بر شالوده ذیل دارد :

۱- منسوجات:

درجهت فائق شدن برمشکل اشتغال و استفاده از مزیت نیروی انسانی ساده در دسترس، با دستمزدهای ارزان و تأمین منابع از محل تولید این محصولات

۲- فولاد:

به عنوان **تأمین نیاز** صنایع بزرگ و هدف انتخاب شده. نکته **ظریف** در تعیین **هدف**، این حقیقت است که فولاد را به صرف فعالیت فولادی توجه نکرده، بلکه به عنوان منبعی برای **تغذیه** و **حمایت** از سایر صنایع هدف بوده . لذا در برنامه خود تولید **ورق** به عنوان محصول اولیه مد نظر قرار گرفته و نه تولید **تیر آهن** . باوجود این نوع هدفگذاری و بدون خدشه وارد نمودن به پیشرفت صنایع داخلی، اکنون فولاد سازان کره که ۳ کارخانه عمده هستند، سومین تولید کننده فولاد جهان می باشند.

۳- ماشین آلات :

برای هر تغییر نوع تولید صنعتی ، نیاز به ماشین آلات از ملزومات حیاتی است. به همین دلیل برنامه ریزان از ابتدا ساخت ماشین آلات را **اساس توسعه صنعتی** تلقی می نمودند. صحیح بودن این نوع نگرش را ما در کشور خودمان برحسب آمارهای گمرک ایران نیز شاهدیم. در جدول صفحه ۱۷۹ مشاهده می نمائید که طی سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۰ طبق آمارهای واردات گمرک ایران، حجم واردات فصل شانزدهم که ماشین آلات می باشد ، بالغ بر **۱۸۸/۷ میلیارد دلار** ارز کشور برای تأمین نیاز ماشین آلات مختلف مورد نیاز تولید ، صرف گردیده. چنین منابع مالی با توجه به اطلاعات پیش گفته شده و درفصول قبلی، به راحتی در دسترس کره جنوبی نبوده است . نگاه داهیهانه و تمرکز و حمایت برنامه ریزان آن کشور، نشان از تعقل و صحیح بودن نگرش آنان بوده است .

۴- خودرو و کشتی سازی :

اینگونه صنایع به دلیل اثرات پسین و پیشین فراوان و هم و همچنین ایجاد **تقاضا و حمایت** از **صنایع ماشین سازی** و به تبع آن رشد و **ارتقاء روزافزون فن آوری، استحکام دانش فنی** و ایجاد سرریز و باز توزیع منابع مورد نیاز انتخاب گردیده اند. گوشه ای از صحت این نوع نگاه را در بخش قطعه سازی خودرو در کشورمان شاهدیم .

۵- نیمه هادیها و الکترونیک :

نگاه به **آینده** و تأمین نیازهای داخلی با جهت گیری صادراتی و **جهش های فن آوری** که در **ذات** این زمینه تولیدی نهفته است.

۶- پتروشیمی :

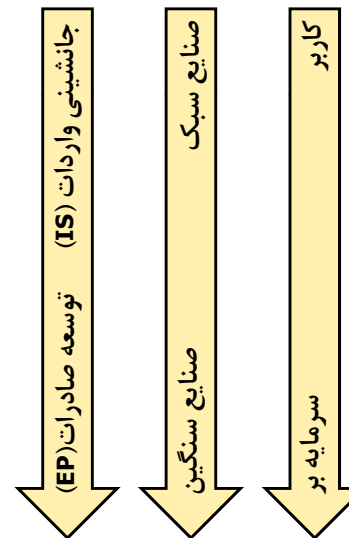
نگاه به تأمین نیاز فعالیتهای صنایع داخلی و **حمایت** از آنها و کمک به زمینه سازی **جهش فن آورانه** .

چنین روندی را در کشورمان شاهد نمی باشیم و یا حداقل مستندات مکتوبی برای آن در دسترس نیست.

به منظور **رقابت پذیری** در صحنه بین المللی - برنامه ریزان - واحدهای **بزرگ مقیاس** هدف گذاری شده را ایجاد نمودند که بتوانند **تقاضا** برای بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط (**SME**) به **وجود** آورند . و از آنجائی که دولت و برنامه ریزان ، استقلال از گروههای منفعت طلب را رعایت نمودند، **فعالانه حمایت راهبردی** از **SME** ها در **مقابل** واحدهای بزرگ را بعهده گرفتند . در صفحه ۱۸۰ نحوه روابط پیچیده ولیکن شفاف را مشاهده می فرمائید .

۱- برپا نمودن صنایع هدف و راه اندازی یک برنامه توسعه صنعتی جامع

ارزیابی موهبت منابع ملی و محیط بین المللی



صنایع هدف

شرکت های کوچک و متوسط

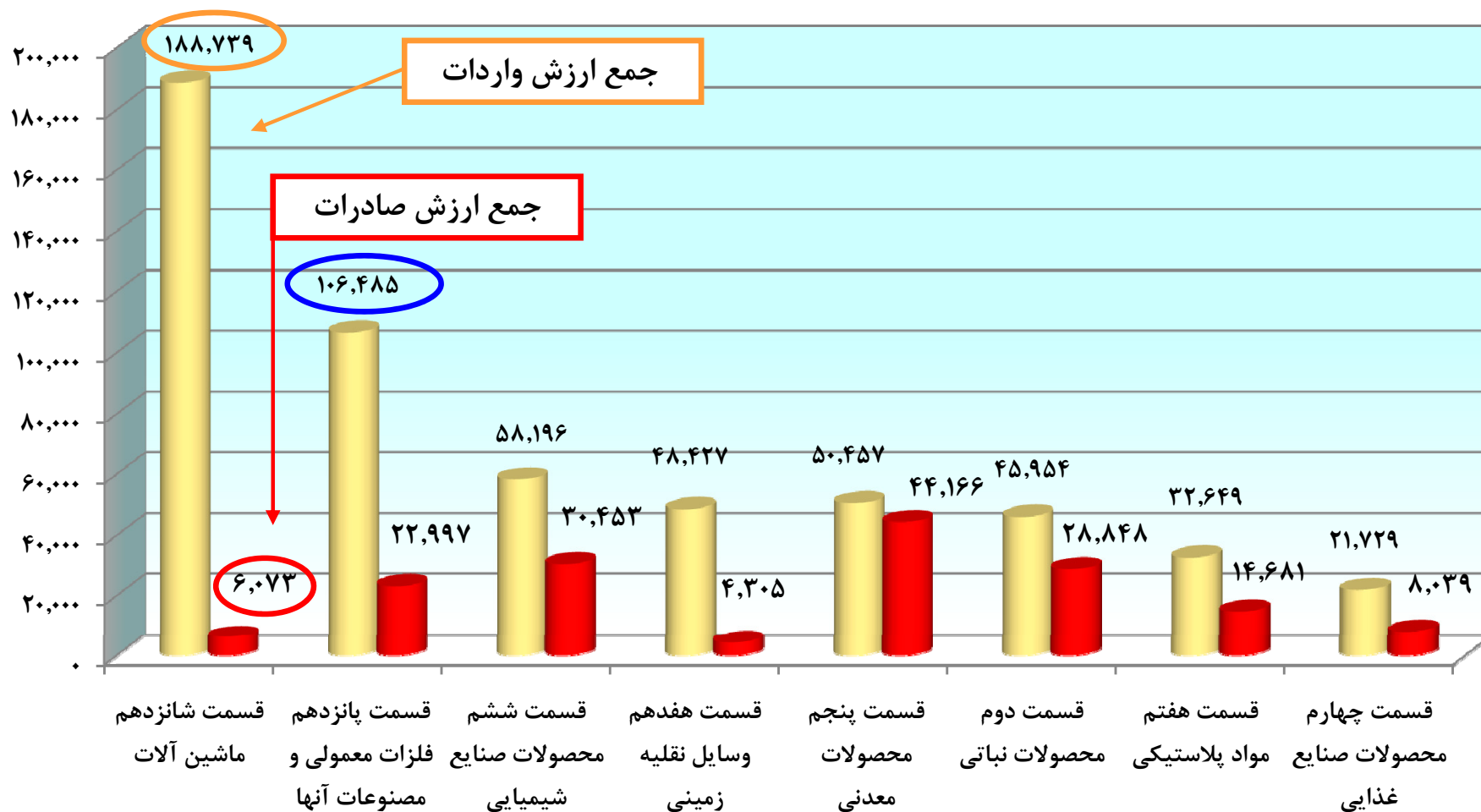
شرکت های بزرگ

رویکرد راهبردی

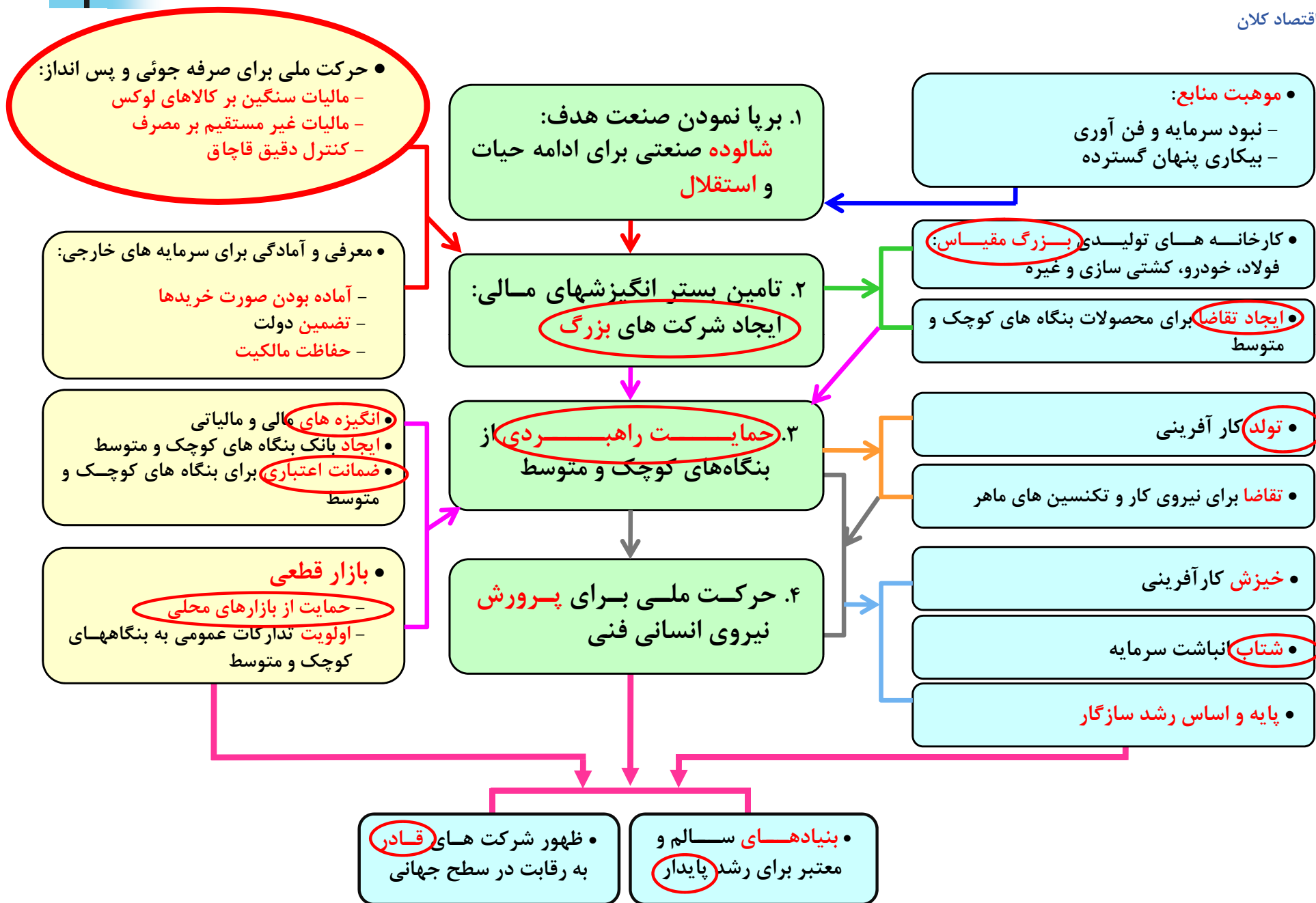
مقایسه وضعیت ارزش واردات و صادرات بر اساس قسمت‌های تعرفه گمرکی

جمع سالهای ۱۳۶۸-۱۳۹۰

(ارقام به میلیون دلار)



کره راهبرد توسعه صنعتی جامع و مستحکم را در اوایل دهه ۱۹۶۰ راه اندازی کرده بود





۳-۲- نگرش مبتنی بر علم و دوران‌پیشانه ،
برای فن‌آوری
و
تولید فن‌آورانه

توسعه فرآیندی است تدریجی و تکامل آن نیاز به برهم گذاردن سنگ بناهای لازم داشته و استحکام آنها در بستر زمان مناسب و **طی نمودن** فرآیندهای ضروری است. میتوان فاصلهٔ مراحل را با استفاده از تجارب دیگران و ممارست آحاد جامعه هر کشور، کم نمود لیکن بسیار بعید است که **جهش** از روی مراحل الزامی صورت پذیرد و پایهٔ آن لرزان نباشد. در صفحه ۱۸۵ مدلی از مراحل توسعه و الزاماتی که در هر مرحله می بایست اضافه گردد مشاهده می فرمائید.

روند طی شده راهبرد توسعه کره جنوبی با جهت گیری های ارتقاء یافته هر مرحله و نهاد سازیهای متناسب با آن را در صفحات ۱۸۶-۱۸۷ مشاهده می فرمائید. چنین تجربه ای را بصورت مدون، منسجم، مستحکم و پایدار در کشورمان شاهد نیستیم. این موضوع مصداقی است در زمرهٔ **فرصت های سوخته** زمانهای مناسب کشور. کشور کره تمرکز راهبردی خود را بر **صنعت ساخت (Manufacturing)** به عنوان **محور** توسعه و ارتقاء آن بنا نهاد. همهٔ مراقبت های لازم و حمایت های **غیر منفعلانه** خود را نیز مجدداً معمول داشت. لذا **مزیت سازی** و ارتقاء مداوم آن از سیاست های برگزیده شده بود. این واقعیت در گزارشی که یونیدو ارائه داده نمایان است. " سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، شاخصی را جهت اندازه گیری **تغییر ساختاری در صنعت ساخت** ارائه نموده است. چنانچه هر شاخه از صنعت ساخت، به نسبت یکسان از کل تولید در یک بازهٔ زمانی رسیده باشد (دارای همان سهم قبلی صنعت ساخت کل باشد)، آنگاه این شاخص صفر خواهد بود. اما چنانچه، فرضاً صنعت مواد غذایی با **افت** مواجه بوده، در حالیکه صنعت کامپیوتر رشد داشته است، آنگاه این موضوع در **جایگاه بالاتر شاخص** قرار خواهد گرفت " (۱۲۵). جدول صفحه ۱۹۰ نشان دهنده شاخص یونیدو بوده و نیز کاملاً گویای تعهد و نگرش صحیح دولتهای کشورهای است که اکنون در ردهٔ کشورهای توسعه یافته قرار گرفته اند و در هر لحظه ملاک تصمیم گیری آنها **علم** بوده.

زمانی که صحبت از علم و بکارگیری آن در عمل می‌رسد، نقص فراوانی را در کشور شاهد می‌باشیم. به عنوان مثال جدول داده - ستانده، اولین بار در سال ۱۳۴۴* برای کشورمان تهیه گردیده. متأسفانه این فن عالمانه در برنامه ریزی کشور ما نهادینه نگردید. لیکن این گونه فنون در کشورهای شرق آسیا از همان زمان نهادینه گردید و هر اتخاذ سیاست کلانی مبتنی بر مجموعه ای از فنون مهم انجام می‌گرفت. " فرآیند برنامه ریزی، ابداعات فنی و تشکیلاتی چندی را ارائه نموده است. از نقطه نظر فنی «مدل اقتصاد سنجی ناپیوسته» جهت تعیین نرخ رشد کلی تولید ناخالص داخلی (GDP) استفاده گردید. همین که نرخ رشد مطلوب فراهم گردید، یک مدل داده - ستانده با ضرایب متغیر پویا، جهت تعیین توسعه ظرفیت مورد نیاز برای هر واحد صنعتی استفاده گردید و محاسبه سرمایه گذاری مورد نیاز و فرصتهای شغلی با استفاده از پیشنهادات سرمایه گذاری هر بخش، از سوی بخش خصوصی درخواست گردید. یک واحد ویژه جهت برآورد پروژه و به منظور ارزیابی پیشنهادات این پروژه با استفاده از نرخ بازده داخلی، امکان سنجی مالی، الزامات واردات و معیار ظرفیتهای مدیریتی و فنی ایجاد گردید. جائی که کلیت پیشنهادات پروژه از نیازهای سرمایه گذاری که با کمک مدل داده - ستانده ایجاد شده، فراتر می‌رفت، تنها پیشنهادات برتر جهت استفاده در برنامه انتخاب می‌گردیدند، و زمانیکه کلیت پیشنهادات در رابطه با نیازمندیهای پیش بینی شده، کمتر از معیارهای مد نظر بود، پیشنهادات ثانویه درخواست گردیده است. در صورت عدم کسب نتیجه مطلوب، دولت خود سرمایه گذاری را از طریق برنامه سلب سرمایه گذاری مرحله ای در بخش خصوصی در دست گرفته است" (۱۲۶). این موضوع خودگویی بسیاری واقعیتهای درآورد در خصوص ابزارهای علمی مورد نیاز تصمیم گیرها است که به آنها توجه نمودیم، همچون آمارهای اقتصادی.

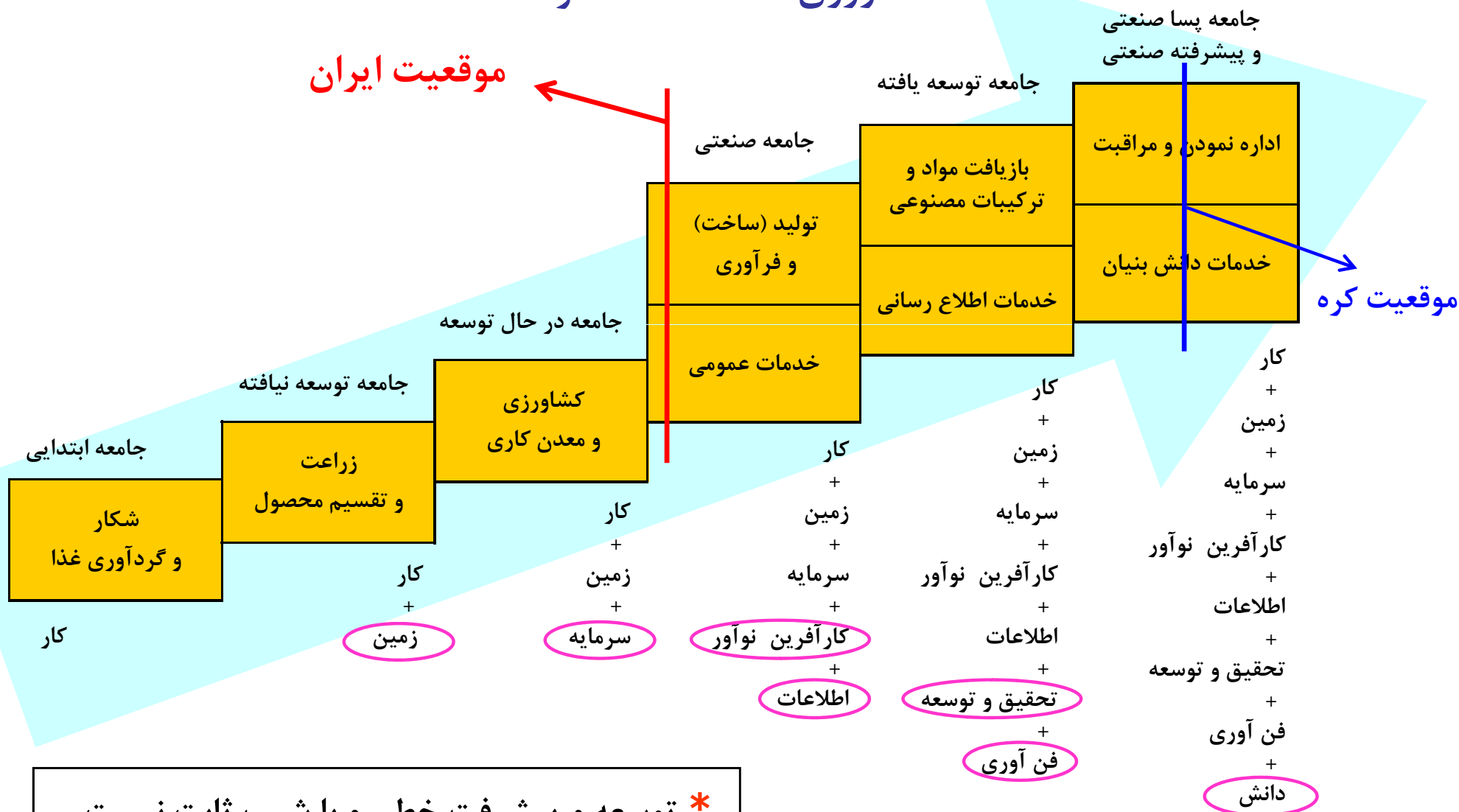
" تفکر اولیه تدوین جداول داده- ستانده به سال ۱۳۳۳ (۱۹۴۵ میلادی) بر می‌گردد. متعاقب آن، **اولین** جدول آزمایشی در سال ۱۳۴۱ و سپس جدول داده- ستانده تفصیلی و جامع **سال ۱۳۴۴**، توسط دفتر جدید التاسیس وزارت اقتصاد، کامل می‌گردد. چنانچه ملاک تلاش های چهل و اندی سال تدوین جداول در ایران ربا **موازین متعارف** تجربیات سایر کشورهای جهان برحسب نهادسازی؛ نهادینه کردن تهیه جدول در هر **پنج سال یکبار** و دو وظیفه اصلی جداول-ستانده یعنی کنترل و کاربردهای آن ارزیابی نماییم، محتوای مطالب این فصل نشان می دهد که:

- ۱- از نظر قانونی **هنوز** نهاد رسمی برای تدوین **جدول داده-ستانده** در ایران وجود ندارد. در بعضی از دوره های مورد بررسی، دو نهاد؛ در بعضی دیگر از دوره ها، **چهار نهاد**؛ و اخیراً هم دو نهاد (بانک مرکزی و مرکز آمار ایران) به طور موازی مسئول تهیه جدول می باشند.
- ۲- اگر مبنای تهیه **جداول داده-ستانده** در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به ترتیب دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی در نظر بگیریم، مشاهده می کنیم که تعداد تهیه شده برای این دو گروه به ترتیب حدود ۱۱ و ۹ جدول می گردند. این در حالی است که اما جداول تهیه شده رسمی ایران، به **۱۴ جدول** می رسد. یکی از دلایل اصلی نهادینه شدن تهیه جداول در این کشورها، تهیه آن در هر پنج سال یکبار است. حال آنکه در ایران، **نه تنها هیچ معیار** و قاعده ی مشخصی برای تهیه جدول وجود ندارد، بلکه تهیه جداول توسط **نهادهای مختلف و به طور سلیقه ای** صورت می گیرد **ضمن آن** که بعضاً انجام این امر توسط نهادهای مذکور با یکدیگر **تداخل** هم دارد.
- ۳- **جدول داده- ستانده** دو وظیفه کلی دارد که عبارتند از کنترل متغیرهای کلان در هر پنج سال یکبار و **کاربردهای** آن در زمینه های اقتصادی و اجتماعی، اقتصادی - انرژی و غیره. در خصوص وظیفه اول مشاهده می کنیم که **با وجود تجربه تهیه چهل و اندی سال** جداول در ایران، **هیچگونه تلاشی صورت نگرفته** است. حال آن که تمایل پژوهشگران به وظیفه دوم با توجه به کارهای انجام گرفته به ویژه بعد از سال ۱۳۷۰ کم نظیر می باشد" (۱۲۷).

روند سوگیری مراحل جهت حصول به توسعه دانش بنیان *

کشاورزی - صنعت - عصر اطلاعات

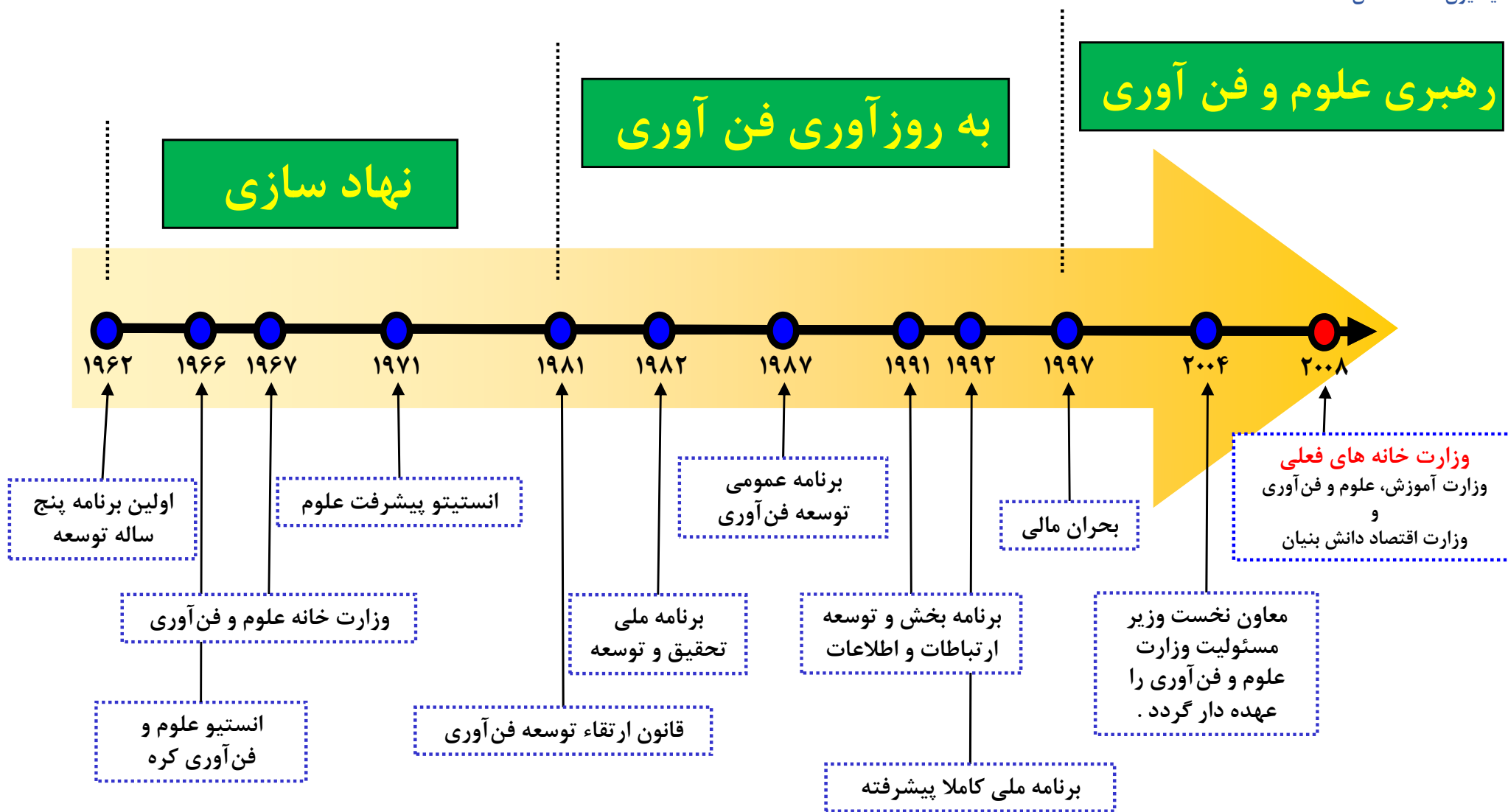
موقعیت ایران



* توسعه و پیشرفت خطی و با شیب ثابت نیست.



خطِ مشی تکامل علوم و فن آوری کره



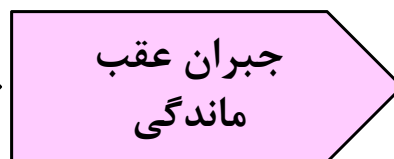
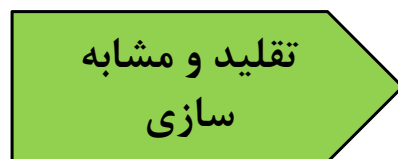
منبع : بانک مرکزی کره جنوبی
مأخذ :



نقش سیاست گذاری علوم و فن آوری در توسعه کره

فاصله زمانی	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰	دهه ۲۰۰۰	از سال ۲۰۱۰
دوره	جهت گیری صادراتی	پیشتازی صادرات	آزاد سازی اقتصادی	دموکراسی	پیشرفت	پیش تازی جهانی
تمرکز بر صنایع	صنایع سبک	صنایع سنگین	مونتاژ و صنایع فرآیندی	فن آوری اطلاعات و ارتباطات	صنایع دانش بنیان	خدمات دانش بنیان / همگرایی جدید / صنایع سبز
عامل رقابت مندی	کارگر ارزان	کارگران ماهر	سرمایه گذاری های سرمایه بر	فن آوری	نوآوری در علوم و فنون	نوآوری در علوم و فن آوری پیشرفته
الزامات نیروی انسانی مورد نیاز در علم و فن آوری	منابع انسانی ماهر	منابع انسانی فنی	دانشمندان و مهندسين سطح عالی	مهندسين و دانشمندان مستعد	مهندسين و دانشمندان خلاق	دانشمندان و مهندسين خلاق و همگرا
الزامات فن آوری	مدیریت کارخانه	مدیریت و عملیات	تولید و ساخت	فن آوری به عنوان محور مرکزی	فن آوری درون زا	فن آوری بنیادی
سیاستهای علم و فن آوری	واردات سرمایه های کلید در دست و آموزشهای فنی	داخلی سازی فنون وارداتی و مهندسی معکوس	انطباق فن آوری های وارداتی و توسعه فنون داخلی	حصول به فن آوری های پیشرفته و برنامه عظیم تحقیق و توسعه توسط دولت	تمرکز بر فن آوری درون زا / برنامه سیستماتیک علوم و فن آوری	علوم و تکنولوژی جهانی و تمرکز بر همگرایی

تغییر دیدگاهها



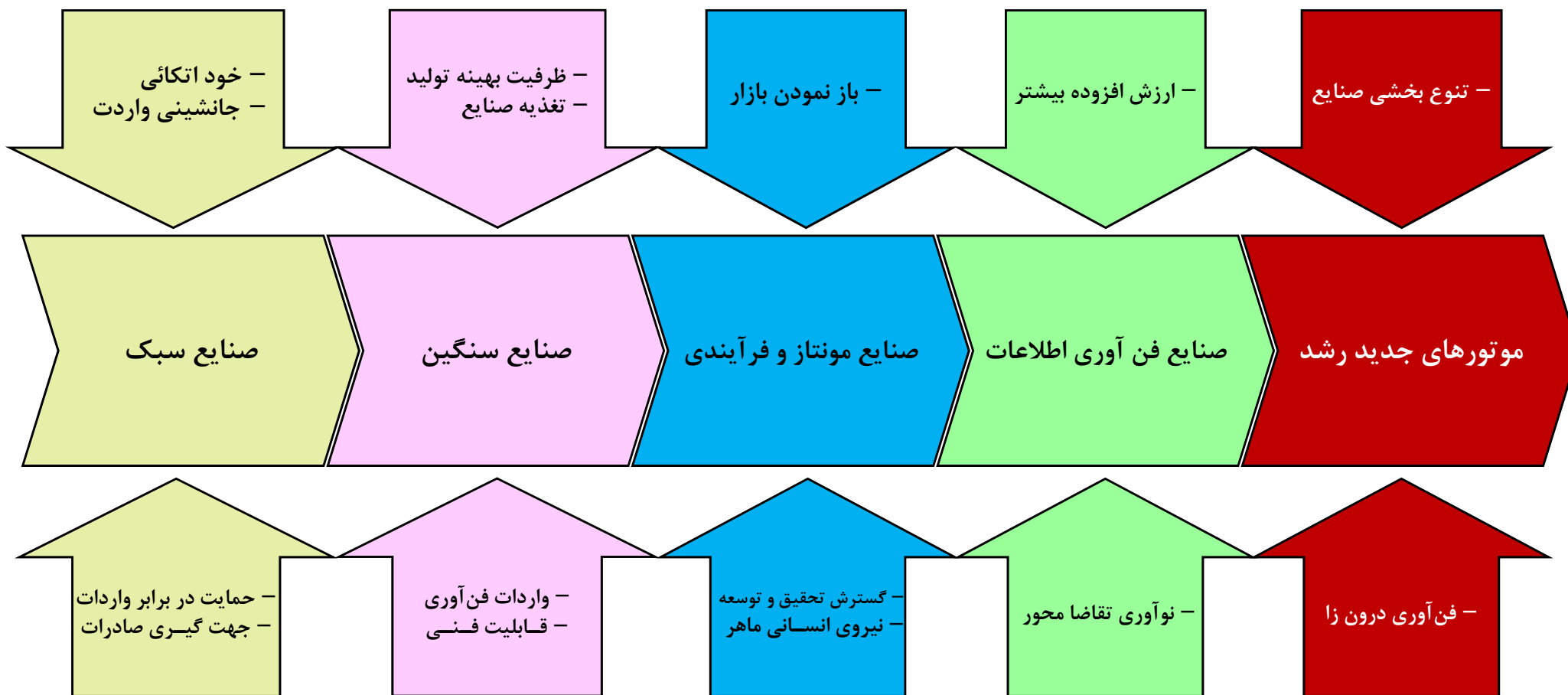
منبع : بانک مرکزی کره جنوبی
مأخذ :



جایابی صنعتی : تقاضا و عرضه

انتخاب و تمرکز

طرف تقاضا



منبع : بانک مرکزی کره جنوبی
مأخذ :



طبقه بندی صنایع تولیدی جهان براساس سطح فن آوری (Technology)

(ISIC –Revision 2) (۱۲۸)

۳- فن آوری با سطح متوسط پایین (Medium Low Technology)

- ۱۱- محصولات لاستیکی و پلاستیکی
- ۱۲- کشتی سازی
- ۱۳- سایر صنایع تولیدی
- ۱۴- فلزات غیر آهنی
- ۱۵- محصولات کانی غیر فلزی
- ۱۶- محصولات ساخته شده فلزی
- ۱۷- پالایش نفت
- ۱۸- فلزات آهنی

۱- فن آوری سطح بالا (High Technology)

- ۱- هوا فضا
- ۲- کامپیوتر و ماشین های اداری
- ۳- الکترونیک و ارتباطات
- ۴- صنایع داروسازی

۲- فن آوری با سطح متوسط بالا (Medium High Technology)

- ۵- ابزار و تجهیزات علمی دقیق
- ۶- وسایل نقلیه موتوری
- ۷- ماشین آلات الکترونیکی
- ۸- صنایع شیمیایی
- ۹- دیگر تجهیزات حمل و نقل
- ۱۰- ماشین آلات غیر الکترونیکی

۴- فن آوری با سطح پایین (Low Technology)

- ۱۹- صنعت چاپ
- ۲۰- نساجی و لباس
- ۲۱- غذا، آشامیدنی و دخانیات
- ۲۲- چوب و وسایل چوبی



تغییرات ساختاری در کشورهای منتخب

ردیف	کشور	نرخ رشد سهم صنعت ساخت در تولید ناخالص داخلی (GDP) طی سالهای ۱۹۶۰-۸۰	شاخص تغییر ساختار در صنعت ساخت طی سالهای ۸۵-۱۹۶۵
۱۹	اسرائیل	۲/۹	۱۶
۲۰	پرو	۲/۹	۱۴
۲۱	الجزائر	۲/۹	۱۹
۲۲	آفریقای جنوبی	۲	۱۹
۲۳	مراکش	۱/۵	۱۲
۲۴	آرژانتین	۱/۱	۱۶
۲۵	ایران	۱	۱۹
۲۶	اسپانیا	۱	۲۵
۲۷	سوریه	۰/۵	۱۸
۲۸	ونزوئلا	۰/۲	۸
۲۹	هنگ گنگ	۰	۱۰
۳۰	دومینیک	-۲/۳	۴
۳۱	عراق	-۴	۹
۳۲	ایرلند	-۶/۷	۱۹
۳۳	یوگسلاوی	-۶/۹	۱۲
۳۴	اکوادور	-۷/۲	۱۹
۳۵	شیلی	-۷/۲	۱۳

ردیف	کشور	نرخ رشد سهم صنعت ساخت در تولید ناخالص داخلی (GDP) طی سالهای ۱۹۶۰-۸۰	شاخص تغییر ساختار در صنعت ساخت طی سالهای ۸۵-۱۹۶۵
۱	سنگاپور	۱۶/۷	۴۸
۲	کره جنوبی	۱۴/۲	۳۱
۳	مالزی	۱۳/۸	۱۶
۴	برزیل	۱۳	۳۰
۵	ترکیه	۸/۹	۲۳
۶	مصر	۸/۳	۲۲
۷	پرتغال	۷/۳	۲۲
۸	تایلند	۷	۱۸
۹	تونس	۶/۱	۱۷
۱۰	کستاریکا	۵/۴	۶
۱۱	فیلیپین	۵/۳	۱۱
۱۲	مکزیک	۴/۹	۱۵
۱۳	کلمبیا	۴/۸	۱۱
۱۴	کنیا	۳/۹	۲۸
۱۵	هندوستان	۳/۷	۲۱
۱۶	ساحل عاج	۳/۶	۱۷
۱۷	اروگوئه	۳/۶	۱۰
۱۸	یونان	۳/۱	۱۴



آموزش برای توسعه آموزش آموزش برای آموزش

توسعه بدون آموزش و تربیت نیروی انسانی، در عمل با محدودیتهای پر اهمیتی مواجه خواهد گردید .

" تا موقعی که توسعه صنعتی **محدود** بود، چیزی زیاد حس نمی کردیم، چون بهترین و با استعدادترین کارگران را می توانستیم انتخاب کنیم. بعد خیال می کردیم که کارگر ایرانی خیلی با هنر و با استعداد است، **غافل از اینکه ما بهترین ها را انتخاب کرده ایم. به مجرد اینکه ریتم توسعه اقتصادی و بخصوص توسعه صنعتی، افزایش یافت دچار بن بست و گرفتاری شدیم.** و متوجه می شدیم که **راندمان ها پائین** است " (۱۲۹) .

به همین دلیل برنامه ریزان توسعه کره جنوبی از همان **ابتداء** این مشکل را دریافته و برای آن برنامه ریزی نمودند . با هدف گیری **آموزش برای توسعه**، نه صرفاً **آموزش برای آموزش**، نظارت آموزشگاه های فنی را به **وزارت صنعت** منتقل نمودند. برای ایجاد روحیه و انگیزه، روشهای تشویقی متعددی در پیش گرفته شد و در راستای ایجاد غرور و افتخار، از کسب کنندگان رتبه های ممتاز در المپیادهای مهارتهای شغلی همچون قهرمانان استقبال می گردید که در تصویر صفحه ۱۹۴ مشاهده می نمائید. سنگ بنائی که منجر به حصول و نزدیک شدن کشور کره جنوبی به جامعه پسا صنعتی شده است. آیا روشهای مشابهی در کشورمان در پیش گرفته شده؟ آیا **فرصتهای طلایی** را از دست ندادیم؟

۴- حرکت ملی برای پرورش نیروی انسانی فنی: به روز رسانی مهارت ها و انضباط نیروی کار

- نگرش **پیشامدرنی** نیروی کار
- **فقدان** دانش حرفه ای و خودیاری و حس حقارت به خاطر استعمار
- تمایل و توانایی کم به انجام کار در یک **روش پیوسته**
- * پایان دادن به **فقر**، بدون تغییر نگرش پیشامدرنی نیروی کار، تقریباً غیر ممکن است

وضوح
نیروی کار

- امکانات : بهترین امکانات در آسیا
- انتخاب دانش آموزان : ۱۰٪ بالایی دانش آموزان سال دوم دبیرستان با یک معرفی نامه
- زندگی دانش آموزی : همه در خوابگاه ها اسکان داده شده بودند
- برنامه درسی و تدریس : همه دانشکده ها، نیروی جدید از ژاپن جذب نمودند
- آموزش اخلاق کار : ۳ "اصل جئونگ" : **صمیمیت، دقت و صداقت**

ایجاد یک مدل
از دبیرستانهای
فنی

- مشوق هایی برای دانش آموزان : حمایت های مالی دولت به صورت ۱۰٪
- نظارت و رسیدگی مدارس از وزارت آموزش به **وزارت صنعت** منتقل شد
- فواید حرفه ای دیگر :

سیاست های
حمایتی برای
مدرسه
مهندسی

– گزینه هایی برای دسترسی به دانشگاه و معافیت برای خدمات نظامی سربازی

- در سال ۱۹۶۷ پس از ۳ سال از افتتاح آن، دولت میزبان یک **مسابقه مهارت** با دانش آموزان ژاپنی شد
- دانش آموزان کره ای عملکرد و مهارت بالاتری از دانش آموزان ژاپنی از خود نشان دادند
- اکنون ما فکر می کردیم که، می توانیم به خوبی ژاپنی ها کار انجام دهیم
- مدل مدارس در سراسر کشور گسترش یافت
- از دهه ۱۹۷۰، فارغ التحصیلان دبیرستانهای فنی و مهندسی، کارگران زحمتکش برنامه صنعتی سازی کره جنوبی شدند.

عملکرد و تاثیر
آن

مراسم رژه در سئول به افتخار مدال آوران المپياد مهارت‌های شغلی



کمیسیون اقتصاد کلان



JOON-KYUNG KIM , Korean Economic Development In Historic Perspective , KDI School Of Public Policy And Management , 01.07.2009

ماخذ :



۵-۲- نگرش دوران‌دیشانه برتری دادن به بازده تولید بر بازده واسطه‌گری‌های مالی

تولید به دلیل ماهیت نیازهایش مستلزم فراهم شدن زمان لازم ، نوآوری ، تامین هزینه‌های متعدد ، بستر سازی ضروری و بسیاری از موارد دیگر می باشد که همگی ، هم زحمت فراوانی را می برد و هم می بایست منافع مناسبی را برای سرمایه گذاری مجدد آن فراهم آورد. به دلیل همین پیچیدگی و نیاز آن به دانش و فن آوری و اثرات آن، در سر ریزهای منابع و باز توزیع آن در آحاد هر کشور، می بایست نگاه ویژه ای بر آن وجود داشته باشد.

نگاهی به تجربه کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه شرق آسیا ، مبین این نکته می باشد که فعالیتهای سهل و ساده، در کسب منافع با کمترین تلاش، در اولویت قرار نمی گیرد.

" **ملی کردن بانکها** در اوایل دهه ۱۹۶۰، **ابزار پر اهمیتی** را برای تحت تأثیر قراردادن **مسیر توسعه اقتصادی** در اختیار دولت کره جنوبی قرار داد. **بخشهای مورد عنایت**، در ازای اجرای **سیاستهای دولت** و دست یافتن به اهداف **معینی**، **وامهائی با نرخهای بهره خیلی پائین** دریافت کردند. برای دولت کره جنوبی، که با کاهش کمکهای آمریکا در اوایل دهه ۱۹۶۰ روبرو شده بود، افزایش درآمدهای صادراتی اولویت داشت. **این امر نه با اتخاذ سیاستهای تجارت آزاد**، بلکه با سیاست **جسورانه هدف گیری صادراتی توأم با حمایت مستمر از بازار داخلی** انجام شد. در سرتاسر بخش اعظمی از دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بیش از ۴۰ درصد اقلام وارداتی در **معرض محدودیتهای کمی قرار داشتند** و متوسط تعرفه های قانونی بین ۴۰ درصد و ۶۰ درصد بود. از این رو، شرکتهائی که اهداف دولت را تأمین می کردند، **از سود زیاد** مربوط به فروش در **بازار داخلی** و **از اعتبارات مالی** و **نهادهای ارزان** نفع می بردند " (۱۳۰).

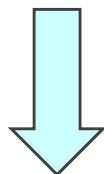
"رشد اقتصادی سریع نه تنها سطح بالائی از پس اندازها، بلکه استفاده از سرمایه‌گذاریها در زمینه‌های **تولید** را نیز طلب می‌کند. در مورد کره جنوبی، بسیاری از مجراهای **معمولی** برای سرمایه‌گذاریهای **غیرتولیدی** **مسدود** شدند. اصلاحات ارضی فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاریهای **وسیع بر روی زمین را محدود کردند**، در حالی که ملی بودن نظام بانکی هم به آن معنا بود که سرمایه‌گذاریهای **مالی نیز جاذبه کمتری** داشتند. فرصتهای مناسب برای به دست آوردن **سودهای فراوان از طریق تجارت** و از طریق دسترسی به ارز خارجی نیز در دوره حکومت پارک از میان **برداشته شدند**" (۱۳۱).

از همین رو، حتی در سالهای اخیر نیز مشاهده می‌شود که دولت به نحوی سیاستهای اقتصادی را برنامه ریزی می‌نماید که **بازده دارائیهای بنگاههای تولیدی از بازده دارائیهای بانکها** نه تنها **کمتر** نباشد، بلکه به صورت قابل توجه، حتی در بحرانهای مالی جهان، **بیشتر** باشد. این موضوع در نمودار صفحه ۱۹۹ نشان داده شده است.

شاهد نبوده ایم که روشهای مشابهی به صورت متقن و منسجم و براساس برنامه در کشورمان صورت پذیرفته باشد، بلکه همانگونه که در جدول صفحه ۱۰۶ مشاهده نموده اید حتی سهم مانده تسهیلات به بخشهای واقعی (صنعت و معدن + کشاورزی) در کمال شگفتی کاهش یافته است و برای بخش تولید خودامکان تسهیلات، که نرخ **سود آن** از سال ۱۳۸۵ **بخش خدمات یکسان** گردید، رافراهم ننمودیم. فرصتی که طی سالها آن را از دست داده ایم.

۲- تهیه منابع مالی برای توسعه صنعتی

تهیه صندوق سرمایه
صنعتی



سرمایه گذاری گسترده
برای HCI ها و حمایت از
شرکت های تجاری

- قانون ترغیب سرمایه گذاری خارجی، اما بدون عملکرد
- طلب وجوه از ژاپن برای غرامت دوران استعمار
- **تضمین** دولت برای پرداخت استقراض خارجی به وسیله شرکت های خصوصی
- این سخت ترین تصمیم در دهه ریاست جمهوری من است. (پارک، Park*)
- **صنعت بانکداری (ملی شده) تحت کنترل دولت، برای تخصیص کارآمد منابع مالی**
- سرمایه گذاری مالی برای SOC ها در مقیاس بزرگ

- طرح سرمایه گذاری (۱۹۸۱-۱۹۷۳): ۹/۶ میلیارد دلار
- ❖ کل صادرات در سال ۱۹۷۲: ۱/۶۷ میلیارد دلار آمریکا
(کسری بودجه فعلی: 372 میلیون دلار)
- ❖ من که قصد جنگ ندارم؟ (پارک، Park*)

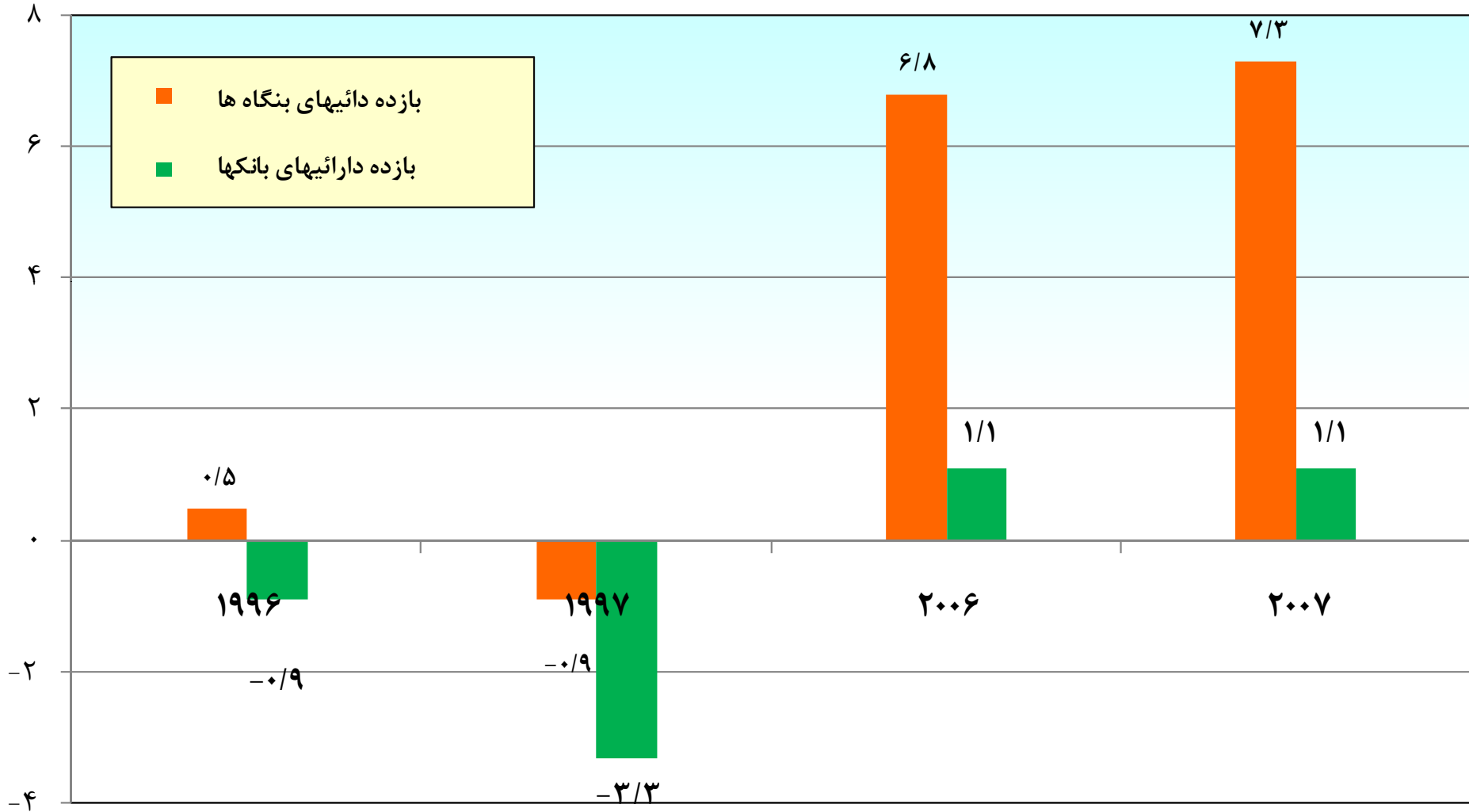
- اقدامات استثنایی برای حفظ شرکت های تولیدی تجاری از ورشکستگی
- - **بوقف پرداخت وامهای خصوصی و بهره های متعلقه آن** (اوایل دهه 1970)
- کمک های مالی و مشوق های مالیاتی برای تملک بنگاه هایی که قادر به پرداخت دیون خود نبوده اند.

شاخص بازده دارائیهای بخش بنگاه‌ها و بخش بانکی در کشور کره جنوبی



کمیسیون اقتصاد کلان

ارقام : درصد





۶-۲- ظرفیت سازی

و

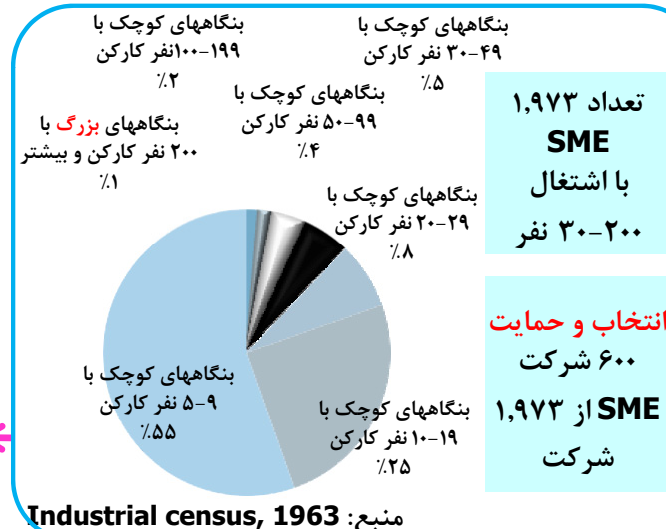
اندازه اقتصادی بنگاه ها

بنگاه‌های اقتصادی چنانچه اقتصاد مقیاس را دارا نباشند، قادر به رقابت در سطح جهانی نمی‌باشند. این واقعیت در همان ابتداء تدوین برنامه توسعه در کره، توسط هیئت برنامه‌ریزی اقتصاد آن کشور تشخیص داده شده. بر همین اساس، در هر زمان هم که لازم گردید، دولت ورود به موضوع نموده و در جهت **منافع ملی** کشور واحدها را **مجبور به ادغام** در یکدیگر نموده و یا دستور توقف فعالیت را داده است. نمونه‌هایی چند در صفحات ۸۴-۸۳ این گزارش ذکر گردید.

لیکن متأسفانه همانگونه که در صفحات ۷۸ و ۸۸ و ۸۹ مشاهده نمودید، تعدد واحدهای مشابه و برخی زائد در تولید صنعتی و حتی کشاورزی و دامداری ما چنان شکل گرفته که قدرت اقتصادی بودن را به نظر می‌رسد دارا نباشند. چنین وضعیتی عاقل ماندن منابع کشور را می‌تواند به دنبال داشته باشد. نداشتن راهبرد، باعث سوخته شدن فرصتها در چند دهه گذشته کشورمان بوده است.

۳- حمایت راهبردی از بنگاه های کوچک و متوسط (SME) براساس اصل "انتخاب و تمرکز"

• **تعریف SME** ها و یک چارچوب برای سیاست های دولت، از طریق تصویب قانون ارتقاء بنگاه های کوچک و متوسط
• انتخاب SME های هدف برای حمایت



۱- تعریف معیارهای بنگاههای کوچک و متوسط و انتخاب آنها برای حمایت

• ایجاد شرکت های بزرگ که تقاضا را برای محصولات بنگاه های کوچک و متوسط (SME) به وجود می آورند.
• ممنوعیت واردات ماشین آلات و کالاهای واسطه ای که در داخل کشور تولید شده اند.
• اولویت به محصولات بنگاه های کوچک و متوسط در تدارکات و خریدهای عمومی

۲- بازار قطعی از تباطؤ بنگاههای کوچک و متوسط با شرکتهای بزرگ

۳- حمایت مالی

• سیاست های وام دهی با یک نرخ بهره ترجیحی برای مثال نرخ وام دهی ۹٪، درحالیکه نرخ بازار ۲۵٪ بود.
• صندوق های تضمین اعتبار برای حمایت از SME ها

۴- مداخله دولت برای فراهم کردن مقیاس و تخصیص بهینه و تخصیص بنگاه های کوچک و متوسط

• ارتقای بنگاه های کوچک و متوسط، بالاتر از یک مقیاس خاص، برای اطمینان از توان رقابت بین المللی
• راهنمایی به منظور اطمینان از تخصیص در یک موضوع خاص
• تعدیل ساختاری برای بنگاه هایی با رقابت پذیری ضعیف

۵- مراقبت از هر مشکل و مسئولیت مدیریتی

• **بشتیبانی قوی** داری از SME هایی که به وسیله دولت های محلی تحت حدود اختیار آنها انتخاب شده اند.
• **مسدود کردن وام های خصوصی** برای شرکت ها (corporation)، به منظور مقابله با تضعیف رقابت بین المللی

۱- صنعت فولاد کره - تاریخچه توسعه

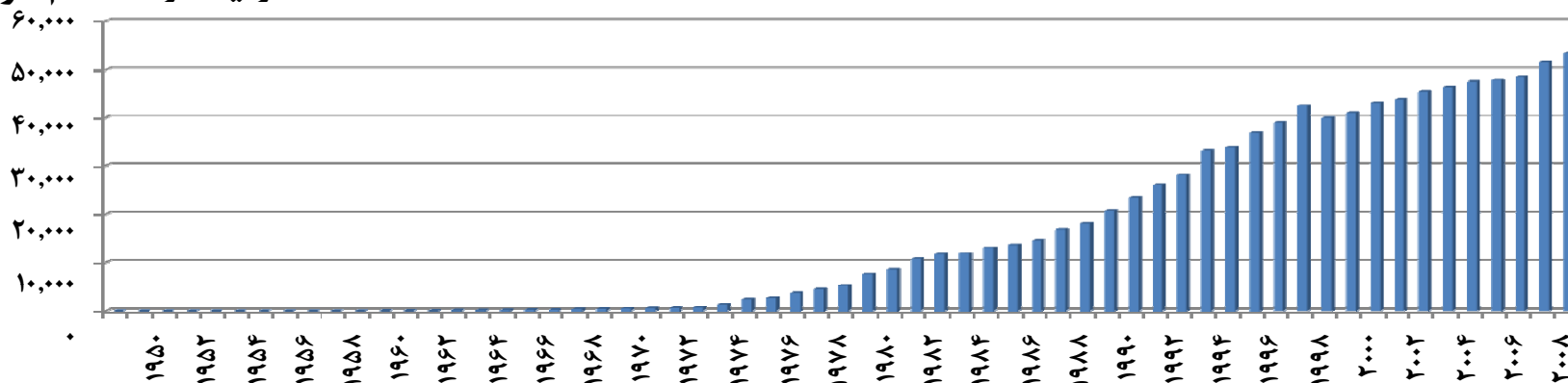
مرحله اول

- ساخت کارخانه ذوب آهن : پروژه اصلی در دومین برنامه ۵ ساله توسعه
- انجمن بین المللی فولاد کره (KISA) در سال ۱۹۶۷ راه اندازی شد.
- شرکت تولیدی فولاد و آهن پوهانگ (POSCO) در آوریل ۱۹۶۸ تاسیس شد.
- ارزیابی بین المللی بسیار منفی بود.
- ایالات متحده آمریکا، آلمان غربی و بانک بین المللی ترمیم و توسعه (IBRD) مخالف طرح بودند. (بدون هیچ نوع امکان سنجی اقتصادی)
- کره فاقد سرمایه، منابع سنگ آهن و مهارت ساخت فولاد بود و بازار داخلی هم کوچک بود.
- صندوق جبران غرائم ژاپن مورد استفاده قرار گرفت (۷۳/۷ میلیون دلار آمریکا)، درحالیکه دولت تصمیم به ایجاد ظرفیت ۱ میلیون تن اتخاذ نمود.

- ظرفیت تولید فولاد کره از ۰/۱ هزار تن در سال ۱۹۵۶ به ۱/۲ میلیون تن در سال ۱۹۷۳ و به ۵۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۷ جهش پیدا کرد.

- صنعت فولاد در دهه ۱۹۷۰، بعد از آن که دولت کارخانه POSCO را ایجاد کرد، رشد پیدا نمود که از صنایع خودرو، کشتی سازی و ساختمان حمایت می نمود.

تولید فولاد خام کره



- یک کودک

- نیازمند ازدواج یک زوج است تا به دنیا بیاید
- با درد و رنج همراه است
- نیازمند پرستاری و حمایت است
- این آینده ماست



❖ SME فرزند اقتصاد ملی است

- به منظور تهیه سبزیجات تازه

- باید بذر را بکاریم
- به آن آب و کود بدهیم
- آن را وحین کنیم
- آن را تنک کنیم
- و به از خودگذشتگی کشاورز نیازمند است



❖ توسعه و پیشرفت SME ها دقیقاً شبیه کشاورزی است



۷-۲- مزیت سازی،

نه تکیه

بر مزیت نسبی

پس از شروع توسعه در کره که با جایگزینی واردات صورت پذیرفت و پس از گذشت زمانی از این نگرش " برنامه توسعه صنعتی نیروبر و جهت گیری صادراتی ، تنها پاسخ در جهت اهداف و محدودیتهای کره بود (این اقدام اتفاقاً در آن بازه زمانی **انقلابی** بود و آن هم درحالیکه به کشورهای درحال توسعه ، **توصیه** می گردید که تأکیدشان بر توسعه زمین و **منابع طبیعی** بوده و یک برنامه صنعتی شدن مبتنی بر **جایگزینی واردات** را تعقیب نمایند) " (۱۳۲) .

به عبارت دیگر تکیه بر **مزیت نسبی** مبتنی بر منابع طبیعی توسط آنها درپیش گرفته نشد ، که البته چنین منابعی نیز به وفور در اختیارشان نبود. **نقش دولت** کاملاً در **مزیت سازی** برجسته و متهورانه بود . به عبارتی دیگر دولت کره در این خصوص **منفعلا نه** حرکت ننمود . ثمره این تلاشها را می توانید در صفحه ۲۰۸ درمورد شرکت سامسونگ، که بامونتاژ تلویزیون سیاه و سفید شروع نمودرا، مشاهده نمائید . این راهبرد و دیدگاه توسعه گرایانه تا جایی پیش می رود که میزان فروش تنها یک شرکت، بیش از درآمدهای حاصل از صادرات کشورمان باشد، صفحه ۲۰۹. درچند دهه گذشته تکیه بیش از حد غیرمنطقی درکشورمان و به کارگیری بی وقفه واژه «**مزیت نسبی**»، که منظوراز آن منابع خدادادی زیر زمینی میباشد، آیا باعث نگردیده که فرصت های طلائی برای مزیت سازی را از دست بدهیم؟

۵- صنعت الکترونیک/ICT (فناوری اطلاعات و ارتباطات) کره - فاکتورهای موفقیت

راهبرد **متمرکز**

دولت **خط دهنده** و **غیر منفعل**

هماهنگی بین دخالت دولت و اقتصاد بازار

روش **متوازن** در عرضه و تقاضا

مردم

وضعیت توسعه ICT در کره

• پهنای باند و ارتباطات سیار :

- رتبه اول در جهان در میزان نفوذ پهنای باند اینترنت در سال ۲۰۰۲ و رتبه چهارم از نظر میزان کاربر اینترنت در سال ۲۰۰۳

- ۷۷٪ از کره ای ها از اینترنت استفاده می کنند (۲۰۰۹)

• صنعت ICT:

- پیشرو در صنعت ICT در جهان بخصوص در **سخت افزار** نیمه هادی ها ، **تلفن همراه** ، تلویزیونهای TFT-LCD و **تلویزیون دیجیتال** و گسترش رقابت جهانی آن در **برخی از بخشهای نرم افزار** و برجسته ترین در صنعت بازی های آنلاین

• دولت الکترونیک (E-government):

- **کامل شدن کاربرد IT** (فن آوری اطلاعات) به طور فزاینده نسبت به خدمات دولتی و ابتکار عمل دولت الکترونیک کره، **گام به جلو** را به وجود آورده است.

- **رتبه اول** در گزارش سال ۲۰۰۸ آمادگی دولت الکترونیک جهانی سازمان ملل متحد برای شاخص توسعه دولت الکترونیک

زمینه های فعالیت تجاری



کمیسیون اقتصاد کلان

نمایشگرهای
بصری

ارتباطات
همراه

سیستم های
مخابراتی

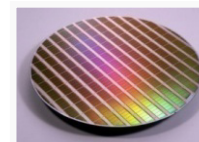
راه حل های
فن آوری اطلاعات

لوازم خانگی
دیجیتال

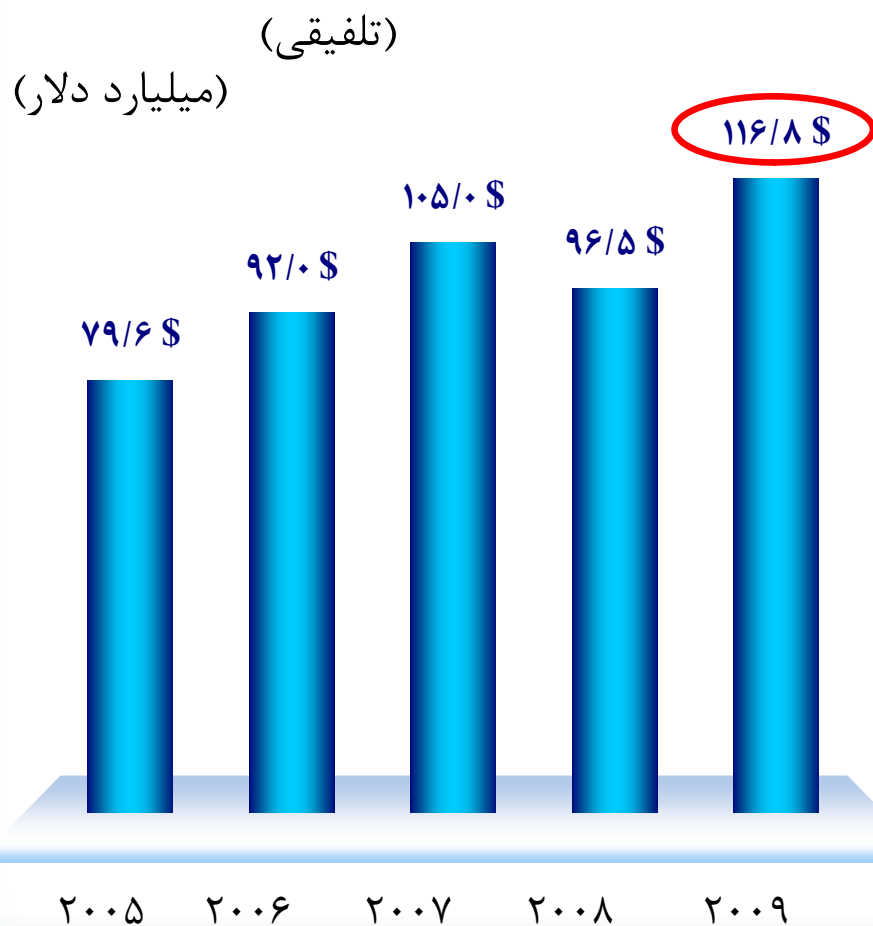
نیمه هادی ها

نمایشگرهای
LCD

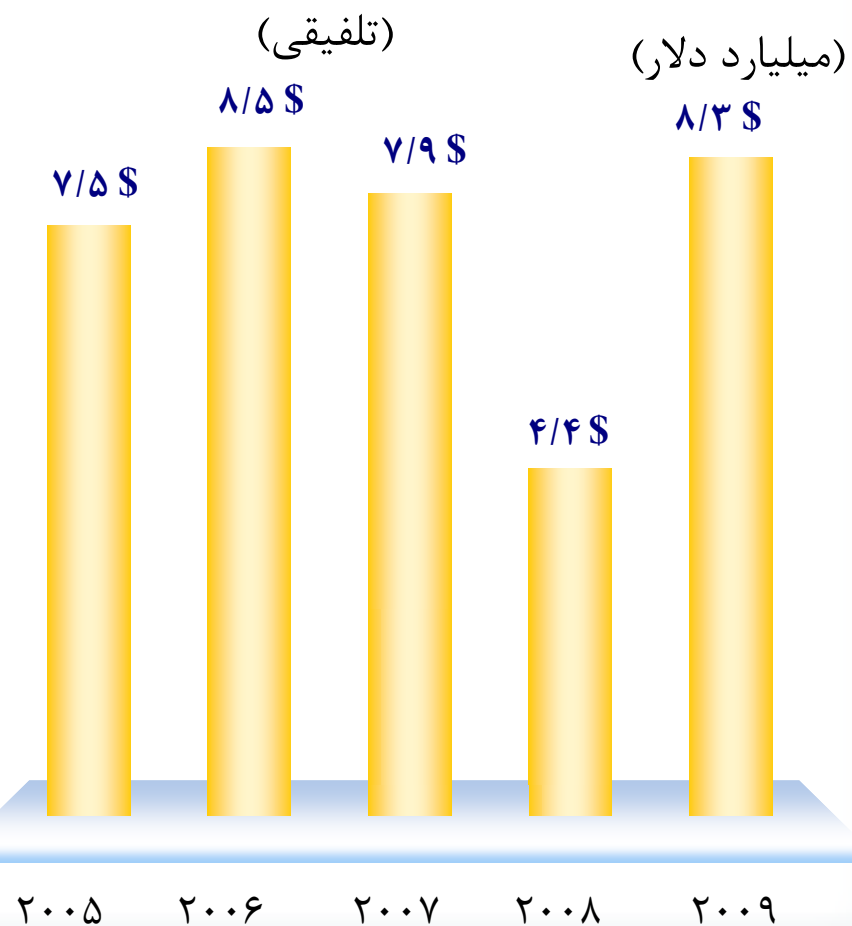
تصویربرداری های
دیجیتال



درآمدها



سود خالص



* نرخ تبدیل وون کره به دلار در آخر هر سال محاسبه گردیده است.

شمای کلی اقتصاد کره



کمیسیون اقتصاد کلان

تشریک مساعی سامسونگ در اقتصاد ملی



		۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷
اشتغال (هزار تن)	کل کشور	۱۰,۷۲۵	۱۰,۶۵۸	۱۰,۱۸۰
	سهام سامسونگ (بر حسب درصد)	۸۵ (۰/۸)	۸۴ (۰/۸)	۸۵ (۰/۸)
صادرات (میلیارد دلار)	کل کشور	۳۶۳/۵	۴۲۲	۳۷۱/۵
	سهام سامسونگ (بر حسب درصد)	۵۹/۳ (۱۴/۱)	۵۴/۷ (۱۳/۰)	۵۵/۰ (۱۴/۸)
سرمایه گذاری (تریلیون وون)	کل کشور	۸۸۲	۵۷۷	۹۵۲
	سهام سامسونگ (بر حسب درصد)	۱۱۸ (۱۳/۴)	۶۶ (۱۱/۴)	۸۲ (۸/۶)

درآمدهای مالیاتی کشور



کمیسیون اقتصاد کلان

سامسونگ بیش از دو درصد درآمدهای مالیاتی کشور را می پردازد

(تریلیون وون)

	۲۰۰۹		۲۰۰۸		۲۰۰۷		۲۰۰۶	
	درآمد مالیاتی کشور	سامسونگ	درآمد مالیاتی کشور	سامسونگ	درآمد مالیاتی کشور	سامسونگ	درآمد مالیاتی کشور	سامسونگ
کل مالیات	۱۶۵	۳/۲	۱۶۷	۳/۸	۱۶۲	۳/۲	۱۳۸	۲/۷
(%)		۲		۲/۳		۲		۲
مالیات شرکتها	۳۵/۳	۰/۵	۳۹/۱	۱/۱	۳۵/۴	۱	۲۹/۴	۰/۶
(%)		۱/۴		۲/۷		۲/۷		۲
مالیات ارزش افزوده	۴۷	۱/۴	۴۳/۸	۱/۵	۴۰/۹	۱/۳	۳۸/۱	۱/۲
(%)		۳		۳/۵		۳/۲		۳/۱



۸-۲- توسعه و پیشرفت

- نتایج تلاشهای مستمر ، خالصانه ، ممارست ، ابقاء و ثبات نهادها ، حرکت منسجم مبتنی بر برنامه‌ها و راهبردهای تدوین شده مبتنی بر **عقل جمعی**، نهایتاً نتایج رضایت بخش را می‌تواند به دنبال داشته باشد.
- همانگونه که در صفحه ۲۱۵ مشاهده می‌فرمائید، فقر شدید از سطحی بسیار بالا و در بستر زمان و تلاشهای صورت پذیرفته به میزان قابل توجه ای کاهش می‌یابد. آیا این خود مشخصه‌ای از عدالت اجتماعی نمی‌تواند باشد؟
 - یا به عهده گرفتن نقش فعالانه توسط دولت کشور کره در ریسک تحقیق و توسعه (R&D) صفحات ۲۱۷-۲۱۶ ، فن‌آوری و معالماً توانمند نمودن بخش خصوصی در این امور، نتایج درخشان را برای جامعه خود حاصل می‌نمایند.
 - نتیجه چنین نگرشهایی را حتی در امر کشاورزی نیز شاهد می‌باشند. مشاهده نمودار صفحه ۲۱۸، گویای این واقعیت است که عملکرد محصول در هکتار خود را نیز رشد داده اند.
 - یا مشاهده می‌شود که علی‌رغم نداشتن زمین کافی، منطبق با جدول صفحه ۲۱۹ میزان صادرات محصولات کشاورزی آنان از کشورما نیز بیشتر می‌باشد.
 - جدول صفحه ۲۲۰ نیز نشان می‌دهد که ارزش صادرات کالاهای دارای فن‌آوری پیشرفته نیز هر سال افزایشی بوده و رتبه قابل قبولی را در این زمینه در اقتصاد جهانی کسب نموده اند.
- در مقابل در صفحات ۲۲۱ الی ۲۲۳ مشاهده می‌گردد که فاصله ارزش هر تن کالای وارداتی به کشورمان، از هر تن کالای صادراتی کشورمان، بیشتر می‌گردد که این امر می‌تواند تفسیر عدم فن‌آوری در فرآیندهای تولیدی ما و یا صدور مواد خام فن‌آوری نشده باشد . آیا فرصتهای طلایی را از دست نداده ایم؟

مبانی تعامل دولت و بخش خصوصی بر چه نگرشهایی استوار بوده؟

• دولت شاید تنها کارگزار اقتصادی باشد که **قادر به ابتکار عمل** برای توسعه بنگاه ها در کشورهای در حال توسعه است.

• دولت باید چشم انداز بلندمدت برای توسعه صنعتی و معرفی راهبردهای گام به گام برای ریشه گرفتن SME ها و ایجاد تقاضا برای آنان با ایجاد بنگاه های بزرگ مقیاس **در زمین غیر حاصلخیز فعالیت اقتصادی** را بر عهده گیرد.

• از آنجا که SME ها نسبت به تغییرات محیطی آسیب پذیرند، دولت موظف است که در خطرات و عدم اطمینان هایی که SME ها در مرحله نوزادیشان با آن روبرو هستند شریک گردد.

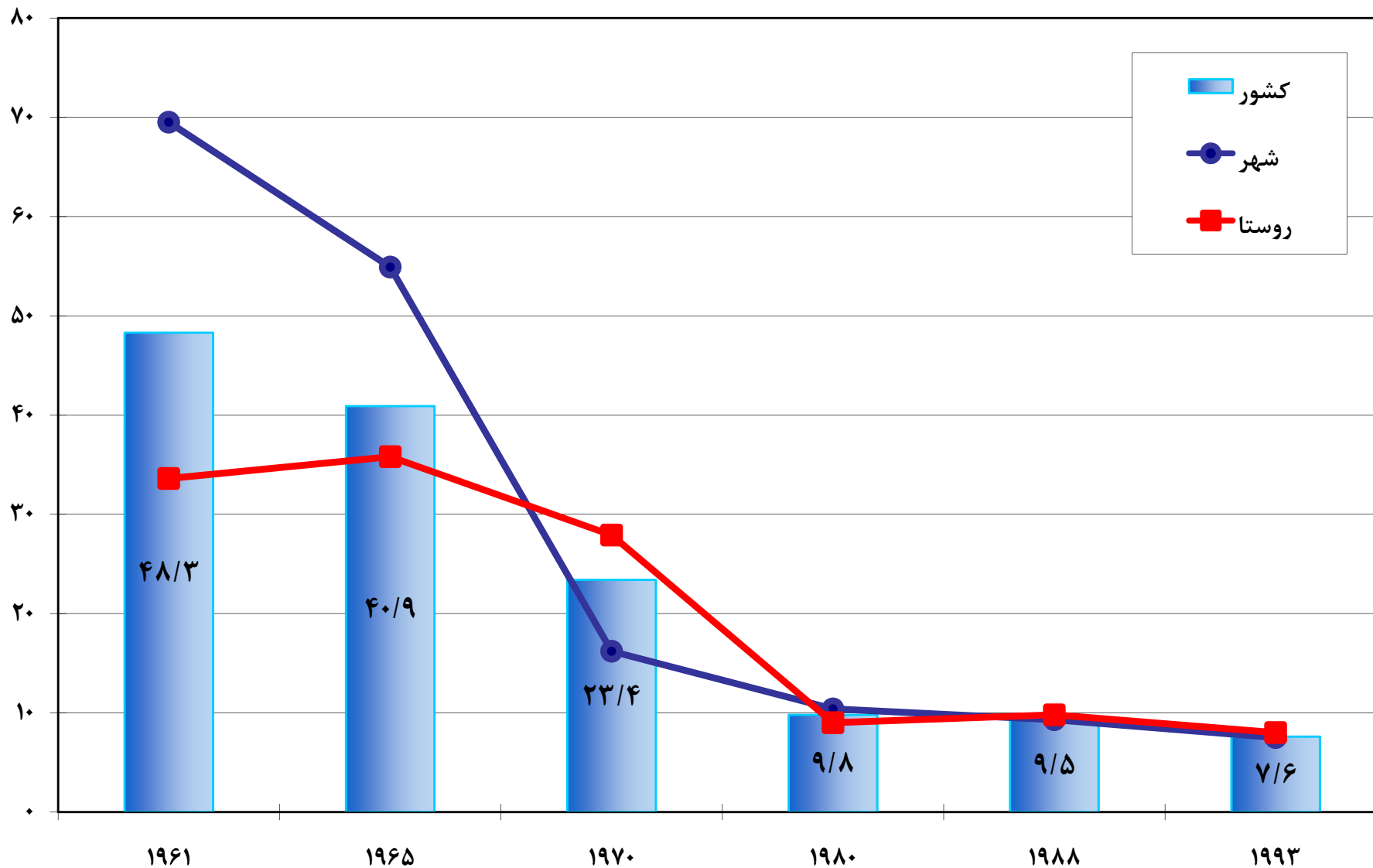
• با در نظر گرفتن محدودیت های جدی برای توسعه SME ها در کشورهای در حال توسعه، حمایت از SME ها نیازمند به اجرا گذاشتن اصل **"انتخاب و تمرکز"** است.

• هنگامیکه شتاب برای زایش و رشد شرکت ها فراهم می شود، شرکت ها می توانند خودشان از طریق رقابت، رشد و توسعه یابند و در این مرحله دولت به سرعت باید از نقش پدران خود عقب نشینی کند.

❖ برای تحقق بخشیدن به هدف NDS* و رشد پایدار، توسعه صنایع و SME ها باید در دستور کار سیاست های دولت در اولویت بالا قرار بگیرد.

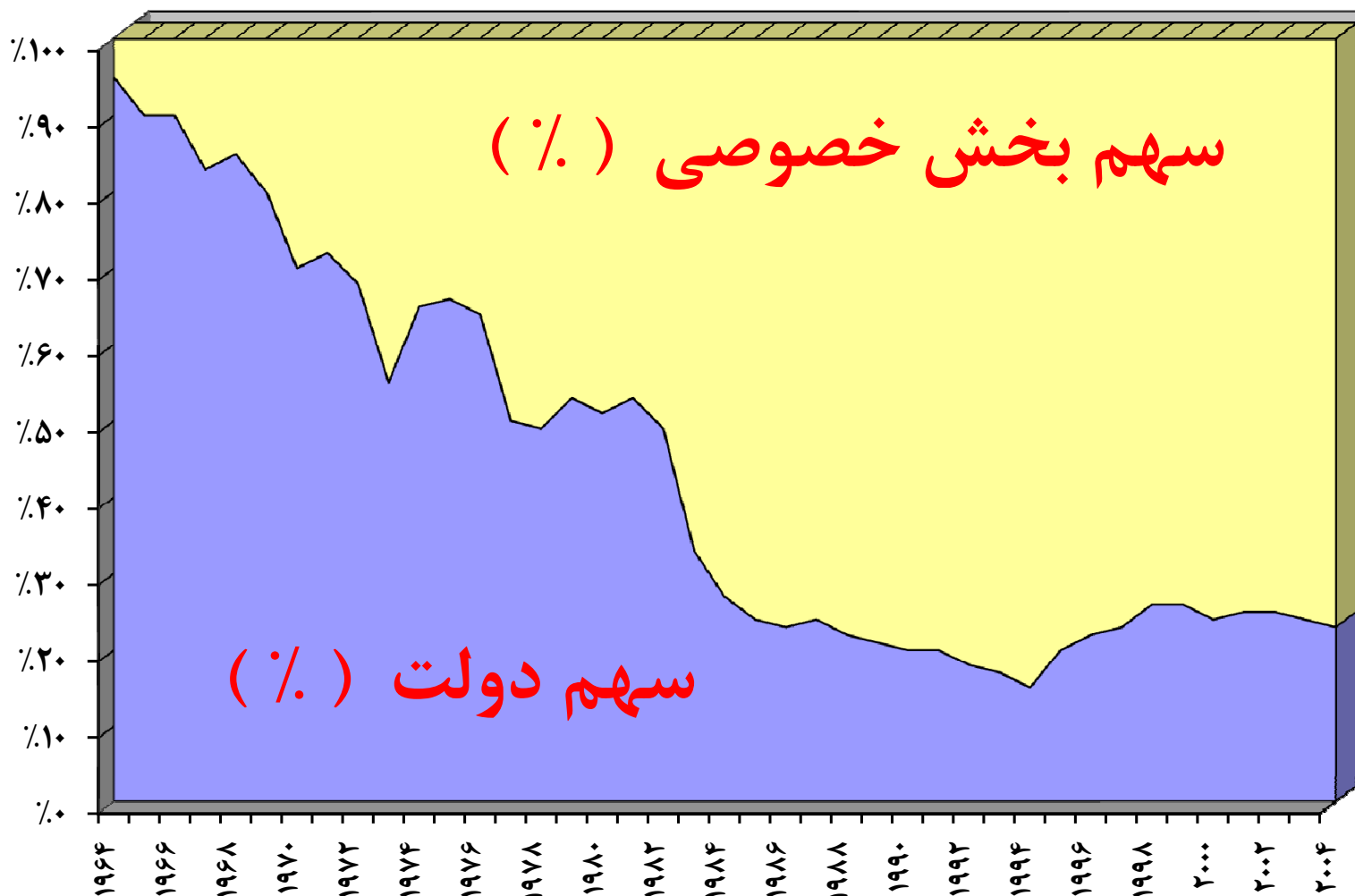
❖ توسعه SME ها و صنایع ممکن است به راهبرد جامع با ابتکار عمل قوی دولت در مراحل اولیه نیاز داشته باشد.

تحول کاهش فقر در کره جنوبی بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۹۳



رشد سرمایه گذاری کره جنوبی در امر تحقیق و توسعه (R&D) توسط دولت و بخش خصوصی

تمرکز بر بازار



Source: MEST (www.mest.go.kr)

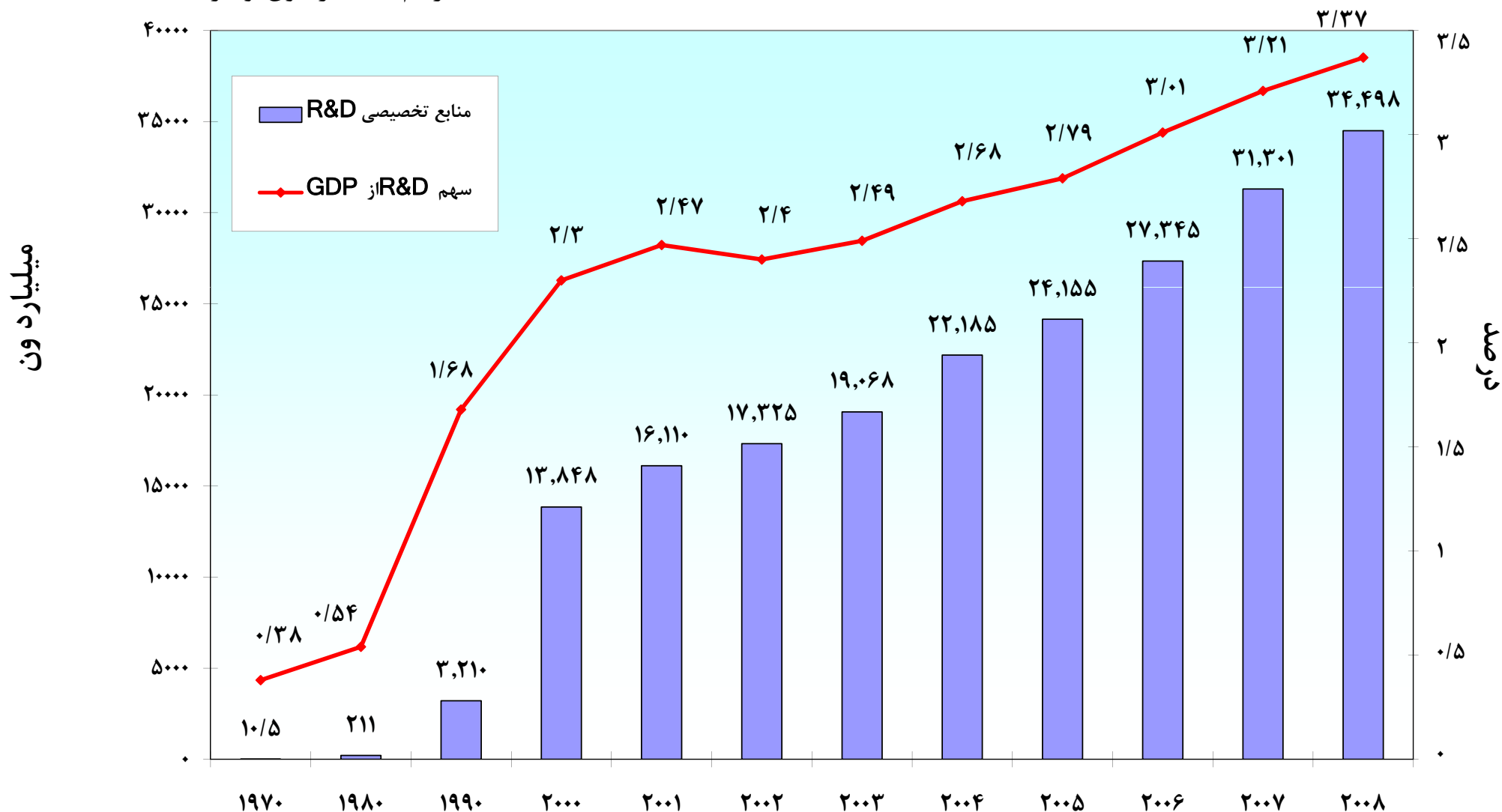
منبع: بانک مرکزی کره جنوبی
مأخذ:

YONGSUK JANG (Ph.D.), Capacity Building for National/Regional Innovation in LAC Countries, Science and Technology Policy Institute, Panama City 17.11.2011

تحول منابع تخصیص یافته برای تحقیق و توسعه (R&D) و سهم آن از تولید ناخالص داخلی (GDP)

در کشور کره جنوبی طی سالهای ۱۹۷۰-۲۰۰۸

ارقام : میلیارد ون و درصد

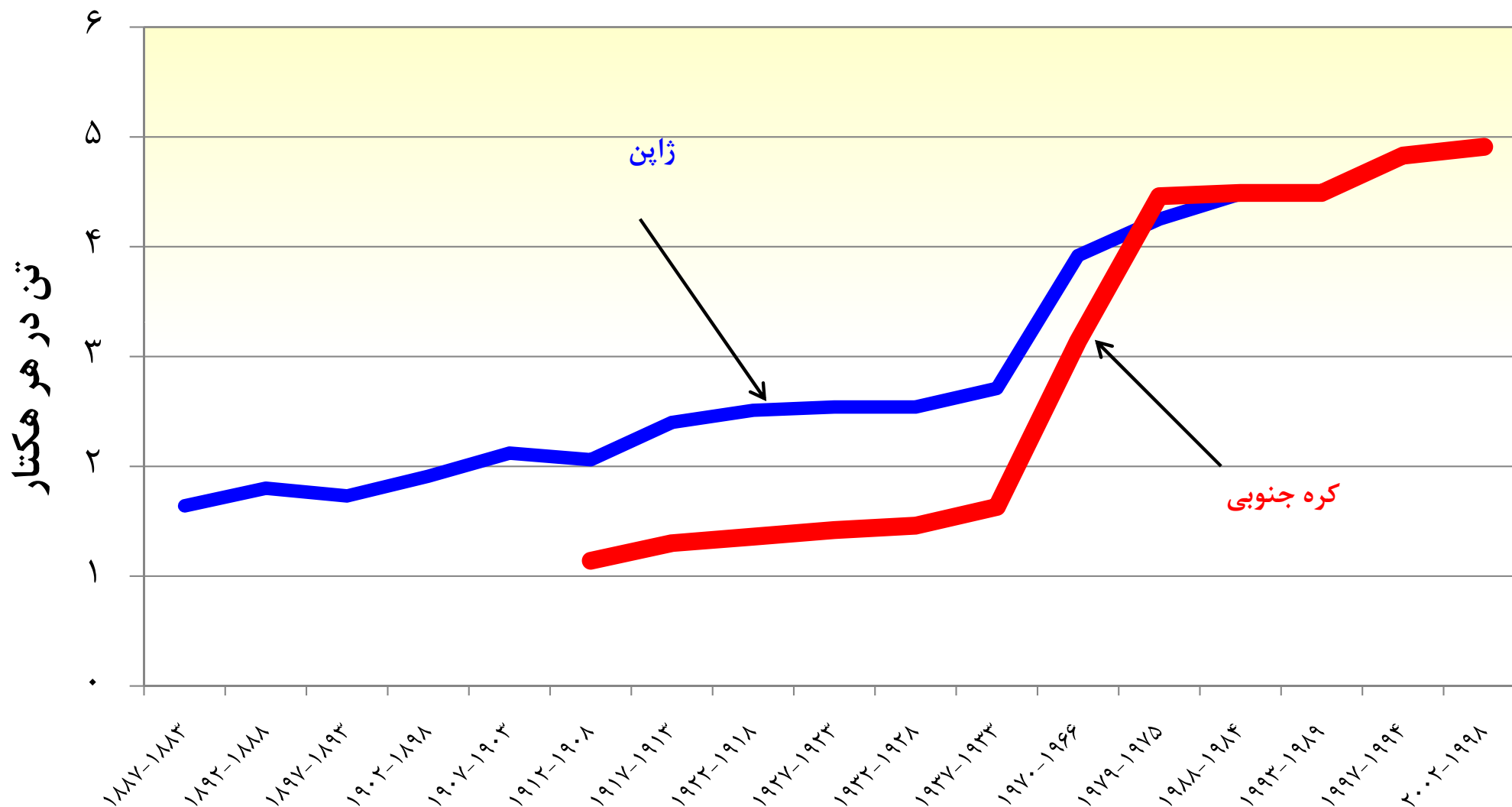


<http://mest.go.kr>

مأخذ : وزارت آموزش ، علوم و فن آوری کره جنوبی



تحول عملکرد در هر هکتار تولید برنج در کشورهای منتخب



رند مقایسه ای برخی از فاکتورها در بخش کشاورزی در کشورهای منتخب

ارقام واردات و صادرات : میلیارد دلار
 ارقام جمعیت : هزار تن

فلسطین اشغالی	مالزی	کره جنوبی	ترکیه	ایران	چین	برزیل	شرح	
۷,۰۵۱	۲۷,۰۱۴	۴۸,۱۵۲	۷۳,۹۱۴	۷۳,۳۱۲	۱,۳۴۴,۹۱۹	۱۹۱,۹۷۲	جمعیت (سال ۲۰۰۸) ^(۱)	
۱۳۲	۳,۵۱۸	۲,۵۱۱	۱۵,۵۱۲	۱۶,۴۴۱	۸۳۳,۹۰۶	۲۲,۴۰۶	جمعیت کشاورز (سال ۲۰۰۸) ^(۱)	
۲۲۵	۳۶۵	۸۳۲	۵,۲۱۵	۶,۳۵۰ ^(۳)	۶۴,۱۴۱	۴,۵۰۰	زمین های تجهیز شده برای زراعت آبی (سال ۲۰۰۸) برحسب هزار هکتار ^(۲)	
۲/۱	۲۷/۸	۷/۶	۱۱/۲	۴/۶	۴۲/۲	۶۱.۴	سال ۲۰۰۸	صادرات محصولات کشاورزی ^(۴)
۲	۲۰/۸	۷/۱	۱۰/۹	۳/۸	۴۰/۸	۵۷/۶	سال ۲۰۰۹	
۲/۳	۲۸/۸	۹/۴	۱۲/۳	۴/۹	۵۱/۶	۶۸/۶	سال ۲۰۱۰	
۵	۱۳/۳	۲۶/۳	۱۳	۷/۸	۸۶/۸	۹/۶	سال ۲۰۰۸	واردات محصولات کشاورزی ^(۵)
۴/۱	۱۲/۳	۲۱	۹/۶	۱۰/۲	۷۶/۶	۸/۲	سال ۲۰۰۹	
۵	۱۶	۲۶/۶	۱۲/۸	۹/۴	۱۰۸/۲	۱۰/۷	سال ۲۰۱۰	

ماخذ: (۱) سازمان خواروبار جهانی (FAO)، سالنامه آماری سال ۲۰۱۰، جدول A.1

(۲) سازمان خواروبار جهانی (FAO)، سالنامه آماری سال ۲۰۱۰، جدول A.6

(۳) وزارت جهاد کشاورزی، آمار نامه سال زراعی ۱۳۸۹-۱۳۸۸، صفحه ۲۹

(۴) سازمان تجارت جهانی (WTO)، آمار تجارت بین المللی سال ۲۰۱۱، صفحه ۶۸

(۵) سازمان تجارت جهانی (WTO)، آمار تجارت بین المللی سال ۲۰۱۱، صفحه ۶۹

ارزش صادرات کالاهای دارای فن آوری پیشرفته (Hi-Tech)

در کشورهای منتخب سالهای ۲۰۱۰-۱۹۸۸

واحد: میلیارد دلار

کشور \ سال	برزیل	چین	هند	ایران	ژاپن	کره جنوبی	مالزی	ترکیه
۱۹۸۸	-	-	۰/۴۰	-	۶۰/۹۹	۸/۹۸	۳/۷۳	-
۱۹۸۹	۱/۱۷	-	۰/۵۱	-	۶۴/۹۰	۱۰/۲۹	۴/۶۸	۰/۱۳
۱۹۹۰	۱/۰۵	-	۰/۵۰	-	۶۶/۶۶	۱۰/۹۴	۶/۰۵	۰/۱۱
۱۹۹۱	۰/۹۰	-	۰/۶۰	-	۷۳/۲۱	۱۲/۸۷	۷/۹۵	۰/۰۹
۱۹۹۲	۱/۰۱	۴/۳۰	۰/۶۲	-	۷۸/۴۳	۱۴/۰۲	۱۰/۲۲	۰/۱۲
۱۹۹۳	۰/۹۰	۵/۲۵	۰/۷۰	-	۸۵/۰۲	۱۵/۴۵	۱۳/۵۰	۰/۱۵
۱۹۹۴	۱/۱۰	۸/۲۶	۰/۹۶	-	۹۶/۴۹	۲۰/۱۸	۱۹/۱۷	۰/۲۲
۱۹۹۵	۱/۲۱	۱۳/۰۶	۱/۳۵	-	۱۱۱/۸۴	۲۹/۷۹	۲۵/۴۱	۰/۱۹
۱۹۹۶	۱/۵۸	۱۵/۸۲	۱/۶۶	-	۱۰۱/۸۳	۲۷/۶۶	۲۶/۳۳	۰/۲۸
۱۹۹۷	۲/۱۲	۲۰/۴۸	۱/۶۹	-	۱۰۴/۹۹	۳۱/۵۰	۲۹/۵۰	۰/۴۲
۱۹۹۸	۲/۶۱	۲۴/۶۴	۱/۴۱	-	۹۵/۴۹	۳۰/۹۳	۳۱/۶۶	۰/۴۵
۱۹۹۹	۳/۳۹	۲۹/۶۰	۱/۶۸	۰/۰۱	۱۰۴/۶۵	۴۱/۳۸	۳۹/۹۹	۰/۸۷
۲۰۰۰	۵/۹۹	۴۱/۷۴	۲/۰۶	۰/۰۱	۱۲۸/۹۰	۵۴/۳۳	۴۷/۰۳	۱/۰۸
۲۰۰۱	۶/۰۶	۴۹/۴۱	۲/۲۹	۰/۰۳	۹۹/۴۶	۴۰/۳۶	۴۰/۹۳	۰/۹۹
۲۰۰۲	۵/۲۲	۶۹/۲۳	۲/۳۵	۰/۰۴	۹۵/۸۸	۴۶/۹۴	۴۳/۵۸	۰/۵۴
۲۰۰۳	۴/۵۱	۱۰۸/۶۷	۲/۷۱	۰/۰۵	۱۰۷/۰۸	۵۷/۴۶	۴۷/۳۷	۰/۷۶
۲۰۰۴	۵/۹۵	۱۶۳/۰۱	۳/۳۶	۰/۰۷	۱۲۶/۲۵	۷۶/۱۲	۵۳/۲۷	۱/۰۱
۲۰۰۵	۸/۰۳	۲۱۵/۹۳	۴/۱۴	۰/۱۳	۱۲۵/۴۵	۸۳/۹۱	۵۷/۷۰	۰/۸۸
۲۰۰۶	۸/۴۲	۲۷۳/۱۳	۴/۸۸	۰/۴۰	۱۲۹/۲۴	۹۳/۳۵	۶۳/۴۹	۱/۲۸
۲۰۰۷	۹/۰۸	۳۰۲/۷۷	۶/۰۰	-	۱۱۷/۸۶	۱۰۱/۰۳	۶۵/۲۲	۱/۶۴
۲۰۰۸	۱۰/۲۹	۳۴۰/۱۲	۷/۷۴	-	۱۱۹/۹۱	۱۰۰/۹۱	۴۲/۹۷	۱/۶۸
۲۰۰۹	۷/۹۰	۳۰۹/۶۰	۱۰/۷۳	-	۹۵/۱۶	۹۲/۸۶	۵۰/۹۷	۱/۳۶
۲۰۱۰	۸/۱۲	۴۰۶/۰۹	۱۰/۰۹	۰/۵۸	۱۲۲/۰۵	-	۵۹/۳۳	۱/۷۱

روند تحول ارزش هر تن کالای صادراتی و وارداتی به کشور به دلار

طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۹۰

جدول ۱ از ۲

سال	شرح												
	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	وزن (هزارتن)	
											ارزش (میلیون دلار)		
											متوسط ارزش (تن-دلار)		
											رشد سالیانه به درصد	صادرات غیر نفتی	
													وزن
													ارزش
											متوسط ارزش		
											وزن (هزارتن)	رشد سالیانه به درصد	واردات (CIF)
											ارزش (میلیون دلار)		
											متوسط ارزش (تن-دلار)		
											وزن		
											ارزش		
											متوسط ارزش		

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۰
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۹ (صفحات ۷۹-۷۴)
 ۳- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار مقدماتی سال ۱۳۹۰

روند تحول ارزش هر تن کالای صادراتی و وارداتی به کشور به دلار

طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۹۰

جدول ۲ از ۲

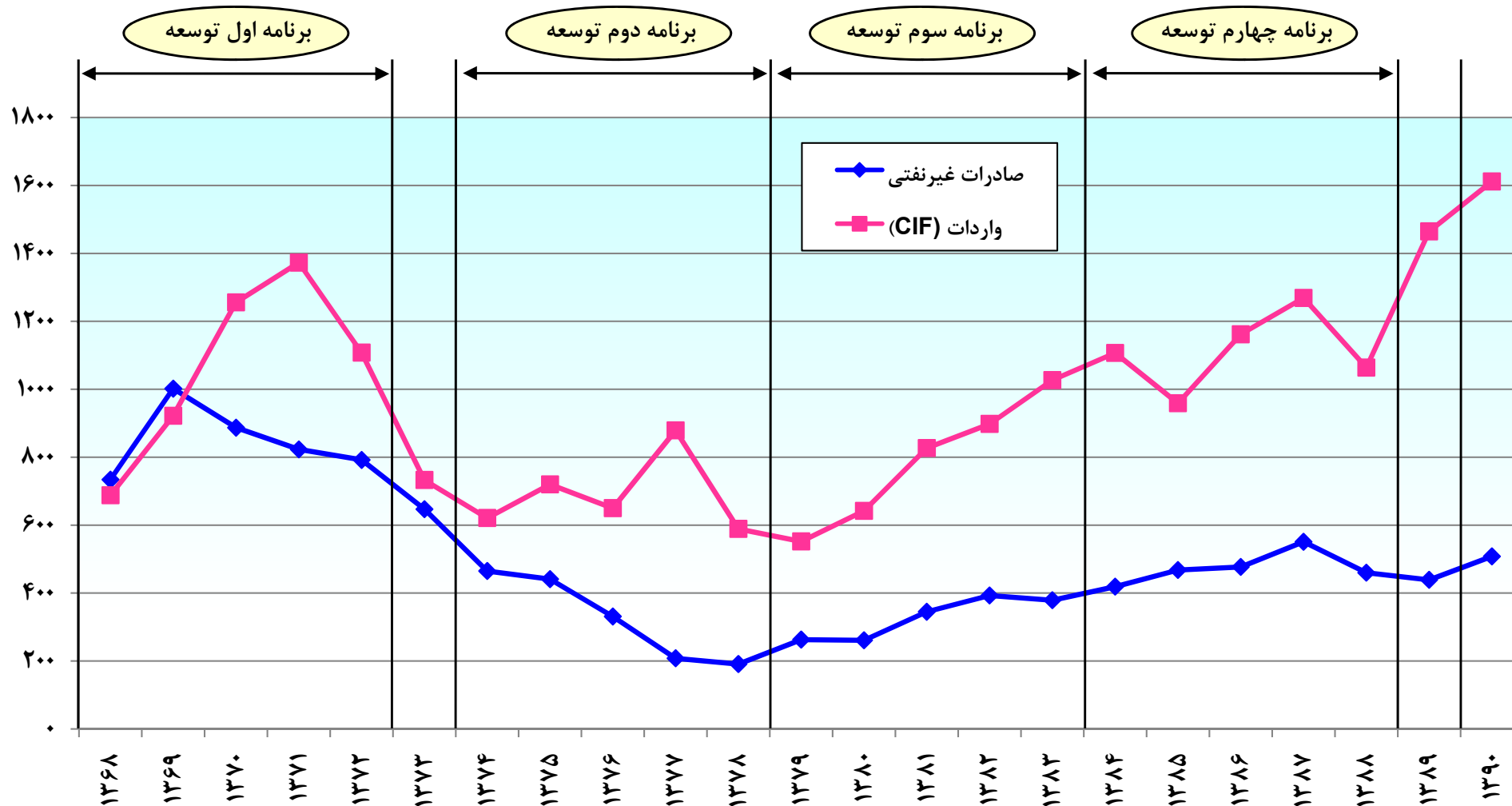
سال	شرح											
	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
صادرات غیر نفتی	وزن (هزارتن)											
	۱۴,۲۸۱	۱۶,۲۱۴	۱۳,۳۶۲	۱۴,۲۲۳	۱۸,۰۷۷	۲۴,۹۸۳	۲۷,۷۶۶	۳۲,۱۱۸	۳۳,۲۵۲	۴۷,۵۰۲	۵۹,۸۶۸	۶۶,۴۸۶
	۳,۷۶۳	۴,۲۲۴	۴,۶۰۸	۵,۵۹۲	۶,۸۴۷	۱۰,۴۷۴	۱۲,۹۹۷	۱۵,۳۱۲	۱۸,۳۳۴	۲۱,۸۹۱	۲۶,۳۲۷	۳۳,۷۸۱
متوسط ارزش (تن-دلار)												
۲۶۳	۲۶۱	۳۴۵	۳۹۳	۳۷۹	۴۱۹	۴۶۸	۴۷۷	۵۵۱	۴۶۰	۴۳۹	۵۰۸	
رشد سالانه به درصد	وزن											
	-۱۸/۷	۱۳/۵	-۱۷/۶	۸/۶	۲۷/۱	۳۸/۲	۱۱/۱	۱۵/۷	---	---	---	---
	۱۱/۹	۱۲/۳	۹/۱	۲۶/۵	۲۲/۴	۵۳	۲۴/۱	۱۷/۸	---	---	---	---
متوسط ارزش												
۳۷/۷	-۱	۳۲/۴	۱۶/۵	-۳/۶	۱۰/۷	۱۱/۶	۱/۹	---	---	---	---	
واردات (CIF)	وزن (هزارتن)											
	۲۵,۹۸۱	۲۷,۴۶۴	۲۶,۹۲۷	۲۹,۱۱۴	۳۴,۴۴۸	۳۵,۴۶۶	۴۳,۴۹۲	۴۱,۶۹۶	۴۴,۱۴۸	۵۱,۹۲۱	۴۵,۲۸۷	۳۸,۳۰۷
	۱۴,۳۴۷	۱۷,۶۲۷	۲۲,۲۷۵	۲۶,۱۵۸	۳۵,۳۸۹	۳۹,۲۴۸	۴۱,۷۲۳	۴۸,۴۳۹	۵۶,۰۴۲	۵۵,۲۸۷	۶۶,۳۶۴	۶۱,۷۸۶
متوسط ارزش (تن-دلار)												
۵۵۲	۶۴۲	۸۲۷	۸۹۸	۱,۰۲۷	۱,۱۰۷	۹۵۹	۱,۱۶۲	۱,۲۶۹	۱,۰۶۴	۱,۴۶۵	۱,۶۱۲	
رشد سالانه به درصد	وزن											
	۲۰/۶	۵/۷	-۲	۲۰/۹	۱۸/۳	۳	۲۲/۶	-۴/۱	---	---	---	---
	۱۳/۱	۲۲/۹	۲۶/۴	۲۳/۵	۳۵/۳	۱۰/۹	۶/۳	۱۶/۱	---	---	---	---
متوسط ارزش												
-۶/۳	۱۶/۳	۲۸/۹	۲/۱	۱۴/۴	۷/۷	-۱۳/۳	۲۱/۱	---	---	---	---	

۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۰
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۹ (صفحات ۷۹-۷۴)
 ۳- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار مقدماتی سال ۱۳۹۰

روند تحول ارزش متوسط هر تن کالای صادراتی و وارداتی به کشور به دلار

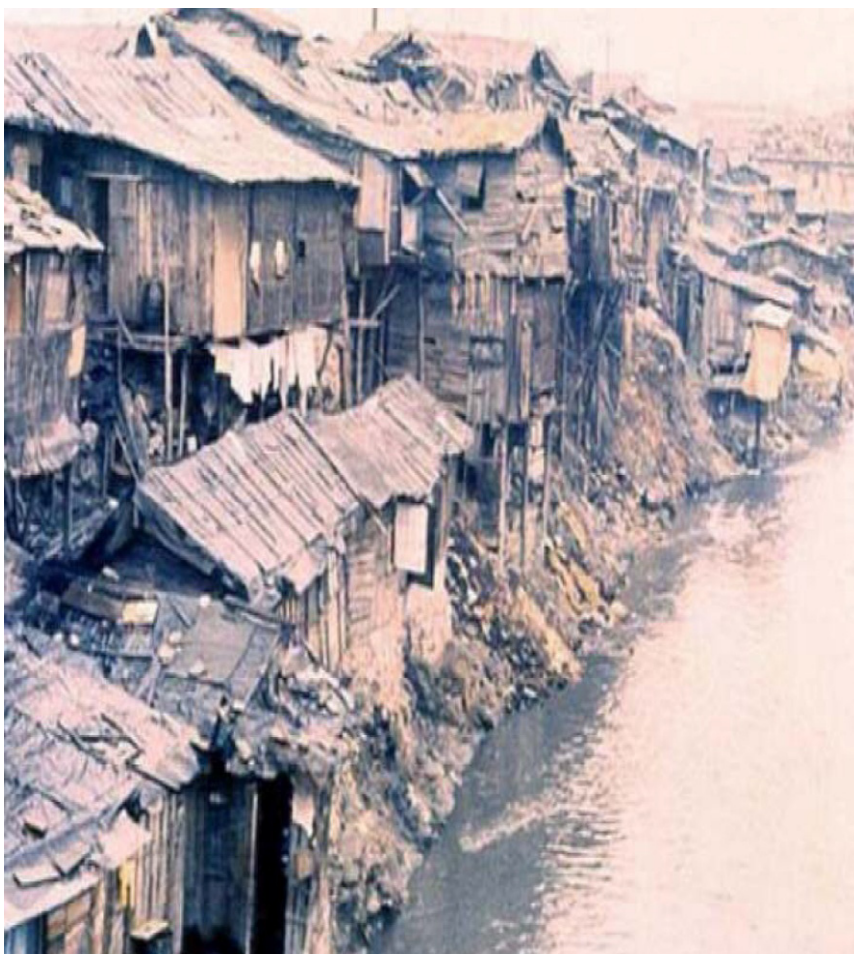
طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۹۰

واحد: تن-دلار



ماخذ: ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۱۳۷۰-۱۳۸۵
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۹ (صفحات ۷۹-۷۴)
 ۳- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار مقدماتی سال ۱۳۹۰

از کشوری نا امید به کشور مدرن صنعتی



نهر چونگ گای، شهر سئول (دهه ۱۹۵۰)



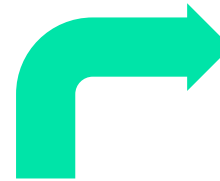
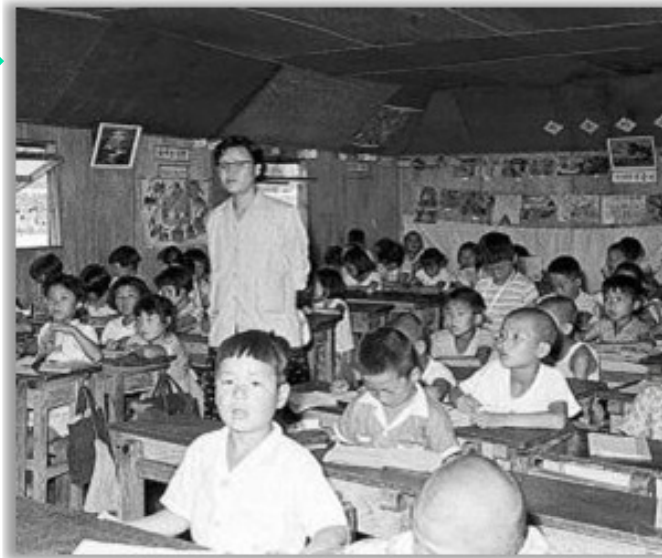
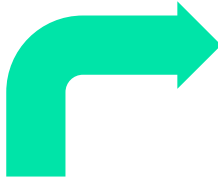
نهر چونگ گای، شهر سئول (دهه ۲۰۰۰)

تصویری از مفهوم توسعه ،

گسترش و تکامل آموزش در کره جنوبی



کمیسیون اقتصاد کلان





۳- فصل سوم:

امیدهای پیش رو



« قصیده ۲۰۰۰ »

ما از این قرن نخواهیم گذشت
 ما از این قرن نخواهیم گریخت
 با قطاری که کسانِ دگری ساخته اند
 هیچ پروازی نیست
 برساند ما را به قطار " دو هزار "
 و به قرن دگران
 مگر انگیزه و عشق
 مگر اندیشه و علم
 مگر آئینه و صلح
 و تقلا و تلاش
 قرن‌ها گرچه طلبکار جهانیم
 ولی
 ما در این قرن بدهکار جهانیم
 چه باید بکنیم؟

برداشت و تلخیص از « قصیده ۲۰۰۰ »
 زنده یاد دکتر مجتبی کاشانی

راز و اسرار جهان
 کشف می شد یک روز
 ما نبینیم کسی می بیند
 ما نفهمیم کسی می فهمد
 هیچکس منتظر مهلت خمیازه ما نیست
 گلم
 هیچکس منتظر خواب تو نیست
 که به پایان برسد
 لحظه ها می آیند
 سالها می گذرند
 و تو در قرن خودت می خوابی
 قرن آدمها هر لحظه تفاوت دارند
 قرن‌ها ، گاه ، کوتاهتر از ده سال اند
 گاه ، صدها سال اند
 قرن‌ها می گذرند
 و تو در قرن خودت می مانی



" داستان اقتصاد ایران ، داستان **تلاش** پر مشقت مردمان این سرزمین و بازدهی **محدود** این تلاشها است. همه ما، بارها و بارها به این نکته اندیشیده ایم که چرا به رغم این همه گفتگو و به رغم این همه تلاش و زحمت، هنوز توان آن را نداریم که برای فرزندان این مرز و بوم شغل مناسب، درآمد مطلوب، زندگی آسوده، احساس امنیت اقتصادی و آینده نسبتاً مطمئنی را فراهم آوریم. به راستی همین نگرانیها است که تفکر و اندیشه ما در باب اقتصاد کشور را به خود مشغول داشته و ما را بر آن می دارد که به رغم همه مشکلات و **ناملايمات**، باز هم درخند توان خود، هر کوره راهی را بیمائیم به این **امید** که **راه رستگاری** اقتصادی جامعه خود را بیابیم. و پرسش بزرگ آن است که **آیا خواهیم آموخت؟** در این مسیر همیشه گفته ایم که جامعه ما دولت سالار است، که جامعه ما دارای دستگاه اداری ناکار است، که سازمانهای لازم برای تشکیل سرمایه انسانی در جامعه شکل نگرفته و یا نهادینه نشده، که **برخوردهای جامعه جهانی با ما ظالمانه بوده**، که مسئولان ما منافع شخصی خود را بر منافع اجتماعی ترجیح داده اند، که بسترهای حرکت اقتصادی ناسالم بوده است و هست، که صاحبان سرمایه در چنین بسترهای ناسالمی به دنبال سودهای آنی و درآمدهای **بادآورده** بوده اند، که سرمایه کشور راه خروج به دنیای خارج را خوب شناخته، که مغزهای خلاق جامعه پس از پرورش یا از جامعه رانده شده و یا خود به دیار دیگری رفته اند، که کارها را به **کاردان** نسپردیم، که به **علم و فن دل** نداده ایم ، که به انسانیت انسان و هویت یگانه او باور نداشته ایم ، که ... آیا این همه کافی نیست ؟ آیا هریک از این پدیده های **غیر عینی** ولی دارای **واقعیت** دردناک، سهمناکتر از دیوان اساطیری شاهنامه حکیم فرزانه توس نیستند؟ و آیا باید رستمی را یافت که هفت خوان شاهنامه بگذرد و با دیو سیاه بحران و رکود اقتصادی، بیکاری، تورم، فقر و محرومیت مردمی مبارزه کند و این **دیو** را در دماوند عظیم به بند کشد ؟ " (۱۳۳)

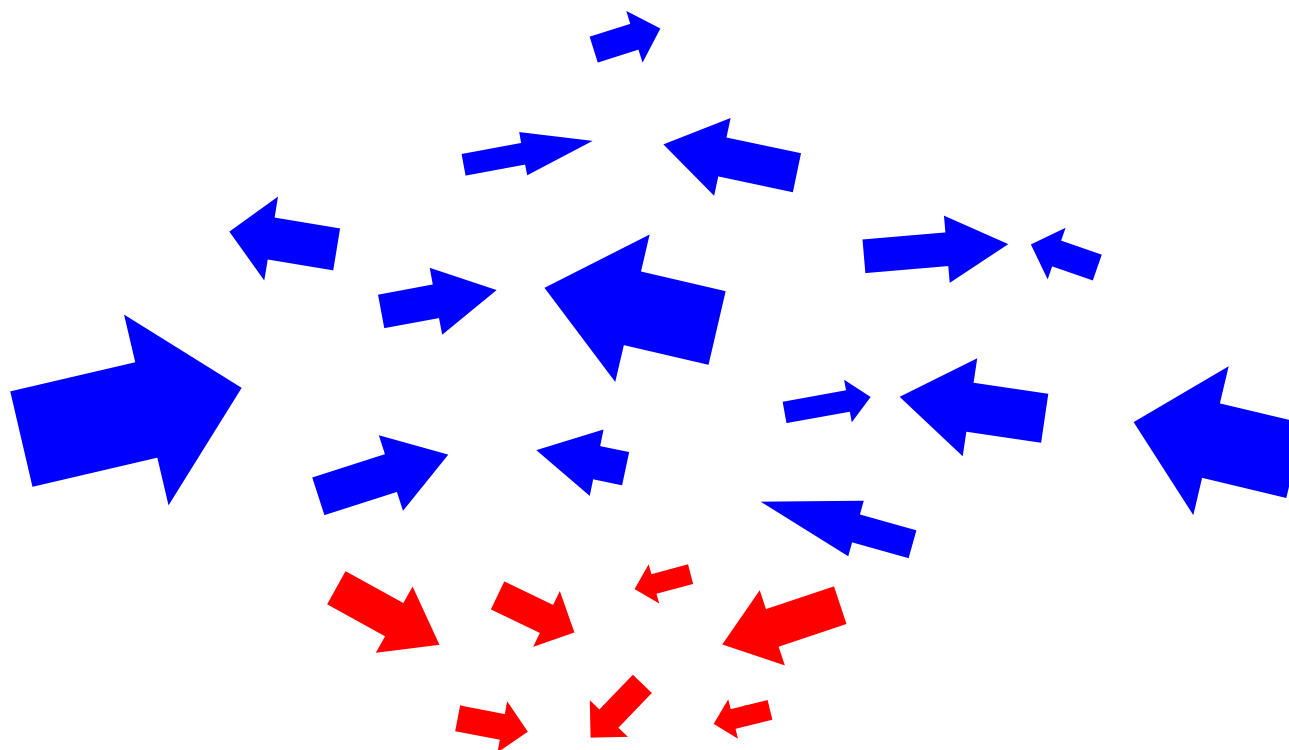
در صفحات قبلی این گزارش تنها برخی از اشتباهات و غفلتها و فرصتهای از دست رفته و در حد امکان با مصادیق و مستندات در دسترس مطالعه کنندگان قرار گرفت. منابع عظیم صرف شده در اقتصاد و کسب بازدهی هایی که در تناسب با آن منابع نبوده و جامعه ما را گرفتار مشکلات و محدودیتهای متعدد نموده است. پس از انقلاب مشروطه، کشورمان در چند بازه زمانی فرصت های جهش به سمت توسعه را پیدا نمود، لیکن نتوانستیم از این فرصتها به نحو احسن استفاده نمائیم. " بنابراین تجربه نیم قرن اخیر ایران نشان می دهد که ما نیز فرآیند توسعه را شروع کردیم. در دوره ای باز سازی شدید نهادهای اقتصادی را دنبال کردیم - تا سال ۵۰ و ۵۱ - و سرمایه گذاری زیر بنائی نمودیم ، و در دوره ای مصرف انبوه را پیشه کردیم ۵۱ تا ۵۶. گرچه هیچ کدام از این دوره ها توسعه کامل **نیستند** ولی به هر حال **مراحل** از آن اند . در دوران انقلاب یک بریدگی پیدا کردیم و وارد ساختار سازی جهت جامعه آرمانی شدیم . ولی قبل از اینکه آن را به جایی برسانیم ، مسئله جنگ پیش آمد. در نتیجه ، آن را **متوقف** کردیم. در سال ۶۷ که جنگ به پایان رسید وارد دوره جدیدی شدیم ؛ یعنی در سال های ۷۳ - ۱۳۶۸ از نظر اندیشه ای تقریباً وارد دوره ای **مشابه** دوران ۵۱ - ۱۳۴۰ شدیم و این **اعتقاد** را پیدا کردیم که **می توان** با سرمایه گذاری وسیع در امر **جاده سازی** ، **سد سازی** ، **کارخانه سازی** و **توسعه** یافت . باز هم متوجه این نکته **نبودیم** که اگر این پدیده ها ، هماهنگ با سایر زمینه ها پیش نرود ، **بحران** ایجاد می کند که البته آن بحرانها ایجاد شد . از سال ۱۳۷۳ به بعد هم دست و پا می زنیم و **کار خاصی** نکرده ایم پس با نگاهی واقع گرایانه به نیم قرن توسعه ایران به این نتیجه می رسیم که جامعه ما ، **نه کاملاً توسعه پیدا کرده و نه درجا زده است** " (۱۳۴).

درمیانه نبود راهبردهای توسعه ای ، تصمیم گیریهای شخصی ، اثر گذاری گروه های وابسته به منافع خاص وابسته به قومی گرایی و قبیله گرایی و ، بسیاری از اقدامات مناسب توسط جوانان فداکار در رده های میانی دیوانسالاری کشور صورت پذیرفته که حتی ناظرین مستقل خارجی نیز آن را گواهی داده اند .

" ما از ابتدای کار این **گروه** (منظور برنامه ریزان تحصیلکرده در داخل کشور) در سازمان برنامه ، تحت تاثیر قابلیت های برخی از **آنان** قرار گرفتیم و همین طور **از موانعی** که راه فعالیت های آنان را **سد می کرد** ، متعجب شدیم. از آن جا که **آنان در ایران ریشه داشتند**، معرف روح کشوری بودند که به جز از طریق آنان ، هرگز با آن آشنا نمی شدیم . آرمانی جلوه دادن **حیات ملی** و **آینده کشور** در وجود **این جوانان تجسم** می یابد . اگر در بین روشنفکران کسانی باشند که به غیر از دل مشغولی به هدف های شخصی ، **روحیه ایثار و فداکاری** برای یک **هدف ملی** داشته باشند ، به احتمال زیاد آنان را باید **درهمین گروه** جستجو کرد .
علائق طبقاتی و تعلق خاطر به خارج از کشور ، با تاثیرات آشفته کننده خود تصورات آنان را به هم نریخته است. مهمترین محدودیت این بود که **فقدان روابط اجتماعی سودمند** و اگر نه ضروری، **سدی** در برابر کار آنان بود. آنان به **گروه خانواده های حاکم تعلق نداشتند** " (۱۳۵).

از همین رو اگر بر اساس **انصاف** قضاوت نمائیم در طول چندین دهه گذشته برآیند اقدامات - این کارشناسان جوانمرد و گاهی گمنام و متعهد به آرمانها و منافع ملی کشور- با جهت گیری مثبت از اقدامات با جهت گیری منفی **بیشتر** بوده، لیکن به دلیل نبود یک مرکز فرماندهی منسجم، متشکل از نخبگان، با اثرات **خنثی** کننده مواجه می‌باشیم.

تفوق جهت گیری مثبت اقدامات انجام شده در کشور



" به عبارت دیگر ، ما در ایران و پیش روی خود ، هم **مشکلات بزرگ** داریم و هم **امکانات عظیم** " (۱۳۶) . با توسعه شبکه های مجازی که میلیاردها بیت اطلاعات، تحلیل، تجارب اجرائی و راههای پیموده شده سایر ملل، درکسری از ثانیه، در اختیار هر کاربری قرار می گیرد، میتوان امید داشت که با برهم قراردادن داده ها توسط نخبگان جامعه، در راههایی برای برون رفت از موانع حادث شده و دستیابی به توسعه و پیشرفت که در شأن و مقام کشورمان در جامعه جهانی باشد، گام برداشت. مجدداً خاطر مطالعه کنندگان این گزارش را به محتوای پانویسهای شماره ۱۲۰-۱۱۸ و دلایل تجربی دیگران جلب می نمائیم که برای توسعه، پس از انقلاب تغییر بنیادی ساختارهای اقتصادی صورت نپذیرفت. اکنون که " ما جامعه ای تحصیلکرده داریم ، جامعه ای آگاه داریم، جامعه ای داریم که در دوران حوادث، بخصوص در این دو دهه اخیر بسیار آبدیده شده و امید هست که انشاءاله بتوانیم با استفاده از تحلیل های **علمی** ، به اصلاح الگوی توسعه دست بزنیم و از ظرفیت هایمان به نحو بسیار **معقول تری** استفاده کنیم و آینده بهتری برای فرزندانمان ایجاد کنیم " (۱۳۷) و شرایط ظالمانه تحمیلی نظامهای سلطه، به نظر می رسد شرایط حاضر نقطه مطلوب دیگری را همانگونه، که اقتصاددان شهیر اقتصاد توسعه ، بنیامین هیگینز مطرح نمود و در صفحه ۲۳۶ مشاهده می فرمائید، برای پیشرفت در اختیار کشورمان قرار گرفته، می بایست استفاده نمائیم و اجازه ندهیم چند نسل دیگر فرصت از دست برود .

مطمئناً قادریم با تجارت عملی و علمی حاصل از عملکرد موفقیت آمیز برخی از کشورها و موهبت های موجود داخل کشور، قادرمند گردیم که با سرعت بیشتر و گامهای مطمئن، عقب مانده گیها را جبران نمائیم. از این رو کمیسیون اقتصاد کلان پیشنهاد خود را در اردیبهشت ۱۳۹۱ برای شروع بحث و بررسی ارائه داد و هنوز اعتقاد دارد که این پیشنهاد میتواند پس از صیقل خوردن حاصل از نظرات اندیشمندان و نخبگان جامعه و با اجماع و تفاهم مبتنی بر مباحث استوار بر **خرد و تدبیر**، راهگشای دست یابی به راه حل های عقلی و علمی گردد.

۱۳۶- حسین عظیمی آرانی ، ایران امروز در آئینه مباحث توسعه ، نشر فرهنگ اسلامی ، سال ۱۳۸۳ ، صفحه ۵۳

۱۳۷- حسین عظیمی آرانی ، همان ، صفحه ۸۵

در دهه‌های اخیر عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نداشتن برنامه منسجم و مستحکم، که تحت تأثیر تغییر دولتها و مجالس کشور هر برنامه‌ای مواجه با تغییرات اساسی میشود و از مصداقها صندوق ذخیره ارزی، برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، صندوق توسعه ملی و اصلاحیه‌های مکرر و متعدد قانون پنجم توسعه را می‌توان نام برد، تنها گوشه‌ای از این معضل اساسی است لذا چه باید کرد سؤالی است که مرتب در برابرمان قرار داشته، اما باید قبول نمود که "به هنگام رویارویی با مشکلات اساسی، نمی‌توانیم از همان سطح تفکری که آن مشکلات را به وجود آوردیم، آنها را برطرف کنیم" (۱۳۸).

لذا اگر به دنبال تصحیح مسیر می‌باشیم، شایسته است تغییری بنیادین صورت داده و ساختار و یا نهادی متشکل از نخبگان و مستقل از دولتها و مجالس، هدایت به توسعه و پیشرفت واقعی را به عهده گیرد. این امر مسبوق به توصیه‌های مبتنی بر کارشناسی علمی قبلی نیز بوده است.

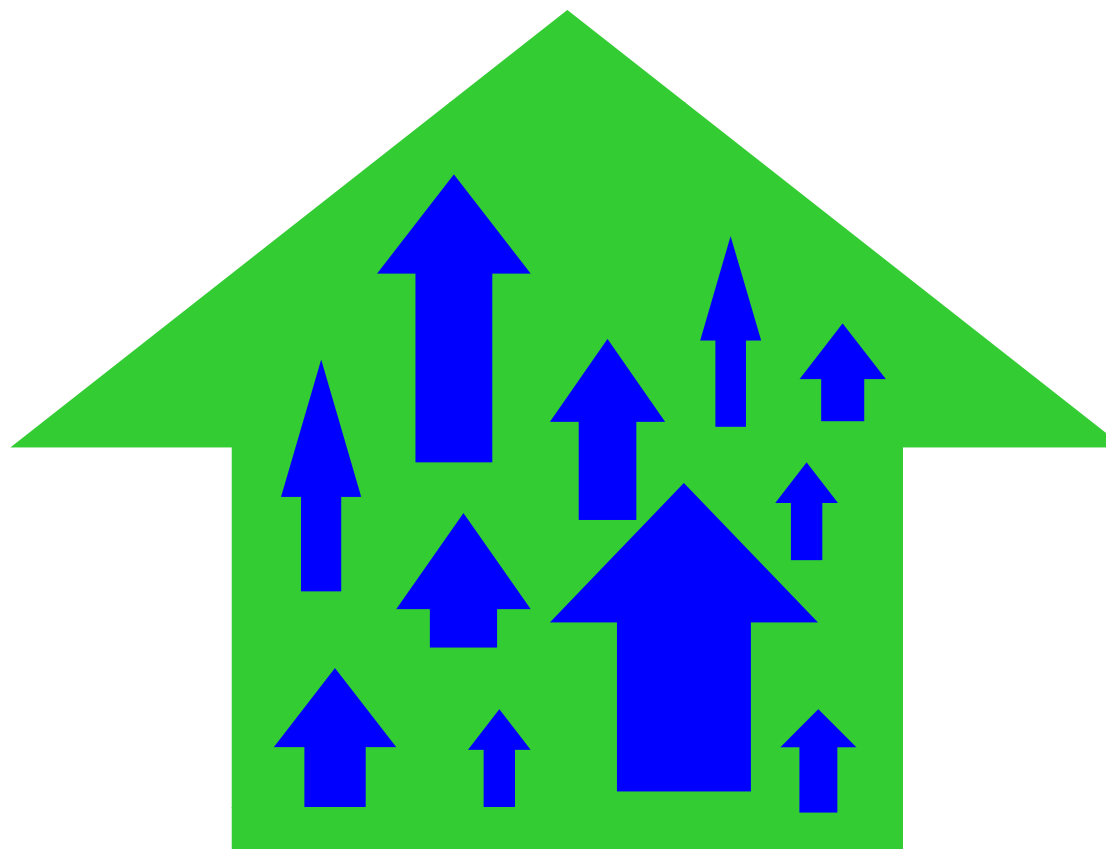
"بین برنامه ریزی اقتصادی و کوشش توسعه گرایانه، که روی یک برنامه سرمایه گذاری عمومی متمرکز است، تفاوت وجود دارد. دغدغه برنامه ریزی اقتصادی، تجزیه و تحلیل کلیت اقتصادی است که باید به کجا برود و چگونه به آنجا برسد؛ کم پیش می‌آید که برنامه ریزی اقتصادی متضمن [قبول] مسئولیت برای اجرای برنامه باشد که معمولاً به کادرهای وزارتخانه‌ها واگذاشته می‌شود. برنامه ریزی با چنین معنایی، [از سوئی] مستلزم درجه بالایی از همکاری و وفاق میان هم‌کارگزاران دولتی و نیز هم‌گروه‌های ذینفع خصوصی است و [از دیگرسو] مستلزم اعتمادی منطقی به توانمندی اجرائی وزارتخانه‌های دولتی است. در جایی که این شرطهای کلاسیک برنامه ریزی یا به طرز کمی رنگ برقرار باشد و یا اصلاً برقرار نباشند، حکومت چه بسا لازم باشد اقدام به تاسیس ارگانی ویژه جهت برنامه ریزی و اجرای برنامه توسعه خویش نماید که آن هم عمدتاً یا کاملاً مجزا از بقیه اجزای دولت باشد. یگانه هدف آن نیز عبارت است از «انجام کار تا آخر» (۱۳۹).

و تجارب کارشناسان داخلی نیز که سالها در کنکاش موانع توسعه، چه از نظر آکادمیک و چه از منظر مطالعات اجرایی بوده اند نیز گویای صحت تقریبی این مسیر است " کار برنامه ریزی در ایران کارمندی شده است . یعنی ما ، در تدوین برنامه های توسعه مان از تجربه واقعی و از علم واقعی به اندازه کافی و به صورت نهادی استفاده نمی کنیم . در حالی که مثلاً اگر بخواهیم در عرصه صنعت درست برنامه ریزی کنیم باید کمیسیونی به وجود آید و سپس برای عضویت در کمیسیون باید سراغ چند مدیر پر تجربه ، با سابقه و درگیر در کار صنعت رفت که شایستگی خود را نشان داده اند . کسانی که در مجتمع های بزرگ مدیر بوده و با مسائل آن آشنا هستند . از طرف دیگر باید در مجامع فکری جستجو کرد و چند نفر را که درباره صنعت ایران فکر کرده اند به عضویت این کمیسیون درآورد. همچنین باید برویم سراغ تشکیلات حرفه ای، کارفرمایی و کارگری . به این ترتیب شورایی تشکیل می شود که در آن هم تجربه است ، هم علم و هم تشکیلات موجود در جامعه . چنین سازمانی پس از تشکیل باید اختیار تصمیم گیری داشته باشد . در اینجا مسئله نقش سازمان برنامه به میان می آید . سازمان برنامه باید دبیرخانه آن شورا باشد ، نه تهیه کننده برنامه . یعنی شورای مذکور ، تصمیم می گیرد و در کنار او سازمان برنامه ، اطلاعات جمع آوری می کند ، تصمیمات متخذه را در مدل اقتصادی قرار می دهد و نتایج مثبت و منفی آنها را می سنجد و در اختیار شورا قرار می دهد تا شورا با توجه به نتایج آن تصمیم، آن را ردّ یا ابقاء کند برنامه ای که به این ترتیب تدوین شود ، دست پخت مدیران خبره، متخصصان و سازمانهای حرفه ای است . یعنی کاری است علمی - تخصصی اما نه اینکه شورای برنامه ریزی ایجاد کنید و وزیر و معاون و دو سه نفر دیگر را انتخاب کنید و بعد هم به این شورا صرفاً نقش مشورتی بدهید و آنچه از این مجموعه به دست می آید چیزی نیست جز یک برنامه کارمندی یعنی اولاً باید شوراهایی داشته باشیم که افراد سرشناس بخشهای جامعه ، عضوانها باشند و ضمناً دارای قدرت تصمیم گیری هم باشند " (۱۴۰).

و می توان امید داشت که با چنین **ساختاری** همه پتانسیل های ارزشمند کشور را در یک جهت واحد **هماهنگ** نمود.

چنین باد .

جهت گیری برای تعالی





نقطه شروع توسعه یک کشور

« در تاریخ هر کشور یک لحظه بهینه وجود دارد که لحظه شروع توسعه است. این لحظه مدت زمانی کوتاه است که طی آن عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به یک همگرایی برای ایجاد یک فضای بسیار مساعد برای خیز برداشتن به سوی رشد اقتصادی می رسند. **اگر چنین لحظه بهینه‌ای از دست برود ممکن است چندین نسل زمان لازم داشته باشد تا دوباره شرایط مناسب را بشود به وجود آورد.** از ویژگیهای این لحظه بهینه این است که رشد یک طبقه کارآفرین داخلی همزمان می شود با ظهور یک گروه نخبه سیاسی که دارای قدرت و عزم لازم برای فراهم کردن بستر سیاسی مساعد جهت اعمال صلاحیت‌ها و استعدادهای کارآفرینی است. »

اقتصاددان شهیر توسعه ، **Benjamin Higgins**

مأخذ: مقدمه کتاب **Clifford Geertz , AGRICULTURAL INVOLUTION, Berkeley ۱۹۶۸**

با سپاس و قدردانی از استاد بایزید مردوخی برای در اختیار گذاشتن مأخذ و ترجمه آن

پیشنهاد:

به ایجاد نهاد و یا سازمانی **فراقوه ای** برای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور با بازه زمانی ماموریت **۱۰ ساله** اقدام گردد.

هیأت اُمناء این نهاد یا سازمان متشکل از افراد و ذینفعان بخش اقتصاد جامعه به شرح زیر می باشد:

- ۱- کارشناسان تحصیلکرده و با تجربه دولت به انتخاب دولت محترم
- ۲- نمایندگان ناظر دیگر نهادهای حکومتی
- ۳- نمایندگان **انتخابی** جامعه دانشگاهی اقتصادی و فنی
- ۴- نمایندگان تحصیلکرده و با تجربه **انتخابی** مدیران اجرائی تولیدی بخش خصوصی توسط اتاق ایران و تشکلهای مردم نهاد خصوصی
- ۵- نمایندگان **انتخابی** تحصیلکرده و با تجربه کارگران واحدهای تولیدی

تشکیل، و تنها در این نهاد و یا سازمان، برای برنامه توسعه اقتصادی تصمیم گیری شود. شایسته توجه است که مجموع افراد مذکور در بندهای ۳ الی ۵ می بایست حداقل برابر مجموع افراد بندهای ۱ و ۲ بوده و کاملاً **ریشه** بخش خصوصی داشته باشد و هیچگونه **وابستگی** به نهادهای دولتی نداشته باشند.

از سوی دیگر بودجه برنامه توسعه کشور لازم است تحت اختیار کامل این نهاد یا سازمان قرار گیرد .



کمیسیون اقتصاد کلان

پایان